



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

میزان حکم

عربی - فارسی

مندی رکی شماری

۶

توسعه و انتشار

توسعه و انتشار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میزان الحکمه

نویسنده:

محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

دارالحديث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۲۳ میزان الحکمۀ جلد ۶
۲۳ مشخصات کتاب
۲۴ اشاره
۳۶ مسکن
۳۶ وسعت مسکن
۳۷ پرهیز دادن از ساختن بیش از نیاز.
۳۷ فروش خانه
۳۸ خودداری از اسکان مؤمن
۳۸ جنگ افزار
۳۸ اسلحه و جنگ افزار
۳۸ ثواب ساختن اسلحه
۳۸ اسلحه و خیر
۳۹ شمشیرهای پنجگانه
۴۰ نهی از فروش اسلحه به دشمنان دین
۴۱ سلطان
۴۱ آمیزش با سلطان ستمگر
۴۱ خضوع در برابر سلطان ستمگر
۴۱ فضیلت سلطان دادگر
۴۲ حدیثهای ساختگی در وجوب اطاعت از سلطان
۴۲ ثواب کسی که سلطان ستمگر را به تقوا فرمان دهد
۴۲ ترغیب به گرامی داشتن سلطان خدایی
۴۳ سلطان (متفرقه)

- اسلام . ۴۳
- اسلام . ۴۳
- اسلام رنگ خداست . ۴۴
- اسلام آیین برتر است و آیینی برتر از آن نیست . ۴۴
- اسلام مایه صلح مسلمانان است . ۴۴
- اسلام روشنترین راههاست . ۴۵
- اسلام نفوذ ناپذیرترین دژهاست . ۴۵
- اسلام پیش از خود را نادیده می گیرد. ۴۵
- مسلمان کیست ؟ . ۴۶
- مسلمانان کیانند؟ . ۴۶
- بهترین مسلمانی . ۴۷
- پایه های اسلام . ۴۷
- فشرده اسلام . ۴۷
- پایه های اسلام . ۴۸
- بنیاد اسلام . ۴۸
- معنای اسلام (۱). ۴۸
- معنای اسلام (۲). ۴۹
- اسلام و تسلیم . ۴۹
- آنچه با اسلام ناسازگار است . ۵۰
- غربت اسلام . ۵۰
- تحریف اسلام . ۵۰
- کسی که مسلمان نیست . ۵۰
- اسلام (متفرقه). ۵۰
- سلام کردن . ۵۱

۵۱	تحیت مسلمانان .
۵۱	سلام پیش از کلام .
۵۱	رواج دادن سلام .
۵۲	پیشدستی کردن در سلام .
۵۲	سلام کردن هنگام وارد شدن به خانه .
۵۲	جواب سلام واجب است .
۵۳	آداب سلام کردن .
۵۳	کسانی که نباید به آنان سلام کرد .
۵۴	آداب خداحافظی .
۵۴	سلام اجازه .
۵۴	تسلیم .
۵۴	تسلیم .
۵۵	معنای تسلیم .
۵۶	سیما و سیره .
۵۶	سیما و سیره نیکو .
۵۶	گوش سپردن .
۵۶	ارزش گوشهای شنوا .
۵۶	شنواترین گوشها .
۵۷	گوش ناشنوا .
۵۸	میوه گوش .
۵۸	خوب شنیدن .
۵۸	بد شنیدن .
۵۸	وظایف گوش .
۵۹	نامها .

- انتخاب نامهای نیکو. ----- ۵۹
- ترغیب به نامگذاری به نامهای پیامبران و ائمه (ع). ----- ۵۹
- تغییر دادن نامهای زشت. ----- ۵۹
- نامهای خدا. ----- ۶۰
- بسم الله الرحمن الرحيم. ----- ۶۰
- تفسیر نامهای خدا. ----- ۶۰
- اسم اعظم خدا. ----- ۶۰
- سنت. ----- ۶۱
- ترغیب به پایبندی به سنت. ----- ۶۲
- روایات در باب عمل به کتاب و سنت. ----- ۶۲
- طبقه بندی سنت. ----- ۶۲
- سزای کسی که سنتی بگذارد. ----- ۶۲
- سزای کسی که برای خودش سنتی بگذارد. ----- ۶۳
- نهی از شکستن سنت پسندیده. ----- ۶۳
- سنت خدا. ----- ۶۳
- سنت پیامبر. ----- ۶۳
- سنت آیین حنیف. ----- ۶۴
- سنت پیشینیان. ----- ۶۵
- شب زنده داری. ----- ۶۵
- شب زنده داریهای بی حاصل! ----- ۶۶
- کارهای سازماند شب زنده داری. ----- ۶۶
- تشویق به احیای این شبها. ----- ۶۷
- سرور. ----- ۶۷
- سرور. ----- ۶۷

- ۶۷ معنای سروری .
- ۶۷ اسباب سروری .
- ۶۸ آنچه مانع سروری می شود .
- ۶۸ سیاست .
- ۶۸ سیاست .
- ۶۹ حسن سیاست .
- ۶۹ سوء تدبیر .
- ۷۰ بهترین سیاست .
- ۷۰ راس سیاست .
- ۷۰ زیور سیاست .
- ۷۰ سیاست نفس .
- ۷۰ کار امروز را به فردا افکندن .
- ۷۰ نهی از افکندن کار امروز به فردا .
- ۷۱ بازار .
- ۷۱ نكوهش بازار .
- ۷۲ اندرز امام علی (ع) به بازاریان .
- ۷۳ مسواک زدن .
- ۷۳ تشویق به مسواک زدن .
- ۷۳ سفارش جبرئیل (ع) به مسواک زدن .
- ۷۴ فواید مسواک زدن .
- ۷۴ آداب مسواک زدن .
- ۷۴ استحباب مسواک زدن در سحرگاه .
- ۷۴ جوانی .
- ۷۵ جوانی .

- ۷۵ تربیت نوجوانان .
- ۷۵ آموختن در جوانی .
- ۷۶ جوان و ترک تحصیل علم .
- ۷۶ ارزش جوان عابد .
- ۷۶ ارزشی کسی که جوانیش را در طاعت خدا گذراند .
- ۷۷ معنای فتی .
- ۷۷ شبهه .
- ۷۷ شبهه .
- ۷۸ وجوب درنگ در هنگام پیش آمدن شبهه .
- ۷۸ وجوب فرو گذاشتن شبهات .
- ۷۹ شاخه های شبهه .
- ۸۰ مانند سازی و تقلید .
- ۸۱ درخت .
- ۸۱ درختکاری .
- ۸۱ قطع درخت .
- ۸۲ شجاعت .
- ۸۲ تفسیر شجاعت .
- ۸۲ عوامل شجاعت زا .
- ۸۲ شجاعت‌ترین مردم .
- ۸۳ آفت شجاعت .
- ۸۳ شجاعت (متفرقه) .
- ۸۳ تنگ چشمی .
- ۸۴ تفسیر تنگ چشمی و تنگ چشم .
- ۸۵ تنگ چشم ترین مردم .

۸۵	بدی .
۸۵	معیار خوب و بد.
۸۵	بدترین مردم .
۸۷	بدترین خلایق .
۸۷	بدترین افراد مردم .
۸۸	بدترین مسلمانان .
۸۸	بدتر از بد.
۸۸	بالاتر از هر بدی .
۸۸	بدترین خوبیها.
۸۸	کلیدهای بدیها.
۸۸	بدترین امور.
۸۹	مجمع بدیها.
۸۹	بدی در نهاد انسان است .
۸۹	بدی (متفرقه) .
۹۰	شریعت .
۹۰	شریعت .
۹۰	شریعت و طریقت .
۹۰	وحدت شرایع دین .
۹۱	تفسیر شرایع دین .
۹۱	فلسفه شرایع و احکام .
۹۳	بزرگی .
۹۳	بزرگی .
۹۳	بزرگ .
۹۳	برترین بزرگی .

۹۳	بزرگی مؤمن .
۹۴	شرک .
۹۴	برحذر داشتن از شرک .
۹۴	آموزش دادن شرک .
۹۴	کمترین مرتبه شرک .
۹۵	کمک گرفتن از مشرکان .
۹۶	اقامت در دیار مشرکان .
۹۶	شرک پنهان (۱) .
۹۶	شرک پنهان (۲) .
۹۷	شرک پنهان (۳) .
۹۷	مشارکت .
۹۷	مشارکت .
۹۷	آنچه مسلمانان در آن باهم شریکند .
۹۸	حق شفعه یا حق تقدم در شراکت .
۹۸	شریک شایسته .
۹۸	شرکای انسان .
۹۸	سیری ناپذیری .
۹۸	نکوهش سیری ناپذیری .
۹۹	سیری ناپذیری ریشه همه بدیهاست .
۹۹	پیامد سیری ناپذیری .
۹۹	ریشه خصلت سیری ناپذیری .
۹۹	علاج سیری ناپذیری .
۱۰۰	شیطان .
۱۰۰	درس گرفتن از رفتار خداوند با ابلیس .

- ۱۰۰ پناه بردن به خدا از شیطان .
- ۱۰۱ دشمنی شیطان با انسان .
- ۱۰۱ هشدار نسبت به گمراه سازیهای شیطان .
- ۱۰۲ نهی از پیروی شیطان .
- ۱۰۲ شیطان پرستان .
- ۱۰۳ تاکید شیطان بر گمراه کردن انسان .
- ۱۰۴ راست در آمدن گمان ابلیس .
- ۱۰۴ علت سلطه یافتن شیطان بر انسان .
- ۱۰۵ نیرنگ شیطان .
- ۱۰۵ گمراه سازیهای شیطان .
- ۱۰۷ آنچه از شیطان نگه می دارد .
- ۱۰۸ سلطه شیطان بر دوستانش .
- ۱۰۸ آنچه شیطان را مسلط می کند .
- ۱۰۹ آنچه شیطان را دور می کند .
- ۱۰۹ اندرزهای شیطان .
- ۱۰۹ شریک شیطان .
- ۱۱۰ سپاهیان ابلیس .
- ۱۱۰ شیونهای ابلیس .
- ۱۱۰ شعر .
- ۱۱۰ تفسیر آیاتی که در نکوهش شاعران آمده است .
- ۱۱۱ شعر جهاد زبانی است .
- ۱۱۲ شعر ستوده .
- ۱۱۲ نخستین کسی که شعر گفت .
- ۱۱۲ قویترین شاعران .

- ۱۱۳ برخی اشعار منسوب به امام علی (ع).
- ۱۱۴ شعار.
- ۱۱۴ شعار.
- ۱۱۵ شعار مسلمانان در قیامت .
- ۱۱۵ شفاعت و میانجیگری (۱) در دنیا.
- ۱۱۵ میانجیگری .
- ۱۱۵ شفاعت و میانجیگری (۲) در آخرت .
- ۱۱۵ حقیقت شفاعت .
- ۱۱۶ شرایط شفاعت (۱).
- ۱۱۶ شرایط شفاعت (۲).
- ۱۱۷ مقام ستوده .
- ۱۱۸ شفاعت پیامبر در روز قیامت .
- ۱۱۸ محرومان از شفاعت .
- ۱۱۸ پندار مشرکان درباره شفاعت .
- ۱۱۹ شفاعت ناپذیرفته .
- ۱۱۹ شفاعت برای مرتکبان کبایر.
- ۱۱۹ نیکوکاران و شفاعت .
- ۱۲۰ نیاز همگان به شفاعت .
- ۱۲۰ شفاعت کنندگان (۱).
- ۱۲۱ شفاعت کنندگان (۲).
- ۱۲۱ وسیله (۱).
- ۱۲۲ وسیله (۲).
- ۱۲۲ سزاوارترین مردم به شفاعت .
- ۱۲۲ شفاعت مؤمن به اندازه عمل اوست .

- ۱۲۲ کمترین اندازه شفاعت مؤمن .
- ۱۲۲ بدبختی .
- ۱۲۲ ویژگیهای بدبخت .
- ۱۲۳ بدبخت در شکم مادر خود بدبخت است (۱) .
- ۱۲۳ بدبخت در شکم مادر خود بدبخت است (۲) .
- ۱۲۳ آفرینش خوشبختی و بدبختی پیش از آفرینش مردمان .
- ۱۲۴ تفسیر اخبار پیشین (۱) .
- ۱۲۴ تفسیر اخبار پیشین (۲) .
- ۱۲۵ موجبات بدبختی .
- ۱۲۵ بدبخت ترین مردم .
- ۱۲۶ نشانه های بدبختی .
- ۱۲۶ سپاسگزاری (۱) سپاسگزاری از خداوند سبحان .
- ۱۲۶ تشویق به سپاسگزاری از خداوند .
- ۱۲۷ وجوب شکر منعم .
- ۱۲۷ سپاسگزار از خود سپاسگزاری می کند .
- ۱۲۸ سپاسگزار .
- ۱۲۸ فراوانی ناسپاسان .
- ۱۲۸ اندک بودن سپاسگزاران .
- ۱۲۹ نقش شکرگزاری در افزایش نعمت .
- ۱۳۰ فرجام ناسپاسی .
- ۱۳۰ وجوب شکر برای شکر .
- ۱۳۰ تفسیر حق شکر .
- ۱۳۰ نمودار شدن شکرگزاری مؤمن در کردار او .
- ۱۳۰ حقیقت شکر (۱) .

- ۱۳۱ حقیقت شکر (۲) .
- ۱۳۱ کمترین سپاسگزاری .
- ۱۳۲ شاکرترین مردمان .
- ۱۳۲ سجده شکر.
- ۱۳۲ سپاسگزاری (۲) سپاسگزاری از مردم .
- ۱۳۲ تشویق به سپاسگزاری از نیکوکار.
- ۱۳۳ معنای سپاسگزاری .
- ۱۳۳ کسی که از مردم تشکر نکند از خدا تشکر نمی کند.
- ۱۳۴ مؤمن ناسپاسی می شود.
- ۱۳۴ بستن راه نیکوکاری .
- ۱۳۴ آن که ناسپاسی می کند.
- ۱۳۴ سپاسگزاری (۳) سپاسگزاری خدای سبحان .
- ۱۳۴ پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است .
- ۱۳۵ شک .
- ۱۳۵ شک .
- ۱۳۶ افتخار به شک نکردن در حق .
- ۱۳۷ عوامل به وجود آمدن شک .
- ۱۳۷ آثار شک .
- ۱۳۷ آنچه شک را می زداید.
- ۱۳۷ شک و یقین .
- ۱۳۸ شک و تردید.
- ۱۳۸ شاخه های شک .
- ۱۳۸ برخورد امام با کسی که در قرآن شک داشت .
- ۱۳۸ شکایت .

- ۱۳۸ شکایت از خدا.
- ۱۳۹ شکایت به خدا.
- ۱۴۰ شهادت (۱) در مسائل قضایی .
- ۱۴۰ شهادت عادلانه .
- ۱۴۱ ترغیب به شهادت دادن .
- ۱۴۱ نهی از خودداری از شهادت دادن .
- ۱۴۱ کتمان شهادت .
- ۱۴۲ برگشت از شهادت .
- ۱۴۲ شهادت دروغ .
- ۱۴۳ کسانی که شهادتشان پذیرفته است .
- ۱۴۳ کسانی که شهادتشان پذیرفته نیست .
- ۱۴۴ فلسفه لزوم چهار شاهد در زنا.
- ۱۴۴ آداب شهادت دادن .
- ۱۴۴ شهادت به شهادت .
- ۱۴۵ گرامی داشتن شهود.
- ۱۴۵ شهادت (۲) کشته شدن در راه خدا.
- ۱۴۵ فضیلت شهادت .
- ۱۴۶ مقدر شدن شهادت و مرگ .
- ۱۴۶ عشق به شهادت .
- ۱۴۶ شوق به شهادت .
- ۱۴۷ کرامت شهادت .
- ۱۴۸ شهادت و پاک شدن گناهان .
- ۱۴۸ زنده بودن شهید.
- ۱۴۸ عدم گرفتاری شهید در قبر.

- ۱۴۸ آرزوی شهید.
- ۱۴۹ مرگ بهتر از خواری است .
- ۱۴۹ ثواب شهادت طلبی .
- ۱۴۹ نقش نیت در شهادت .
- ۱۴۹ نخستین شهید اسلام .
- ۱۴۹ آنچه حکم شهادت دارد(۱).
- ۱۵۰ آنچه حکم شهادت دارد(۲).
- ۱۵۰ آنچه حکم شهادت دارد(۳).
- ۱۵۱ برترین شهیدان .
- ۱۵۱ ثواب مجروح در راه خدا.
- ۱۵۲ شهیدان اهل بیت .
- ۱۵۲ شهرت .
- ۱۵۲ شهرت ستوده .
- ۱۵۳ شهرت نکوهیده .
- ۱۵۴ نکوهش شهرت لباس و شهرت عبادت .
- ۱۵۴ بیم از شهرت نباید موجب ترک برخی کارها شود.
- ۱۵۵ مشورت .
- ۱۵۵ تشویق به مشورت .
- ۱۵۶ حکمت مشورت .
- ۱۵۶ استخاره پیش از مشورت .
- ۱۵۷ کسانی که شایسته مشورت نیستند.
- ۱۵۷ افراد شایسته مشورت (۱).
- ۱۵۸ افراد شایسته مشورت (۲).
- ۱۵۸ افراد شایسته مشورت (۳).

۱۵۸	مشورت با دشمنان .
۱۵۸	حدود مشورت .
۱۵۸	آنچه شایسته مشورت است .
۱۵۹	تشویق به راهنمایی کردن مشورت کننده .
۱۵۹	پرهیز از خیانت در مشورت .
۱۵۹	مشورت در امر امامت .
۱۶۰	امامت و مشورت .
۱۶۰	مشیت .
۱۶۰	فرق میان مشیت و اراده .
۱۶۱	ترغیب به مستثنی کردن مشیت خدا.
۱۶۱	پیری .
۱۶۱	پیری و موی سپید.
۱۶۲	نخستین کسی که مویش سپید شد.
۱۶۲	احترام نهادن به سالخوردگان .
۱۶۲	شیعه .
۱۶۲	مقام شیعه .
۱۶۳	ویژگیهای شیعه (۱).
۱۶۶	ویژگیهای شیعه (۲).
۱۶۶	ویژگیهای شیعه (۳).
۱۶۷	آنکه شیعه نیست (۱).
۱۶۷	آنکه شیعه نیست (۲).
۱۶۷	شیعه و کمک به برادران .
۱۶۸	انواع شیعه .
۱۶۹	نهی شیعیان از غلو.

- ۱۶۹ رفتار زبندۀ شیعه در برخورد با مردم .
- ۱۷۰ مقام شیعه در قیامت .
- ۱۷۱ ادعای تشیع .
- ۱۷۲ صبح .
- ۱۷۲ صبح .
- ۱۷۳ آنچه در پاسخ ((چگونه صبح کردی ؟)) گفته شده است .
- ۱۷۴ آنچه در شروع صبح سزاوار و ناسزاوار است .
- ۱۷۵ ویژگی مؤمن در شروع صبح .
- ۱۷۶ دعای صبحگاه .
- ۱۷۶ صبر .
- ۱۷۶ فضیلت صبر .
- ۱۷۸ صبر و رسیدن به مقامات بلند .
- ۱۷۹ صبر و ایمان .
- ۱۷۹ صبر و پیروزی .
- ۱۸۰ صبر و ظفر .
- ۱۸۰ ثواب آدم صابر .
- ۱۸۱ همسر داود در بهشت .
- ۱۸۱ صبر اندک .
- ۱۸۱ معنای صبر .
- ۱۸۲ اقسام صبر .
- ۱۸۳ صبر نیکو .
- ۱۸۳ نشانه صابر .
- ۱۸۳ صبر شیعیان اهل بیت .
- ۱۸۳ پیامدهای بیتابی کردن (۱) .

- ۱۸۴ پیامدهای بیتابی کردن (۲).
- ۱۸۵ پیامدهای بیتابی کردن (۳).
- ۱۸۵ صبر در هنگام محنتها و چاره اندیشی درباره آنها.
- ۱۸۵ آنچه صبر می آورد.
- ۱۸۵ واداشتن خود به صبر.
- ۱۸۵ شعبه های صبر.
- ۱۸۶ صبر خواستن از خدا.
- ۱۸۶ همنشینی .
- ۱۸۶ همنشینی .
- ۱۸۷ تندرستی .
- ۱۸۷ تندرستی .
- ۱۸۷ راستی .
- ۱۸۷ راستی (۱).
- ۱۸۸ راستی (۲).
- ۱۸۸ راستی و ایمان .
- ۱۸۹ راستگو.
- ۱۸۹ راستگویی .
- ۱۸۹ راست ترین سخنان .
- ۱۹۰ راستگوییهای نابجا.
- ۱۹۰ لسان صدق یا نام نیک .
- ۱۹۰ صدیق .
- ۱۹۰ صدیق .
- ۱۹۱ صدیقان .
- ۱۹۲ دوست .

- دوست ۱۹۲
- شناخت فرد از طریق دوستان او. ۱۹۲
- هماندی نفوس ۱۹۲
- گرایش انسان به همگان خود. ۱۹۳
- همنشین بد. ۱۹۳
- افراد شایسته دوستی ۱۹۴
- یاران شایسته ۱۹۴
- پرهیز از همنشینی با بدان ۱۹۵
- یاران ناشایسته (۱). ۱۹۵
- یاران ناشایسته (۲). ۱۹۶
- پرهیز از همنشینی با احمق ۱۹۷
- معرفی دوستان و دشمنان ۱۹۷
- عوامل برهم زننده دوستی ۱۹۸
- آنچه از شمار دوستان می کاهد. ۱۹۸
- آنچه بر شمار دوستان می افزاید. ۱۹۸
- مرزهای دوستی ۱۹۹
- پیش از آزمودن افراد نباید به آنها اعتماد کرد. ۲۰۰
- راه آزمودن دوست ۲۰۰
- بهترین یاران ۲۰۱
- حق همنشین ۲۰۱
- دوستان چند طبقه اند. ۲۰۱
- دوستان انسان ۲۰۲
- پاورقی ها ۲۰۲
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۲۰۳

میزان الحکمة جلد ۶

مشخصات کتاب

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان قراردادی: میزان الحکمة . فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: میزان الحکمة (با ترجمه فارسی)/ محمدی ری شهری؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ مقابله و تصحیح علی حجیمی... [و دیگران]؛ ویراستار فارسی سعیدرضا علی عسکری، محمد باقری زاده اشعری، قاسم شیرجعفری؛ ویراستار عربی کمال کاتب... [و دیگران].

وضعیت ویراست: ویراست ۲.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری: ج.

فروست: پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۵.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۰-۷؛ دوره، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۰-۹؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱ ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۱-۲۰۰-۴؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۱-۶؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲ □ چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۲-۱-۲۰۰-۴؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۲-۳؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۳، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۳-۰-۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۴ ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۴-۵؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۴، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۴-۷؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۵، چاپ هفتم)؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۵، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۵-۴؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۶، چاپ هفتم)؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۶، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۶-۱-۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۷، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۷-۸؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۸، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۸-۵؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۹، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۹-۲-۴۹۳-۲۰۸-۳؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۱۰-۶؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۰-۸؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰، چاپ دوازدهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۰-۸؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۰-۷؛ ۷۰۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱، چاپ هشتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۱۱-۳؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۱-۵؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۲، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۱۲-۰؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۲، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۲-۲؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۱۳، چاپ هفتم)؛ ۷۰۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۳، چاپ هشتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۰-۷؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۳، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۳-۹؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۴، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۱۴-۴؛ ۷۰۰۰۰۰ ریال (ج. ۱۴ □ چاپ هشتم)؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۴، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۴-۶؛

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: چاپ هفتم.

یادداشت: ج. ۱ - ۸، ۹ و ۱۰ - ۱۴ (چاپ نهم: ۱۳۸۷).

یادداشت: ج. ۲ □ ۴، ۵، ۶، ۸ □ ۱۴ (چاپ هفتم: ۱۳۸۶).

یادداشت: ج. ۸ و ۱۰ (چاپ دوازدهم: ۱۳۹۰).

یادداشت: ج. ۱۱، ۱۳ □ ۱۴ (چاپ هشتم: ۱۳۸۶).

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ - ب. ج. ۲. ب - ح. ج. ۳. ح - خ. ج. ۴. د - ر. ج. ۵. ز - ش. ج. ۶. ش - ظ. ج. ۷. ع. ج. ۸. ع - غ. ج. ۱۱. م - ن. ج. ۱۲. ن - ه. ج. ۱۳. ه - ی. ج. ۱۴. فهرست‌ها

موضوع : احادیث

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ - مترجم

شناسه افزوده : علی‌عسکری، سعیدرضا، ۱۳۴۴ - ویراستار

شناسه افزوده : کاتب، کمال، ویراستار

شناسه افزوده : موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۱۱۶/۵ م۳م/۹۰۴۱ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۰۱۷۱۴

اشاره

مسکن .

وسعت مسکن .

پرهیز دادن از ساختن بیش از نیاز.

فروش خانه .

خودداری از اسکان مؤمن .

جنگ افزار.

اسلحه و جنگ افزار.

ثواب ساختن اسلحه .

اسلحه و خیر.

شمشیرهای پنجگانه .

نهی از فروش اسلحه به دشمنان دین .

سلطان .

آمیزش با سلطان ستمگر.

خضوع در برابر سلطان ستمگر.

فضیلت سلطان دادگر.

حدیثهای ساختگی در وجوب اطاعت از سلطان .

ثواب کسی که سلطان ستمگر را به تقوا فرمان دهد.

ترغیب به گرامی داشتن سلطان خدایی .

- سلطان (متفرقه).
- اسلام .
- اسلام رنگ خداست .
- اسلام آیین برتر است و آیینی برتر از آن نیست .
- اسلام مایه صلح مسلمانان است .
- اسلام روشنترین راههاست .
- اسلام نفوذ ناپذیرترین دژهاست .
- اسلام پیش از خود را نادیده می گیرد.
- مسلمان کیست ؟ .
- مسلمانان کیانند؟ .
- بهترین مسلمانی .
- پایه های اسلام .
- فشرده اسلام .
- پایه های اسلام .
- بنیاد اسلام .
- معنای اسلام (۱).
- معنای اسلام (۲).
- اسلام و تسلیم .
- آنچه با اسلام ناسازگار است .
- غربت اسلام .
- تحریف اسلام .
- کسی که مسلمان نیست .
- اسلام (متفرقه).
- سلام کردن .
- تحیت مسلمانان .
- سلام پیش از کلام .
- رواج دادن سلام .
- پیشدستی کردن در سلام .
- سلام کردن هنگام وارد شدن به خانه .
- جواب سلام واجب است .
- آداب سلام کردن .
- کسانی که نباید به آنان سلام کرد.
- آداب خداحافظی .

- سلام اجازه .
- تسلیم .
- معنای تسلیم .
- سیما و سیره .
- سیما و سیره نیکو.
- گوش سپردن .
- ارزش گوشهای شنوا.
- شنواترین گوشها.
- گوش ناشنوا.
- میوه گوش .
- خوب شنیدن .
- بد شنیدن .
- وظایف گوش .
- نامها.
- انتخاب نامهای نیکو.
- ترغیب به نامگذاری به نامهای پیامبران و ائمه (ع).
- تغییر دادن نامهای زشت .
- نامهای خدا.
- بسم الله الرحمن الرحيم .
- تفسیر نامهای خدا.
- اسم اعظم خدا.
- سنت .
- ترغیب به پایبندی به سنت .
- روایات در باب عمل به کتاب و سنت .
- طبقه بندی سنت .
- سزای کسی که سنتی بگذارد.
- سزای کسی که برای خودش سنتی بگذارد.
- نهی از شکستن سنت پسندیده .
- سنت خدا.
- سنت پیامبر.
- سنت آیین حنیف .
- سنت پیشینیان .
- شب زنده داری .

- شب زنده داریهای بی حاصل!.
- کارهای سازماند شب زنده داری .
- تشویق به احیای این شبها.
- سرور.
- معنای سروری .
- اسباب سروری .
- آنچه مانع سروری می شود.
- سیاست .
- حسن سیاست .
- سؤ تدبیر.
- بهترین سیاست .
- راس سیاست .
- زیور سیاست .
- سیاست نفس .
- نهی از افکندن کار امروز به فردا.
- بازار.
- نکوهش بازار.
- اندرز امام علی (ع) به بازاریان .
- مسواک زدن .
- تشویق به مسواک زدن .
- سفارش جبرئیل (ع) به مسواک زدن .
- فواید مسواک زدن .
- آداب مسواک زدن .
- استحباب مسواک زدن در سحرگاه .
- جوانی .
- تربیت نوجوانان .
- آموختن در جوانی .
- جوان و ترک تحصیل علم .
- ارزش جوان عابد.
- ارزشی کسی که جوانیش را در طاعت خدا گذراند.
- معنای فتی .
- شبهه .
- وجوب درنگ در هنگام پیش آمدن شبهه .

- و جوب فرو گذاشتن شبهات .
- شاخه های شبهه .
- مانند سازی و تقلید.
- درخت .
- درختکاری .
- قطع درخت .
- شجاعت .
- تفسیر شجاعت .
- عوامل شجاعت زا.
- شجاعترین مردم .
- آفت شجاعت .
- شجاعت (متفرقه).
- تنگ چشمی .
- تفسیر تنگ چشمی و تنگ چشم .
- تنگ چشم ترین مردم .
- بدی .
- معیار خوب و بد.
- بدترین مردم .
- بدترین خلاق .
- بدترین افراد مردم .
- بدترین مسلمانان .
- بدتر از بد.
- بالا تر از هر بدی .
- بدترین خویها.
- کلیدهای بدیها.
- بدترین امور.
- مجمع بدیها.
- بدی در نهاد انسان است .
- بدی (متفرقه).
- شریعت .
- شریعت و طریقت .
- وحدت شرایع دین .
- تفسیر شرایع دین .

- فلسفه شرایع و احکام .
- بزرگی .
- بزرگ .
- برترین بزرگی .
- بزرگی مؤمن .
- شرک .
- برحذر داشتن از شرک .
- آموزش دادن شرک .
- کمترین مرتبه شرک .
- کمک گرفتن از مشرکان .
- اقامت در دیار مشرکان .
- شرک پنهان (۱) .
- شرک پنهان (۲) .
- شرک پنهان (۳) .
- مشارکت .
- آنچه مسلمانان در آن باهم شریکند .
- حق شفعه یا حق تقدم در شراکت .
- شریک شایسته .
- شرکای انسان .
- سیری ناپذیری .
- نکوهش سیری ناپذیری .
- سیری ناپذیری ریشه همه بدیهاست .
- پیامد سیری ناپذیری .
- ریشه خصلت سیری ناپذیری .
- علاج سیری ناپذیری .
- شیطان .
- درس گرفتن از رفتار خداوند با ابلیس .
- پناه بردن به خدا از شیطان .
- دشمنی شیطان با انسان .
- هشدار نسبت به گمراه سازیهای شیطان .
- نهی از پیروی شیطان .
- شیطان پرستان .
- تاکید شیطان بر گمراه کردن انسان .

راست در آمدن گمان ابلیس .
 علت سلطه یافتن شیطان بر انسان .
 نیرنگ شیطان .
 گمراه سازیهای شیطان .
 آنچه از شیطان نگه می دارد .
 سلطه شیطان بر دوستانش .
 آنچه شیطان را مسلط می کند .
 آنچه شیطان را دور می کند .
 اندرزهای شیطان .
 شریک شیطان .
 سپاهیان ابلیس .
 شیونهای ابلیس .
 شعر .

= تفسیر آیاتی که در نکوهش شاعران آمده است .

شعر جهاد زبانی است .

شعر ستوده .

نخستین کسی که شعر گفت .

قویترین شاعران .

برخی اشعار منسوب به امام علی (ع) .

شعار .

شعار مسلمانان در قیامت .

شفاعت و میانجیگری (۱) در دنیا .

میانجیگری .

شفاعت و میانجیگری (۲) در آخرت .

حقیقت شفاعت .

شرایط شفاعت (۱) .

شرایط شفاعت (۲) .

مقام ستوده .

شفاعت پیامبر در روز قیامت .

محرومان از شفاعت .

پندار مشرکان درباره شفاعت .

شفاعت ناپذیرفته .

شفاعت برای مرتکبان کبایر .

- نیکوکاران و شفاعت .
- نیاز همگان به شفاعت .
- شفاعت کنندگان (۱).
- شفاعت کنندگان (۲).
- وسیله (۱).
- وسیله (۲).
- سزاوارترین مردم به شفاعت .
- شفاعت مؤمن به اندازه عمل اوست .
- کمترین اندازه شفاعت مؤمن .
- بدبختی .
- ویژگیهای بدبخت .
- = بدبخت در شکم مادر خود بدبخت است (۱).
- بدبخت در شکم مادر خود بدبخت است (۲).
- آفرینش خوشبختی و بدبختی پیش از آفرینش مردمان .
- تفسیر اخبار پیشین (۱).
- تفسیر اخبار پیشین (۲).
- موجبات بدبختی .
- بدبخت ترین مردم .
- نشانه های بدبختی .
- سپاسگزاری (۱) سپاسگزاری از خداوند سبحان .
- تشویق به سپاسگزاری از خداوند.
- وجوب شکر منعم .
- سپاسگزار از خود سپاسگزاری می کند.
- سپاسگزار.
- فراوانی ناسپاسان .
- اندک بودن سپاسگزاران .
- نقش شکرگزاری در افزایش نعمت .
- فرجام ناسپاسی .
- وجوب شکر برای شکر.
- تفسیر حق شکر.
- نمودار شدن شکرگزاری مؤمن در کردار او.
- حقیقت شکر (۱).
- حقیقت شکر (۲).

- کمترین سپاسگزاری .
- شاکرترین مردمان .
- سجده شکر .
- سپاسگزاری (۲) سپاسگزاری از مردم .
- تشویق به سپاسگزاری از نیکوکار .
- معنای سپاسگزاری .
- کسی که از مردم تشکر نکند از خدا تشکر نمی کند .
- مؤمن ناسپاسی می شود .
- بستن راه نیکوکاری .
- آن که ناسپاسی می کند .
- سپاسگزاری (۳) سپاسگزاری خدای سبحان .
- پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است .
- شک .
- افتخار به شک نکردن در حق .
- عوامل به وجود آمدن شک .
- آثار شک .
- آنچه شک را می زداید .
- شک و یقین .
- شک و تردید .
- شاخه های شک .
- برخورد امام با کسی که در قرآن شک داشت .
- شکایت .
- شکایت از خدا .
- شکایت به خدا .
- شهادت (۱) در مسائل قضایی .
- شهادت عادلانه .
- ترغیب به شهادت دادن .
- نهی از خودداری از شهادت دادن .
- کتمان شهادت .
- برگشت از شهادت .
- شهادت دروغ .
- کسانی که شهادتشان پذیرفته است .
- کسانی که شهادتشان پذیرفته نیست .

- فلسفه لزوم چهار شاهد در زنا.
- آداب شهادت دادن .
- شهادت به شهادت .
- گرامی داشتن شهود.
- شهادت (۲) کشته شدن در راه خدا.
- فضیلت شهادت .
- مقدر شدن شهادت و مرگ .
- عشق به شهادت .
- شوق به شهادت .
- کرامت شهادت .
- شهادت و پاک شدن گناهان .
- زنده بودن شهید.
- عدم گرفتاری شهید در قبر.
- آرزوی شهید.
- مرگ بهتر از خواری است .
- ثواب شهادت طلبی .
- نقش نیت در شهادت .
- نخستین شهید اسلام .
- آنچه حکم شهادت دارد (۱).
- آنچه حکم شهادت دارد (۲).
- آنچه حکم شهادت دارد (۳).
- برترین شهیدان .
- ثواب مجروح در راه خدا.
- شهیدان اهل بیت .
- شهرت .
- شهرت ستوده .
- شهرت نکوهیده .
- نکوهش شهرت لباس و شهرت عبادت .
- بیم از شهرت نباید موجب ترک برخی کارها شود.
- مشورت .
- تشویق به مشورت .
- حکمت مشورت .
- استخاره پیش از مشورت .

- کسانی که شایسته مشورت نیستند.
- افراد شایسته مشورت (۱).
- افراد شایسته مشورت (۲).
- افراد شایسته مشورت (۳).
- مشورت با دشمنان .
- حدود مشورت .
- آنچه شایسته مشورت است .
- تشویق به راهنمایی کردن مشورت کننده .
- پرهیز از خیانت در مشورت .
- مشورت در امر امامت .
- امامت و مشورت .
- مشیت .
- فرق میان مشیت و اراده .
- ترغیب به مستثنی کردن مشیت خدا.
- پیری .
- پیری و موی سپید.
- نخستین کسی که مویش سپید شد.
- احترام نهادن به سالخوردگان .
- شیعه .
- مقام شیعه .
- ویژگیهای شیعه (۱).
- ویژگیهای شیعه (۲).
- ویژگیهای شیعه (۳).
- آنکه شیعه نیست (۱).
- آنکه شیعه نیست (۲).
- شیعه و کمک به برادران .
- انواع شیعه .
- نهی شیعیان از غلو.
- رفتار زینده شیعه در برخورد با مردم .
- مقام شیعه در قیامت .
- ادعای تشیع .
- صبح .
- آنچه در پاسخ ((چگونه صبح کردی ؟)) گفته شده است .

- آنچه در شروع صبح سزاوار و ناسزاوار است .
- ویژگی مؤمن در شروع صبح .
- دعای صبحگاه .
- صبر .
- فضیلت صبر .
- صبر و رسیدن به مقامات بلند .
- صبر و ایمان .
- صبر و پیروزی .
- صبر و ظفر .
- ثواب آدم صابر .
- همسر داود در بهشت .
- صبر اندک .
- معنای صبر .
- اقسام صبر .
- صبر نیکو .
- نشانه صابر .
- صبر شیعیان اهل بیت .
- پیامدهای بیتابی کردن (۱) .
- پیامدهای بیتابی کردن (۲) .
- پیامدهای بیتابی کردن (۳) .
- صبر در هنگام محنتها و چاره اندیشی درباره آنها .
- آنچه صبر می آورد .
- و داشتن خود به صبر .
- شعبه های صبر .
- صبر خواستن از خدا .
- همنشینی .
- تندرستی .
- راستی (۱) .
- راستی (۲) .
- راستی و ایمان .
- راستگو .
- راستگویی .
- راست ترین سخنان .

راستگوییهای نابجا.
 لسان صدق یا نام نیک .
 صدیق .
 صدیقان .
 دوست .
 شناخت فرد از طریق دوستان او.
 همانندی نفوس .
 گرایش انسان به همگان خود.
 همنشین بد.
 افراد شایسته دوستی .
 یاران شایسته .
 پرهیز از همنشینی با بدان .
 یاران ناشایسته (۱).
 یاران ناشایسته (۲).
 پرهیز از همنشینی با احمق .
 معرفی دوستان و دشمنان .
 عوامل برهم زنده دوستی .
 آنچه از شمار دوستان می کاهد.
 آنچه بر شمار دوستان می افزاید.
 مرزهای دوستی .
 پیش از آزمودن افرادنباید به آنها اعتماد کرد.
 راه آزمودن دوست .
 بهترین یاران .
 حق همنشین .
 دوستان چند طبقه اند.
 دوستان انسان .

مسکن .

وسعت مسکن .

قرآن .
 ((و مسکن هایی که بدانها دلخوش هستید)).
 - پیامبر خدا(ص) : از خوشبختیهای مرد مسلمان , داشتن مسکن وسیع است .

- امام باقر(ع) : یکی از تیره روزیها تنگی منزل است .

پرهیز دادن از ساختن بیش از نیاز.

- مردی خانه ای ساخت و از امام حسین (ع) دعوت کرد که داخل آن شود حضرت وقتی وارد خانه شد و به آن نگاه کرد فرمود :
خانه خودت را

ویران کردی و خانه دیگری را آباد ساختی کسی که در زمین است تو را فریفت و آن که در آسمان است با تو دشمن شد.

- انس : رسول خدا(ص) چشمش به خانه گنبدی بلندی افتاد و درباره صاحب آن سؤال کرد , عرض شد : از فلان انصاری است
آن مرد آمد و به

پیامبر سلام کرد , اما رسول خدا به او بی اعتنایی نمود آن مرد نزد اصحاب پیامبر از این رفتار حضرت گله کرد , اصحاب گفتند :
علتش این است که

رسول خدا(ص) خانه گنبدی تو را دیده است پس , آن مرد انصاری , خانه را ویران و با خاک یکسان کرد و این خبر به
پیامبر(ص) رسید)

حضرت فرمود : بدانید که هر ساختمانی وبال صاحب آن است مگر آنچه که گریزی از آن نباشد.

- امام صادق (ع) : هر بنایی که بیش از نیاز باشد , در روز قیامت وبال گردن صاحب اوست .

- امام علی (ع) : از کنار خانه مردی گذشت که آن را از آجر ساخته بود , پرسید : این خانه از کیست ؟

عرض شد : از فلان فریب خورده (دنیا) , بعد از کنار خانه دیگری گذشت که صاحب او نیز آن را از آجر ساخته بود , فرمود : این
هم فریب خورده
دیگری است .

- امام صادق (ع) : هر که بنایی بیش از نیاز سکونتش بسازد , در روز قیامت مکلف به حمل آن شود.

- امام علی (ع) : ای مردم (مسلمان)! از خدا بترسید , زیرا بسا کسی که امید و آرزویی دارد و به آن نمی رسد و بنایی می
سازد و در آن سکونت

نمی کند و مالی گرد می آورد و بزودی آن را رها می کند (و می رود).

- یکی از رنجها این است که انسان چیزی را فراهم آورد که نمی خورد و بنایی بسازد که در آن سکونت نمی کند و سپس به
جانب خدای تعالی می

رود در حالی که نه مالی باخود می برد و نه ساختمانی منتقل می کند!.

- پیامبر خدا(ص) : کسی که برای خودنمایی و شهرت ساختمانی بسازد در روز قیامت آن را بر پشت خود تا هفت زمین حمل
می کند و سپس به

صورت طوقی از آتش فروزان در گردن او در می آید و آن گاه در آتش پرت می شود عرض کردیم : ای رسول خدا! چگونه
برای خودنمایی و

شهرت می سازد؟

فرمود : اضافه بر نیاز و کفایتش یا برای فخر فروشی می سازد.

فروش خانه .

- پیامبر خدا(ص) : هر که خانه ای بفروشد و با پول آن خانه ای مانند آن نخرد , مالش برکت نمی یابد .
- هر یک از شما منزلی یا ملکی بفروشد بداند که پول آن سزاوار برکت نیست , مگر این که صرف خرید همانند آن شود.

خودداری از اسکان مؤمن .

- امام صادق (ع) : هر که خانه ای داشته باشد و مؤمنی نیازمند سکونت در آن باشد او آن را از او دریغ دارد , خدای عزوجل فرماید : فرشتگان من ! بنده ام از سکونت دادن بنده ام در دنیا بخل ورزید به عزت خودم سوگند که هرگز در بهشت من سکونت نکند.

جنگ افزار.

اسلحه و جنگ افزار.

قرآن .

- ((خدا برای شما از چیزهایی که آفریده سایه ها پدید آورد و در کوهها برایتان غارها ساخت و جامه هایی که شما را از گرما حفظ می کند و جامه هایی که در جنگ نگهدار شماست اینچنین نعمتهایش را بر شما تمام می کند باشد که تسلیم فرمان او باشید)).
- ((و به او ساختن زره برای شما را آموختیم تا شما را به هنگام جنگیدنتان حفظ کند آیا شما سپاسگزار هستید؟)).

- ((داود را از سوی خود فضیلتی دادیم که : ای کوهها و ای پرندگان , با او هم آواز شوید و آهن را برایش نرم کردیم که زرههای بلند بساز و در یافتن زره اندازه ها را نگه دار و کارهای شایسته کنید که من به آنچه می کنید بینایم)).
- ((ما پیامبرانمان را با دلیلهای روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند و آهن را که در آن نیرویی سخت و منفعی برای مردم هست فرو فرستادیم , تا خدا بداند چه کسی , به نادیده , او و پیامبران او را یاری می کند , زیرا خدا توانا و پیروزمند است)).

ثواب ساختن اسلحه .

- پیامبر خدا(ص) : خدای عزوجل به سبب یک تیر سه نفر را به بهشت می برد : سازنده آن که از ساختنش نیت خیر داشته باشد , پرتاب کننده آن و کسی که آن تیر را به دست او بدهد.

اسلحه و خیر.

قرآن .

((کافران دوست دارند که شما از سلاحهای خود غافل شوید)).

- امام علی (ع) : شمشیر شکافنده است و دین شکاف گیرنده , زیرا دین به خوبی فرمان می دهد و شمشیر از بدی باز می دارد
خدای تعالی می فرماید

((و در قصاص برای شما زندگی است)) .

- پیامبر خدا(ص) : شمشیرها ردهای مجاهدینند .

- امام صادق (ع) : خدای عزوجل رسول خدا را ده سال مامور تبلیغ زبانی اسلام به مردم کرد , اما آنها از پذیرفتن آن امتناع
ورزیدند تا آن که فرمان

جنگ به او داد بنابر این , خیر در شمشیر و در زیر شمشیر است و همچنان که در آغاز چنین بود دوباره نیز چنین خواهد شد .

- پیامبر خدا(ص) : خیر در شمشیر است , خیر با شمشیر است , خیر به شمشیر است .

- خیر تماما در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و مردم را چیزی جز شمشیر درست نکند و شمشیرها کلیدهای بهشت و
دوزخند .

- بهشت زیر سایه های شمشیرهاست .

- امام علی (ع) : در اولین خطبه ای که بعد از خلافتش ایراد کرد , می فرماید : خداوند این امت را با دو دارو درمان کرد : تازیانه و
شمشیر , که امام

و پیشوا نیز در آن دو ارفاق و گذشت نمی کند .

- به هنگام کشته شدن محمد بن ابی بکر , فرمود : خدا رحمت کند محمد را , نوجوان بود من تصمیم داشتم مرقال ((۱)) هاشم
بن عتبہ را والی مصر

کنم به خدا قسم اگر او والی آن جا می شد , میدان را برای پسر عاص و دار و دسته او خالی نمی گذاشت و جز شمشیر به دست
کشته نمی شد .

- اگر به دینی جز اسلام پناه برید , کافران با شما بجنگند , آن گاه نه جبرئیل شما را یاری کند نه میکائیل و نه مهاجران و نه انصار
, مگر پیکار با شمشیر

تا آن که خداوند میان شما داوری کند .

- رهیدگان از شمشیر , شمارشان پایدارتر و فرزندانش بیشتر شود ((۲)) .

- پیامبر خدا(ص) : گواه بودن شمشیر , کافی است .

- هر که شمشیر خود را در راه خدا از نیام بر کشد , بیگمان با خدا بیعت کرده باشد .

شمشیرهای پنجگانه .

- امام باقر(ع) : خداوند محمد(ص) را با پنج شمشیر فرستاد : سه تای آنها همیشه آخته اند و غلاف نشوند , تا آن گاه که جنگ
, آلات و ادوات خود

را به زمین گذارد و یک شمشیر که نگهداشته می شود و شمشیر دیگر که در غلاف است و بر کشیدنش به عهده غیر ماست اما
حکمش با ماست آن سه

شمشیر آخته عبارتند از : شمشیری بر مشرکان عرب شمشیر بر اهل ذمه و شمشیر سوم بر مشرکان غیر عرب و آن شمشیری که باید
نگهداشت ,

شمشیری است بر اهل بغی (شورشگران علیه حکومت اسلام) و تاویل و شمشیر غلاف شده شمشیری است که به وسیله آن قصاص انجام می

گیرد بر کشیدن این شمشیر از نیام در اختیار اولیای مقتول است و حکمش در اختیار ما. نوشته های روی قبضه شمشیر رسول خدا (ص).

- امام علی (ع): اسلحه رسول خدا را برداشتم، دیدم به قبضه شمشیر آن حضرت سه جمله آویخته است: به کسی که از تو بریده است پیوند، به

کسی که به تو بدی کرده است خوبی کن و حق را بگو هر چند به زیان خودت باشد.

- امام باقر (ع): بر فلز نوک غلاف شمشیر رسول خدا (ص) این جملات دیده شد: سرکش ترین مردم بر خداوند سه کسند: کسی که غیر قاتل خود را

بکشد، یا غیر ضارب خود را بزند، یا حادثه آفرینی (قاتلی) را پناه دهد خداوند از چنین کسی نه فریضه ای می پذیرد و نه مستحبی، و هر که خود

را به کسی که وابسته او نیست نسبت (وابستگی) دهد به آنچه خداوند بر رسولش نازل کرده کافر شده باشد.

- در غلاف شمشیر رسول خدا (ص) مکتوبی سر به مهر یافت شد، آن را گشودند دیدند نوشته است: از جمله سرکش ترین مردمان بر خدا عبارتند

از: کسی که غیر قاتل خود را بکشد و کسی که غیر ضارب خود را بزند و کسی که حادثه ای بیافریند (قتلی مرتکب شود) یا حادثه آفرینی (قاتلی) را

پناه دهد لعنت خدا و فرشتگان همه مردم بر چنین کسی باد، خداوند از او هیچ فریضه و مستحبی را نمی پذیرد، و هر که خود را به غیر

مولایش نسبت دهد به آنچه بر محمد (ص) نازل گشته کافر شده است.

- رقعہ شمشیر در قبضه شمشیر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلاة والسلام یافت شد این رقعہ که در دسته شمشیر رسول خدا (ص) نیز

بود چنین است: ((به نام خداوند بخشنده مهربان به یاری خدا، به یاری خدا، به یاری خدا، ای شاهنشاه ازلی وابدی که زوال نگیرد و تغیر نپذیرد از

تو مسالت دارم مرا از گزند هر که بخواهد آسیبی رساندم نگه داری)).

نهی از فروش اسلحه به دشمنان دین.

- پیامبر خدا (ص)، در سفارش به علی (ع) می فرماید: ای علی! از این امت ده تن به خدای بزرگ کافر باشند: و کسی که به اهل حرب (دشمنان

در حال جنگ با مسلمانان) سلاح بفروشد.

- امام صادق (ع)، درباره فروش اسلحه به دو گروه از اهل باطل که در حال جنگ بایکدیگر هستند، سؤال شد فرمود: چیزهایی که آنان را

حفاظ و پوشش می دهد، مانند زره و پای افزار و امثال اینها به آنها بفروش.

- امام باقر (ع)، در پاسخ به سؤال هند سراج درباره فروش اسلحه به شامیان، فرمود: به سوی آنان اسلحه حمل کن و به آنها

بفروش و زیرا خداوند

به وسیله آنان دشمن ما و شما - یعنی رومیها - را دفع می کند , اما اگر بین ما جنگ بود به طرف آنها اسلحه حمل نکن , زیرا هر که برای دشمن ما جنگ افزاری حمل کند که از آن علیه ما کمک بگیرد , مشرک است .
- امام صادق (ع) : جنگ افزار خود را به تبهکار مده , که تو را نابود می کند.

سلطان .

آمیزش با سلطان ستمگر .

قرآن .

((قدرت من از دست من برفت)) .

- پیامبر خدا(ص) : زنهار از آمیزش باسلطان , که آن دین را می برد , و زنهار از کمک کردن به او , زیرا شما کارهای او را نمی پسندید .

- هر که ملازمت سلطان اختیار کند به فتنه و گمراهی افتد , و هر چه به سلطان نزدیکتر گردد از خدا دورتر شود .
- زنهار از درگاه و حواشی سلطان , زیرا که نزدیکترین شما به درگاه و حواشی سلطان دورترین شماست از خدای عزوجل , و هر که سلطانی را بر

خدای عزوجل برگزیند , خداوند پارسایی را از او ببرد و او راسرگشته و حیران گرداند .

- امام علی (ع) : ملازم و ندیم سلطان , همچون کسی است که بر شیر سوار باشد , مردم به موقعیت او غبطه می خورند در حالی که خودش بهتر می

داند در چه وضعیتی (خطرناک) قرار دارد .

- از سلطان دوری کن تا از نیرنگهای شیطان ایمن مانی .

خضوع در برابر سلطان ستمگر .

- پیامبر خدا(ص) : هر که به خاطر نیازی در برابر سلطان ستمگری خود را خفیف کند , همدم او در آتش باشد .

- هر که به طمع چیزی , سلطان ستمگری را مدح کند و خود را در برابر او خوار و خفیف سازد , همنشین او در آتش خواهد بود .

- امام صادق (ع) : هر مؤمنی در برابر صاحب قدرتی یا کسی که مخالف دین اوست , به قصد دست یافتن به چیزی از دنیای او , فروتنی و خضوع

کند , خداوند او را بی نام و نشان گرداند , و برای این کار بر او خشم گیرد , و او را به خودش واگذارد , و اگر هم بر چیزی از دنیای او دست یابد

و اندکی از آن به دستش افتد , خداوند برکت را از آن ببرد .

فضیلت سلطان دادگر .

- پیامبر خدا(ص) : سلطان دادگر فروتن , سایه خدا و نیزه او در زمین است .

- سلطان سایه خدا در زمین است , ناتوان به او پناه می برد و ستمدیده به وسیله او یاری می شود.
 - سلطان سایه خدا در زمین است , پس هر که با او از در فریب درآید گمراه شود و هر که خیرخواه او باشد هدایت شود.
 - فرمانروای دادگر سایه و نیزه خدادار روی زمین است , پس هر که او را درباره امور خودش و اموربندگان خدا راهنمایی کند خداوند وی را در زیر سایه خود درآورد , و هر که درباره امور او و بندگان خدا به او خیانت کند , روز قیامت خداوند یاریش نرساند.
 - امام علی (ع) : فرمانروایان , پاسداران احکام خدا در زمین اویند.

حدیثهای ساختگی در وجوب اطاعت از سلطان .

- پیامبر خدا(ص) : اطاعت از سلطان واجب است و هر کس از سلطان فرمان نبرد ازخدای عزوجل فرمان نبرده و داخل در نهی او شده است ,
 زیرا خدای عزوجل می فرماید:(و با دستهای خود خویشتن را به هلاکت میفکنید)).
 - امام کاظم (ع) : ای جماعت شیعه ! با ترک اطاعت از سلطانتان خود را به خواری نیندازید , اگر عادل بود بقای او را از خداوند بخواهید و اگر ستمگر بود از خداوند بخواهید او را اصلاح گرداند.
 - پیامبر خدا(ص) : خداوند جل جلاله می فرماید : خود را به ناسزاگویی از شاهان سرگرم نکنید به درگاه من توبه کنید تا دلهای آنها را به شما مهربان کنم .
 - امام صادق (ع) : هر که متعرض سلطان ستمگری شود و از او به وی آسیب و گزند برسد , در برابر آن گزند ماجور نخواهد بود و صبر در برابر آن گزند نیز به وی روزی نخواهد شد.
 - پیامبر خدا(ص) : به سلطان ناسزا نگوئید , زیرا او سایه خدا در زمین اوست .

ثواب کسی که سلطان ستمگر را به تقوا فرمان دهد.

- امام باقر(ع) : هر که نزد سلطان ستمگربرود و او را به تقوای خدا فرمان دهد و (از عذاب او) بترساندش و اندرزش دهد , ثوابش همانند ثواب (عبادت) جن و انس و این عملش به اندازه اعمال آنها باشد.

ترغیب به گرامی داشتن سلطان خدایی .

قرآن .
 ((گفت : بزودی بازوی تو را به برادرت قوی می کنیم و برایتان سلطانی (حجتی) قرار می دهیم , که به سبب نشانه هایی که شما را داده ایم به شما دست نخواهند یافت شما و پیروانتان پیروز خواهید بود)).
 - پیامبر خدا(ص) : هر که سلطان خدا را در دنیا گرامی دارد , خداوند در روز قیامت گرامیش بدارد و هر که به سلطان خدا در

دنیا بی حرمتی کند

خداوند در روز قیامت به او بی احترامی نماید.

- هر که نزد سلطان خدا رود تا او را خوار گرداند ، خداوند در روز قیامت افزون بر عذابی که برایش اندوخته است ، او را خوار نیز بگرداند.

- امام علی (ع) : همانا سلطان خدا (حکومت و رهبری دین حق) مایه نگهداری و سامان یافتن کار شماس است ، پس بیدرننگ و با میل و اختیار او را

اطاعت کنید سوگند به خدا که یا این کار را می کنید یا خداوند سلطان اسلام (حکومت حقه اسلامی) را از شما می گیرد و دیگر هرگز آن را به شما

منتقل نمی کند ، تا به دست دیگری سپرده شود.

سلطان (متفرقه).

- امام علی (ع) : هر گاه سلطان (حکومت) دگرگون شود زمانه نیز دگرگون شود.

- امام صادق (ع) : خدای عزوجل به یکی از پیامبران خود وحی فرمود نزد این گردنکش برو و به او بگو که من تو را برای خونریزی و غارتگری

اموال به کارنگماشته ام ، بلکه تو را روی کار آورده ام تا نگذاری صدای ستمدیدگان به درگاه من بلند شود ، زیرا من از ستمی که به آنها شود نمی

گذرم هر چند کافر باشند.

- پیامبر خدا (ص) : سه چیزند که مادر بلاهای کمر شکنند : [از جمله] فرمانروایی که اگر به او نیکی کنی سپاسگزار نباشد و اگر

به او بدی کنی

نبخشد و.

اسلام.

اسلام.

قرآن .

((همانا دین در نزد خدا اسلام است ، و اهل کتاب راه خلاف نرفتند ، مگر از آن پس که به حقانیت آن دین آگاه شدند و نیز از روی حسد و هر که

به آیات خدا کفر ورزد خدا به سرعت به حسابها خواهد رسید)).

((و هر که دینی جز اسلام اختیار کند هرگز از او پذیرفته نشود و او در آخرت از زیانکاران است)).

- امام علی (ع) : این اسلام دین خداست که برای خودش برگزیده و آن را زیر نظر خویش پرورده است .

- در توصیف پیامبر (ص) ، می فرماید : خداوند او را با دلیلی بسنده و اندرزی شفافبخش و دعوتی جبران کننده فرستاد ، به وسیله او شریعتها (و

قوانین الهی) ناشناخته مانده را آشکار ساخت و بدعتهای نادرست را نابود کرد و احکام قطعی را بیان نمود پس هر که دینی جز

اسلام اختیار کند

- بدبختیش محقق است و دستگیره اش گسیخته و به سردرآمدنش سخت و فرجامش اندوه طولانی و عذاب شدید است .
- هیچ شرافتی ، بالاتر از اسلام نیست .
- بیرون اسلام درخشنده است و درونش نیکو و شگفت انگیز .

اسلام رنگ خداست .

قرآن .

((این رنگ خداست و رنگ چه کسی از رنگ خدا نیکوتر است و ما پرستندگان او هستیم)) ((به یکتاپرستی روی به دین آور فطرتی است که

خدا همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست دین پاک و پایدار این است ولی بیشتر مردم نمی دانند)).

- امام صادق (ع) ، درباره آیه ((این رنگ خداست)) ، فرمود : منظور از رنگ ، اسلام است .
- امام باقر(ع) یا امام صادق (ع) ، نیز درباره همین آیه ، فرمود : رنگ ، همان اسلام است .
- امام صادق (ع) ، نیز در باره همین آیه ، فرمود : خداوند مؤمنان را ، در (زمان گرفتن) میثاق ، رنگ ولایت زد .

اسلام آیین برتر است و آیینی برتر از آن نیست .

قرآن .

((او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد ، تا او را بر همه دینها پیروز گرداند ، هرچند مشرکان را خوش نیاید)).

- پیامبر خدا(ص) : اسلام برتر است و آیینی برتر از آن نیست .

- اسلام برتر است و آیینی بالا دست آن نیست .

- اسلام گسترش می یابد و کاستی نمی گیرد .

- امام علی (ع) : همانا این اسلام دین خداست که برای خود برگزید و آن را زیر نظر خود پرورد و بهترین آفریدگانش رامامور تبلیغ آن کرد و

ستونهایش را بر پایه محبت خویش قرار داد و با عزت آن ، ادیان دیگر را خوار کرد و با بلند کردن آن ، آیینهای دیگر را فرود آورد .

- پیامبر خدا(ص) : هیچ خانه و خیمه ای در روی زمین نمی ماند مگر این که خداوند کلمه اسلام را با عزت بخشیدن به عزیز و خوار کردن ذلیل ،

وارد آنها می کند ، یا خداوند صاحبان آن خانه ها و خیمه ها را عزت می بخشد و آنان را از اهل کلمه اسلام قرار می دهد و یا با خفت و خواری در

برابر آن گردن می نهند .

اسلام مایه صلح مسلمانان است .

- امام علی (ع) : سپاس و ستایش خدای را که شریعت اسلام را آشکار ساخت و دسترسی به آبشخورهای آن را برای کسی که بدان وارد شود ،

آسان گردانید و ارکان آن را در برابر کسی که بخواهد بر آن چیرگی یابد، استوار گردانید و آن را برای کسی که بدان چنگ زند و وسیله ای امن قرار داد و برای کسی که به آن وارد شود مایه صلح و برای کسی که به وسیله آن سخن گوید برهان و دلیل .

- خدای متعال اسلام را اختصاصا به شما داد و شما را برای آن گزینش کرد، زیرا که اسلام نام سلامت است و مجموعه کرامتها و بزرگواریها خدای متعال راه آن را برگزید و دلایلش را آشکار ساخت در خزانه های خوبیها جز با کلیدهای آن باز نمی شود و تاریکیها جز با چراغهای آن زدوده نمی گردد.

اسلام روشنترین راههاست .

- امام علی (ع) : اسلام، روشنترین راههاست .

- خدای عزوجل اسلام را راهی قرار داد که نشانه های آن تابان و علایم راهیابیش درخشان است در اسلام دلها با هم الفت می گیرند و بر اساس آن برادران با هم پیوند برادری می بندند.

- در توصیف اسلام، می فرماید : اسلام روشنترین راهها و آشکارترین گذرگاههاست نشانه های راهیابی آن بلند و مرتفع است و شاهراهیابیش درخشان و چراغیابیش فروزان و روشنایی بخش .

اسلام نفوذ ناپذیرترین دژهاست .

- امام علی (ع) : خداوند کارها را آغازید و آنچه خواست برای خود برگزید و آنچه را دوست داشت گزینش کرد از جمله چیزهایی که دوست داشت این بود که اسلام را پسندید و آن را از نام خویش مشتق ساخت و آن را به مردمی که دوستشان می داشت هدیه کرد سپس آن را شکافت و شرایع (راههای ورود به آبشخور) آن را برای کسی که بخواهد وارد آن شود آسان و هموار گردانید و ارکانش را در برابر کسی که با آن بجنگد نیرومند کرد، هیئات که کسی بتواند آن را ریشه کن کند .

- هیچ دژی نفوذ ناپذیرتر از اسلام نیست .

- در توصیف قرآن، می فرماید : آن را زداینده عطش دانشمندان و بهار دلهای فقیهان و فرزنانگان قرار داد و ریسمانی که گره و دستگیره اش محکم است و کوه بلندی که ستیغ آن تسخیر ناپذیر می باشد.

اسلام پیش از خود را نادیده می گیرد.

قرآن .

((به کافران بگوی که اگر دست بردارند گناهان گذشته آنها آمرزیده می شود و اگر باز گردند, بدانند که بر آنان نیز سنت پیشینیان خواهد گذشت
))

- پیامبر خدا(ص) : اسلام آنچه را پیش از خود بوده نادیده می گیرد(گناهان پیش از ایمان آوردن به اسلام را می بخشد).
 - هر گاه بنده مسلمان شود و نیکوآسلامداری کند , خداوند تمام گناهانی را که قبلا مرتکب شده است بر او می بخشد و زان پس قصاص در کار است

- مگر نمی دانی که اسلام آنچه را پیش از خود بوده ویران می کند و هجرت آنچه را پیش از آن بوده ویران می کند و حج آنچه را پیش از آن بوده ویران می کند؟

- هر که اسلامش نیکو (و راستین) باشد , برای اعمالی که در جاهلیت کرده است بازخواست نشود و هر که بد اسلامداری کند برای هر کاری که کرده و می کند مؤاخذه می شود.

مسلمان کیست ؟ .

- پیامبر خدا(ص) : مسلمان , کسی است که مسلمانان از زبان و دست او آسوده باشند.
 - مسلمان , برادر مسلمان است به او ستم نمی کند و ناسزایش نمی گوید.
 - مسلمان , برادر مسلمان است , به او خیانت نمی کند , به او دروغ نمی گوید و او را تنها و بی یاور نمی گذارد.
 - مسلمان , آینه مسلمان است .
 - مسلمان , برادر مسلمان است , در کنارهم از آب و درخت استفاده می کنند و در برابر فتنه انگیز یاور همند.
 - امام صادق (ع) : مسلمان , کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند و مؤمن , کسی است که مردم او را امین مال و جان خود بدانند.

مسلمانان کیانند؟ .

- پیامبر خدا(ص) : مسلمانان , در برابر دیگران متحدند , خونهایشان یکسان است و چنانچه کمترین فرد آنها به دشمن زنهاردهد بقیه باید آن را رعایت کنند.
 - مسلمانان در برابر جز خود متحدند و نزدیکترین آنها به دورترینشان سودمی رساند و جنگ رفته به جنگ نرفته ((۳)) و نیرومندبه ناتوان .
 - مسلمانان , خونهایشان برابر است و در برابر بیگانه متحدند و همگی به زنهاردادن کمترین فرد خود پایبندند و دورترینشان به آنها سود می رساند.
 - مسلمانان , برادر یکدیگرند , هیچ یک را بر دیگری برتری نیست مگر به تقوا.

- مسلمانان , همگی چون یک فردند که هر گاه یکی از اعضای پیکر او به درد آید , دیگر اعضایش با آن همدردی کنند.

بهترین مسلمانان .

- امام علی (ع) : بهترین اسلام را آن مسلمانانی دارد که هم و غمش برای آخرتش باشد و بیم و امیدش به یک اندازه باشد.
 - پیامبر خدا(ص) : اسلام سه خانه است : پایین , بالا و بالاخانه خانه پایین همان اسلامی است که عامه مسلمانان وارد آن شده اند , به طوری که اگر از هر یک از آنهاپرسی گوید : من مسلمانم خانه بالا , برتری اعمال آنها بر یکدیگر است و بالاخانه جهاد در راه خداست و جز بهترین مسلمانان به آن دسترسی ندارند.
 - امام علی (ع) : بیشترین حق و حرمت را آن مسلمانانی دارد , که اسلامش نیکوتر باشد.

پایه های اسلام .

- امام علی (ع) : پایه های اسلام هفت تاست : اولین آنها خرد است و صبر بر آن بناشده است , دومین پایه , آبروداری و راستگویی است , سومین پایه , تلاوت قرآن چنان که هست (و بر پیامبر نازل شده است) , چهارمین پایه , دوستی و دشمنی برای خداست , پنجمین پایه , حق آل محمد صلی الله علیه وآله و شناخت ولایت آنهاست , ششمین پایه , حق برادران و حمایت و دفاع از آنهاست و هفتمین پایه , نیکوهمسایه داری کردن با مردم است .

فشرده اسلام .

- امام علی (ع) در سفارشهای خود به محمدبن ابی بکر می فرماید : تو را به هفت چیز سفارش می کنم که جامع اسلامند : از خدابترس و در راه خدا از مردم ترس نداشته باش , بهترین سخن آن است که عمل آن را تصدیق کند , در یک موضوع دو حکم مختلف صادر مکن که کار تو به تناقض می کشد و از حق منحرف می شوی , برای توده رعیت خود همان پسند که بر خود می پسندی و آنچه برای خود خوش نداری برای آنان نیز خوش مدار , اوضاع و احوال رعیت را به سامان آر , برای رسیدن به حق خود را به دل سختیها و مشکلات بزن و از سرزنش هیچ سرزنشگری بیم به خود راه مده , کسی را که با تو مشورت می کند صادقانه راهنمایی کن و خود را برای مسلمانان نزدیک و دور سرمشق قرار ده .
 - پیامبر خدا(ص) , در پاسخ به این پرسش که سخن فصل در باب اسلام چیست , فرمود : بگو : به خدا ایمان آوردم و در این راه پایداری ورز.

پایه های اسلام .

- امام باقر(ع) : اسلام بر پنج ستون بنا شده است : برپا داشتن نماز , پرداخت زکات , روزه ماه رمضان , حج بیت الله الحرام و ولایت ما خاندان

- امام صادق (ع) : پایه های اسلام سه تاست : نماز , زکات و ولایت , هیچ یک از این سه جز با آن دو دیگر , درست (و پذیرفته) نیست .

- امام علی (ع) : سپس بر آن حضرت - پیامبر(ع) - قرآن را نازل فرمود , قرآن نوری است که چراغهای آن خاموش نمی شود کان ایمان و

کانون آن است , چشمه های دانش و دریا های آن است , بستانهای عدالت و آبگیرهای آن است , سنگ بنای اسلام و بنیان آن است .

- براستی این اسلام دین خداست که آن را برای خود برگزید و زیر نظر خویش پروردش و بهترین آفریدگانش را برای آن گزینش نمود و تکیه گاههای

آن را بر محبت خویش بر نهاد.

- در توصیف خاندان محمد(ص) می فرماید : آنان تکیه گاههای اسلام و پناهگاههای آن هستند.

- امام صادق (ع) , در پاسخ به این پرسش که تکیه گاههای اسلام چیست , فرمود : آری , شهادت به یگانگی خداوند و ایمان آوردن به رسول او(ص)

و اقرار به آنچه او از نزد خدا آورده و پرداخت زکات اموال و ولایتی که خداوند بدان فرمان داده است (یعنی) ولایت آل محمد.

- امام علی (ع) : هیچ فردی از این امت به آل محمد(ص) قیاس نمی شود آنان بنیاد دین و ستون یقین هستند.

- پیامبر خدا(ص) : اسلام بر پنج پایه نهاده شده است : توحید و یگانه دانستن خداوند , برپا داشتن نماز , پرداخت زکات , روزه رمضان و حج .

بنیاد اسلام .

- پیامبر خدا(ص) : اسلام برهنه است پس پوشش آن حیاست و زیورش وفا و مردانگیش کار خوب و شایسته و ستونش ورع هر چیزی بنیادی دارد و

بنیاد اسلام محبت به ما اهل بیت است .

- اسلام برهنه است و جامه آن تقواست , زیر پوشش هدایت است و بالا پوشش حیا , اساسش ورع است و کمالش دینداری و میوه اش کار نیک , هر

چیزی بنیادی دارد و بنیاد اسلام محبت به ما خاندان است .

- بنیاد اسلام , محبت به من و اهل بیت من است .

- امام رضا(ع) : امامت ریشه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است .

معنای اسلام (۱) .

- امام صادق (ع) : اسلام به معنای اقرار ظاهری (وزبانی) به همه طاعات و احکام الهی است پس هر که در ظاهر به تمام طاعات اقرار کند , گرچه اعتقاد قلبی بدان نداشته باشد سزاوار نام اسلام و معنای آن می باشد و بایسته دوستی ظاهر است و شهادتش مجاز است و ارث می برد و هر چه برای مسلمانان و بر مسلمانان است برای او و بر او نیز هست .

- به مردی شامی که سؤالاتی از آن حضرت پرسید و چون پاسخش را فرمود , عرض کرد : اکنون به خداوند اسلام آوردم , فرمود : نه , بلکه اکنون

به خدا ایمان آوردی , اسلام پیش از ایمان است به وسیله اسلام از یکدیگر ارث برند و با هم ازدواج کنند , اما به وسیله ایمان ثواب و پاداش برند .

- به وسیله اسلام خون اشخاص حفظ می شود و امانت ادا می گردد , و زناشویی حلال می شود , ولی ثواب در برابر ایمان داده می شود .

معنای اسلام (۲).

- امام علی (ع) : اسلام را آن چنان وصف کنم که پیش از من هیچ کس چنان وصفی نکرده و پس از من نیز نخواهد کرد : اسلام همان تسلیم است و

تسلیم همان تصدیق و تصدیق همان یقین و یقین همان انجام وظیفه است و انجام وظیفه همان عمل است .

- اسلام همانا تسلیم است و تسلیم یقین و یقین , تصدیق و تصدیق , اقرار و اقرار , ادا و ادا , عمل .

- نهایت اسلام , تسلیم است پایان تسلیم رسیدن به سرای پر نعمت (بهشت) است .

- پیامبر خدا(ص) : اسلام آن است که چهره ات را تسلیم خدای عزوجل کنی و شهادت دهی که معبودی جز الله نیست .

- اسلام آن است که دلت را تسلیم کنی , و مسلمانان از دست و زبانت آسوده و درامان باشند .

- اسلام یعنی نیکویی اخلاق .

اسلام و تسلیم .

قرآن .

((بلکه همانان امروز تسلیم شوند گانند)).

- امام علی (ع) , هنگامی که چشمش به پرچمهای معاویه و سپاه شام افتاد , فرمود : سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان را آفرید , آنان مسلمان

نشدند بلکه تسلیم شدند و کفر را در دلهایشان پنهان کردند و چون یارانی برای آن یافتند , دشمنی خود با ما را از سر گرفتند تنها نماز را ترک نکردند .

- نیز درباره معاویه و دار و دسته او , می فرماید : سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان را آفرید , آنان اسلام نیاوردند , بلکه (ناچار) تسلیم شدند و

کفرشان را پنهان داشتند و هنگامی که برای آن یاورانی یافتند , آنچه را پنهان می کردند آشکار ساختند و آنچه را پوشانده بودند ,

نمایان کردند.

- در نامه ای به معاویه می نویسد: «مسلمان شما جز از روی کراهت و ناچاری اسلام نیاورد».

آنچه با اسلام ناسازگار است .

- امام علی (ع) : از خیانت دوری کنید ، زیرا خیانت از اسلام بدور است .

- هر که بر ضد مسلمانی کمک کند ، از اسلام بدور است .

غریب اسلام .

- پیامبر خدا(ص) : اسلام غریبانه آغاز شد ، و بزودی ، همچون ابتدای خود ، غریب خواهد شد ، پس خوشا به حال غریبان .

- امام صادق (ع) ، در پاسخ به این سؤال که معنای این جمله علی (ع) چیست که فرمود : اسلام غریبانه آغاز شد و بزودی

همچون گذشته غریب

خواهد شد ، فرمود : دعوتگرما دعوت جدیدی را از سر خواهد گرفت همچنان که رسول خدا(ص) به آن دعوت کرد.

- پیامبر خدا(ص) : اسلام غریبانه آغاز شد و بزودی غریب خواهد شد ، پس خوشابه حال غریبان عرض کردند : ای رسول خدا!

غریبان کیستند؟

فرمود : کسانی که وقتی مردم فاسدند آنان صالحند .

تحریف اسلام .

- امام علی (ع) ، در خطبه ای که طی آن به فتنه و فساد و خونریزیهایی که در آینده پیش می آید اشاره می کند ، می فرماید :

در این هنگام باطل در

مواضع خود جای گیرد و استوار شود مردم آن زمان گرگ باشند و فرمانروایانشان درنده و مردمان متوسط خورنده و فقیران

مرده ، راستی بخشکد و

دروغ سرشار شود ، مردم به زبان باهم دوستی کنند و در دل با هم دشمنی ورزند ، فسق و فجور باعث نسب شود و پاکدامنی مایه

شگفتی باشد و اسلام

مانند پوستین وارونه پوشیده شود.

کسی که مسلمان نیست .

- پیامبر خدا(ص) : کسی که روز خود را آغاز کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد ، مسلمان نیست .

- هر که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد ، از آنان نیست و هر که فریاد کمک خواهی مردی را بشنود و به

کمکش نشتابد ، مسلمان

نیست .

اسلام (متفرقه) .

- پیامبر خدا(ص) : اسلام ، رام است و جز به کسی که رام است سواری نمی دهد.

- اسلام, مردان را گذاخته و ناب می گرداند, همچنان که آتش, ناخالصی آهن و طلا و نقره را پاک می کند.
- امام علی (ع): همانا برای شما نشانه ای است, پس با نشانه خود راه را بیابید و اسلام را غایت و هدفی است, پس به آن غایت برسید.

- راس اسلام, امانتداری است راس نفاق خیانت است.

- ملاک اسلام, راستگویی است.

- پیامبر خدا(ص), در پاسخ به این سؤال که: برترین اسلام چیست, فرمود: کسی که مسلمانان از زبان و دست او آسوده باشند.
- هر آینه گره‌های اسلام یکی یکی گشوده خواهد شد و هرگاه گرهی باز شود مردم به گره بعدی آن خواهند پرداخت, اولین گرهی که باز می شود
زیر پا گذاشتن داوری (عادلان) است و آخرین آنها نماز.

سلام کردن.

تحیت مسلمانان.

قرآن.

((کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته کردند به بهشتی که نهرها در آنها جاری است برده شوند, به فرمان پروردگارشان در آن جا جاودانه بمانند و به سلام, یکدیگر را تحیت گویند)).
((در آن جا دعایشان این است: بار خدایا تومنزهی و به هنگام درود, سلام گویند و پایان دعایشان این است: سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است)).

- پیامبر خدا(ص): سلام کردن, درود آیین ماست و امان عهد و زنهار ما.

- هر گاه به هم برخوردید با سلام کردن و دست دادن دیدار کنید و چون جدا شدید, با آمرزش خواهی از هم جدا شوید.

- یکی از موجبات مغفرت, سلام کردن و سخن نیکو گفتن است.

- بخیل ترین مردم, کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.

- امام صادق (ع): بخیل کسی است, که در سلام گفتن بخل ورزد.

سلام پیش از کلام.

- امام صادق (ع): نخست سلام کنید, بعد سخن آغازید.

- امام صادق (ع) از پدران خود نقل می کنند که پیامبر خدا(ص) فرمود: هر که پیش از سلام گفتن آغاز به سخن کند, جوابش را ندهید و فرمود:

هیچ کس را به غذایت تعارف مکن, تا وقتی که سلام کند.

- امام حسین (ع): به هیچ کس اجازه (ورود به منزل خود را) ندهید تا وقتی که سلام کند.

رواج دادن سلام.

- امام باقر(ع) : خداوند اطعام کردن مردم و رواج دادن سلام را دوست دارد.
- پیامبر خدا(ص) : سلام را رواج ده تاخیر و برکت خانه ات زیاد شود.
- آیا شما را از بهترین اخلاق مردم دنیا و آخرت خبر ندهم؟
- عرض کردند: چرا، ای رسول خدا فرمود: رواج دادن سلام در جهان.
- سلام یکی از نامهای خدای متعال است، پس آن را در میان خود رواج دهید.

پیشدستی کردن در سلام.

- پیامبر خدا(ص) : نزدیکترین مردم به خدا و رسول او کسی است که آغازگر سلام باشد.
- فرمانبرترین شما از خدا کسی است، که در سلام کردن به دوست خود پیشدستی کند.
- آغازگر سلام، از تکبر بدور است.
- امام علی(ع) : سلام هفتاد ثواب دارد که شصت و نه تای آن برای سلام کننده است و یکی برای جواب دهنده.
- هر وارد شونده ای سرگشته است پس آغاز به سلام کنید.

سلام کردن هنگام وارد شدن به خانه.

- قرآن .
- ((هرگاه وارد خانه هایی شدید به خودتان سلام کنید که آن تحیتی است مبارک و پاکیزه از جانب خدا)).
- امام باقر(ع) ، درباره آیه ((هرگاه وارد خانه هایی شدید به خودتان سلام کنید))، فرمود: منظور سلام کردن مرد بر اهل خانه است در هنگام وارد شدن به آن و جواب دادن اهل خانه به او پس، این سلام شماست به خود شما.
 - نیز درباره همین آیه، می فرماید: هرگاه مردی از شما به خانه خود وارد شد، اگر کسی در خانه بود به آنها سلام کند و اگر کسی نبود بگوید: سلام
 - بر ما از جانب پروردگاران، زیرا خداوند می فرماید: ((تحیتی است مبارک و پاکیزه از جانب خدا)).
 - پیامبر خدا(ص) : هرگاه یکی از شما وارد خانه خود شد، سلام کند، زیرا سلام بر آن برکت فرود می آورد و فرشتگان با او انس می گیرند.

جواب سلام واجب است.

- قرآن .
- ((چون به شما سلام و تحیتی گفته شد به سلامی بهتر از آن یا همانند آن پاسخ دهید، هر آینه خداوند حسابگر هر چیزی است)).
- پیامبر خدا(ص) : سلام کردن، مستحب است و جواب سلام، واجب.
 - امام باقر(ع) : امیرالمؤمنین(ع) برعهده ای گذشت و به ایشان سلام کرد، آنان در جواب گفتند: سلام و رحمت و برکات و آمرزش و خشنودی خدا

بر تو باد امیر المؤمنین (ع) فرمود: درباره ما از آنچه فرشتگان بر پدرمان ابراهیم (ع) گفتند فراتر نروید، آنها فقط گفتند: رحمت و برکات خدا بر شما خاندان باد.

- سلمان: مردی بر پیامبر (ص) وارد شد و عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا! حضرت فرمود: سلام و رحمت خدا بر تو باد سپس، مرد

دیگری وارد شد و عرض کرد: سلام و رحمت خدا بر تو باد ای رسول خدا حضرت پاسخ داد: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد بعد مرد دیگری

آمد و عرض کرد: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد حضرت فرمود: و بر تو باد آن مرد عرض کرد: ای پیامبر خدا - پدر و مادرم فدایت باد -

فلان و فلان آمدند و بر شما سلام کردند و در جوابشان چیزی اضافه فرمودی اما در جواب من چیزی اضافه نکردی؟
! حضرت فرمود: تو چیزی برای مابقی نگذاشتی خداوند فرموده است: ((هرگاه تحیتی به شما گفته شد به بهتر از آن یاهمانند آن جواب دهید)) و

ماهم همانند تحیت تو را به تو جواب دادیم.

آداب سلام کردن.

- پیامبر خدا (ص): کوچک به بزرگ سلام کند و یک نفر به دو نفر و عده کمتر به عده بیشتر و سواره به پیاده و رهگذر به ایستاده و ایستاده به نشسته

- پنج چیز است که تا زنده ام رهایشان نمی‌کنم و سلام کردن به کودکان تا بعد از من سنت شود.

- باید سواره به پیاده سلام کند.

- امام صادق (ع): کوچک به بزرگ سلام کند و رهگذر به نشسته و عده کمتر به عده زیادتر.

کسانی که نباید به آنان سلام کرد.

- امام علی (ع): رسول خدا (ص) از سلام کردن به چهار کس نهی فرمود: به آدم مست در حال مستی، به پیکر تراش، به نردباز و به کسی که

هفت پر بازی می‌کند پنجمی را من اضافه می‌کنم: شما را از سلام کردن به شطرنج بازان نهی می‌کنم.

- امام باقر (ع): نه به یهودیان سلام کنید، نه به نصرانیان، نه به مجوسیان، نه به بت پرستان، نه به کسانی که بر سفره شرابخواران می‌نشینند و نه به

شطرنج و نردبازان و نه به مخنث و نه به شاعری که به زنان پاکدامن تهمت می‌زند و نه به کسی که در حال نماز است، زیرا نمازگزار نمی‌تواند

جواب سلام رابدهد، در حالی که سلام کردن برای مسلمان مستحب است و جواب سلام او را دادن واجب و نه به رباخوار و نه به کسی که در

حال قضای حاجت است و نه به کسی که در حمام است و نه به فاسقی که آشکارا فسق و گناه می‌کند.

- هر گاه وارد مسجد شدی و مردم در حال نماز بودند , به آنها سلام مکن بلکه به پیامبر سلام ده و آن گاه به نماز پرداز , و هر گاه بر عده ای که نشسته اند و صحبت می کنند وارد شدی به آنان سلام کن .

- پیامبر خدا(ص) : شما به اهل کتاب سلام نکنید و اگر به شما سلام کردند , در جواب بگویید : علیکم .

- امام صادق (ع) : رسول خدا(ص) به زنها سلام می کرد و آنها جواب سلام حضرت را می دادند امیر المؤمنین (ع) نیز به زنها سلام می کرد اما سلام کردن به زنان جوان را خوش نداشت و می فرمود : می ترسم صدایشان مرا خوش آید و در نتیجه , به جای اجر و ثوابی که در پی آن هستم , مرتکب گناه شوم .

آداب خداحافظی .

- پیامبر خدا(ص) هر گاه با مؤمنان خداحافظی می کرد , می فرمود : خداوند رهتوشه تقوا به شما دهد و با خیر و خوبی رو به روتان کند و همه نیازها و مشکلاتتان را برطرف سازد و دین و دنیااتان را سالم نگه دارد و شما را سلامت و تندرست سوی من برگرداند .

سلام اجازه .

قرآن .

((ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه ای غیر از خانه خود وارد مشوید , مگر آن که اجازه بگیرید و به ساکنانش سلام گوید)).
- امام صادق (ع) , در پاسخ به سؤال از آیه ((به خانه ای غیر از خانه خود وارد مشوید , مگر آن که اجازه بگیرید و به ساکنانش سلام گوید)),
فرمود : اجازه گرفتن با به صدا در آوردن کفش و سلام کردن است .

تسلیم .

تسلیم .

قرآن .

((همانا خدا و فرشتگان او بر پیامبر صلوات می فرستند , ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او صلوات فرستید و سلام کنید , سلامی نیکو)).

((نه , سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورند , مگر آن که در نزاعی که میان آنهاست تو را داور قرار دهند و از حکمی که تو می دهی هیچ

ناخشنود نشوند و یکسره تسلیم آن گردند)).

- خدای تعالی به داود(ع) وحی فرمود : تو می خواهی و من می خواهم و فقط آن می شود که من می خواهم , پس , اگر تسلیم خواست من شوی

و خواست تو را هم تامین کنم، اما اگر تسلیم خواست من نشوی، تو را در راه خواسته ات به رنج و زحمت افکنم و آن گاه همان شود که من می خواهم.

- امام باقر(ع) : سزاوارترین خلق خدا به گردن نهادن در برابر قضا و فرمان او، کسی است که خداشناس باشد.

- امام صادق(ع) : بنده میان سه چیز قرار گرفته است : میان بلا و قضا و نعمت در برابر بلائی خدا وظیفه دارد صبر کند، در برابر قضای خدا

وظیفه دارد تسلیم باشد و در برابر نعمت خدا وظیفه دارد شکر گزار باشد.

- در زیارت پنجم از زیارت های جامعه آمده است : ارشاد و راهنمایی (تو) در کار من و تسلیم (من) در برابر امر و فرمانت رابستر و تکیه گاه من

قرار ده .

- پیامبر خدا(ص) : ای بندگان خدا! شما چون بیمارید و پروردگار جهانیان مانند طیب و بهبود حال بیمار در گرو توصیه های طیب به اوست نه در

آنچه بیمار می خواهد و پیشنهاد می کند، هان! در برابر فرمان خدا گردن نهید تا از رستگاران باشید.

- امام صادق(ع) : هر که به دستگیره محکم چنگ زند، نجات یافته است [راوی گوید:] عرض کردم : آن دستگیره محکم چیست ؟

فرمود : تسلیم .

- از امام صادق(ع) سؤال شد : از کجا دانسته می شود، که کسی مؤمن است ؟

حضرت فرمود : از تسلیم او در برابر خدا و خرسندیش به هر خوشی و ناخوشی که به او می رسد.

- امام صادق(ع) : رسول خدا(ص) هیچ گاه درباره کاری که گذشته بود نمی فرمود : کاش جز این بود.

- امام باقر(ع) : ما علاقه مندیم درباره کسی که دوستش می داریم رنج و مصیبتی به ما نرسد، اما چون فرمان خدا در رسد تسلیم چیزی هستیم که او

دوست دارد.

آغاز این حدیث درباره مرگ یکی از کودکان حضرت می باشد در هنگام بیماری آن کودک، امام بسیار گرفته و اندوهگین بود اما بعد از مرگ او چهره

اش باز و خوشرو بود.

- امام کاظم(ع) : پدرم - یعنی امام صادق(ع) - به من دستور داد که نزد مفضل بن عمر بروم و درگذشت اسماعیل را به او تسلیت بگویم به من

فرمود : به مفضل سلام برسان و بگو : ما در مصیبت از دست دادن اسماعیل صبر کردیم، تو هم مثل ما صبر کن هرگاه ما چیزی بخواهیم و خداوند

چیز دیگری بخواهد، به خواست و امر او گردن می نهیم .

معنای تسلیم .

- امام صادق(ع) : هر گاه بنده بگوید : لا حول و لا قوة الا بالله، خدای عزوجل به فرشتگان فرماید : بنده ام تسلیم شد، حاجتش را

بر آورید.

- هر گاه بنده بگوید: ما شا الله لا حول و لا قوة الا بالله، خداوند فرماید: ای فرشتگان من! بنده ام تسلیم شد، کمکش کنید، او را دریابید، حاجتش را

بر آورید.

- امام علی (ع): تسلیم آن است که (خدا را) متهم نکنی.

سیما و سیره.

سیما و سیره نیکو.

قرآن.

((نشانشان اثر سجده ای است که بر چهره آنهاست)).

- پیامبر خدا(ص): روش نیک و شیوه نیک و میانه روی جزئی از چهل و پنج جزئوت است.

- زیور امت من در نیکویی روش و سیره است.

- دو خصلتند که در منافق فراهم نمی آیند: فهم و دانایی در اسلام، و برخورداری از سیمای نیکوکاران.

- امام علی (ع): مؤمنان اهل فضایلند، شیوه آنان سکون و آرامش است و شکوهشان خشوع و سیمای شان فروتنی.

- پیامبر خدا(ص): پنج چیز است که جز در مؤمن راستین فراهم نمی آیند و خداوند به سب آنها بهشت را بر وی واجب می گرداند: نورانیت دل،

فهم و دانایی در اسلام، پارسایی در دین، محبوبیت در میان مردم و سیمای اهل خیر داشتن.

گوش سپردن.

ارزش گوشهای شنوا.

قرآن.

((تا آن را مایه اندرزتان گردانیم و گوش نگه دارنده اندرز، آن را فرا گیرد)).

- امام علی (ع): اگر دانشمندی گویانیستی، پس شنونده ای شنوا باش.

- کرباد گوش که فریاد را نفهمد (نشود)، گوش که فریاد بلند را نمی شنود، چگونه صدای آهسته را می شنود؟

- کربادا، دلی که آن را گوش شنوایی نباشد.

- خداوند به شما دو گوش داد تا آنچه را به آنها مربوط می شود دریافت کنند و دو چشم داد تا از نابینایی به در آیند.

- خدای رحمت کند مردی (بنده ای) را که.

سخن حکیمانه ای شنید و آن را پذیرفت و به راه راست خوانده شد و بدان نزدیک گشت و دامان راهنما را گرفت و نجات یافت.

- وه که چه مثلهای درست و اندرزهای شفافبخش، اگر به دلهای پاک و گوشهای شنوا برخوردارند.

شنواترین گوشها.

- امام حسن (ع) : بیناترین دیدگان دیده‌ای است که نگاه خود را به خیر و خوبی بدوزد و شنواترین گوشها، گوش‌ها است که پند و اندرز را بشنود و از آن بهره برگیرد.

- امام علی (ع) : بدانید که بیناترین دیدگان دیده‌ای است که نگاهش به خیر و صلاح باشد، بدانید که شنواترین گوشها گوش‌ها است که پند و اندرز را بشنود و پذیرا شود.

گوش ناشنوا.

قرآن .

((بگو: جز این نیست که من به وسیله وحی شمارا بیم می‌دهم ولی کران چون بیم داده شوند، فریادبیم را نمی‌شنوند)).

((و اگر آنان را به راه راست خوانی نمی‌شنوند و می‌بینی که به تو می‌نگرند درحالی که نمی‌بینند)).

((ما بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریدیم ایشان را دل‌هایی است که با آن نمی‌فهمند و چشم‌هایی است که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی

است که با آن نمی‌شنوند اینان همانند چارپایانند حتی گمراهتر از آنهایند اینان همان غافلاند)).

((آیا برای آنان که زمین را از پیشینیان به ارث برده‌اند، باز نموده‌است که اگر بخواهیم آنها را نیز به کیفر گناهانشان به عقوبت می‌رسانیم و بر

دل‌هایشان مهر می‌زنیم تا شنیدن نتوانند؟

((

((اگر خداوند در آنها خیری سراغ داشت، هر آینه شنوایشان می‌کرد و اگر هم آنان را شنوا ساخته بود، باز هم بر می‌گشتند و رویگردان می

شدند)).

((بعضی از آنها به سخن تو گوش می‌دهند ولی ما بر دل‌هایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را درنیابند و گوش‌هایشان را سنگین کرده‌ایم و اگر هر

آیتی را ببینند بدان ایمان نمی‌آورند و چون نزد تو آیند، با تو به مجادله پردازند کافران می‌گویند که اینها چیزی جز اساطیر پیشینیان نیست)).

((برخی از ایشان به تو گوش می‌دهند آیا اگر در نیابند تو می‌توانی کران را شنوا سازی)).

((تو نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و آواز خود را به گوش کرانی که از تو روی می‌گردانند برسانی)).

((و زندگان و مردگان برابر نیستند، خدا هر که را خواهد می‌شنواند و تو نمی‌توانی سخن خود را به مردگانی که در گور هستند بشنوانی)).

((و گفتند: اگر می‌شنیدیم یا می‌اندیشیدیم اهل این آتش سوزنده نبودیم)).

- امام علی (ع) : در هر کجا که خواهی به مردم نظری بیفکن، آیا جز فقیری رامی‌بینی که از فقر در رنج است، یا ثروتمندی که نعمت خدا را

کفران کرده‌است، یا بخیلی که برای افزودن بر دارایی خود از حق خدا بخل می‌ورزد، یا سرکش و متمردی که گویی از شنیدن

پند و اندرزها کر

است ؟

.

- نه هر که دلی دارد خردمند است ، و نه هر که گوشی دارد ، شنواست و نه هر که چشمی دارد ، بیناست .

- ای کوفیان ! من به سه خصلت (که در شما هست) و دو خصلت (که اصلا در شما نیست) مبتلا شده ام : با این که گوش دارید

کر هستید و با این

که تکلم می کنید گنگید و با این که چشم دارید کورید (و اما آن دو خصلت که ندارید) : در هنگام رویارویی با دشمن با صداقت

نیستید و در گاه سختی و

بلا برادرانی مورد اعتماد نمی باشید .

- در نامه ای به قثم بن عباس ، کارگزار خود در مکه ، می نویسد : اما بعد ، جاسوس من در مغرب به من نوشته و اطلاع داده است

که عده ای از

شامیان کور دل که گوشهایشان (از شنیدن سخن حق) کر است و چشمهایشان (از دیدن حق) بکلی کور ، همانان که به وسیله

باطل حق را می جویند و

از مخلوق به بهای نافرمانی از خالق فرمان می برند ، به سوی حج گسیل شده اند .

میوه گوش .

- امام سجاده (ع) : هر چیزی را میوه ای است ، و میوه گوش ، سخن نیکوست .

خوب شنیدن .

- امام علی (ع) : گوش خود را به خوب شنیدن عادت بده و به سخنانی که بر اصلاح و پاکی تو چیزی نمی افزاید گوش فرامده .

- شنونده ذکر خدا ، ذاکر است .

- هر که خوب گوش کند ، زود بهره مند شود .

بد شنیدن .

- امام علی (ع) : شنونده سخن زشت ، شریک گوینده است .

- شنونده ، شریک گوینده است .

- شنونده غیبت ، دومین غیبت کننده است .

- هرگاه سخن زشت آزار دهنده ای شنیدی ، سرت را پایین انداز (و آن را ناشنیده بگیر) تا از تو رد شود .

وظایف گوش .

قرآن .

((از آنچه تو را بدان علم و آگاهی نیست پیروی مکن ، همانا گوش و چشم و دل همگی باز خواست می شوند)).

((و در این کتاب بر شما نازل کرد که چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می کنند و آن را به ریشخند می گیرند ، با

آنان منشینید تا آن گاه

که به سخنی دیگر پردازند و گرنه شما نیز همانند آنها خواهید بود و خدا همه منافقان و کافران را در جهنم گرد می آورد)).
- امام صادق (ع) : بر گوش فرض شده است که از گوش دادن به آنچه خدا حرام کرده دوری کند , از آنچه خدای عزوجل نهی کرده و شنیدنش بر

آن حلال نیست اعراض کند و به آنچه خدای عزوجل را ناخشنود و خشمگین می کند گوش ندهد پس در این باره فرمود : ((و در این کتاب بر شما نازل کرد)).

- امام علی (ع) : و بر گوش این وظیفه را فرض کرد که با آن به معاصی گوش ندهی , خدای عزوجل فرموده است : ((و در این کتاب بر شما نازل کرد)).

نامها.

انتخاب نامهای نیکو.

- پیامبر خدا(ص) : نخستین چیزی که هر ازیک شما به فرزندش پیشکش می کند , نام نیکوست بنابراین , هر کدام شما نامی نیکو , بر فرزند خویش نهد.

- امام کاظم (ع) : نخستین بخشش و احسانی که مرد به فرزند خود می کند , این است که نام نیکویی برایش انتخاب کند بنابراین , هریک از شما نامی نیکو بر فرزندش نهد.

- پیامبر خدا(ص) : نامهای نیکو بر خود نهید , زیرا در قیامت به این نامها خوانده می شوید : فلان پسر فلان ! برخیز به سوی نور خود برو و فلان پسر فلان برخیز که نوری نداری .

ترغیب به نامگذاری به نامهای پیامبران و ائمه (ع).

- امام باقر(ع) : راست ترین نامها , نامی است که گویای عبودیت باشد و بهترین نامها نامهای پیامبران است .

- پیامبر خدا(ص) : فرزندان را به نامهای پیامبران بنامید.

- از امام صادق (ع) سؤال شد : آیا نامگذاری (فرزندان) به نامهای ائمه سودی دارد؟

حضرت فرمود : آری به خدا , مگر دین جز محبت است ؟

خداوند فرموده است : ((اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را ببخشد)).

تغییر دادن نامهای زشت .

- امام باقر(ع) : رسول خدا(ص) , نامهای زشت مردها و شهرها را تغییر می داد.

- ابن اثیر در شرح حال حبیب بن مروان می نویسد: به عنوان نماینده اعزامی خدمت پیامبر(ص) رسید، حضرت پرسید: نامت چیست؟

عرض کرد: بغیض حضرت فرمود: تو حبیب هستی و او را حبیب نام نهاد.

- ابن عمر: رسول خدا(ص) نام ((عاصیه)) را عوض کرد و فرمود: ((تو جمیله هستی)).

نامهای خدا.

بسم الله الرحمن الرحيم .

قرآن .

((نامه از سلیمان است و این است: به نام خدای بخشاینده مهربان)).

- پیامبر خدا(ص): بسم الله الرحمن الرحيم سرآغاز هر نوشته ای است .

- هر کار مهمی که با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز نشود، بی فرجام است .

- آیا تو را از آیه ای آگاه نکنم که بعد از سلیمان بن داود بر احدی جز من نازل نشده است؟

آن بسم الله الرحمن الرحيم است .

- امام صادق (ع): گفتن بسم الله الرحمن الرحيم را ترک نکن، حتی اگر پس از آن شعری باشد.

- گاه فردی از شیعیان ما کار خود را با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز نمی کند و بدان سبب خدای عزوجل او را به گرفتاری و

امری ناخوشایند مبتلا

می کند، تا او را به ذکر سپاس و ستایش خدای تبارک و تعالی متنبه سازد.

تفسیر نامهای خدا.

- امام رضا(ع): نامهای او تعبیر است و افعالش تفهیم و ذاتش حقیقت .

- امام صادق (ع): الله مشتق از اله (پرستش) است و اله مقتضی مالوه و معبودی می باشد و نام غیر از صاحب نام است، پس هر

کس تنها نام را

بپرستد کافر است و چیزی را عبادت نکرده است و هر کس نام و معنا، هردو، را بپرستد شرک ورزیده و دوگانه پرست شده

است و هر کس تنها معنا

و صاحب نام را بپرستد نه نام را این توحید و یکتاپرستی است .

اسم اعظم خدا.

قرآن .

((وآن کس که از علم کتاب بهره ای داشت گفت: من پیش از آن که چشم برهم زنی، آن را نزد تومی آورم چون آن را نزد

خود دید گفت: این

بخشش پروردگار من است، تا مرا بیازماید که سپاسگزارم یا کافر نعمت پس هر که سپاس گوید برای خود گفته است و هر که

کفران ورزد

پروردگار من بی نیاز و کریم است)).

- امام عسکری (ع) : بسم الله الرحمن الرحيم , به نام اعظم خدا نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی آن است .

- امام صادق (ع) : اسم اعظم خداوند , در ام الكتاب (سوره فاتحه) مندرج است .

- امام باقر (ع) : نام اعظم خدا هفتاد و سه حرف است که آصف یک حرف آن را می دانست و آن را به زبان آورد , پس , هر آنچه میان آصف و تخت

بلقیس بود در کام زمین فرو رفت و آصف دست دراز کرد و تخت را برداشت و سپس زمین به حال نخست برگشت و این همه در یک چشم بر هم زدن

رخ داد هفتاد و دو حرف از اسم اعظم نزد ماست و یک حرف نزد خدای تبارک و تعالی می باشد و آن را به علم غیب خود ویژه گردانیده است و هیچ

جنبش و توانی جز به کمک خدای بلند مرتبه بزرگ نیست .

- امام صادق (ع) : خدای عزوجل اسم اعظم خود را دارای هفتاد و سه حرف قرار داد, از آن شمار بیست و پنج حرف به آدم داد و بیست و پنج

حرف به نوح و هشت حرف به ابراهیم و چهار حرف به موسی و دو حرف به عیسی که به کمک آن دو مردگان رازنده می کرد و کوران مادرزاد

و مبتلایان به پیسی را شفا می بخشید و هفتاد و دو حرف به محمد داد و یک حرف را دریغ داشت تا از آنچه در ذات اوست بر کسی معلوم نشود , در

حالی که او از آنچه درون بندگان می گذرد آگاه است .

- سعد خفاف به زاذان ابو عمره : ای زاذان ! تو نیکو قرآن قرائت می کنی , نزد چه کسی قرائت آموخته ای ؟

زاذان تبسمی کرد و گفت : روزی در حال خواندن شعری بودم که امیر المؤمنین (ع) بر من گذشت من صدایی خوش داشتم حضرت از صدای من

خوشش آمد و فرمود : ای زاذان ! چرا قرآن تلاوت نمی کنی ؟

عرض کردم : یا امیر المؤمنین ! چگونه قرآن بخوانم ؟

به خدا سوگند از قرآن چیزی بیش از همان مقدار که در نماز می خوانم , نمی دانم حضرت فرمود : نزدیک من آی : من به ایشان نزدیک شدم پس , در

گوش من سخنی گفت که نفهمیدم چه بود و چه گفت : سپس فرمود : دهانت را باز کن و در دهانم خدو انداخت به خدا قسم هنوز قدمی از نزد آن

حضرت بر نداشته بودم که دیدم قرآن را با اعراب و قرائتش حفظم و از آن پس هرگز نیازی پیدا نکردم که از کسی چیزی درباره قرآن پیرسم سعدمی

گوید : من این داستان زاذان را برای امام باقر (ع) بازگو کردم , حضرت فرمود : زاذان راست می گوید امیر المؤمنین (ع) با نام اعظم برای زاذان

دعا کرد که چنین دعایی هرگز رد نمی شود.

ترغیب به پایبندی به سنت .

- پیامبر خدا(ص) : هیچ گفتاری جز با کردار ارزش ندارد و هیچ گفتار و کرداری جزبانیست و هیچ گفتار و نیتی جز با انطباق آنها با سنت

- امام علی (ع) : خوشا به حال کسی که سنت بر او تنگ نیاید و به بدعت (وبدعتگذاری) نسبت داده نشود.

- امام سجاد(ع) : برترین کارها نزد خداوند , آن است که طبق سنت عمل شود گر چه اندک باشد.

- پیامبر خدا(ص) : هر کاری را (در آغاز) شور و نشاطی است و هر شور و نشاطی را(سرانجام) سکون و آرامشی است , هرکس به سنت من

سکون و آرامش یابد , هر آینه رهیافته گشته است و هرکس سکون و آرامشش به غیر آن (یعنی بدعت) باشد , بیگمان هلاک شده است .

- هان ! هر عبادتی را جوش و خروشی است که سرانجام فروکش می کند پس , هرکس جوش و خروش عبادتش به سنت آرام گیرد هدایت شده

است و هرکه با سنت من مخالفت ورزد گمراه شده است و عملش برباد رفته می باشد بدانید که من نماز می خوانم , می خوابم , روزه می گیرم , افطار

می کنم , می خندم و می گریم , پس هرکه به روش و سنت من پشت کند از من نیست .

- پایبند سنت اگر خوب عمل کند , عملش پذیرفته است و اگر اشتباه کند بخشوده می شود.

روایات در باب عمل به کتاب و سنت .

- پیامبر خدا(ص) : در میان شما دو چیز باقی می گذارم که با وجود آنها هرگز گمراه نخواهید شد : کتاب خدا و سنت من , این دو از هم جدا نشوند تا

بر حوض (کوثر) بر من وارد شوند.

- در میان شما دو چیز می گذارم که با وجود آنها هرگز گمراه نخواهید شد : کتاب خدا و سنت من , این دو هرگز از هم جدا نشوند تا کنار حوض بر

من در آیند.

به نظر من چنین روایاتی اعتبار سندی ندارند و ظاهرا در برابر حدیث متواتر و متفق علیه ثقلین ساخته شده اند.

طبقه بندی سنت .

- پیامبر خدا(ص) : سنت دو گونه است : سنت واجب که پس از من عمل به آن موجب هدایت است و ترکش گمراهی و سنت غیر واجب که عمل به آن

فضیلت است و ترکش گناه نیست .

- سنت دو نوع است : از یک پیامبر یا از پیشوایی دادگر.

سزای کسی که سنتی بگذارد.

- پیامبر خدا(ص) : هر که سنت نیکویی بگذارد که پس از مرگش بدان عمل شود ، هم اجر خودش را دارد و هم به اندازه اجر کسانی که به آن عمل می کنند ، بی آن که از اجر ایشان چیزی کم شود و هر که سنت ناپسندی بنهد و پس از مرگش بدان رفتار شود ، گناهکار است و به اندازه گناهان کسانی که به آن سنت عمل می کنند نیز برایش باشد ، بی آن که از گناه آنان چیزی کم شود .

- امام باقر(ع) : هر بنده ای از بندگان خداست و روشی هدایتگر بگذارد ، اجرش به اندازه اجر کسانی باشد که بدان عمل می کنند ، بی آن که از اجر آنان چیزی کاسته شود و هر بنده ای از بندگان خدا سنت و روشی گمراه کننده بگذارد ، گنااهش به اندازه گناه کسانی است که به آن رفتار می کنند ، بی آن که از گناهان ایشان چیزی کاسته گردد .

سزای کسی که برای خودش سنتی بگذارد.

- امام صادق (ع) : هیچ مؤمنی نیست که برای خود سنتی نیکو یا چیزی از خیر و خوبی وضع کند ، اما بعد میان او و آن سنت و کار خیر مانعی پدید آید ، مگر این که آنچه را در ایام دنیا درباره خویش به کار بسته است خداوند برایش بنویسد .

نهی از شکستن سنت پسندیده .

- امام علی (ع) ، در فرمان حکومت مصر به مالک اشتر ، می فرماید : سنت پسندیده ای را که بزرگان این امت به آن رفتار کرده اند و موجب همدلی و همبستگی شده و کار مردم بر طبق آن نظم و سامان گرفته است ، مشکن و هیچ گاه سنت و روشی پدید میاور که به سنتهای گذشته کمترین لطمه ای زند ، زیرا در این صورت پایه گذار آن سنت گذشته ماجور خواهد بود و تو با شکستن آن گناهکار .

سنت خدا.

قرآن .

((این سنت خداست که در میان بندگانش جاری است و کافران در آن روز زیان کردند)).

((این) سنت خداست که از دیر باز در میان گذشتگان (معمول) بوده و فرمان خدا همواره به اندازه مقرر (و متناسب با توانایی) است)).

((و نیرنگ جز (دامن) صاحبش را نگیرد ، پس آیا جز سنت (و سرنوشت شوم) پیشینیان را انتظاری برند؟

در سنت خدا هرگز تبدیلی نمی یابی و در سنت خدا هرگز تغییری نمی یابی)).

سنت پیامبر.

قرآن .

((قطعاً برای شما در (اقتدا به) رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند)).

- امام علی (ع): به روش پیامبران اقتدا کنید که آن بهترین روش است و به سنت او رفتار نمایید که آن رهنماترین سنتهاست .
- پیامبر خدا(ص): پنج چیز است که تا زنده ام آنها را ترک نمی کنم: غذا خوردن روی زمین با بندگان, سوار شدن بر الاغ برهنه, دوشیدن بز با دست خودم, پوشیدن پشمینه و سلام کردن به کودکان, تا بعد از من سنت باشند.

سنت آیین حنیف .

قرآن .

((هر آینه در ابراهیم و همراهان او برای شما سرمشقی نیکوست آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم .

((چه کسی نیکو دین تر از کسی است که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق گرا پیروی کرده است؟ و خدا ابراهیم را دوست گرفت)).

- امام صادق (ع): از نوح تا ابراهیم (ع) هزار سال فاصله بود شریعت ابراهیم بر پایه یکتاپرستی و اخلاص و نفی انبازان و هم‌تایان (برای خدا)

بود و این همان سرشتی است که مردم را بر آن آفریده و همان آیین حنیف است خداوند از او بر این آیین پیمان گرفت و بر این که جز خدا را بندگی

نکند و هیچ چیز را شریک او قرار ندهد امام فرمود: خداوند ابراهیم را به نماز و امر و نهی فرمان داد و احکام سهام مواریث را برایش مقرر نکرد و

در آیین حنیف اینها را اضافه کرد: ختنه, کوتاه کردن شارب, چیدن موی زیر بغل, گرفتن ناخنها و تراشیدن موی زهار.

- پیامبر خدا(ص): خداوند عزوجل خلیل خویش را با آیین حنیف فرستاد و او را به گرفتن شارب و کوتاه کردن ناخنها و چیدن موی زیر بغل و

تراشیدن زهار و ختنه فرمان داد.

- امام کاظم (ع): پنج چیز در سر و پنج چیز در سایر بدن از سنت است: سنتهای مربوط به سر عبارتند از: مسواک کردن, گرفتن شارب, شانه

کردن مو, مضمضه و استنشاق سنتهای مربوط به بدن عبارتند از: ختنه, تراشیدن زهار, چیدن موی زیر بغل, گرفتن ناخنها و استنجا.

- در فقه الرضا درباره آیین حنیف که خدای تعالی به پیامبر خود(ص) فرموده ((و از آیین حنیف ابراهیم پیروی کرد)) آمده است که آیین حنیف ده

سنت است, پنج سنت مربوط به سر و پنج دیگر مربوط به تن .

سنت پیشینیان .

قرآن .

((به کسانی که کفر ورزیده اند , بگو : اگر دست بردارند , گناهان گذشته آنان آمرزیده شود و اگر باز گردند هر آینه سنت (خدا

در مورد) پیشینیان

گذشته است)).

((به او ایمان نمی آورند و سنت (و راه و رسم) پیشینیان پیوسته چنین بوده است)).

- امام علی (ع) : ایمان بر چهار تکیه گاه استوار است : بر صبر و یقین و عدل و جهاد یقین خود چهار شعبه دارد : بینش

هوشیارانه , رسیدن به

حقایق , عبرت گرفتن از دیگران و سنت پیشینیان , زیرا , هر که بینش هوشیارانه یافت حکمت بر او آشکار گشت و هر که حکمت

بر او آشکار شد , پند و

عبرت گرفتن را شناخت و هر که پند و عبرت آموزی را شناخت , چنان است که در میان پیشینیان بوده باشد.

شب زنده داری .

شب زنده داری .

- امام علی (ع) : شب بیداری , یکی از دو زندگی است .

- شب بیداری , بوستان مشتاقان است .

- امام سجاد (ع) , در دعای روز عرفه : (خدایا) با بیدار کردن من در شب برای بندگیت و خلوت شب زنده داری برای تو و آرام

گرفتم به تو و

آوردن نیازها و خواسته هایم به درگاه تو , شبم را آباد گردان .

- امام علی (ع) : شب زنده داری , شعار پرهیزگاران و خوی مشتاقان است .

- شب زنده داری کردن به ذکر خدا , دوست صمیمی عارفان است و شیرینی مقربان .

- شب بیدار ماندن به ذکر و یاد خدا , فرصت نیکبختان است و تفرج اولیا .

- شب بیداری در طاعت و بندگی خدا , بهار اولیا است و بوستان نیکبختان .

- شب بیدار ماندن به ذکر و یاد خدا , غنیمت اولیا است و خصلت پرهیزگاران .

- چشمانتان را شبها بیدار دارید و شکمهایتان را (در روز) گرسنه و لاغر و از جسمهایتان بگیریید و به جانهایتان ببخشید .

- چشمانتان را شبها بیدار دارید و شکمهایتان را گرسنه و لاغر و پاهایتان را به کار گیریید و امواتان را انفاق کنید و

از جسمهایتان بگیریید و به

جانهایتان ببخشید و از این کار بخل و دریغ نورزید .

- برترین عبادت , شب زنده داری به ذکر و یاد خدای سبحان است .

- امام صادق (ع) , درباره آیه ((نشانشان اثر سجده ای است که بر چهره آنهاست)) , فرمود : مراد شب زنده داری برای نماز است

.

- درباره آیه ((اندکی از شب را می خوابیدند)) , فرمود : کمتر شبی بود که آن را ازدست می دادند و برای عبادت بر نمی خاستند .

- پیامبر خدا(ص) : هر که (از راهزنان و خطرات راه) بترسد سراسر شب (یا ساعات آخر شب) را راه پیماید و هر که چنین کند به منزل برسد بداند که کالای خدا گرانبهاست، بداند که کالای خدا بهشت است.
- امام علی (ع) : خوشا به حال آن کس که فریضه پروردگارش را به جای آورد و برسختیها و ناملایمات صبر کرد و خواب را از دید گانش دور ساخت و اگر خواب بر او چیره آمد، زمین را بستر خود کرد و دستش را بالش آنان که خوف رستاخیزچشمانشان را بیدار نگهداشت و پهلوهایشان را از بسترهای راحتشان دور کردند و لبهایشان به ذکر پروردگارشان زمزمه کرد و از بسیاری آمرزش خواهی، گناهانشان زوده شد اینان حزب خدایند و بدانند که حزب خدا پیروز است.
- امام سجاد(ع) : بار خدایا! ما را از کسانی قرار ده که روش آنان آرام گرفتن و شوق ورزیدن به توسل و عمرشان به آه و ناله می گذرد، پیشانی هایشان در برابر عظمت تو به خاک افتان است و چشم هایشان در راه خدمت به تو بیدار.
- امام علی (ع) : بندگان خدا! از خدا بترسید همچون ترسیدن خردمندی که اندیشه (مبدأ و معاد) دل او را به خود مشغول ساخته و ترس (از خدا و رستاخیز) پیکرش را رنجور کرده و عبادت شبانه همان اندک خوابش را هم از او گرفته است.
- همانا تقوای الهی اولیای خدا را از حرامهای او باز داشته و ترس از او را در دل هایشان جای داده، چندان که آنان را در شب بیدار (برای عبادت) و در روزهای داغ تشنه (به روزه) نگه داشته است.

شب زنده داریهای بی حاصل!

- امام علی (ع) : بسا کوشنده ای که برای نشسته ای می کوشد، بسا شب زنده داری که برای خفته ای زحمت می کشد.
- بسا روزه داری که از روزه اش جز گرسنگی و تشنگی نصیبی نیابد، و بسا شب زنده داری که از عبادت شبانه اش جز رنج و بی خوابی بهره ای نبرد، خوشا خواب زیرکان (عارف) و روزه خواری آنان!
- مردی از خوارج را در حال عبادت شبانه و قرائت قرآن دید فرمود: خوابی که بایقین همراه باشد، بهتر از نمازی است که باشک و تردید باشد.

کارهای سزایند شب زنده داری.

- پیامبر خدا(ص) : شب زنده داری جز برای سه چیز روا نیست: تلاوت قرآن، تحصیل علم و دانش و یا فرستادن عروس به خانه شوهرش.
- بیدار ماندن بعد از نماز خفتن روا نباشد، مگر برای دو کس: نماز گزار یا مسافر.

تشویق به احیای این شبها.

- پیامبر خدا(ص) : هر که شب عید (فطر و قربان) و شب نیمه شعبان را احیا کند , در آن روزی که دلها می میرند دل او نمیرد.
- امام علی (ع) : خوش دارم که مرد سالی چهار شب : شب عید فطر , شب عید قربان , شب نیمه شعبان و شب اول ماه رجب , خود را وقف عبادت خدا کند.
- امام رضا(ع) : امیر المؤمنین (ع) سه شب نمی خوابید : شب بیست و سوم ماه رمضان , شب عید فطر و شب نیمه ماه شعبان , در این شبها روزیها تقسیم و مدت عمر و هر آنچه در آن سال رخ خواهد داد , تعیین می شود.

سرور.

سرور.

- قرآن .
- ((و فرشتگان او (زکریا) را که در محراب به نماز ایستاده بود ندا دادند که خدا تو را به یحیی بشارت می دهد که تصدیق کننده کلمه خداست و سرور و پارسا و پیامبری است از شایستگان)).
- امام علی (ع) : سرور , کسی است که زحمت (یا هزینه مردم) را به دوش کشد و آنان را یاری رساند.
- سرور , کسی است که بار برادران خود را به دوش کشد و با همسایگانش نیکو همسایه داری کند.
- سرور , کسی است که سازشکار نباشد , مکر و فریب به کار نبرد و فریفته طمعها نشود.
- پیامبر خدا(ص) : سرور قوم , خدمتگزار آنهاست .
- سرور قوم در سفر , کسی است که به آنان خدمت کند , پس هر که در خدمت به همسفران خود بر آنان پیشی گیرد هیچ کارشان به پای ارزش کار او نمی رسد مگر شهادت .

معنای سروری .

- امام حسین (ع) , در پاسخ به سؤال پدر بزرگوارش از معنای سروری , گفت : کمک کردن به ایل و تبار و به دوش کشیدن خسارتها و جرایم آنها.
- امام صادق (ع) , در پاسخ به این پرسش که سروری چیست ؟
- فرمود : بخشنندگی , وای بر تو! مگر نمی بینی که چگونه حاتم طایی سرور قوم شد , در حالی که مقام و موقعیتی برتر از دیگر افراد قوم خود نداشت ؟

اسباب سروری .

- امام علی (ع) : حمد و سپاس خدا را که بی آن که دیده شود ، شناخته شده و بدون رنج و زحمت آفریننده است ، موجودات را به قدرت خویش
- بیافرید و خداوندگاران را با عزت و اقتدار خویش به بندگی گرفت و باجود و بخشندگی خود بر بزرگان سروری یافت .
- هر که بردبار باشد سروری کند و هر که طالب فهمیدن باشد ، بر فهم و دانش خویش بیفزاید.
- به دوش کشیدن بار زحمتهای و هزینه‌های مردم (موجب سروری می شود).
- بزرگوار تمام عیار کسی است که علم و دانایی اش به او بزرگی بخشیده باشد ، و سروری حقیقی از آن کسی است که از خداوند پروردگار
- خویش بترسد.
- ارزش و فضیلت سروران ، به نیکویی عبادت است .
- امام حسن (ع) : بخشیدن پیش از طلب کردن (کسی) از بزرگترین سروری است .
- امام علی (ع) : چهار خصلت است که آدمی با آنها سرور می شود : عفت ، ادب ، بخشندگی و خردمندی .

آنچه مانع سروری می شود.

- امام صادق (ع) : کسی که به اندک گناهی کیفر می دهد ، نباید چشم طمع به سروری کردن بدوزد و کسی که کم تجربه و خودپسند و خود رای
- است ، نباید به ریاست طمع بندد.
- هیچ سفیهی به سروری نمی رسد.
- امام علی (ع) : کسی که گذشت نداشته باشد سروری را به کمال نرسانده است .
- سرور نیست ، کسی که برادران خود را نیازمند دیگری کند.
- کشمکش با سفلگان سروری را لکه دار می کند.

سیاست .

سیاست .

- امام علی (ع) : ملکداری ، سیاست است .
- آفت سردمداران ، ناتوانی در سیاست است .
- بهبود زندگی ، در گرو تدبیر و فرجام اندیشی است .
- ابن ابی الحدید در شرح این جمله امیر المؤمنین (ع) که می فرماید : ((به خدا قسم معاویه از من هوشمندتر و باکیاست تر نیست ، بلکه او مکار و
- تبهکار است)) می نویسد : عده ای از کسانی که ارزش و مقام امیر المؤمنین (ع) را چنان که باید نشناخته بودند ، می پنداشتند که
- گر چه علم و دانش
- آن حضرت از عمر بیشتر است اما عمر از ایشان سیاستمدارتر می باشد شیخ الرئیس ابو علی بن سینا در حکمت ((شفا)) به این
- مطلب تصریح کرده

است استاد ما ابو الحسین به این نظر تمایل داشت و در کتاب الغرر آن را مطرح کرده است بعدها دشمنان و مخالفان علی (ع) درباره ایشان و معاویه نیز همین حرف را زدند و گفتند که معاویه از امیر المؤمنین (ع) سیاستمدارتر و با تدبیرتر است. بدان که سیاستمدار زمانی قادر به اعمال سیاست واقعی است که به فکر و اندیشه خود عمل کند و آنچه را به نفع حکومت خود و تحکیم پایه های قدرتش می داند، به کاربندد خواه افکار و اعمالش با شریعت و دین سازگار باشد خواه نباشد اگر در سیاست و مدیریت بر اساس این شیوه عمل نکند، به دشواری کارش سامان می پذیرد و بر اوضاع و احوال مسلط می شود امیر المؤمنین (ع) پایبند قید و بندهای شریعت بود و ملتزم و متعهد به پیروی از آن و کنار گذاشتن هر گونه آرا و نقشه ها و برنامه های جنگی و سیاسی که با دین و شریعت سازگاری نداشت، اما در عالم سیاست به کار گرفته می شوند بود.

حسن سیاست .

- امام علی (ع) : حسن سیاست موجب پایداری ریاست است .
- حسن سیاست مایه استواری ملت است .
- ارزش ریاست ، به حسن سیاست است .
- هر که نیکو سیاستمداری کند ، ریاستش پایدار ماند .
- هر که بر کرسی ریاست بالا رود ، باید بر رنج سیاست صبر کند .
- هر که از عهده سیاست بر نیاید ، لایق ریاست نیست .
- هر که بار زحمت و هزینه های مردم را به دوش نکشد ، قدرت خود را سزاوار انتقال (به دیگری) کرده است .
- حسن تدبیر و پرهیز از حیف و میل ، از حسن سیاست است .
- بهترین دلیل بر پرخردی ، حسن تدبیر است .

سؤ تدبیر .

- سؤ تدبیر ((۴)) .
- امام علی (ع) : سؤ تدبیر ، موجب ویرانی است .
- هر که بی تدبیر باشد ، ویرانگریش شتاب گیرد .
- هر که سؤ تدبیر داشته باشد ، تدبیرش به نابودی او انجامد .
- هر که تدبیرش به تاخیر افتد ، هلاکتش پیش افتد .
- سؤ تدبیر ، کلید فقر است .
- حسن تدبیر ، دارایی اندک را رشد می دهد و سؤ تدبیر ، ثروت بسیار را به باد فنا می دهد .

بهترین سیاست .

- امام علی (ع) : عدالت بهترین دو سیاست است .
- زیبایی سیاست در به کار بستن عدالت در حکومت است و گذشت کردن با وجود توانایی داشتن (بر انتقامگیری).
- بهترین سیاست عدالت است .
- ملاک سیاست عدالت است .
- سیاست عادلانه به سه چیز است : مدارا توام با دوراندیشی و سختگیری و استیفای حقوق توام با عدالت و احسان و بخشش توام با میانه روی .
- بد سیاستی است ، بیدادگری .

راس سیاست .

- امام علی (ع) : مدارا کردن ، در راس سیاست است .
- چه خوب سیاستی است ، نرمی .
- هر که با زیر دست خود نرمی نکند به حاجت خود نرسد.
- نرمی لبه تیز مخالفت را کند می کند.
- هر گاه به حکومت رسیدی (با مردم) نرمی کن .

زیور سیاست .

- امام علی (ع) : تحمل کردن زیور سیاست است .
- کسی که هزینه مردم را به دوش نکشد ، قدرت خود را سزاوار انتقال (به دیگری) کرده است .

سیاست نفس .

- امام علی (ع) : سیاست نفس برترین سیاست است و ریاست علمی عالیتین ریاست .
- هر که نفس خود را سیاست کند (و بر آن امیر و فرمانروا باشد) به سیاست کردن (بر مردم) دست یابد.
- نفسهای خود را با پارسایی سیاست کنید و بیمارانتان را با صدقه درمان نمایید.
- بر فرمانرواست که پیش از سیاست سپاهیان خود ، نفس خویش را سیاست کند.
- خردمندترین فرمانروا کسی است که خود را چنان سیاست و تربیت کند که جایی برای حجت آوری و اعتراض ملت بر اوباقی نماند و با مردم چنان سیاستی در پیش گیرد که حجت خود را بر آنان ثابت و تمام کند.
- سیاست دین ، به نیکویی پارسایی و یقین است .

کار امروز را به فردا افکندن .**نهی از افکندن کار امروز به فردا.**

- امام علی (ع) ، در نامه ای به یکی از یاران خود ، می فرماید : آنچه را از عمر تو باقی مانده است ، دریاب و مگو : فردا و پس فردا ، زیرا پیشینیان تو به سبب تکیه کردن به آرزوها و امروز و فردا کردن هلاک شدند ، چرا که فرمان خدا (مرگ) ناگهان این غافلان را در رسید.
- پیامبر خدا(ص) : ای اباذر! زنهار که بر اثر آرزو ، کار امروز را به فردا فکنی ، زیرا که تو در امروز به سر میبری نه در فردا ، چه اگر فردایی برای تو بود ، در فردا نیز چنان باش که امروز بوده ای و اگر فردایی در کار نبود به خاطر کوتاهی کردن در کار امروزت پشیمان نشوی .
- امام علی (ع) : پس بنده ای از پروردگارش ترسید ، زیرا روز مرگش را نمی داند و آرزوهایش او را می فریبد و شیطان موکل اوست ، معصیت را برایش می آراید تا مرتکب آن شود و به توبه امیدوارش می کند تا در کار آن امروز و فردا کند ، تا آن که مرگ بر او هجوم آورد در حالی که در غفلت و بی خبری محض از آن به سر می برد.
- هرکس که مهلتش به سر آید (برای جبران گذاشته) مهلتی می طلبد و به هرکس که مهلتی داده شود در انجام کار امروز و فردا می کند.
- امام صادق (ع) : به تاخیر انداختن توبه فریفتگی است و امروز و فردا کردن بسیار سرگشتگی .
- امام باقر(ع) : زنهار از افکندن کار امروز به فردا ، زیرا این کار دریایی است که مردمان در آن غرق و نابود می شوند.
- امام سجاد(ع) - در مناجات خود - : مرادر گریستن بر خودم یاری رسان ، زیرا که با امروز و فردا کردن و آمال و آرزوها عمرخویش را بر باد فنا دادم و از آنها شدم که به خیر و نجات خود دیگر امیدی ندارند.
- امام علی (ع) : کسی که توبه اش را به تاخیر افکند ، دین ندارد.
- نادان شما بر گناه می افزاید ، و دانای شما کار امروز را به فردا می فکند.
- چونان کسی مباش که بدون عمل به آخرت امیدوار است و به سبب آرزوی دراز توبه را تاخیر می اندازد اگر شهوتی برایش پیش آید گناه را پیش افکند و توبه را پس اندازد.

بازار.

نکوهش بازار.

- امام باقر(ع) : بدترین جاهای زمین بازارهاست ، بازار میدان ابلیس است ، اول صبح پرچم خود را در آن جا نصب می کند و کرسیش را می گذارد و فرزندانش را همه سو می پراکند : از کسی که پیمانانه را کم می دهد تا کسی که ترازو را سبک می گیرد و کسی که در گز کردن دزدی می کند

یا کسی که برای فروش کالایش به دروغ متوسل می شود او به فرزندانش می گوید: بر شما باد به (فریفتن) مردی که پدرش مرده در حالی که پدرش هنوز زنده است ابلیس با اولین کسی که به بازار می آید وارد می شود و با آخرین نفری که بازار را ترک می کند بر می گردد.

- امام علی (ع): محفلهای بازارها، جایگاه حضور شیطان است.

- در نامه خود به حارث همدانی، می فرماید: از پاتوغهای بازارها پرهیز که محل حضور شیطانند و عرضه گاه فتنه ها و گمراهیها.
- پیامبر خدا(ص): بازار سرای بی خبری و غفلت است پس هر که در بازار یک تسیح گوید خداوند هزار هزار ثواب برایش رقم زند.

اندرز امام علی (ع) به بازاریان .

- حسن بن ابی الحسن بصری: هنگامی که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) به بصره آمد، بر من که در حال وضو گرفتن بودم گذر کرد و

فرمود: ای جوان! نیکو وضو بگیر خداوند نیکویت گرداند سپس به راه افتاد تا آن که وارد بازار بصره شد به مردم که در حال خرید و فروش بودند

نگاهی کرد و سخت گریست و آن گاه فرمود: ای بندگان دنیا و کارگران اهل دنیا! روز را به سوگند خوردنها می گذرانید و شب را به خوابیدن در

بسترهایتان و در این میان از آخرت غافلید، پس کی توشه آخرت فراهم می آورید و در کار معاد می اندیشید؟

مردی عرض کرد: ای امیر المؤمنین! باید برای تامین زندگی خویش بکوشیم و گرنه چه کنیم؟

امیر المؤمنین (ع) فرمود: کسب در آمد از راه حلال، مانع کار آخرت نیست اما اگر بگویی: چاره ای از احتکار نداریم عذرت پذیرفته نیست

آن مرد با چشمی گریان بر گشت امیر المؤمنین (ع) فرمود: برگرد تا برایت بیشتر توضیح دهم مرد بر گشت حضرت فرمود: بدان ای بنده خدا که هر

کس در دنیا برای آخرت کار کند، لاجرم مزد کارش را در آخرت کامل دریافت می کند و هر کس در دنیا برای دنیا کار کند مزد کارش در آخرت

آتش دوزخ است امیر المؤمنین (ع) سپس این سخن خدای تعالی را تلاوت کرد: ((پس هر که طغیان کرد و زندگی اینجهانی را برگزیده همانا جهنم جایگاه

اوست)).

- ابو سعید: علی (ع) وارد بازار می شد و می فرمود: ای بازاریان! از خدا بترسید و از سوگند خوردن دوری کنید، زیرا سوگند یاد کردن کالا

را رونق می دهد، اما برکت رامی برد همانا تاجر و کاسب فاجر و گنهکار است، مگر آن تاجر و کاسبی که در بده بستان حق را رعایت کند،

بدرودتان باد! سپس می رفت و چند روز بعد دوباره می آمد و سخنانی بدین گونه می فرمود هرگاه آن حضرت وارد بازار می شد بازاریان می گفتند

مرد شکنبه، یعنی شکم گنده، آمد و حضرت می فرمود: پابینش غذاست و بالایش علم.

- امام علی (ع) در بازارها گشت می زد و تجار و کسبه را اندرز می داد و می فرمود: ای جماعت تجار و کسبه! پیش از هر چیز از خدا طلب

خیر و برکت کنید و برکت را در آسانگیری (در معامله) بجویید و (با اخلاق خوش و برخورد درست) به مشتریان نزدیک شوید و خود را به زیور

بردباری بیارایید و از سوگند خوردن دست بردارید و از ظلم و حق کشی بترسید [دوری کنید] و بامظلومان انصاف داشته باشید و به رباخواری

نزدیک نشوید و پیمانان و ترازو را کامل گردانید و جنس مردم را کم ندهید و در زمین (و جامعه) دست به تبهکاری و فساد نزنید.

مسواک زدن .

تشویق به مسواک زدن .

- پیامبر خدا(ص): اگر ترس از سختگیری بر امتم نبود، به آنها دستور می دادم که با هر نمازی مسواک زنند.

- در سفارش به علی (ع)، می فرماید: بر تو باد به مسواک زدن با هر وضویی.

- نیز به علی (ع) می فرماید: بر تو باد به مسواک زدن، اگر توانستی که از این کار کم نکنی چنین کن، زیرا هر نمازی که با مسواک زدن بخوانی از

چهل روز نمازی که بی مسواک زدن بگزارى برتر است.

- وضو، نصف (یا جز) ایمن است و مسواک زدن نصف (یا جز) وضو.

- امام صادق (ع): مسواک زدن، از اخلاق پیامبران است.

- امام باقر(ع): اگر مردم بدانند که مسواک زدن چه فوایدی دارد، در هنگام شب مسواک را با خود به بستر می برند.

- از امام صادق (ع) سؤال شد: آیا این خلاق همه در شمار آدمیانند؟

حضرت فرمود: افرادی را که مسواک نمی زنند از شمار آنها بینداز.

- پیامبر خدا(ص): دهانهای خود را بامسواک زدن خوشبو کنید، زیرا دهانهای شما گذرگاههای قرآن است.

- دهانهای خود را پاکیزه کنید، زیرا گذرگاههای قرآنند.

سفارش جبرئیل (ع) به مسواک زدن .

- پیامبر خدا(ص): جبرئیل پیوسته مرا به مسواک زدن سفارش می کرد تا جایی که ترسیدم دندانهایم از ریشه درآیند یا ساییده شوند.

- جبرئیل همواره مرا به مسواک زدن توصیه می کرد، چندان که گمان کردم بزودی این کار را واجب خواهد کرد.

- همواره جبرئیل مرا به مسواک زدن سفارش می کرد، به اندازه ای که نگران دندانهای خود شدم.

- هیچ گاه دوستم جبرئیل (ع) نزد من نیامد مگر این که مرا به مسواک زدن توصیه کرد، تا جایی که نگران ساییده شدن دندانهای

پیشین خود شدم .

فواید مسواک زدن .

- امام علی (ع) : مسواک زدن , نور چشم را زیاد می کند.

- امام صادق (ع) : مسواک زدن , آبریزش چشم را از بین می برد و نور آن را زیاد می کند.

- امام رضا(ع) : مسواک زدن , نور چشم را زیاد می کند و مو را پرپشت می کند و آبریزش چشم را برطرف می سازد.

- امام صادق (ع) : مسواک زدن , دوازده ویژگی دارد : از سنت است , دهان را تمیزی می سازد , نور چشم را زیاد می کند , خدای رحمان را خشنود

می گرداند , دندانها را سفید می کند , پوسیدگی آنها را از بین می برد , لثه را محکم می سازد , اشتها را باز می کند , بلغم را می برد , حافظه را زیاد

می کند و حسنات دو چندان می شوند و فرشتگان شاد می گردند.

- پیامبر خدا(ص) : هر که دو چوب (مسواک) را به کار گیرد از رنج و درد گاز انبر در امان ماند.

- مسواک زدن , بر زبان آوری مرد می افزاید.

- امام صادق (ع) : بر شما باد به مسواک زدن , زیرا این کار وسوسه سینه را از بین می برد.

آداب مسواک زدن .

- پیامبر خدا(ص) : دندانهایتان را از عرض (عمودی) مسواک بزنید نه از طول (افقی).

- یک روز در میان سرمه بکشید و دندانهایتان را از عرض مسواک بزنید.

- پیامبر خدا(ص) هرگاه مسواک می زد از عرض می زد و شبی سه بار مسواک می زد: یک بار پیش از خواب , یک بار وقتی که از خواب برای راز

و نیاز برمی خاست و یک بار پیش از آن که برای نماز صبح بیرون رود آن حضرت به دستور جبرئیل با چوب درخت مسواک , مسواک می زد.

استحباب مسواک زدن در سحرگاه .

- امام صادق (ع) : هرگاه شب (برای عبادت) برخاستی مسواک بزن , زیرا فرشته می آید و دهانش را بر دهان تو می گذارد و هر کلمه ای را که

تلاوت کنی و به زبان آوری به آسمان بالا می برد بنابراین , باید دهانت خوشبو باشد.

- امام باقر(ع) : مسواک زدن در سحرگاه پیش از وضو گرفتن , جز سنت است .

- امام صادق (ع) : رسول خدا(ص) چون نماز خفتن را می خواند , دستور می داد ظرف وضو و مسواکش را کنار سرش بگذارند در روایتی

دیگر آمده است : آن حضرت هر بار که از خواب بیدار می شد مسواک می زد.

جوانی .

جوانی .

- پیامبر خدا(ص) : جوانی , شاخه ای ازدیوانگی است .
- امام علی (ع) : نادانی جوان , بخشودنی است و دانش او ناچیز .
- دو نعمت است که قدر آن را نداند مگر کسی که از دستشان دهد : جوانی و تندرستی .
- پیامبر خدا(ص) : بهترین جوانان شما همانندی جوید و بدترین میانسالان ((۵)) شما کسی است که رفتار جوانان شما از او سرزند.
- امام صادق (ع) : ورقه بن نوفل هر گاه نزد خدیجه بنت خویلد می رفت به او چنین سفارش می کرد : ((بدان که جوان نیک خوی , کلید خیر و قفل شر است و جوان زشت خوی قفل خیر و کلید شر است .
- امام علی (ع) : بدانید , خدایتان رحمت کناد , که شما در روزگاری به سر می برید که حقگویان اندکنند جوانان نشان بدخوی وناسازگارند و پیرانشان گنهکار و عالمانشان منافق .

تربیت نوجوانان .

- امام علی (ع) : همانا قلب نوجوان همچون زمینی بایر است که هرچه در آن افکنده شود می پذیرد.
- امام صادق (ع) : به احوال فرمود : به بصره رفتی ؟
- عرض کرد : آری فرمود : شوق مردم به این امر(ولایت و امامت ما) و پذیرش آنها را چگونه دیدی ؟
- عرض کرد : به خدا قسم اندکنند , کارهایی کرده اند اما کم است حضرت فرمود : بر تو باد به نوجوانان , زیرا این گروه در پذیرش هر نوع خوبی شتاب بیشتری نشان می دهند.

آموختن در جوانی .

- پیامبر خدا(ص) : هر که در جوانی دانش آموزد علم او همچون نقشی است که بر سنگ حک شود و هر که در بزرگسالی بیاموزد , کارش همچون نوشتن بر روی آب است .
- امام علی (ع) : آموختن دانش در خردسالی , همچون نقشی است که بر روی سنگ کنده شود.
- پیامبر خدا(ص) : هر که در دوران خردسالی علم نیاموزد و در بزرگسالی دنبال آن رود و (در ضمن تحصیل علم) بمیرد , شهید مرده است .
- ایوب (ع) : خداوند تخم حکمت را در دل کوچک و بزرگ می افشانند , پس هر گاه خداوند بنده را در کودکی حکیم گرداند , کم سالی او منزلت وی را نزد حکیمان پست نگرداند چون نور حکمت الهی را در وجود او می بینند.

جوان و ترک تحصیل علم.

- امام کاظم (ع): اگر جوانی از جوانان شیعه را ببینم که فقه نمی آموزد، او را با شمشیر ضربتی می زنم.
- امام باقر (ع): اگر جوان شیعه ای را نزد من بیاورند که علم (دین) نمی آموزد، او را تنبیه می کنم.
- امام صادق (ع): دوست ندارم جوان شمارا جز در دو حال ببینم: دانشمند یا دانش آموز، زیرا اگر چنین نباشد کوتاهی کرده و چون کوتاهی کند، ضایع گشته و چون ضایع گردد، گنهکار باشد و چون گنهکار باشد، سوگند به آن که محمد را بحق برانگیخت، در آتش جای گیرد.

ارزش جوان عابد.

- پیامبر خدا (ص): خدای تعالی، جوان توبه کار را دوست دارد.
- هیچ چیز نزد خدای تعالی محبوبتر از جوان توبه گر نیست و هیچ چیز نزد خدای تعالی منفورتر از پیر پایدار بر گناهانش نمی باشد.
- خدای تعالی، به وجود جوان عبادت پیشه بر فرشتگان می نازد و می فرماید: بنگرید این بنده مرا! به خاطر من از شهوت خویش دست کشیده است.
- برتری جوان عابدی که در جوانی خود ره بندگی پیش گرفته، بر پیری که در بزرگسالی به عبادت روی آورده، همچون برتری فرستادگان الهی بر دیگر مردمان است.
- هفت نفرند که در آن روز که سایه ای جز سایه خدا نیست، آنان در سایه خدا جای دارند: پیشوای دادگر و جوانی که با بندگی و عبادت خدای عزوجل نشو و نما یابد.

ارزشی کسی که جوانیش را در طاعت خدا گذراند.

- پیامبر خدا (ص): هیچ جوانی نیست که دنیا و خوشیهای دنیا را به خاطر خدا رها کند و جوانیش را در راه طاعت خدا به پیری رساند، مگر این که خداوند پاداش هفتاد و دو صدیق را به او عطا کند.
- محبوبترین خلاق نزد خدای عزوجل جوان نورسته خوش سیمایی است که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و در راه طاعت او بگذارد خداوند
- رحمان به وجود چنین جوانی بر فرشتگانش می نازد و می فرماید: این است بنده راستین من.
- خداوند جوانی را که جوانی خویش را در راه طاعت خدای تعالی بگذراند دوست می دارد.
- ابراهیم (ع) چون در محاسن خود موی سپیدی را دید گفت: سپاس و ستایش خداوند پروردگار جهانیان را که مرا به این مرحله از عمر رسانید و چشم بر هم زدنی معصیت او نکردم.

معنای فتی .

- امام صادق (ع) به سلیمان بن جعفر نهدی فرمود: ای سلیمان! فتی کیست؟

اومی گوید: عرض کردم: ما به جوان فتی می‌گوییم حضرت فرمود: مگر نمی‌دانی که اصحاب کهف همگی میانسال بودند، اما خداوند به سبب

ایمانشان آنان را فتیه (جوانان) نامید؟

ای سلیمان! هر که به خدا ایمان آورد و با تقوا باشد او فتی (جوان، جوانمرد) است.

- به مردی فرمود: شما به چه کسی فتی می‌گویید؟

عرض کرد: به جوان حضرت فرمود: نه، فتی مؤمن است اصحاب کهف همگی بزرگسال بودند اما خداوند عزوجل آنان را به سبب ایمانی که

داشتند فتیه (جوانان، جوانمردان) نامید.

شبهه .**شبهه .**

- امام علی (ع): شبهه به این دلیل شبهه نامیده شده که شبیه حق است، اما اولیای خدادار هنگام شبهه روشنایی راهشان یقین است و راهنماییشان راه

راست، ولی دشمنان خدا به گاه شبهه دعوتشان گمراهی است و راهنماییشان کوری.

- از شبهه حذر کنید، زیرا که شبهه به قصد فتنه و گمراه سازی ساخته شده است.

- در نامه خود به معاویه، می‌فرماید: از شبهه و اشتباه افکنیهای آن پرهیز، زیرا دیر زمانی است که فتنه پرده های سیاه خود را گسترده و تاریکی آن

دیدگان را فروپوشانده است.

- همانا منفورترین مردمان نزد خدا دو مردند: مردی که خداوند او را به خودش وا گذاشته است و مردی که جهالت و نادانی را از این سو و آن سو

فراهم آورده و در میان نادانان این امت تاخت و تاز می‌کند در برابر ابهام شبهات همچون تار عنکبوت است، نمی‌داند درست داوری می‌کند یا

نادرست.

- شنید که عمار بن یاسر با مغیره بن شعبه در موضوعی بحث و مجادله می‌کند، به او فرمود: رهایش کن ای عمار! زیرا او از دین خود جز چیزی

که به دنیایش نزدیک کند، فرانگرفته است و به عمد امور را بر خود مشتبه ساخته تا شبهات را بهانه ای برای لغزشها و خلافکاریهای خویش کند.

- در نامه ای به معاویه، می‌نویسد: تو گروه بسیاری از مردم را تباه کردی، آنان را با گمراهی خویش فریفتی و در موج دریای (پلیدیهای) خود

افکندی که تاریکیها آنان را فرو پوشانده و امواج شبهات بر سر آنان به تلاطم در آمده است.

- گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده خداست، او را با دین بلند آوازه و نشانه برگزیده و کتاب نبشته و نور درخشان و پرتو تابان و فرمان آشکار و آشکار کننده حق از باطل فرستاد، تا شبهات را بزدايد و با دليل و برهان حجت آوری کند و با آیات هشدارشان دهد.

وجوب درنگ در هنگام پیش آمدن شبهه .

- امام باقر(ع) : درنگ کردن در گاه پیش آمدن شبهه بهتر از فرو رفتن در گرداب هلاکت است حدیثی را روایت نکنی بهتر است از این که حدیثی را نفهمیده روایت کنی .

- امام علی(ع) : از پیمودن راهی که بیم گمراه شدن در آن را داری خودداری کن، زیرا باز ایستادن از سرگشتگی گمراهی بهتر از مواجه شدن به هول و هراسهاست .

- درنگ کردن در هنگام سرگردانی توفیق است .

- هیچ ورعی چون باز ایستادن در هنگام روبه رو شدن با شبهه نیست .

- امام صادق(ع) : پارساترین مردم کسی است که به گاه شبهه توقف کند.

- امام علی(ع) : ریشه دوراندیشی توقف در مقام شبهه است .

- در سفارش به فرزند خود حسن(ع) ، می فرماید : ای حسن ! تو را سفارش می‌کنم - و همین سفارش تو را بس است - به آنچه که رسول خدا

مرا بدان سفارش فرمود خاموشی در هنگام شبهه .

- امام باقر(ع) ، در پاسخ به پرسش زراره از حق خدا بر بندگان ، فرمود : حق خدا بر بندگان این است که آن گویند که می‌دانند و در آنچه نمی‌دانند درنگ کنند.

- امام جواد(ع) : آن عالمی بیشتر رهپوی راه روشن است ، که به هنگام روبه رو شدن با شبهه خویشتن نگه دارد.

- امام سجاد(ع) در دعا : - خدایا ! هرگاه امور بر من مشکل و در هم شد مرا به (یافتن) درست ترین آنها و هرگاه کردارها بر من مشتبه گشت به

پاکیزه ترین آنها و هرگاه عقاید و مذاهب متناقض شدند به پسندیده ترینشان توفیقم ده .

- نیز در دعا : - خدایا ! تندرستی توام با عبادت و آسودگی همراه با زهد و علم با عمل و پارسایی همراه با اعتدال و میانه روی روزیم فرما.

- امام علی(ع) : هر که از کیفیهایی که بر سر پیشینیانش آمده است عبرت گیرد ، تقوا و پرهیزگاری او را از فرو افتادن در ورطه شبهات باز دارد.

وجوب فرو گذاشتن شبهات .

- امام علی(ع) : حلالی آشکار وجود دارد (و حرامی آشکار) و میان این دو شبهات است ، پس هر که آنچه را بر او مشتبه

شده فرو گذارد ,

بیگمان حرامی را که برایش آشکار است بیشتر فرو می گذارد.

- پیامبر خدا(ص) : آنچه را که تو را به شبهه می اندازد فرو گذار و آنچه را موجب شبهه برای تو نمی شود , به کار بند , زیرا فقدان چیزی را که

برای خدای عزوجل فرو گذاشته ای هرگز حس نخواهی کرد.

- آنچه را که به شبهه ات می اندازد , ترک کن و آن را به کار بند که برایت شبهه انگیز نیست , زیرا کسی که پیرامون منطقه فرق شده بچراند در آستان

وارد شدن به قرقگاه قرار دارد.

- امام علی (ع) : زنهار از افتادن در شبهات و آزمندی به شهوات , زیرا این دو امر تو را به افتادن در ورطه حرام و ارتکاب بسیاری از گناهان می

کشانند.

- کارها سه گونه اند : کاری که درستی آن بر تو روشن است , آن را دنبال کن , کاری که ضلالت و نادرستی آن بر تو آشکار است , از آن دوری

کن و کاری که برایت مبهم است آن را به دانای آن ارجاع ده .

- پیامبر خدا(ص) : امور سه گونه اند : امری که درستی آن بر تو روشن است , پس از آن پیروی کن , امری که ضلالت و نادرستی آن بر تو آشکار

است , پس از آن دوری کن و امری که در آن اختلاف است , آن را به خدای عزوجل ارجاع ده .

- امام صادق (ع) : امور سه گونه اند : امری که درستی آن روشن است , پس باید آن را به کار بست امری که گمراهی و نادرستی اش آشکار است

, پس باید از آن دوری کرد و امری مبهم است پس باید علم آن را به خدا و رسولش ارجاع داد رسول خدا(ص) فرمود : حلالی روشن وجود

دارد و حرامی روشن و در این میان اموری است مشتبه و مبهم , پس هر که شبهات را رها کند , از حرامها نجات یابد و هر که شبهات را بگیرد مرتکب

حرامها شود و ندانسته به هلاکت در افتد.

- امام علی (ع) : در نامه ای به عثمان بن حنیف , کارگزار خود در بصره , می فرماید : اما بعد , ای پسر حنیف ! به من خبر رسیده که مردی از

جوانان بصره تو را به ولیمه ای دعوت کرده و تو به آن شتافته ای پس , بنگر که بر سر این سفره بر چه غذایی دندان می نهی , آنچه را که حلال و

حرامش بر تو آشکار نیست , از دهان بیرون افکن و آنچه را به پاکی راههای فراهم آوردنش یقین داری بخور .

شاخه های شبهه .

- امام علی (ع) : شک چهار شاخه دارد : ستیزیدن (در دین) , ترس , تردید و تسلیم شدن (در برابر جهل و جاهلان و هلاکت دنیا و آخرت).

- شبیه چهار شاخه دارد : دل باختن در برابر زیور (دنیا) , وسوسه نفس و توجیه کردن کجیها و آمیختن حق به باطل . مانند سازی و تقلید.

مانند سازی و تقلید.

- امام علی (ع) : در پاسخ به سؤال از این فرمایش پیامبر(ص) که : ((سپیدی موی (سرو صورت) خود را تغییر دهید و خود را به یهود مانند

نسازید)) , فرمود : رسول خدا(ص) این سخن را زمانی فرمود که دین (مسلمانان) در اقلیت بود , اما امروز که قلمرو آن گسترش یافته و پایه های

آن استوار گشته است , مرد آزاد است (که خضاب کند یانه).

- امام صادق (ع) : از پدران بزرگوار خویش : رسول خدا(ص) مرد را از مانند سازی خود به زنان باز داشت و زن را نیز از این که در پوشش

خود از مردان تقلید کند نهی فرمود.

- پیامبر خدا(ص) : از ما نیست آن زنی که خود را شبیه مردان کند و نه آن مردی که خود را به زنان مانند سازد.

- لعنت خدا بر مردی که به طرز زنان لباس پوشد و بر زنی که به شکل مردان لباس پوشد.

- امام علی (ع) : در مسجد رسول خدا(ص) مردی را دید که خود را به صورت زن در آورده است فرمود : بیرون شو از مسجد رسول خدا , ای

کسی که رسول خدا لعنتش کرده است سپس فرمود : شنیدم که رسول خدا(ص) می فرماید : لعنت خدا بر مردانی که خود را شبیه زنان می کنند و

بر زنانی که خود را به شکل مردان در می آورند.

- امام صادق (ع) : از پدران بزرگوارش (ع) : خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود که به مردم خود بگو : لباس دشمنان مرا نپوشید و خود را به

شکل و شمایل دشمنان من در نیاورید که در این صورت شما نیز همچون آنها دشمن من خواهید بود.

- بهترین جوانان شما جوانی است که خود را همانند میانسالان در آورد و بدترین میانسالان شما میانسالی است که از جوانان تن تقلید کند.

- امام علی (ع) : کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند و بزودی یکی از آنها نشود.

- سخن چین , ناباب و خیانتکار است , گرچه خود را مانند خیرخواهان جلوه دهد.

- امام سجاد(ع) : اسما بنت عمیس به من گفت : خدمت فاطمه (ع) بودم که رسول خدا(ص) وارد شد در گردن آن بانو گردنبندی از طلا بود که علی

بن ابی طالب (ع) از مال غنیمت برای ایشان خریده بود رسول خدا(ص) به فاطمه (ع) فرمود : ای فاطمه ! (یک وقت) مردم نگویند که فاطمه

دختر محمد از پوشش جباران استفاده می کند پس , فاطمه (ع) گردنبد را کند و آن را فروخت و با پول آن بنده ای خرید و آزاد کرد و رسول

خدا(ص) از این کار خوشحال شد.

درخت .**درختکاری .**

قرآن .

((آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان برایتان آب فرستاد و بدان بوستانهایی خوش منظر رویانیدیم که شما را توان رویانیدن

درختی از آن نیست آیا با وجود الله خدای دیگری هست ؟

نه ، بلکه آنها مردمی منحرفند)).

- پیامبر خدا(ص) : اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد ، چنانچه بتواند برنخیزد تا آن نهال را بکارد این کار را بکند.

- هر مسلمانی بذری بیفشاند یا نهالی بنشاندو از حاصل آن بذر و نهال پرنده ای یا انسانی یا چرنده ای بخورد ، آن برای او صدقه محسوب شود.

- هیچ مردی نیست که درختی بنشاند ، مگر این که خداوند به اندازه میوه ای که آن درخت می دهد برایش اجر بنویسد.

- هر که درختی بنشاند و در راه نگهداری و رسیدگی به آن صبر کند تا میوه دهد ، درقبال هر میوه ای از آن که روزی جوینده ای بخورد ، یک صدقه

نزد خدا برایش منظور می شود.

- هر مردی که زمینی را احیا کند و از آب آن زمین جگری تفتیده بنوشد یا از محصولش روزی جوینده ای نصیبی برد ، خداوند تعالی درقبال آن

اجری برایش رقم زند.

- هر که زمین مرده ای را زنده کند ماجور است و آنچه روزی جوینده ای از محصول آن بخورد ، برایش صدقه باشد.

- امام صادق (ع) : در پاسخ به سؤال از مکروه بودن شغل کشاورزی ، فرمود : زراعت کنید و درخت بکارید ، به خدا سوگند که مردم شغلی حلالتر

و پاکیزه تر از آن پیشه نکرده اند به خدا سوگند بعد از خروج دجال ، کشاورزی و نخل کاری رونق بسزایی خواهد یافت !.

قطع درخت .

- امام صادق (ع) : درختان میوه را قطع نکنید ، که خداوند بر سر شما عذاب فرومی ریزد.

- امام کاظم (ع) ، در پاسخ به پرسش محمدبن ابی نصر از بریدن درخت سدر ، فرمود : یکی از دوستان تو نیز در این باره از من پرسید و من به

او نوشتم : ابو الحسن (ع) درخت سدری را برید و به جای آن یک تاک نشانند.

- امام صادق (ع) : قطع درخت خرما ، مکروه است .

- در پاسخ به سؤال از قطع درخت ، فرمود : اشکالی ندارد عماربن موسی می گوید : عرض کردم : درخت سدر چه ؟

فرمود : اشکالی ندارد ، قطع درخت سدر در بیابان مکروه است چون این درخت در صحرا کمیاب است اما در این جا کراهتی ندارد . شجاعت .

شجاعت .

- امام علی (ع) : شجاعت , یکی از دو عزت است .
- شجاعت , عزتی نقد است .
- شجاعت , نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است .
- اگر خصلتها از یکدیگر متمایز و جدا شوند , هر آینه راستی با شجاعت باشد و بزدلی با دروغ .
- سخاوت و شجاعت خصلتهای والایی هستند که خداوند سبحان آن دو را در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده باشد می گذارد .
- در فرمان استانداری مصر به مالک اشتر , می نویسد : دیگر آن که با ارباب مروت و آنان که از خانواده های شریف و شایسته هستند و پیشینه های نیکو دارند و سپس با کسانی که دلاور و شجاع و بخشنده و گشاده دستند همنشین باش , که اینان کان کرم و بزرگواریند .

تفسیر شجاعت .

- امام علی (ع) : شجاعت , ساعتی صبر کردن است .
- به ستوه آمدن , آفت است و نستوهی , شجاعت .
- امام حسن (ع) , در پاسخ به این سؤال که شجاعت چیست ؟ فرمود : ایستادگی در برابر هموردان و پایداری در نبرد .

عوامل شجاعت زا .

- امام علی (ع) : شجاعت بر سه خصلت سرشته شده که هر یک از آنها را فضیلت و ارزشی است که دیگری فاقد آن است : از خود گذشتگی , تن ندادن به خواری و ذلت و نامجویی اگر این سه خصلت در آدم شجاع یکسان و کامل وجود داشته باشند , پهلوانی است که حریف ندارد و در روزگار خود به دلاوری نامور باشد و اگر یکی از این خصلتها در او فزونتر از دیگری باشد شجاعت او در آن خصلت بیشتر و بیابکیش در آن شدیدتر است .
- قدر و اندازه مرد به قدر همت اوست و راستگویی و صداقتش به قدر مردانگی او و شجاعتش به قدر غیرت او .
- شجاعت مرد به قدر همت اوست و غیرتش به قدر تن ندادن او به ذلت .
- شجاعت به اندازه ننگ داشتن از ذلت است .

شجاعترین مردم .

- امام علی (ع) : شجاعترین مردم , بخشنده ترین آنهاست .
- شجاعترین مردم , کسی است که بابر دباری بر نادانی چیره آید .

- شجاعت از خردمند , وجود ندارد.
- قویترین مردم , کسی است که بر نفس خویش مسلطتر باشد.
- زورمندتر از کسی که بر نفس خویش زور شود و زمام آن را در اختیار گیرد وجود ندارد و ناتوانتر از کسی که نفس خویش را واگذارد و آن را به هلاکت کشاند وجود ندارد.
- چه دلاور است شخص بی گناه و چه ترسوست مشکوک و متهم .
- پیامبر خدا(ص) : آیا زورمندترین و قویترین شما را معرفی نکنم ؟
- عرض کردند : چرا , ای رسول خدا! فرمود : زورمندترین و قویترین شما کسی است که هرگاه خوش و خرسند باشد به گناه و نادرستی کشیده نشود و هرگاه ناراحت و ناخشنود شود از جاده حقگویی خارج نشود و هرگاه قدرت یابد آنچه را که حق او نیست نستاند.

آفت شجاعت .

- امام علی (ع) : آفت شجاعت , فرو گذاشتن دور اندیشی است .
- آفت نیرومند , ناتوان شمردن دشمن است .

شجاعت (متفرقه) .

- امام عسکری (ع) : همانا شجاعت , اندازه ای دارد که اگر از آن فراتر رود تهور است .
- امام علی (ع) : میوه شجاعت , غیرت است .
- لقمان (ع) : شجاع , جز در جنگ شناخته نمی شود.
- امام صادق (ع) : سه کس اند که جز در سه جا شناخته نمی شوند بردبار جز در هنگام به خشم آمدن شناخته نشود و شجاع جز در جنگ و برادر جز در هنگام نیازمندی .
- امام علی (ع) , در نامه خود به مالک اشتر , می فرماید : باید مقربترین سردار سپاهت نزد تو آن سرداری باشد که با کمکهای خود به سپاهیان خود آنان را یاری رساند پس آرزوها و خواستههای آنان را برآور و از آنها پیوسته به نیکویی یاد کن و از رنج و محنتی که سختی کشیدگان آنان دیده اند تقدیرنما , زیرا یاد کرد بسیار از کارهای نیک ایشان , به خواست خدا , شجاع را بر می انگیزد و ترسوی سست دل را (به دلیری تشویق می کند .
- تنگ چشمی .

تنگ چشمی .

قرآن .

((و کسانی که از تنگ چشمی خویش مصون مانند , آنان رستگاراند)).

- پیامبر خدا(ص) : از تنگ چشمی بپرهیزید , زیرا پیشینیان شما به سبب همین تنگ چشمی نابود شدند آنها را به دروغ وامی داشت , دروغ می گفتند به

ظلم و حق کشی و امی داشت , حق کشی می کردند, به بریدن پیوندهای خویشاوندی دستور می داد, می بریدند.

- هیچ چیز مانند تنگ چشمی ایمان را از بین نمی برد سپس فرمود : این تنگ چشمی را حرکتی است چون حرکت مورچه و شعبه هایی است همانند : شعبه های شرک .

- امام علی (ع) شنید که مردی می گوید : تنگ چشم عذرش پذیرفته تر از ظالم است حضرت به او فرمود : اشتباه می کنی , زیرا ظالم ممکن است توبه

و استغفار کند و حق را به حقدار برگرداند , اما تنگ چشم از پرداخت زکات و صدقه دریغ می کند و وارد شدن تنگ چشم به بهشت حرام است .

- فضل بن ابی قره : امام صادق (ع) را دیدم که از سر شب تا به صبح طواف می کند و پیوسته می گوید : خدایا! مرا از تنگ چشمی نفسم نگهدار

عرض کردم : فدایت شوم , در طول این مدت دعایی جز این از شما نشنیدم ؟

حضرت فرمود : از نفس بدتر چیست ؟

خداوند می فرماید : ((و کسانی که از تنگ چشمی نفس خویش مصون مانند رستگارند)).

- از امام علی (ع) سؤال شد : با این که شما از قوم خود به این مقام (خلافت) سزاوارترید , چگونه شد که آنها شما را از آن باز پس زدند؟

حضرت فرمود : به زور گرفتن این مقام از دست ما , با آن که ما از نظر نسب بالاتر و پیوند خویشی ما به رسول خدا(ص) بیشتر و استوارتر است ,

به این سبب است که خلافت امتیازی بود که عده ای به آن آزمندی و زفتی نشان دادند و گروهی (اهل بیت) سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند و

داور خداست .

تفسیر تنگ چشمی و تنگ چشم .

- امام صادق (ع) : تنگ چشم , کسی است که حق خدا را نپردازد و در راهی جز حق خدای عزوجل خرج کند.

- امام حسن (ع) , در پاسخ به پرسش پدرش از او درباره تنگ چشمی , عرض کرد : تنگ چشمی آن است که آنچه را داری مایه شرافت پنداری و

آنچه را انفاق کنی , تلف شده و بر باد رفته انگاری .

- امام صادق (ع) : تنگ چشمی , بالاتر و بدتر از بخل است , زیرا بخیل نسبت به آنچه خود دارد بخل می ورزد , اما تنگ چشم هم به مال مردم و هم

به مال خودش بخل می ورزد , تا جایی که هر چه دست مردم می بیند آرزو می کند که , به حلال یا حرام , از آن او باشد , از آنچه خدا روزیش کرده

نه سیر می شود و نه سودی بر می گیرد.

تنگ چشم ترین مردم .

- امام علی (ع) ، در پاسخ به این سؤال که تنگ چشم ترین مردم کیست ؟
، فرمود : کسی که مال را به ناروا به دست آورد و به ناحق خرجش کند.

بدی .

معیار خوب و بد.

قرآن .

((جنگ بر شما مقرر شد در حالی که برای شما ناگوار است چه بسا چیزی را ناخوش دارید در صورتی که آن برای شما خوب است و بسا

چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است خدا می داند و شما نمی دانید)).

((و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده است ، بخل می ورزند ، هرگز تصور نکنند که برای ایشان خوب است ، بلکه برایشان

بد است بزودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند ، روز قیامت طوق گردنشان می شود میراث آسمانها و زمین از آن خداست و خدا به آنچه می کنید آگاه است)).

((و آدمی به دعا شری را می طلبد چنان که گویی به دعا خیری را می جوید و انسان همواره شتابزده است)).

- امام علی (ع) : آن خوبی که در پی آن آتش باشد ، خوب نیست و آن بدی که به دنبالش بهشت باشد ، بد نیست هر نعمتی در قیاس با بهشت حقیر و

ناچیز است و هر رنج و بلائی در مقابل دوزخ عافیت است .

- خیری که جز با شر به دست نیاید چه خیری است و آسودگی و گشایشی که جز با عسرت و سختی حاصل نشود چه آسودگی ؟

- خدای سبحان کتابی راهنما فرستاد و در آن خوب و بد را روشن ساخت پس راه خوبی را پیش گیرید تا هدایت شوید و از راه بدی دوری جوید تا به

مقصد برسید.

بدترین مردم .

قرآن .

((همانا بدترین جنبندها نزد خدا ، کران و لالانی هستند که نمی اندیشند)).

((هر آینه بدترین جنبندها نزد خدا آنهاست که کافر شده اند و ایمان نمی آورند)).

- امام علی (ع): بدترین مردم نزد خدا، پیشوای منحرفی است که خود گمراه است و موجب گمراهی (دیگران) می شود.
 - پیامبر خدا(ص): بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرت خود را برای دنیای دیگران بفروشد.

- روز قیامت بدترین مردم در پیشگاه خدا کسانی هستند که مردم از ترس گزندشان به آنها احترام بگذارند.

- امام علی (ع): بدترین مردم کسی است که مردم از ترس شرارت او از وی پرهیز کنند.

- بدترین مردم کسی است که به مردم ستم کند.

- بدترین مردم کسی است که با مردم دغلی و خیانت کند.

- بدترین مردم کسی است که عذر نپذیرد و از خطا(ی کسی) نگذرد.

- بدترین مردم کسی است که برایش مهم نباشد مردم او را بدکار بینند.

- بدترین مردم کسی است که شکر نعمت نگذارد و حرمت (مردم) را پاس ندارد.

- بدترین مردمان کسی است که سعایت برادران کند و احسان و خوبی را از یاد برد.

- بدترین مردم کسی است که به خیرش امیدی نرود و از شرش ایمنی نباشد.

- بدترین مردمان کسی است که به امانتداری پایبند نباشد و از خیانت پرهیز نکند.

- بدترین مردم کسی است که لغزش را نمی بخشد و عیب پوشی نمی کند.

- بدترین مردم کسی است که علیه مظلوم کمک می کند.

- بدترین مردم کسی است که زره پستی در پوشد و ستمکار را یاری رساند.

- بدترین مردمان کسی است که عیبجوی دیگران باشد و عیبهای خویش را نبیند.

- بدترین مردم کسی است که بدخواه مردم باشد.

- بدترین مردم کسی است که در کار پروردگارش از مردم بترسد و در کار مردم از پروردگارش نترسد.

- بدترین مردم کسی است که به سبب بدبینی به هیچ کس اعتماد نمی کند و به سبب بدکرداریش کسی به او اعتماد نمی نماید.

- بدترین مردم کسی است که خود را بهترین آنان پندارد.

- بدترین مردم کسی است که آرزویش دراز و کردارش بد باشد.

- بدترین مردم کسی است که پاداش خوبی را به بدی دهد.

- پیامبر خدا(ص): بدترین مردم فاسقی است که کتاب خدا را خوانده و در دین خداداناست سپس خود را در اختیار فردی فاجر می گذارد که چون

سرخوش می شود قرآن خواندن و گفتگوی با او را وسیله لذتجویی و سرگرمی خویش قرار می دهد پس خداوند بر دل گوینده و شنونده مهر می زند.

- بدترین مردم سه پهلوست عرض شد: ای رسول خدا! سه پهلو کیست؟

حضرت فرمود: کسی که از برادر خود نزد حاکم سعایت می کند و در نتیجه، هم خودش هم برادرش و هم حاکم را به ورطه هلاکت می اندازد.

- در روز قیامت یکی از بدترین مردمان نزد خدای عزوجل آدم دو روست.

- در پاسخ به این سؤال که: بدترین مردم چه کسانی هستند, فرمود: علمای فاسد.

- امام صادق (ع): بدترین مردم, بازرگانان خیانتکارند.

- پیامبر خدا(ص): روز قیامت بدترین مردم در پیشگاه خدای عزوجل عالمی است که از علم خود سودی نمی برد.

- به معاذ فرمود: آیا تو را از بدترین فرد مردم خبر ندهم؟

: کسی که تنها بخورد, دهش نکند, تنها سفر کند و بنده اش را بزند آیا بدتر از این را به تو نشاناسانم؟

: کسی که مردم را دشمن دارد و مردم نیز او را دشمن دارند آیا بدتر از این را به تو معرفی نکنم؟

: کسی که بیم شرش برود و به خیرش امیدی نرود, آیا تو را به بدتر از این آگاه نکنم؟

: کسی که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد آیا بدتر از این را به تو معرفی نکنم؟

: کسی که دنیا را با دین بخورد.

- روز قیامت یکی از بی ارج ترین مردمان در پیشگاه خداوند بنده ای است که آخرت خود را برای دنیای دیگران از دست دهد.

- امام صادق (ع) از پدران خود نقل می کنند که پیامبر خدا(ص) فرمود: آیا شما را از بدترین افراد مردم خبر ندهم؟

عرض کردند: چرا, ای رسول خدا فرمود: کسی که مردم را دشمن بدارد و مردم نیز او را دشمن بدارند سپس فرمود: آیا بدتر از

این رابه

شما معرفی نکنم؟

عرض کردند: چرا, ای رسول خدا, فرمود: کسی که از لغزشی در نمی گذرد و عذر و پوزشی را نمی پذیرد و گناهی را نمی

بخشد سپس فرمود

: آیا شما رابه بدتر از این فرد آگاه نسازم؟

عرض کردند: چرا, ای رسول خدا فرمود: کسی که از شرش ایمنی نیست و به خیرش امیدی نمی رود.

- یکی از بدترین بندگان خدا کسی است که بر اثر بد زبانی کسی رغبت به همنشینی با او نمی کند.

- بدترین مردان کسی است که زود به خشم می آید و دیر خشنود می شود.

بدترین خلاق.

- پیامبر خدا(ص): بدانید که بعد از این روزگار شما, روزگاری بس سخت فرا می رسد, توانگر آنچه دارد, از ترس انفاق و

باچنگ و دندان نگه

می دارد, حال آن که خدای تعالی فرموده است: ((اگر چیزی انفاق کنید عوضش را می دهد)) در راس بدترین خلاق کسانی

هستند که با افراد

مضطر معامله می کنند بدانید که معامله با افراد مضطر حرام است.

- به علی (ع) فرمود: بگو: خدایا! مرا به بدترین افراد خلق خود نیازمند مگردان عرض کردم ای رسول خدا! بدترین خلق او چه

کسانی هستند؟

فرمود: کسانی که چون به آنان عطا شود (از عطای به دیگران) دریغ ورزند و هرگاه عطا نشوند عیبجویی و انتقاد کنند.

بدترین افراد مردم.

- پیامبر خدا(ص): یکی از بدترین مردمان, مرد فاجر و گستاخی است که کتاب خدای تعالی را می خواند و از هیچ چیز آن پند

نمی گیرد.

- بدترین مردمان کسانی هستند که مردم را خرید و فروش می کنند.
- بدترین افراد امت من ناز پروردگان متعتمد.
- بدترین مردم ، بدترین عالمان در میان مردمنند.

بدترین مسلمانان .

- پیامبر خدا(ص) : آیا شما را از بدترین مردانتان خبر ندهم ؟

عرض کردیم : چرا ، ای رسول خدا فرمود : از بدترین مردان شما کسانی هستند که به مردم پیوسته تهمت می زنند ، گستاخند ، بد زبانند ، تنها خورند

، دست دهنده ندارند ، بنده خود را می زنند و کاری می کند که عائله اش (برای تامین مخارج خود) به دیگری پناه برند.

- آیا شما را از بدترین افرادتان خبر ندهم ؟

عرض کردند : چرا ، ای رسول خدا فرمود : آنان که سخن چینی می کنند ، میان دوستان جدایی می افکنند و برای بی گناه عیب می تراشند.

بدتر از بد.

- امام علی (ع) : بدتر از بد کیفر آن است و خوبتر از خوب پاداش آن .

- کننده بدی بدتر از خود بدی است .

بالتر از هر بدی .

- پیامبر خدا(ص) : دو کار است که هیچ خوبی بالاتر از آن دو نیست : ایمان به خدا و سود رساندن به بندگان خدا و دو کار است که بالاتر از آن دو

بدی وجود ندارد : شرک و ورزیدن به خدا و گزند رساندن به بندگان خدا.

بدترین خویها.

- امام علی (ع) : بدترین خویهای نفس ستمکاری است .

- پیامبر خدا(ص) : بدترین خصلت مردبخلی است که او را بی تاب سازد و ترسی که بند دلش را پاره کند.

کلیدهای بدیها.

- امام صادق (ع) : خشم ، کلید همه بدیهاست .

- امام باقر(ع) : خدای عزوجل برای بدی قفلهایی نهاده و کلید همه این قفلها را شراب قرار داده است و دروغ بدتر از شراب است .

- امام علی (ع) : خصلتهای بدی را عبارتند از : دروغ ، بخل ، ستم و نادانی .

بدترین امور.

- پیامبر خدا(ص): بدترین روایت، روایت دروغ است و بدترین امور، بدعتها و بدترین کوری، کوری دل و بدترین پشیمانی و پشیمانی روز
رستاخیز و بدترین در آمد، ربا و بدترین خوراک، به ناحق خوردن مال یتیم است.

مجمع بدیها.

- امام علی (ع): همنشینی با دوست بد، مجمع بدیهاست.
- فریب مهلتها را خوردن و تکیه کردن به عمل [آرزو]، مجمع بدیهاست.
- لجاجت، و بحث و جدل زیاد، مجمع بدیهاست.
- پیامبر خدا(ص): ابلیس به شیطانهای خود گفت: بر شما باد به گوشت و مسکر و زنان، زیرا من چیزی جز این سه را مجمع بدیها نمی یابم.

بدی در نهاد انسان است.

- امام علی (ع): بدی در نهاد هر فردی نهفته است اگر انسان بر آن چیره شد در نهاد می ماند و اگر چیره نشد آشکار می شود.
- نفس خود را به پذیرش فضایل مجبور کن، زیرا رذیلت ها در نهاد تو سرشته شده است.
- پیامبر خدا(ص): برای انجام کار خوب خود را به رنج افکنید و در این راه بانفسهایتان بستیزید، زیرا انسان بر بدی سرشته شده است.
- امام علی (ع): نفس آدمی بر بی ادبی سرشته شده و بنده مامور است که آداب خوب را کسب کند نفس به طور طبیعی در میدان مخالفت می تازد و
بنده می کوشد خواهشهای بد او را دفع کند پس هرگاه زمام نفس را رها سازد، در فساد آن شریک است و هر که نفس خویش را در خواهشهایش مدد رساند، در قتل خود شریک نفس خویش است.

بدی (متفرقه).

- پیامبر خدا(ص): هر که خود را از شر سه چیز حفظ کند، خویشتن را از هر شری حفظ کرده است: زبان و شکم و شهوت.
- اگر بدی در چیزی وجود داشته باشد، در زبان است.
- امام علی (ع): بدی را به تاخیر انداز، زیرا هرگاه بخواهی می توانی آن را جلو اندازی.
- امام باقر(ع): خیر محض باش و برگ بی خار، خار بی برگ و شر بی خیر مباش.
- امام علی (ع): هر که برای دیگران بدی در دل پیوراند آن بدی را از خودش آغاز کرده است.
- از بدی کردن پرهیز، زیرا پیش از آن که به دشمنت بدی رسانی، به خودت می رسانی و پیش از رسانیدن آن به دیگری، دینت را با آن به تباهی می کشانی.
- دوری کننده از بدی همانند کننده کار خوب است.
- امام حسین (ع): همنشینی با فرومایگان بدی است.

- امام علی (ع) : سنگ را با سنگ پاسخ دهید, زیرا بدی را جز بدی دفع نکند.

- بدی , زبانی و بازده است .

شریعت .

شریعت .

قرآن .

((برای هر گروهی از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم)).

((سپس تو را در طریقه آیینی (که ناشی) از امر (خداست) نهادیم , پس آن را پیروی کن و از هوسهای کسانی که نمی دانند

پیروی مکن

((.

- امام علی (ع) : شریعت مایه اصلاح مردمان است .

- جهان باغی است که دیوارش شریعت است و شریعت شهریاری است که فرمانبرداریش واجب است و فرمانبری سیاستی است

که پادشاه بدان

می پردازد و پادشاه حکمرانی است که سپاه او را پشتیبانی می کند و سپاه یارانی هستند که مال آنها را تامین می کند و مال

روزی است که رعیت

فراهم می آورد و رعیت جمهوری است که بنده عدالتند و عدالت شالوده ای است که قوام جهان به آن است .

شریعت و طریقت .

- پیامبر خدا(ص) : شریعت گفتارهای من است و طریقت کردارهای من و حقیقت احوال من و معرفت سرمایه من و خرد ریشه

دینم و محبت بنیادم

و شوق مرکبم و خوف همراهم و دانش سلاحم و بردباری یارم و توکل رهتوشه ام [ردایم خ ل] و قناعت اندوخته ام و صدق

منزلم و یقین ماوایم و

فقر(الی الله) افتخارم که با آن بر دیگر انبیا و مرسلین می بالم .

نوری , مؤلف مستدرک رضوان الله تعالی علیه , بعد از نقل این حدیث می نویسد : ((عالم عارف متبحر سید حیدر آملی در

کتاب انوار الحقیقه و

اطوار الطریقه و اسرار الشریعه این حدیث را روایت کرده و گفته است : همه اینها را این سخن پیامبر تایید و تقویت می کند که

فرمود : شریعت

گفتارهای من است)).

وحدت شرایع دین .

قرآن .

((از احکام دین , آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد , برای شما تشریح کرد و آنچه را به تووحي کردیم و آنچه را که

درباره آن به

ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که : دین را بر پا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید)).

- امام صادق (ع) : خدای تبارک و تعالی شریعتهای نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (ع) را به محمد (ص) داد.

- امام علی (ع) : بدانید که شرایع دین یکی است و راههایش راست و هموار هر که این راهها را در پیش گرفت , به مقصد (حق

(رسید و بهره مند

شد و هر که از پیمودن آن خودداری کرد گمراه شد و پشیمان گشت .

تفسیر شرایع دین .

- امام سجاد (ع) , در پاسخ به این سؤال که : شرایع دین مجموعاً چیست ؟

فرمود : گفتن حق و حکومت و داوری عادلانه و وفای به عهد.

فلسفه شرایع و احکام .

قرآن .

((خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد بلکه می خواهد شما را پاکیزه سازد و نعمتش را بر شما تمام کند)).

((چون کار زشتی کنند , گویند : پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است بگو : خدابه زشتکاری فرمان نمی

دهد آیا چیزی را به

خدا نسبت می دهید که نمی دانید؟

((.

((خدا همان کسی است که کتاب و وسیله سنجش را به حق فرود آورد و تو چه می دانی , شاید قیامت نزدیک باشد)).

((و آسمان را برافراشت و ترازو را بر نهاد تا مبادا از اندازه در گذرید)).

- امام رضا (ع) به فضل بن شاذان فرمود : اگر کسی سؤال کرد و گفت : به من بگو آیا رواست که خدای حکیم بنده خود را , بی

علت , مکلف به

فعلی از افعال کند؟

در جوابش گفته می شود : روا نیست , زیرا او حکیمی است که نه کار بیهوده می کند و نه نادان است .

اگر گفت : پس به من بگو که چرا مردم را مکلف کرد؟

در جوابش گفته می شود : بنابه عللی .

اگر گفت : به من بگو که آیا این علتها شناخته شده و موجودند یا ناشناخته اند و وجود ندارند؟

در جوابش گفته می شود : این علل برای اهلش شناخته شده و نزد آنها موجود است .

اگر گفت : آیا شما این علل را می دانید یا نمی دانید؟

در جوابش گفته می شود : بعضی از آنها را می دانیم و برخی را نمی دانیم .

- امام صادق (ع) , در پاسخ به پرسش از علل برخی حلال و حرامها , فرمود : هیچ حکمی بی حکمت وضع نشده است .

- امام رضا (ع) : علت غسل جنابت عبارت است از : نظافت , و پاک کردن انسان خودش را از آلودگی که به او رسیده است و

نیز پاک کردن بقیه

بدنش .

- فاطمه زهرا(ع) : خداوند ایمان را واجب فرمود ، برای پاک کردن از آلودگی شرک و نماز را برای دور کردن از کبر و نخوت و زکات را برای

افزایش روزی و روزه را برای تثبیت اخلاص و حج را برای خوش آیند دین و عدالت را برای همبستگی دلها و فرمانبرداری را برای انتظام آیین و

امامت را برای جلوگیری از تفرقه و جهاد را برای عزت اسلام و صبر را برای کمک به استحقاق پاداش را یافتن و امر به معروف را برای اصلاح

توده مردم و نیکی کردن به پدر و مادر را برای نگهداری از ناخشنودی (خدا) و صله ارحام را برای افزونی شمار ، و قصاص را برای حفظ خونها و

وفای به نذر را برای آمرزیده شدن و کامل کردن پیمانها و ترازوها را برای از بین بردن کم فروشی و اجتناب از تهمت زدن به زنان پاکدامن را

حجاب لعنت و دور شدن از رحمت حق و پرهیز از دزدی را مایه عفت و دوری کردن از خوردن مال یتیم را به منظور جلوگیری از ظلم و عدالت در

داوریهها را برای آرامش مردم و خداوند عزوجل شرک را به قصد خالص گردانیدن خداوندگاری حرام فرمود .

- امام علی (ع) : خداوند ایمان را برای پاک کردن از شرک واجب فرمود و نماز را برای دور کردن از کبر و زکات را وسیله ای برای روزی (

نیازمندان) و روزه را برای آزمودن اخلاص مردمان و حج را برای نزدیک کردن (اهل) دین و جهاد را برای عزت دین و امر به معروف را برای

اصلاح توده مردم و نهی از منکر را به عنوان عامل بازدارنده کم خردان و صله رحم را برای افزون شدن شمار (افراد) و قصاص را برای

حفظخونها و جاری ساختن حدود و کیفرها را برای اهمیت دادن به حرامها و شراب نخوردن را برای حفظ خرد و دوری از دزدی را برای رعایت

عفت و خود داری از زنا را برای سالم ماندن نسب و ترک لواط را برای زیاد شدن نسل و گواهی دادنها را برای آشکار شدن حقوق انکار شده و

دروغ نگفتن را برای ارج نهادن به راستی و سلام کردن (یااسلام) را برای ایمنی از ترس و نگرانیها و امانتداری (یا امامت) را برای سامان یافتن

کار امت و طاعت (از امام) را برای بزرگداشت مقام امامت .

- پیامبر خدا(ص) : جبرئیل نزد من آمد و گفت : ای احمد! اسلام ده سهم است و هرکس سهمی از این سهام نداشته باشد زیان کرده است : اولین سهم ،

گواهی دادن به یگانگی خداست که گفتار است دوم ، نماز است که طهارت و پاکیزگی می باشد سوم ، زکات است که فطرت (اسلام) می باشد

چهارم ، روزه است که سپر می باشد پنجم ، حج است که شریعت می باشد ششم ، جهاد است که عزت می باشد هفتم ، امر به معروف است که وفا

کردن می باشد هشتم , نهی از منکر است که حجت می باشد نهم , جماعت است که همبستگی و الفت می باشد و دهم , طاعت است که مصونیت (از گناه و اشتباه) می باشد.

بزرگی .

بزرگی .

- امام علی (ع) : بزرگی , امتیاز است .
- بزرگی , نیکی کردن به عشیره است .
- بزرگی , به خرد و ادب است , نه به مال و خاندان .
- هر که حکمت آموخت , خود را بزرگ ساخت .

بزرگ .

- امام علی (ع) : بزرگ , کسی است که خوی های بزرگ داشته باشد .
- هزینه ها بر روح بزرگ سنگینی نمی کند .
- آدم بزرگ به هر مقامی , هر چند بزرگ , برسد سرمست نمی شود , مانند کوهی که هیچ بادی آن را به لرزه در نمی آورد , اما آدم فرومایه با دست یافتن به کمترین مقام , سرمست می شود , همانند بوته علفی که وزش نسیمی آن را می جنباند .
- هر که بزرگی روح یابد , مهر و احسانش زیاد شود .
- هر که بزرگی روح داشته باشد , آن را از پستی خواهشها منزّه دارد .

برترین بزرگی .

- امام علی (ع) : هیچ بزرگی چون علم نیست .
- هیچ بزرگی بالاتر از اسلام نیست .
- برترین بزرگی , نیکوکاری و نیازردن است .
- یکی از بزرگترین بزرگی ها , خودداری از اسراف است .
- با فروتنی بسیار بزرگی به کمال می رسد .
- کمال بزرگی , فروتنی است .
- چنگ زدن به کانهای فضیلت از کمال بزرگی است .
- بزرگی جز با سخاوت و فروتنی کامل نمی شود .

بزرگی مؤمن .

- امام صادق (ع) : بزرگی مؤمن نماز شب اوست و عزت او خودداری از آزار رسانی - بزرگی مؤمن شب زنده داری اوست و

عزتش بی نیازی

او از مردم .

- امام علی (ع) : بزرگی مؤمن ایمان اوست و عزت او به طاعتش (از خداوند).

- پیامبر خدا(ص) : بزرگان امت من , حاملان قرآنند و شب زنده داران .

شرک .

برحذر داشتن از شرک .

قرآن .

((و آن گاه که لقمان در اندرز به فرزندش گفت : فرزندم ! به خدا شرک نیاور که براستی شرک ستمی بزرگ است)).

((خداوند شرک به خود را نمی بخشد و جز آن را برای هر کس که خواهد می بخشد و هر که به خدا شرک ورزد به یقین

گناهی بزرگ بر بافته است

((.

((خداوند این را که به او شرک آورده نمود نمی آمرزد و فروتر از آن را بر هر که بخواید و هر کس برای خدا شریکی

قرار دهد قطعاً

دچار گمراهی دور و درازی شده است)).

((روی آورندگان به خدا باشید و شرک نیاورندگان به او , و هر کس که به خدا شرک آورد چونان کسی است که از

آسمان فرو افتد و مرغان

(شکاری) او را بر بایند یا بادش به مکانی دور اندازد)).

- پیامبر خدا(ص) : ای پسر مسعود! مبادا آنی به خدا شرک ورزی حتی اگر اره شوی یا تکه تکه ات کنند یا به دارت آویزند و یا به

آتش سوزانند.

- امام علی (ع) : آن ستمی که بخشوده نمی شود شرک آوردن به خداست خدای تعالی فرموده است : ((خداوند شرک به خود را

نمی بخشد)).

آموزش دادن شرک .

- امام صادق (ع) : بنی امیه تعلیم ایمان را برای مردم آزاد گذاشتند , اما تعلیم شرک را آزاد نگذاشتند تا اگر آنان را به شرک

بکشانند متوجه نشوند.

کمترین مرتبه شرک .

- امام باقر(ع) , در پاسخ به پرسش از کمترین مرتبه شرک , فرمود : (کمترین مرتبه شرک این است که کسی به هسته میوه

بگوید : این یک ریگ است

و به ریگ بگوید : این یک هسته است و به این حرف خودهم معتقد و پایبند باشد.

- امام صادق (ع) , نیز در همین باره , فرمود : کسی که رای و عقیده ای را بدعت گذارد و به خاطر آن حب و بغض ورزد.

- اگر مردمی خدای یگانه و بی انباز را بپرستند و نماز بخوانند و زکات بپردازند و حج بروند و ماه رمضان را روزه بگیرند ولی (از روی اعتراض

(به چیزی که خداوند یا پیامبر(ص) ساخته است بگویند: چرا خلاف آن را نساخت؟

یا در دلشان چنین اعتراضی کنند (و به زبان نیاورند)، به سبب آن مشرک شوند امام آن گاه این آیه را تلاوت کرد: ((سوگند به پروردگارت که ایمان

نیاورده باشند مگر آن گاه که در اختلافات میان خود تو را داور کنند و از داوری تو احساس دلتنگی نکنند و کاملاً تسلیم باشند)) امام صادق (ع) سپس

فرمود: پس، تسلیم باشید.

- امام باقر(ع): کمترین حد شرک دین است که کسی نظر و عقیده‌ای را ابداع کند و به خاطر آن حب و بغض ورزد.

کمک گرفتن از مشرکان .

- پیامبر خدا(ص): ما از مشرک کمک نمی‌گیریم .

- ما در برابر مشرکان از مشرکان یاری نمی‌جویم .

- به آنان دستور دهید برگردند، زیرا ما در برابر مشرکان از مشرکان کمک نمی‌گیریم .

- برگرد، چون ما هرگز از مشرک مدد نمی‌گیریم .

- واقعی: خبیب بن یساف مردی دلیر بود و اسلام نمی‌آورد هنگامی که پیامبر(ص) به سوی بدر بیرون شد، او و قیس بن محرث - به قولی ابن

حارث - که برآیین مردم خود بودند، نیز راه افتادند و در (وادی) عقیق به رسول خدا(ص) رسیدند خبیب غرق در آهن بود، رسول خدا او را از زیر

کلاه خود شناخت و به سعد بن معاذ که در کنارش حرکت می‌کرد رو کرد و فرمود: او خبیب بن یساف نیست؟

عرض کرد: چرا پس، خبیب جلو آمد و تنگ ناچه رسول خدا را گرفت پیامبر به او و قیس بن محرث فرمود: شما چرا آمده‌اید؟ خبیب گفت: تو خواهر زاده و همسایه ما هستی و ما برای غنیمت آمده ایم حضرت فرمود: کسی که همدین ما نیست نباید با ما به جنگ بیاید.

خبیب گفت: قوم من می‌دانند که من مردی بسیار جنگاور و سخت‌گزند هستم بنابراین برای غنیمت در کنار تو می‌جنگم اما اسلام نمی‌آورم رسول

خدا(ص) فرمود: نه، بلکه مسلمان شو و سپس بجنگ! در روحا نزد پیامبر آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من به پروردگار جهانیان ایمان

آوردم و گواهی می‌دهم که تو فرستاده‌ای پیامبر(ص) خوشحال شد و فرمود: حالا به راهت ادامه بده او در بدر و جاهای دیگر شجاعت زیادی

از خود نشان داد اما قیس بن حارث از مسلمان شدن امتناع کرد و به مدینه برگشت وقتی پیامبر(ص) از بدر بازگشت او هم مسلمان شد و در جنگ

احد شرکت کرد و کشته شد.

- واقعی - در باره غزوه احد - هنگامی که پیامبر(ص) به راس الثنیه رسید برگشت پشت سرش را نگاه کرد چشمش به یک

گردان مسلح نیزه به

دست افتاد پرسید: اینها کیستند؟

گفتند: یهودیان همپیمان ابن ابی هستند، رسول خدا(ص) فرمود: ما در برابر مشرکان از مشرکان یاری نمی‌گیریم.
- پیامبر خدا(ص): از روشنایی آتش مشرکان استفاده نکنید.

اقامت در دیار مشرکان.

- پیامبر خدا(ص): هر که با مشرکان در یک جا زندگی کند، ذمه‌ای بر او نیست.

- هر که با مشرک اجتماع و سکونت کند، همانند او باشد.

- هر که در دیار مشرکان با آنان زندگی کند، ذمه‌ای بر او نیست.

شرک پنهان (۱).

قرآن.

((و بیشتر آنان به خدا ایمان نیاورند مگر آن که مشرک باشند)).

- امام باقر(ع)، درباره آیه ((و بیشتر آنان به خدا ایمان نیاورند))، فرمود: از جمله شرک این است که انسان بگوید: نه، به جان تو.

- امام صادق(ع)، نیز در باره همین آیه، فرمود: مانند این که انسان بگوید: اگر فلانی نبود من از بین می‌رفتم و اگر فلانی نبود چنین و چنان می

شدم و اگر فلانی نبود خانواده‌ام نابود می‌شد، مگر نمی‌بینی که او با این حرفها در ملک خدا برایش شریکی قائل شده که روزیش می‌دهد و از او دفاع

و دفع گرفتاری می‌کند؟

راوی می‌گوید: عرض کردم: پس بگوید: اگر خداوند به واسطه فلانی بر من منت نمی‌نهد از بین می‌رفتم؟
فرمود: آری، اشکالی ندارد.

- نیز در همین آیه، فرمود: ندانسته از شیطان پیروی می‌کند و بدین سان مشرک می‌شود.

- نیز درباره همین آیه، فرمود: منظور شرک در فرمانبری است نه شرک در عبادت.

شرک پنهان (۲).

- امام صادق(ع): همانا شرک ناپیداتر از حرکت مورچه است جا به جا کردن انگشتر برای یادآوری کاری و امثال آن از شمار شرک (خفی) است.

- پیامبر خدا(ص): از کاری که موجب عذر خواهی می‌شود بپرهیز، زیرا در آن شرک خفی است.

- ای مردم! از شرک دوری کنید، که آن نامحسوستر از حرکت مورچه است سپس فرمود: شاید کسی بخواهد بپرسد: ای رسول خدا! از شرکی

که ناپیداتر از حرکت مورچه است چگونه دوری کنیم؟

بگوئید: بار خدایا! از شرک آگاهانه به تو پناه می بریم و از شرک نا آگاهانه از تو آمرزش می طلبیم.

شرک پنهان (۳).

- امام صادق (ع) ، درباره این جمله که شرک نامحسوستر از حرکت مورچه در شب تاریک بر روی گلیمی سیاه است ، سؤال شد حضرت فرمود :

بنده مشرک نباشد مگر آن گاه که برای غیر از خدا نماز خواند ، یا برای غیر خدا ذبح کند و یا برای غیر خدای عزوجل دعوت کند .
- درباره این فرموده پیامبر (ص) که همانا شرک نامحسوستر از راه رفتن مورچه در یک شب تاریک بر روی تخته سنگی سیاه است ، فرمود : مؤمنان به

معبودهای مشرکان ناسزا می گفتند و مشرکان نیز متقابلاً به معبود مسلمانان دشنام می دادند از این رو ، برای آن که مشرکان به خدای مؤمنان

ناسزا نگویند ، خداوند ایشان را از ناسزا گفتن به معبودهای مشرکان نهی فرمود بنابراین ، مؤمنان ندانسته به خدا شرک آورده بودند .
- درباره آیه ((و بیشتر آنان ایمان نمی آورند)) فرمود : آنها می گفتند : با (غروب) فلان ستاره و (طلوع) بهمان ستاره باران می بارد یا به

پیشگوها مراجعه می کردند و گفته های آنان را باور می داشتند (همه اینها شرک خفی است).

مشارکت .

مشارکت .

- امام علی (ع) : مشارکت در امر کشورداری به آشفتگی می انجامد و مشارکت در رای (شور و مشورت) به یافتن اندیشه درست .

آنچه مسلمانان در آن باهم شریکند.

- پیامبر خدا (ص) : زیادی آب را ، به منظور فروش زیادی مرتع ، نباید فروخت .

- جلو استفاده دیگران از زیادی آب و زیادی آب چاه را نباید گرفت .

- مسلمانان در سه چیز شریکند : در آب و مرتع و آتش (مواد سوختی) .

- سه چیز همگانی است : آب و مرتع و آتش .

- دو چیز است که روانیست مانع استفاده دیگران از آنها شد : آب و آتش .

- هر که جلو استفاده دیگران از زیادی آب یا مرتع را بگیرد خداوند در روز قیامت فضل خود را از او باز می دارد .

- امام کاظم (ع) : درباره حکم آب دره هاسؤال شد ، فرمود : مسلمانان در آب و آتش و مرتع شریک هستند .

- امام علی (ع) : جلوگیری از نمک و آتش روا نیست .

- امام صادق (ع) : رسول خدا (ص) از نطاف ((۶)) و اربعا ((۷)) نهی فرمود امام صادق (ع) فرمود : اربعا این است که کسی سیل

بند درست

کند و از آب جمع شده در پشت بند ، زمین خود را آبیاری کند و نیازی به بقیه آب نداشته باشد حضرت فرمود : مازاد آب را

نفروش بلکه به همسایه ات

عاریه بده و نطاف این است که کسی حقا به ای داشته باشد و از آن بی نیاز شود ، می فرماید : آن را نفروش بلکه به برادر یا همسایه ات عاریه بده .

- رسول خدا درباره آب نخلستانها میان مردم مدینه چنین حکم فرمود که نباید اضافه چیزی را از دیگران منع کرد و در میان بادیه نشینان چنین حکم

فرمود که برای جلوگیری (استفاده دیگران) از زیادی مرتع نباید جلو استفاده آنها را از زیادی آب گرفت و فرمود(ص) : زیان رساندن به

یکدیگر ممنوع است .

- معصوم (ع) : آن حضرت درباره بادیه نشینان چنین حکم فرمود که زیادی آب را از دیگران منع نکنند و زیادی مرتع را نفروشند.

حق شفعه یا حق تقدم در شراکت .

- امام صادق (ع) : رسول خدا(ص) درباره شرکای در زمین و خانه حکم به شفعه داد و فرمود : ضرر و زیان زدن به یکدیگر ممنوع است و فرمود

: زمانی که حدود اراضی و خانه ها مشخص شد (و از یکدیگر تفکیک شدند و از حالت مشاع در آمدند) دیگر حق شفعه وجود ندارد.

شریک شایسته .

- امام علی (ع) : با کسی شریک شوید که روزی به او روی آورده است ، زیرا شانس او برای بهره مند شدن بیشتر است .

- با کسی که روزی به او رو آورده است ، شریک شوید ، زیرا شانس او برای بهره مند شدن بیشتر است .

شرکای انسان .

- امام علی (ع) : هر انسانی در مال خود دو شریک دارد : وارث و حوادث .

سیری ناپذیری .

نکوهش سیری ناپذیری .

- امام علی (ع) : سیری ناپذیری خوی پلیدان است .

- سیری ناپذیری از خوبیهای زشت است .

- سیری ناپذیری مایه خواری است .

- سیری ناپذیری نفس را ننگین می کند و دین را تباه می سازد و جوانمردی را لکه دار می گرداند.

- سیری ناپذیری خوبیهای دیگر را نیز زشت و بدنام می کند.

- از سیری ناپذیری پرهیزید ، زیرا ای بسا یک بار خوردن که از خوردنها جلوگیری می کند.

- از سیری ناپذیری پرهیزید ، که آن خصلتی مهلک است .

- از سیری ناپذیری بپرهیز، که آن پارسایی را از بین می برد و آدمی را به آتش در می فکند.
- برای هلاکت آدمی سیری ناپذیری کافی است .
- امام صادق (ع) : مبادا نفسهای شما به آنچه خداوند بر شما حرام کرده است ، آزمند شود ، زیرا هر که در دنیا مرتکب حرامهای خداوند شود ، خدا او را از بهشت و نعمتها و لذتهای آن محروم می کند.

سیری ناپذیری ریشه همه بدیهاست .

- امام علی (ع) : سیری ناپذیری شالوده هر بدی است ، عفت و خویشتنداری ریشه هر خوبی است .
- از سیری ناپذیری دوری کن ، زیرا آن اساس هر پستی و شالوده هر رذیلتی است .
- هر چیزی را بذری است و بذر بدی سیری ناپذیری است .
- سیری ناپذیری ((۸)) فراهم آورنده عیبهای زشت است .
- سیری ناپذیری در راس همه عیبهاست .
- از پستی سیری ناپذیری و طمع دوری کنید ، که این دو خصلت اساس هر بدی و کشتزار ذلت و خوارکننده جان و مایه رنج تن هستند .
- سیری ناپذیری ، انگیزه بدکاری است .
- از سیری ناپذیری و طمعکاری زیاد در کسی ، می توان به بدی او پی برد.

پیامد سیری ناپذیری .

- امام علی (ع) : ثمره سیری ناپذیری سرازیر شدن به سوی عیبهاست .
- آدم سیری ناپذیر خرسند نمی شود.
- آدم سیری ناپذیر را هرگز راضی نمی یابی .
- آدم سیری ناپذیر زیاد خشم می گیرد.
- سیری ناپذیری مرکب آزمندی است و هوای نفس مرکب آشوب .
- کسی که روحیه سیری ناپذیر داشته باشد ، در عین توانگری خوار است .
- آزمندی و سیری ناپذیری بدبختی و خواری می آورند.

ریشه خصلت سیری ناپذیری .

- امام علی (ع) : ریشه سیری ناپذیری طمع است و میوه اش ملامت .
- پیامبر خدا(ص) : جامه طمع به تن مکنید ، که آن دل را به آزمندی شدید می آمیزد و باخاتم دنیا دوستی بر دل مهر می زند و کلید هر نافرمانی و شالوده هر گناه و موجب تباهی هر کار نیک است .

علاج سیری ناپذیری .

- امام علی (ع) : با خویشنداری و مناعت به جنگ سیری ناپذیری روید.
- به وسیله پارسایی , با طمع بستیزید.
- عفت , شهوت را ناتوان می کند.
- عفاف , نفس را مصون و از پستیها پاک نگه می دارد.

شیطان .

درس گرفتن از رفتار خداوند با ابلیس .

قرآن .

((و هر آینه شما را آفریدیم , سپس به شما شکل دادیم و آنگاه به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید و آنها سجده کردند مگر ابلیس که از سجده

کنندگان نبود گفت : چرا وقتی به تو دستور دادم سجده نکردی ؟

گفت : من از او بهترم , (زیرا) مرا از آتش آفریدی و او را از گلی خلق کردی)) .

- امام علی (ع) : از کاری که خدا با ابلیس کرد درس بگیرید , چه , کار دراز مدت و کوششهای توانفرسای او را , به سبب لحظه ای تکبر , باطل

ساخت او شش هزار سال خدا را پرستش کرده بود که معلوم نیست آیا از سالهای دنیاست یا از سالهای آخرت .

- امام صادق (ع) : خداوند به ابلیس دستور داد بر آدم سجده کند او گفت : پروردگارا! سوگند به عزتت که اگر مرا از سجده بر آدم معاف داری تو را

چنان پرستشی کنم که هرگز کسی مانند آن تو را نپرستیده باشد خداوند جل جلاله فرمود : من دوست دارم آن گونه که خودم می خواهم اطاعت شوم

.

پناه بردن به خدا از شیطان .

قرآن .

((و بگو : پروردگارا! از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم و پروردگارا! از این که شیاطین نزد من حاضر شوند به تو پناه می برم)) .

((پس , هر گاه قرآن خوانی از شیطان رانده شده به خدا پناه بر)) .

((و چون او را زاید , گفت : پروردگارا! من دختر زاییدم و خدا داناتر است که او چه زاید و پسر چون دختر نیست و من او را مریم نامیدم و

او و ذریه اش را از شیطان رجیم در پناه تو قرار می دهم)) .

((و اگر از جانب شیطان در تو وسوسه ای پدید آمد , به خدا پناه ببر , زیرا او شنوا و داناست)) .

- امام علی (ع) : خدا را می ستایم و در اموری که باعث راندن و دور کردن شیطان و محفوظ ماندن از دامها و نیرنگهایش می شود , از او یاری می

طلبم .

دشمنی شیطان با انسان .

قرآن .

((همانا شیطان دشمن شماست ، پس شما نیز او را دشمن دارید همانا او دار و دسته خود را فرامی خواند تا از دوزخیان باشند)).
 ((گفت : ای فرزندم ! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نیرنگی می اندیشند همانا شیطان دشمنی آشکار برای انسان است
))

((و به بندگانم بگو : آنچه را که بهتر است بگویند ، که شیطان میانشان را به هم می زند همانا شیطان دشمن آشکار انسان است)).

- امام علی (ع) : سپس خدای سبحان ، آدم را در سرایی پر نعمت و امن سکونت داد و او را از ابلیس و دشمنی وی بر حذر داشت پس ، دشمن آدم

، چون او را در سرای جاودانی و همدم نیکوکاران می دید ، بر وی حسدبرد و او را فریفت و آدم یقین را به شکش فروخت .
 - پیامبر خدا(ص) در اندرز به ابن مسعود ، فرمود : ای پسر مسعود! شیطان را دشمن بگیر ، زیرا خدای تعالی می فرماید : ((همانا شیطان دشمن

شماست ، پس او را دشمن گیرید)).

- امام کاظم (ع) : در پاسخ به این پرسش که جهاد با کدام دشمن واجب تر است ، فرمود : آن که از همه به تو نزدیکتر و دشمنیش با تو بیشتر است و

کسی که دشمنان تو را به ضدت تحریک می کند و آن شیطان است .

- امام علی (ع) : پرهیزید از آن دشمنی که پنهانی در سینه ها نفوذ می کند و آهسته در گوشها افسون می دمد.

- امام سجاد(ع) - در مناجات خود - :الهی ! از دشمنی که مرا گمراه می کند و از شیطان که مرا به انحراف می کشاند ، به توشکایت می کنم او سینه

مرا از وسوسه آکنده و القائات او قلبم را در میان گرفته است ، در پیروی از خواهشهای نفس مرا یاری می رساند و دنیا دوستی را در نظرم می آراید و

میان من و طاعت و تقرب به تو مانع می شود.

- امام صادق (ع) : هجوم شیطانها به مؤمنان ، بیشتر از هجوم زنبورها به گوشت است .

- امام باقر(ع) : چون مؤمن بمیرد، شیطانهایی که برای گمراه کردن او می کوشیده اندو شمارشان به تعداد افراد قبیله ربیعه و مضر است ، به همسایگان

او هجوم برند.

- امام صادق (ع) : ابلیس در این سرای پر فریب ، دامهای خود را پهن کرده و هدف او کسی جز دوستداران ما نیست .

هشدار نسبت به گمراه سازیهای شیطان .

قرآن .

((ای فرزندان آدم! زنهار که شیطان شما را گمراه نکند، همچنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و پوشش آن دو را از آنها بر کند
 تاشرمگاههایشان را بر آنان نمایان سازد او و قبيله اش شما را از آن جا که آنها را نمی بینید، می بینند همانا ما شیطانها را دوستان
 کسانی قرار دادیم
 که ایمان نمی آورند)).
 ((برخی از مردم، بدون هیچ دانشی، درباره خداجدال می کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می نمایند بر او مقرر شده است که
 هر کس او را
 به دوستی گیرد، شیطان او را گمراه می کند و به سوی عذاب آتشش می کشاند)).
 - امام علی (ع): عوامل گمراه کننده سه تاست: زن دوستی که شمشیر شیطان است و شرابخواری که دام شیطان است و عشق به
 درهم و دینار که
 تیر شیطان است.
 - پیامبر خدا(ص): در آینده فتنه ها و حوادث گمراه کننده ای پیش خواهد آمد، که انسان صیح خود را با ایمان آغاز می کند و
 شب که فرا می رسد
 به کفر افتاده است، مگر کسی که خدای تعالی او را به دانش و آگاهی زنده کرده باشد.

نهی از پیروی شیطان .

قرآن .
 ((ای کسانی که ایمان آورده اید! همگان به اطاعت خدا در آید و گامهای شیطان را دنبال نکنید که اودشمن آشکار شماست)).
 ((ای کسانی که ایمان آورده اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید، زیرا هر که از گامهای شیطان پیروی کند او به فحشا و منکر
 فرمان می
 دهد)).
 - امام باقر و امام صادق (ع): سوگند خوردن برای طلاق دادن و نذر کردن برای گناه و هر سوگندی به غیر خدا از گامهای
 شیطان است .
 - امام باقر(ع) در هنگام تلاوت آیه ((از گامهای شیطان پیروی نکنید)) - هر سوگندی که به غیر خدا یاد شود، از گامهای شیطان
 است .
 - ابن عباس: هر چه با قرآن مخالف باشد، از گامهای شیطان است .
 در تفسیر المیزان آمده است: منظور از پیروی کردن از گامهای شیطان، پیروی از تمام دعوت‌های باطل او نیست، بلکه مقصود
 پیروی کردن از او
 در مسائل مربوط به دین است، به این معنا که باطل را به لباس و زیور حق می آراید و به روی چیزهای غیر دینی نام دین می
 گذارد و انسان هم
 ندانسته و بدون آن که متوجه واقعیت شود از آنها پیروی می کند.

شیطان پرستان .

قرآن .

((ای فرزندان آدم! آیا به شما سفارش نکردم که شیطان را بندگی مکنید که او دشمن آشکار شماست؟)).

((همچون حکایت شیطان که به انسان گفت: کافر شو و چون کافر شد شیطان گفت: من از تو بیزارم, من از خدا, پروردگار جهانیان, می ترسم)).

- امام علی (ع), در نکوهش پیروان شیطان, فرمود: آنان در کارشان به شیطان تکیه کردند و شیطان هم آنها را دام خود قرار داد پس در سینه

های آنان تخم کرد و جوجه گذاشت و بتدریج در خردهای آنان نفوذ کرد و با چشمهایشان نگریست و با زبانشان سخن گفت, پس آنها را گرفتار

خطاها و لغزشها کرد و نادرستی را در نظرشان آراست, کارهای آنان مانند کار کسی است که شیطان در قدرتش شریک شده و زبان او را به باطل گویا کرده است!.

- در نامه خود به معاویه, می فرماید: تودر ناز و نعمت غرقه گشته ای و شیطان در تو جای گرفته و در تو به آرزوی رسیدن و چون روح و خون در پیکر تو جریان دارد.

- مردی در صومعه ای عبادت می کرد زنی بود که چند برادر داشت برای آن زن اتفاقی افتاد لذا برادرانش او را نزد آن عابد آوردند عابد و سوسه شد

و به آن زن دست درازی کرد شیطان به سراغ عابد آمد و گفت: او را بکش, زیرا اگر برادرانش متوجه شوند, رسوا می شوی مرد عابد آن زن

را کشت و جسدش را دفن کرد برادران زن نزد عابد آمدند و او را دستگیر کردند و با خود بردند در حالی که می رفتند شیطان به سراغ عابد آمد و

گفت: من بودم که این عمل را در نظرت آراسته جلوه دادم اکنون مرا سجده کن تا تو را نجات دهم عابد هم او را سجده کرد این است سخن خداوند

که می فرماید: ((همچون حکایت شیطان است آن گاه که به انسان گفت: کافر شو)).

تاکید شیطان بر گمراه کردن انسان .

قرآن .

((گفت: سوگند به عزت تو که همه آنها را گمراه می کنم مگر آن بندگان مخلص تو را)).

((گفت: به سبب آن که مرا به بیراهه افکندی من هم برای (فریفتن) آنان حتما بر سر راه راست تو خواهم نشست آن گاه از پیش رو و از پشت

سرشان و از چپ و از راستشان بر آنها می تازم و بیشترینشان را سپاسگزار نخواهی یافت)).

((گفت: ای پروردگار من, به سبب آن که مرا گمراه ساختی من هم در روی زمین (بدیها را) در نظرشان بیارایم و همگان را گمراه کنم مگر آن

بندگان مخلص تو را)).

((و گفت: به من بگو: این کسی را که بر من برتری دادی (برای چه بود)؟
اگر مرا تا روز قیامت مهلت دهی قطعاً فرزندان او را، جز اندکی، ریشه کن خواهم کرد)).

راست در آمدن گمان ابلیس .

قرآن .

((قطعاً ابلیس گمان خود را درباره آنها راست یافت، زیرا، جز گروهی از مؤمنان، دیگران از او پیروی کردند)).

((و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز اندکی، همگان از شیطان پیروی می کردید)).

- امام علی (ع): ای بندگان خدا! مباد دشمن خدا (شیطان) شما را به درد خود گرفتار کند و با فریاد خویش شما را از جا پیراندو نگرانتان سازد و

سواران و پیادگان خود را علیه شما فراهم آورد به جان خودم سوگند که تیر و عید را بر چله کمان گذاشته و آن را به طرف شما سخت کشیده است و

از نزدیک به شما تیراندازی کرده و گفته است: ((پروردگارا به سبب آن که مرا گمراه کردی در روی زمین بدیها را در نظرشان بیاریم و همگان را

گمراه کنم)) او از آینده ای دور سخن گفت و گمان نادرستی را اظهار داشت، اما فرزندان نخوت و برادران عصیبت و سواران گردنکشی و

جاهلیت دعوی او را راست از کار در آوردند.

- امام صادق (ع)، درباره آیه ((و ابلیس گمان خود را درباره آنها درست یافت)) فرمود: پس، اهریمن چنان فریادی کشید که همه دیوها نزد او

آمدند و گفتند: سرور ما! این دیگر چه فریادی بود؟

اهریمن گفت: وای بر شما! به خدا سوگند که خداوند گفته مرا در قرآن بازگو کرد و بر او فرو فرستاد که ((و ابلیس گمان خود را درباره آنها راست

یافت، پس جز گروهی از مؤمنان، بقیه از او پیروی کردند)) اهریمن سپس سر به آسمان برداشت و گفت: به عزت و جلالت سوگند که همان گروه را

هم به همگان ملحق خواهم کرد امام صادق (ع) فرمود: پس، پیامبر (ص) فرمود: به نام خداوند بخشاینده مهربان، همانا تو را بر بندگان من چیرگی

و تسلطی نیست .

علت سلطه یافتن شیطان بر انسان .

قرآن .

((و شیطان را بر آنان تسلطی نبود مگر آن که می خواستیم بدانیم که چه کسانی به قیامت ایمان دارند و چه کسانی از آن در شک هستند و

پروردگار تو نگهبان هر چیزی است)).

- امام رضا(ع) ، درباره آیه ((تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوتر عمل می کنید)) فرمود : خدای عزوجل خلق خود را آفرید ، تا با گذاشتن تکلیف طاعت و عبادت خویش بر دوش آنان ، ایشان را بیازماید نه آن که بخواهد (برای خود) امتحان و تجربه کند ، چه او همواره به همه چیز آگاه بوده هست .

نیرنگ شیطان .

قرآن .

((کسانی که ایمان آورده اند در راه خدا می جنگند و کسانی که کفر ورزیده اند در راه طاغوت می جنگند پس با یاران شیطان پیکار کنید که نیرنگ شیطان ضعیف است)).

((مرا بر شما هیچ سلطه ای نبود جز آن که دعوتتان کردم و شما هم دعوت مرا پذیرفتید پس مراملامت مکنید و خود را ملامت کنید)).

- امام کاظم (ع) ، در سفارش به هشام ، فرمود : دشمنی تو با ابلیس باید سخت باشد و نباید که او در تلاشش برای نابودی تو ، شکیباتر و پایدارتر از تو باشد در مبارزه ات با او، زیرا ابلیس با همه قدرتش از تو ناتوانتر است و با همه بدیش کمتر از تو می تواند ضربه زند اگر تو به خداوند پناه بری هر آینه به راهی راست هدایت شده ای .

- امام علی (ع) : شما در روزگاری به سر می برید که خیر هر چه بیشتر پشت می کند ، و شر هر چه بیشتر روی می آورد و شیطان هر چه بیشتر به تباه کردن مردم چشم طمع می بندد ، پس ، اکنون زمانی است که اسباب کار او قوت گرفته و نیرنگش فراگیر شده و شکارش در دسترس او قرار گرفته است .

- و فرمود : از خدا بترسید از (کیفر) سرکشی در این جهان و از زیان ستمگری در آن جهان و از فرجام بد کبر ، زیرا اینها(سرکشی و ستمگری و کبر) عظیم ترین دام و بزرگترین فریب ابلیس است .

گمراه سازیهای شیطان .

قرآن .

((خدا او (شیطان) را لعنت کرد (وقتی که) گفت : بیگمان ، از میان بندگانت نصیبی معین (برای خود) برخوردارم گرفت و آنان را سخت گمراه و

دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و وادارشان می کنم تا گوشه‌های چارپایان را بشکافند و وادارشان می کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند و هر

کس که به جای خدا شیطان را به دوستی برگزیند هر آینه زبانی آشکار کرده است)).

((شیطان شما را از تهیدستی می ترساند و به کارهای زشت و ادارتان می کند, در حالی که خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد خدا گشایش دهنده داناست)).

((شیطان) به آنها وعده می دهد و به آرزوشان می افکند و آنان را جز فریب وعده نمی دهد)).

((پس, چرا هنگامی که عذاب ما به آنها رسید زاری نکردند؟

زیرا دل‌هایشان را قساوت فرا گرفته و شیطان اعمال آنها را در نظرشان آراسته بود)).

((چون کار از کار گذشت (و داوری صورت گرفت) شیطان گوید: خدا به شما وعده درست داد و من به شما وعده دادم و خلف وعده کردم)).

((بی گمان, کسانی که پس از آن که (راه) هدایت بر آنان روشن شد (به حقیقت) پشت کردند, شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان افکند)).

- امام علی (ع): ای کمیل! ابلیس از طرف خود وعده نمی دهد, بلکه از جانب پروردگارش وعده می دهد تا آنان را به معصیت او وا دارد و در ورطه هلاکتشان افکند.

- امام صادق (ع): وقتی آیه ((و آنان که چون کار زشتی کنند)) نازل شد, ابلیس بالای کوهی در مکه, به نام ثور, رفت و با بلندترین فریاد خود,

عفریت‌هایش را صدا زد آنها جمع شدند و گفتند: سرور! چرا ما را فرا خواندی؟

ابلیس گفت: این آیه نازل شد اکنون کدام یک از شما حریف آن هستید؟

عفریتی از شیاطین برخاست و گفت: من چنین و چنان می کنم ابلیس گفت: تو حریف آن نیستی دیگری برخاست و همانند آن سخنان گفت ابلیس گفت:

تو نیز از عهده بر نمی آیی و سواس خناس گفت: من از عهده اش بر می آیم ابلیس گفت: چگونه؟

او گفت: به آنان وعده و امیدواری (به توبه و آمرزش) می دهم تا آن که مرتکب گناه شوند و چون به گناه در افتادند, استغفار را از یادشان می

برم ابلیس گفت: تو حریف این آیه هستی پس او را تا روز قیامت مامور (مقابله با) آن کرد.

- شیطان آدمی را همه جا می چرخاند و چون او را خسته و درمانده کرد, نزدیک ثروت کمین می کند و گردنش را می گیرد.

- ابلیس به سپاهیان خود گفت: در میان آدمیان حسادت و تجاوزگری افکنید, زیرا این دو نزد خدا با شرک برابر است.

- امام سجاد (ع) - در دعای خود - : اگر شیطان با فریبکاری آنان را از طاعت تو باز نمی داشت, هیچ معصیت کاری معصیت تو نمی کرد و اگر

او باطل را در لباس حق برای آنان در نمی آورد, هیچ ره گم کرده ای راه تو را گم نمی کرد.

- امام علی (ع): بدانید که شیطان در حقیقت راههای خود را برای شما هموار می کند تا از او دنباله روی کنید.

- همانا شیطان راههای خود را برای شما هموار می کند و می خواهد گرههای دین شما را یکی پس از دیگری سست گرداند و به

جای اتحاد و تفرقه به

شما دهد.

- شیطان بر بنده گماشته شده است و معصیت را در نظرش می آراید تا مرتکب آن شود و او را به توبه کردن امیدوار می سازد تا آن را به

تاخیر اندازد.

- ای پرسشگر! بنگر، هر یک از صفات خدا را که قرآن به آن راهنمایت کرده است، پیروی کن و از پرتو هدایت قرآن روشنایی بگیر و آن صفاتی را

که شیطان تو را به آموختن آن وا داشته و دانستن آن در کتاب (قرآن) بر تو واجب نشده و در سنت پیامبر (ص) و پیشوایان هدایت نیز اثری از آنها

نیست، علم به آن صفات را به خدای سبحان واگذار، زیرا این منتهای حق خدا بر توست.

- امام صادق (ع): عیسی (ع) بر فراز کوهی در شام به نام اریحا رفت ابلیس در چهره پادشاه فلسطین نزد آن حضرت آمد و گفت: ای روح

الله! تو مردگان را زنده کردی و کور مادر زاد و پیس را شفا دادی، پس (اگر راست می گویی) خودت را از کوه پرت کن عیسی (ع) فرمود:

من در آن کارها اذن داشتم ولی در این کار اذن ندارم.

- ابلیس نزد عیسی (ع) آمد و گفت: مگر تو نمی گویی که مردگان را زنده می کنی؟

عیسی (ع) فرمود: چرا ابلیس گفت: پس (اگر راست می گویی) خودت را از روی دیوار به زیر انداز عیسی (ع) فرمود: وای بر تو! بنده

که خداوندگار خود را نمی آزماید ابلیس گفت: ای عیسی! آیا پروردگار تو می تواند (کره) زمین را در تخم مرغی با همین اندازه ای که دارد

جای دهد؟

عیسی (ع) فرمود: خدای عزوجل به هیچ ناتوانی وصف نمی شود اما آنچه تو می گویی ناشدنی است.

آنچه از شیطان نگه می دارد.

قرآن.

((همانا شیطان را بر کسانی که ایمان آورده اند و به پروردگارشان توکل دارند، چیرگی نیست)).

((همانا تو را بر بندگان من چیرگی نباشد مگر بر آن گمراهانی که از تو پیروی کنند)).

- امام صادق (ع): ابلیس گفت: پنج [چیز] است که هیچ چاره ای برای آنها ندارم اما دیگر مردمان در مشیت من هستند: هر که با نیت درست به

خدا پناه برد و در همه کارهایش به او تکیه کند، کسی که شب و روز بسیار تسبیح خدا گوید، کسی که برای برادر مؤمنش آن پسندد که برای

خود می پسندد، کسی که هر گاه مصیبتی به او می رسد، بیتابی نمی کند و هر کسی که به آنچه خداوند قسمتش کرده، خرسند است و غم روزیش

را نمی خورد.

- امام باقر(ع): با ترس واقعی، خود را از ابلیس مصون دار.

- امام علی(ع): زیاد دعا کن، تا از گزند شیطان محفوظ مانی.

سلطه شیطان بر دوستانش .

قرآن .

((تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی برمی گیرند و بر کسانی که آنها به او (خدا) شرک می ورزند)).

((در واقع این شیطان است که دوستان خود را می ترساند، پس اگر ایمان دارید، از آنها مترسید، و از من بترسید)).

- امام صادق(ع)، درباره آیه ((تسلط او تنها بر کسانی است که)) می فرماید: او نمی تواند ایشان را از ولایت دور کند بلکه به وسیله گناهان و

امثال آنها، همچنان که دیگران را تبه می سازد و به خواسته خود می رسد، در آنها نیز به خواسته خویش دست می یابد.

- در پاسخ به سؤال از آیه ((همانا او را بر کسانی که ایمان آورده اند و چیرگی نیست))، فرمود: به خدا قسم شیطان بر جسم مؤمن چیره می شود،

اما بر دین او چیره نشود بر (بدن) ایوب(ع) تسلط یافت و او را از ریخت انداخت اما بر دین او چیره نگشت.

- امام علی(ع): در حقیقت نقطه آغاز فتنه ها و گمراهیها، پیروی از هواهای نفس است در این جاست که شیطان بر دوستان خود استیلا می یابد،

اما کسانی که پیشتر لطف خدا شامل حالشان گشته است (از سلطه شیطان) می رهند.

آنچه شیطان را مسلط می کند.

قرآن .

((شیطان بر آنها مستولی شد، پس خدا را از یادشان برد اینان حزب شیطانند بدان که حزب شیطان همان زیانکارانند)).

((و هر که از یاد خدای رحمان روی گرداند بر او شیطانی می گماریم که همدم او باشد)).

((آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می آیند؟

بر هر دروغزن گنهکاری فرود می آیند)).

- پیامبر خدا(ص): موسی(ع) نشسته بود که ابلیس نزد او آمد موسی فرمود: مرا از آن گناهی خبر ده که اگر آدمی مرتکبش شود تو بر او استیلا می

یابی؟

ابلیس گفت: هر گاه خود پسند شود و عملش را زیاد بیند و گنااهش در نظرش خرد آید.

- امام علی(ع): همنشینی با هوسرانان باعث از یاد رفتن ایمان و حاضر شدن شیطان است.

- در نامه خود به مالک اشتر، می فرماید: از خود پسندی و تکیه به آنچه موجب خود پسندی تو می شود و از علاقه به مدح و ستایش دوری کن،

زیرا این خصلتها از مهمترین فرصتهای شیطان است تا نیکی نیکوکاران را نابود کند.

- در توصیف فرشتگان، می فرماید: شیطان بر آنان استیلا نیافت، تا بر اثر آن درباره پروردگارش دچار اختلاف شوند.

- هر که خود را به غیر خدا مشغول دارد, در تاریکیها سرگردان ماند و در تباهیها فرو رود و شیطانهایش او را در طغیانش کمک کنند و کردارهای زشت او را در نظرش بیارینند.

آنچه شیطان را دور می کند.

- پیامبر خدا(ص): آیا شما را از چیزی خبر ندهم که اگر به آن عمل کنید شیطان از شما دور شود, چندان که مشرق از مغرب دور است؟
عرض کردند: چرا فرمود: روزه, روی شیطان را سیاه می کند و صدقه, پشت او را می شکنند و دوست داشتن برای خدا و همیاری در کار نیک,
ریشه او را می کند و استغفار, شاهرگش را می زند.
- امام باقر(ع): بر شما باد به صدقه دادن صدقه را صبح زود بدهید, که روی ابلیس را سیاه می کند.

اندرزهای شیطان.

- امام صادق(ع): چون نوح(ع) از کشتی پیاده شد, ابلیس نزد او آمد و گفت: در روی زمین کسی به اندازه تو بر من منت ندارد, این تبهکاران را نفرین کردی و مرا از آنان آسوده نمودی آیا دو خصمت به تو نیاموزم, از حسادت دوری کن, زیرا حسادت بود که با من آن کرد که کرد, از آزمندی نیز پرهیز, زیرا آزمندی بود که با آدم آن کرد که کرد.
- امام باقر(ع): وقتی نوح(ع) قوم خود را به درگاه خدای عزوجل نفرین کرد, ابلیس, که لعنت خدا بر او باد, نزد وی آمد و گفت: یا نوح! در سه جا به یاد من باش, زیرا, من در یکی از این سه جا بیش از هر زمانی به بنده نزدیکم: هر گاه خشمگین شدی, به یاد من باش, هر گاه میان دو نفر داوری کردی, به یاد من باش و هر گاه با زنی تنها بودی و هیچ کس با شما نبود, به یاد من باش.
- ابلیس به موسی(ع) گفت: هر گاه تصمیم گرفتی صدقه ای بدهی, آن را پرداز و هر گاه بنده بخواهد صدقه ای بدهد, خود من, و نه یارانم, همراه او می شوم تا مانع صدقه دادن وی شوم.

شریک شیطان.

قرآن.
(و از ایشان هر که را توانستی با فریادخویش برانگیز و به یاری سواران و پیادگان بر آنان بتاز و در اموال و فرزندان با آنان شریک شو و به آنها وعده بده و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی دهد)).
- امام صادق(ع): کسی که اهمیت ندهد چه می گوید و درباره اش چه گفته می شود او شریک شیطان است و کسی که

برایش مهم نباشد مردم او را بدکار ببینند (و بشناسند) شریک شیطان است و کسی که از برادر مؤمن خود غیبت کند بی آن که میانشان ظلم و ستمی رفته باشد و شریک شیطان است و هر که شیفته حرام و شهوت زنا باشد شریک شیطان است.

سپاهیان ابلیس .

قرآن .

((آنان و همه گمراهان در جهنم سرنگون شوند و نیز همه سپاهیان ابلیس)).

- امام صادق (ع) : ابلیس را سپاهی نیرومندتر از زنان و خشم نیست .

- امام علی (ع) : ابلیس را قلاده ای بزرگتر از خشم و زنان نیست .

- معصومین (ع) : ابلیس به موسی (ع) گفت : ای موسی ! با زنی که به تو حلال و محرم نیست خلوت مکن ، زیرا هیچ مردی با زن نامحرم تنها

نشد ، جز این که من شخصا ، و نه یارانم ، با او باشم .

- امام علی (ع) ، در نامه خود به حارث همدانی ، می فرماید : از خشم دوری کن ، زیرا که خشم یکی از سپاهیان بزرگ ابلیس است .

- پیامبر خدا(ص) : همانا ابلیس سرمه ای دارد و لیسکی ، وانفیه ای ، سرمه اش چرت زدن است ، لیسکش دروغ و انفیه اش تکبر .

- امام علی (ع) : فروتنی را انبار اسلحه میان خود و دشمنان ، ابلیس و سپاهیانش ، کنید ، زیرا او در هر امتی لشکریان و یاران ، و نیروهای پیاده و سواره دارد .

- هلا! از پیروی مهتران و بزرگان خود حذر کنید ، حذر و از بی بته های مدعی شرافت و بزرگی فرمان نبرید ابلیس آنان را مرکب گمراهی کرده و

سپاهی که با آن بر مردم می تازد و مقهورشان می سازد و سخنگویانی که از زبانشان سخن می گوید.

شیونهای ابلیس .

- امام صادق (ع) : ابلیس چهار بار شیون کرد : اولین بار روزی که نفرین شد و روزی که به زمین فرود آورده شد و زمانی که محمد(ص) ، بعد

از یک دوره فترت ، به پیامبری مبعوث شد و زمانی که ام الکتاب (سوره فاتحه) نازل گشت .

- امام علی (ع) : زمانی که وحی بر رسول خدا(ص) نازل شد ، من شیون شیطان راشنیدم ، پرسیدم : ای رسول خدا! این چه شیونی است ؟

فرمود : شیطان بود که از عبادت خود (توسط مردم) نومید شد.

شعر .

تفسیر آیاتی که در نکوهش شاعران آمده است .

قرآن .

((و شاعران را گمراهان پیروی می کنند آیا ندیدی که آنها در هر وادی سر گردانند و چیزهایی می گویند که عمل نمی کنند مگر آنان که ایمان

آوردند و کار شایسته کردند و خدا را بسیار یاد نمودند و پس از آن که مورد ستم واقع شدند یاری خواستند)).

((و ما به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست ، این (سخن) نیست مگر اندرزی و قرآنی روشن)).

- امام باقر(ع) ، درباره آیه ((و شاعران را گمراهان)) ، فرمود : آیا شاعری را دیده ای که کسی از او پیروی کند؟

شاعران در حقیقت جماعتی هستند که برای غیر دین دانش آموختند و در نتیجه ، هم خود گمراه شدند و هم دیگران را گمراه کردند.

- امام صادق (ع) ، نیز درباره همین آیه ، فرمود : شاعران جماعتی هستند که دانش و آگاهی خود را با علم و علم آموزی به دست نیاورده اند و از

این رو گمراه شدند و دیگران را نیز گمراه می کنند.

- نیز درباره همین آیه ، فرمود : مقصود قصه گویان هستند.

- ابوالحسن وابسته بنی نوفل می گوید : هنگامی که سوره شعرا نازل شد ، عبدالله بن رواحه و حسان بن ثابت با چشم گریان خدمت پیامبر

خدا(ص) آمدند و آن حضرت ((و شاعران را گمراهان پیروی می کنند)) را می خواند تا آن که به ((مگر آنان که ایمان آوردند و کار شایسته

کردند)) رسید فرمود : شما هستید ((و خدا را بسیار یاد نمودند)) فرمود : شما هستید ((و بعد از آن که مورد ستم واقع شدند یاری خواستند)) فرمود

: شما هستید ((و کسانی که ستم کردند بزودی خواهند دانست که به چه مکانی بازمی گردند)) فرمود : کافران هستند.

- امام صادق (ع) : با شاعران در نیفتید ، زیرا آنان در مدح خسیس هستند و در هجو بخشنده .

شعر جهاد زبانی است .

- پیامبر خدا(ص) ، چون درباره شاعران از ایشان پرسش شد ، فرمود : همانا مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می کند ، سوگند به آن که جانم در

دست اوست ، سخنان شاعران (مؤمن) چون تیری است که به دشمن می زند.

- چون درباره آیه ای که خداوند درباره شاعران نازل کرده است از ایشان پرسش شد ، فرمود : همانا مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می کند ،

سوگند به آن که جانم در دست اوست ، آنان با جهت گیری خود گویی تیر (به دشمن) می زند.

- برا بن عازب می گوید : به رسول خدا(ص) عرض شد که ابوسفیان بن حرث بن عبدالمطلب شما راهجو می کند پس ، ابن رواحه برخاست و

عرض کرد : ای رسول خدا! اجازه دهید جواب او را بدهم حضرت فرمود : تویی که گفته ای : ثبت الله ؟

عرض کرد : آری ، ای رسول خدا من گفته ام .:

خدا آن نیکویی را که به تو داده استوار گرداند.

همچنان که موسی را پایدار کرد و پیروزت کند چنان که او را پیروز گردانید.

پیامبر فرمود: خدا با تو نیز چنین کند.

سپس کعب برجست و عرض کرد: ای رسول خدا! به من رخصت دهید جواب او را بدهم حضرت فرمود: تویی که قصیده همت را

سروده ای؟

عرض کرد: آری، ای رسول خدا! من گفته ام:.

سخینه ((۹)) کوشید تا بر پروردگارش چیره شود.

ولی مغلب هر چیره باز چیره شود.

حضرت فرمود: بدان که خدا این را از تو فراموش نکرده است.

- پیامبر خدا(ص) به حسان بن ثابت فرمود: مشرکان را هجو کن که جبرئیل با توست.

شعر ستوده.

- پیامبر خدا(ص): برخی شعرها حکمت است و برخی بیانها افسون.

- امام صادق(ع): هر که دربارہ ما یک بیت شعر بگوید، خدای تعالی در بهشت یک خانه برایش بسازد.

- هیچ سراینده ای دربارہ ما بیت شعری نگفت، جز آن که روح القدس کمکش کرد.

نخستین کسی که شعر گفت.

- امام علی(ع)، در پاسخ به این سؤال مرد شامی که نخستین بار چه کسی شعر گفت، فرمود: آدم(ع) پرسید: چه شعری گفت، حضرت فرمود

: وقتی از آسمان به زمین فرود آورده شد و خاک آن و گستردگی و هوایش و کشته شدن هاییل به دست قابیل را دید، گفت:.

سرزمینها و ساکنان آنها دگرگون شده است.

و روی زمین غبار آلود و زشت گشته است.

هر آنچه رنگ و بویی دارد تغییر کرده است.

و شادی چهره نمکین کم شده است.

قویترین شاعران.

- امام علی(ع)، در پاسخ به این پرسش که قویترین شاعران کیست، فرمود: این جماعت در میدان مسابقه ای که خط پایانش معلوم باشد نتاخته

اند، اما اگر ناچار بخواهیم قویترین شاعران را معلوم سازیم، او آن پادشاه بسیار گمراه (امرؤ القیس) است.

- پیامبر خدا(ص): قویترین شعری که عرب گفته این بیت لبید است:.

هلا! هر چیزی جز خدا باطل است.

- درست ترین جمله ای که یک شاعر گفته، این سخن لبید است:.

هلا هر چیزی جز خدا باطل است.

برخی اشعار منسوب به امام علی (ع).

پیامبر محمد برادر و خویشاوند من است .

و حمزه سید الشهداء عموی من است .

در کودکی و هنوز بالغ نشده بودم ، که پیش از همه شما اسلام آوردم .

رسول خدا در روز غدیر خم ، ولایت مرا بر شما واجب کرد .

پس وای و وای و وای بر کسی .

که فردا با ستم بر من خدا را دیدار کند .

خداوند با پیروز کردن پیامبرش ما را گرامی داشت .

و ستونهای اسلام را به وسیله ما برافراشت .

پیامبر و کتاب خود را به وسیله ما قدرت داد .

و با پیروزی و دلاوری ما را ارجمند ساخت .

در هر پیکاری شمشیرهای ما .

سرها را به هوا می پراند .

پسرم ! من اندرزگو و آموزگار ادبم .

و بدان که خردمند کسی است که ادب آموزد .

سفارش پدری دلسوز را آویزه گوش کن که .

تو را به آداب تغذیه می کند تا خشمگین نشوی .

فرزندم ! روزی تضمین شده است .

پس برای تحصیل آن میانه رو باش .

فرزندم ! چه دوستهای خائنی که داشته ای .

پس بنگر که با که دوستی می کنی .

دوست مورد علاقه ات را کسی انتخاب کن .

که اگر دوستش بداری ، پیوند برادری را ننگه دارد و در برابر دیگران از تو حمایت کند .

از مردمان چاپلوس و فرومایه حذر کن که آنان .

در هنگام گرفتاریها هیزم کش معرکه اند .

کسی که سرانجامش مرگ است سزاوار است که فروتن باشد .

و آدمی را از دنیایش قوتی کافی است .

انسانی که به خواسته ها و آمالش نمی رسد .

چرا باید چنین حرص و جوش زند.
 تو ای انسان بزودی رخت سفر بر می بندی .
 به سوی مردمی که سخنشان سکوت است .
 راز خود را جز برای خود فاش مکن .
 .
 زیرا هر دوستی را دوستی است .
 من مردان نادان را دیده ام .
 که هیچ پوستی را سالم نمی گذارند.
 بر سختی سحرخیزی و شب زنده داری صبر کن .
 .
 و صبح زود در پی کارهایت روانه شو.
 از طلب کردن عاجز و درمانده مشو.
 زیرا ناتوانی و خستگی موفقیت را از بین می برد.
 روزگار تجربه ها می آموزد و من دیدم که .
 صبر و شکیبایی فرجامی پسندیده دارد.
 کم اند کسانی که در طلب چیزی بکوشند.
 و صبر و پایداری ورزند و به مقصود نرسند.

شعار.

شعار.

- پیامبر خدا(ص) چون پیش از آغاز جنگ , به شعار دادن فرمان داد , فرمود :باید شعارتان نامی از نامهای خدای تعالی باشد.
 - سپاهی را اعزام کرد و به آنها فرمود : شعارتان ((حم لا ینصرون)) باشد , زیرا آن یکی از نامهای بزرگ خدای تعالی است .
 - امام علی (ع) : شعار یاران رسول خدا(ص) در روز بدر ((بکش ای ظفرمند)) بود.
 - یکی از شعارهای امیرالمؤمنین (ع) در یکی از روزهای جنگ جمل این بود : ((حم , لا ینصرون)) ,خدایا! ما را بر مردمان پیمان شکن پیروز گردان
 .
 - امام صادق (ع) , در حدیثی پیرامون یاران قائم (ع) , می فرماید : آنان افرادی خدا ترس و شهادت طلبند , آرزو دارند که در راه خدا کشته شوند
 شعارشان ((ای خونخواهان حسین (ع))) است چون به حرکت در آیند , ترس و وحشت , به فاصله یک ماه مسافت , پیشاپیش آنان حرکت می کند.
 - شعار ما در روز بدر این بود :ای پیروزی خدا نزدیک شو , نزدیک شو شعار حسین (ع) ((یا محمد)) بود , و شعار ما نیز ((یا محمد)) است .

- امام علی (ع) : باید هدایت شعار تو باشد.

شعار مسلمانان در قیامت .

- پیامبر خدا(ص) : در روز قیامت شعار مسلمانان به هنگام عبور از صراط این است : خدایی جز الله نیست و توکل کنندگان باید به خدا توکل کنند.

- در روز قیامت شعار مؤمنان به هنگام عبور از صراط این است : خدایا! به سلامت دار ، به سلامت دار .

- شعار امت من در هنگام گذر از صراطین است : ای آن که جز تو خدایی نیست .

- شعار مؤمنان در روزی که از گورهایشان برانگیخته می شوند ، این است : خدایی جز الله نیست و مؤمنان باید به خدا توکل کنند.

- در تاریکیهای قیامت ، شعار مؤمنان این است : خدایی جز تو نیست .

شفاعت و میانجیگری (۱) در دنیا.

میانجیگری .

- پیامبر خدا(ص) : میانجیگری کنید ، تا پاداش ببینید.

- میانجیگری کنید ، تا پاداش یابید و خداوند از زبان پیامبرش آنچه خواهد داوری کند.

- امام صادق (ع) : میانجیگری ، زکات مقام است .

- پیامبر خدا(ص) : بهترین صدقه ، صدقه زبان است با میانجیگری اسیر را آزاد می کنی ، از ریخته شدن خون جلوگیری می نمایی ، احسان را به

طرف برادرت می کشانی و ناخوشایندی را از او دور می سازی .

- امام علی (ع) : میانجی ، پر و بال طالب (حاجت) است .

- پیامبر خدا(ص) : کسی که با میانجیگری خود زبانی را دفع یا سودی را احیا کند ، خداوند تعالی ، در روزی که قدمها می لغزد ، قدمهای او را

استوار بدارد.

- بهترین وساطت این است که میان دو نفر در امر ازدواج واسطه شوی .

شفاعت و میانجیگری (۲) در آخرت .

حقیقت شفاعت .

قرآن .

((بگو : شفاعت تماما از آن خداست فرمانروایی آسمانها و زمین خاص اوست سپس به نزد او باز گردانیده می شوید)).

در المیزان در تفسیر آیه ((بگو : شفاعت تماما از آن خداست)) چنین آمده است : این آیه توضیح و تاکید است بر آیه قبل که می فرماید : ((بگو : حتی

اگر آن شفیعان هیچ قدرتی نداشته باشند؟

((حرف لام در ((الله)) برای ملکیت است و آیه ((فرمانروایی آسمانها و زمین خاص اوست)) در مقام تعلیل جمله پیشین است

و بدین معناست

که هر شفاعتی مال خداست ، چرا که او مالک همه چیز است و در صورتی که اجازه شفاعت به کسی دهد ، او را مالک و اختیاردار آن می کند و

اماین گفته برخی که بعضی بندگان خدا مانند فرشتگان در شفاعت از استقلال عمل مطلق برخوردارند درست نیست خدای تعالی می فرماید :

((شفاعت کننده ای نباشد مگر با اجازه او)) این آیه چنانچه در کنار آیه ((آنان را جز خدا هیچ یاور و شفیع نباشد)) قرار گیرد ، معنای دیگری

دقیقت از آنچه گفتیم دارد و آن این که شفیع حقیقی همان خدای سبحان است و دیگر شفیعان تنها به اذن و اجازه او شفاعت می کنند در جلد اول کتاب

در بحث شفاعت گفتیم که شفاعت با واسطه قرار گرفتن برخی صفات خدای تعالی میان او و شخص شفاعت شده ، به منظور اصلاح وضع او ،

صورت می پذیرد مانند واسطه قرار گرفتن صفات رحمت و مغفرت میان خدا و بنده گناهکار او به منظور نجات وی از بار گناه و رهاییش از عذاب

شرایط شفاعت (۱).

قرآن .

((کیست که جز به اذن خدا ، نزد او شفاعت کند؟

)).

((پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید سپس بر عرش استیلا یافت کار(آفرینش) را تدبیر می کند جز به

رخصت او شفاعت کننده ای نباشد این است خدا ، پروردگار شما پس او را بپرستید آیا پند نمی گیرید؟

)).

((اختیار شفاعت را ندارند مگر کسی که از جانب خدای رحمان پیمانی گرفته باشد)).

((در آن روز شفاعت سود ندهد مگر کسی را که خداوند رحمان اجازه دهد و سخنش او را پسند آید)).

((کسانی که به جای او می خوانند ، اختیار شفاعت ندارند مگر کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند)).

- پیامبر خدا(ص) : کسانی که زیاد لعن و نفرین می کنند ، در روز قیامت نه حق گواهی دادن دارند و نه حق شفاعت .

- امام صادق (ع) ، درباره آیه ((حق شفاعت ندارند مگر)) ، می فرماید : مگر کسانی که به ولایت امیرالمؤمنین و امامان بعد از او اعتقاد داشته باشند

و این همان عهدی است که نزد خدا دارند.

- پیامبر خدا(ص) : شفاعت من شامل آن کس از امتم می شود که اهل بیت مرا دوست داشته باشد.

شرایط شفاعت (۲).

قرآن .

((و چه بسیار فرشتگانی که در آسمانها هستند و شفاعتشان هیچ سود ندهد مگر بعد از آن که خداوند به هر کس که بخواهد و خشنود باشد اجازه دهد)).

((هر چه را فرا روی آنها و پشت سرشان است می داند و جز برای کسی که (خدا) رضایت دهد شفاعت نمی کنند و خود از بیم او هراسانند)).

- پیامبر خدا(ص) : من در روز قیامت کسی را که در دلش به اندازه بال پشه ای ایمان باشد , قطعاً شفاعت خواهم کرد .
- پیامبران برای همه کسانی که از روی اخلاص به یگانگی خدا شهادت داده باشند , شفاعت می کنندو آنان را از دوزخ بیرون می آورند .

- امام رضا(ع) , در پاسخ به پرسش از این سخن خدای تعالی : ((برای کسی که خدا رضایت دهد)) , فرمود : آنان تنها برای کسی شفاعت می کنند که خداوند از دین او راضی باشد .

- امام صادق (ع) : بدانید که هیچ یک از آفریدگان خدا , شما را از او بی نیاز نمی کند , نه فرشته ای مقرب و نه پیامبری مرسل و نه دیگران پس هر که خوش دارد که شفاعت شفاعت کنندگان از او نزد خداوند مؤثر افتد از خداوند بخواهد که از وی خشنود باشد .

مقام ستوده .

قرآن .

((و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو (به منزله) نافله ای باشد , امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند)).
((قطعاً آخرت برای تو نیکوتر از دنیا خواهد بود بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تاخشنود شوی)).
- پیامبر خدا(ص) : در روز قیامت مردم گروه گروه می شوند و هرامتی در پی پیامبر خود به راه می افتد و می گویند : فلانی ! شفاعت کن , فلانی

! شفاعت کن , تا آن که نوبت شفاعت به محمد می رسد و در این روز است که خداوند او را به مقامی ستوده می رساند .
- امام باقر یا امام صادق (ع) , درباره آیه ((امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند)) فرمود: آن مقام شفاعت است .
- امام باقر(ع) : درباره آیه ((و بزودی پروردگارت تو را عطا می کند تا خشنود شوی)) , فرمود : آن شفاعت است به خدا سوگند شفاعت است , به خدا سوگند شفاعت است .

- پیامبر خدا(ص) : زمانی که به مقام ستوده برسم , برای مرتکبان گناهان کبیره امت خود شفاعت می کنم و خداوند شفاعت من درباره آنها را

می پذیرد به خدا سوگند برای کسانی که فرزندان مرا بیازارند شفاعت نخواهم کرد .

- هر گاه به مقام ستوده برسم , برای پدر و مادر و عمویم و برادری که در جاهلیت داشته ام شفاعت می کنم .
علامه , قدس الله روحه , در شرح خود بر تجرید می نویسد : همه علما بر شفاعت کردن پیامبر(ص) اتفاق نظر دارند نووی

نیز در شرح

صحیح مسلم می نویسد: قاضی عیاض می گوید: بنا بر عقیده اهل سنت شفاعت از نظر عقلی روا و از نظر نقلی، بنا بر صریح آیات و خبر نبی صادق و واجب است درباره صحت شفاعت اخبار فراوانی رسیده که رویهمرفته در حدتواتر است.

شفاعت پیامبر در روز قیامت.

- پیامبر خدا(ص): هر پیامبری به درگاه خدا دعایی کرده و از او چیزی خواسته است، اما من خواهش خود (از خدا) را برای شفاعت امتم در روز قیامت نگهداشته ام.

- خداوند به من فرمود از او خواهشی کنم، اما من خواهش خود را برای شفاعت مؤمنان امت خود در روز قیامت به تأخیر انداختم و خداوند پذیرفت.

محرومان از شفاعت.

قرآن.

((کسانی که آن را بیشتر فراموش کرده بودند، می گویند آیا (امروز) برای ما شفیعیانی هستند که ما را شفاعت کنند؟))

((و جز تباهکاران ما را گمراه نکردند پس ما را شفیعیانی نیست و نه دوستی مهربان)).

((ما روز جزا را دروغ می انگاشتیم تا آن که مرگ ما فرا رسید پس، شفاعت شفاعت کنندگان، سودشان نبخشد)).

- پیامبر خدا(ص): نه شکاکان و مشرکان شفاعت شوند و نه کافران و منکران، بلکه شفاعت مخصوص مؤمنان یکتاپرست است.

- شفاعت من به دو کس نمی رسد: قدرتمند مستبد و ستمگر و غلو کننده خارج شده از دین.

- شفاعت من درباره مرتکبان گناهان کبیره است، به جز مشرکان و ستمگران.

- کسی که نماز را سبک بشمارد به شفاعت من دست نیابد و به خدا سوگند که در کنار حوض (کوثر) بر من وارد نشود.

- امام صادق (ع) هنگامی که در آستانه رحلت قرار گرفت، دستور داد بستگانش گرد او جمع شوند و فرمود: کسی که نماز را سبک بشمارد،

شفاعت ما هرگز شامل حالش نمی شود.

- پیامبر خدا(ص): کسی که به شفاعت کردن من ایمان نداشته باشد، خداوند شفاعت مرا به او نرساند.

- امام علی (ع): کسی که شفاعت رسول خدا(ص) را دروغ بشمارد از شفاعت آن حضرت برخوردار نشود.

- پیامبر خدا(ص): شفاعت من در روز قیامت یک حقیقت است پس هر که بدان ایمان نداشته باشد، مشمول آن واقع نخواهد شد.

- امام صادق (ع): حتی اگر فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل درباره فرد ناصبی شفاعت کنند، شفاعتشان پذیرفته نمی شود.

پندار مشرکان درباره شفاعت.

قرآن .

((شفیعیان را که در (کار) خودتان شریکان (خدا) می پنداشتید همراهمان نمی بینیم به یقین پیوند میان شما بریده شده و آنچه را که می پنداشتید از دست شما رفته است)).

((به جای خدا چیزهایی را می پرستند که نه زبانی به آنان می رسانند و نه سودی می بخشندشان و می گویند: اینهاشفیعیان ما در نزد خدایند)).
 ((و برای آنان از شریکانشان شفیعانی نیست و خود منکر شریکان خود می شوند)).

شفاعت ناپذیرفته .

قرآن .

((و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی (از عذاب خدا) را از کسی دفع نمی کند و نه از او شفاعتی پذیرفته و نه به جای وی بدلی گرفته می شود و نه یاری خواهند شد)).

((و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی (از عذاب خدا) را از کسی دفع نمی کند و نه بدل و بلا گردانی از وی پذیرفته شود و نه او را میانجیگری سودمند افتد و نه یاری شوند)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! پیش از فرارسیدن روزی که در آن نه خرید و فروشی باشد و نه دوستی و نه شفاعتی , از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید و کافران , خود , ستمکارانند)).

شفاعت برای مرتکبان کبایر .

- پیامبر خدا(ص) : شفاعت من برای مرتکبان گناهان کبیره است , به استثنای مشرکان و ستمگران .

- هر پیامبری شفاعتی می کند و من شفاعت خود را برای اهل کبایر امت خود در روز قیامت , نگه داشته ام .

- شفاعت روز قیامت , در حقیقت برای آن دسته از امت من است که مرتکب گناهان کبیره شده و برهمنها (بدون توبه) مرده باشند.

- شفاعت من برای آن دسته از امت من است , که مرتکب کبایر شده باشند.

نیکوکاران و شفاعت .

- پیامبر خدا(ص) : شفاعت من , در حقیقت برای آن افراد از امت من است که مرتکب گناهان کبیره شوند و اما نیکوکاران نیازی به شفاعت ندارند.

- امام صادق (ع) : در روز قیامت ما برای شیعیان گناهکار خود شفاعت می کنیم و اما نیکوکاران را خداوند خود نجات داده است .

- مؤمن بر دو گونه است : مؤمنی که به عهد و شرط خدا وفا کند و این سخن خدای عزوجل است که : ((مردانی هستند که به

پیمانی که با خدا بسته

بودند وفا کردند)) چنین مؤمنی نه گرفتار هول و هراسهای دنیا می شود و نه هول و هراسهای آخرت او از کسانی است که شفاعت می کند و نیاز به شفاعت کسی ندارد, (دوم) مؤمنی که چون ساقه گیاه گاه کج و گاه راست می شود چنین مؤمنی دستخوش هول و هراسهای دنیا و آخرت می شود و از جمله کسانی است که برایش شفاعت می شود ولی قدرت شفاعت کردن ندارد.

نیاز همگان به شفاعت .

- امام صادق (ع) : هیچ کس , از اولین و آخرین انسانها , نیست مگر آن که به شفاعت محمد(ص) در روز قیامت نیاز دارد .
 - از امام صادق (ع) سؤال شد : مگر مؤمن به شفاعت محمد(ص) در آن روز نیازمند است ؟
 فرمود : آری , مؤمنان نیز خطاها و گناهانی دارند و هیچ کس نیست , مگر این که در آن روز به شفاعت محمد محتاج است .
 - ابو ایمن به امام باقر(ع) گفت : ای ابا جعفر! شما مردم را می فریبید و هی می گوئید : شفاعت محمد , شفاعت محمد حضرت چنان ناراحت شد که رنگ چهره اش تیره گشت , و فرمود : وای بر تو ای (ابایمن) داشتن عفت شکم و شهوت , تو را فریفته است ؟ !
 اگر صحنه های هول انگیز قیامت را ببینی حتما به شفاعت محمد(ص) نیاز پیدا خواهی کرد وای بر تو , آیا شفاعت جز برای کسی است که مستوجب آتش باشد ؟
 آن گاه فرمود : هیچ کس , از اولین و آخرین , نیست مگر آن که در روز قیامت به شفاعت محمد(ص) نیازمند است .
 - امام کاظم (ع) , به سماعه بن مهران , فرمود : هر گاه حاجتی به خدا پیدا کردی بگو : ((خدایا به حق محمد و علی از تو مسالت می کنم , زیرا که آن دو را نزد تو شان و مقامی است)) در روز قیامت هیچ فرشته مقربی و پیامبر مرسلی و مؤمن آزموده ای نیست , مگر این که در آن روز به آن دو بزرگوار(محمد و علی) نیازمند است .

شفاعت کنندگان (۱).

- پیامبر خدا(ص) : سه گروه نزد خدای عزوجل شفاعت می کنند و شفاعتشان پذیرفته می شود : (ابتدا) پیامبران , سپس عالمان و بعد شهیدان .
 - شفاعت کردن , مخصوص پیامبران و اوصیا و مؤمنان و فرشتگان است .
 - امام باقر و امام صادق (ع) : به خدا سوگند که ما شفاعت می کنیم , به خدا سوگند که ما در حق شیعیان گنهکارمان شفاعت می کنیم , چندان که دشمنان ما با دیدن آن می گویند : ((ما را نه شفاعت کنندگانی است و نه دوستی مهربان)).
 - پیامبر خدا(ص) : در روز قیامت من شفاعت می کنم و شفاعتم پذیرفته می شود و علی شفاعت می کند و شفاعتش پذیرفته می شود و اهل بیتم نیز

شفاعت می کند و شفاعتشان پذیرفته می شود.

- امام صادق (ع) : چون روز قیامت شود به عابد گفته می شود : به بهشت برو و به عالم گفته می شود: بایست و به سبب آن که مردم را تربیت و ادب نیکو آموختی ، برای آنان شفاعت کن .

شفاعت کنندگان (۲).

- امام علی (ع) : بهترین چیزی که متوسلان به خدای سبحان و تعالی به آن توسل می جویند ، ایمان به او و به پیامبر اوست و جهاد در راه او که آن ستیغ اسلام است و کلمه توحید که آن سرشت و فطرت است .
 - پیامبر خدا(ص) : شفاعت کنندگان پنج تاینند: قرآن ، خویشاوندی ، امانت ، پیامبر شما و اهل بیت پیامبرتان .
 - قرآن را بیاموزید ، زیرا که در روز قیامت شفاعت می کند .
 - امام علی (ع) : در روز قیامت قرآن برای هر کس شفاعت کند ، شفاعتش پذیرفته می شود .
 - پیامبر خدا(ص) : روزه و قرآن در روز قیامت برای بنده شفاعت می کنند .
 - امام علی (ع) : دعوت پیامبران خدا را اجابت کنید و در برابر آنها سر تسلیم فرود آورید و فرمان آنها را بپذیرید تا مشمول شفاعت آنان شوید .
 - شفیع مردمان ، عمل به حق است و پابندی به صداقت و راستی .
 - پیامبر خدا(ص) : شفیع کارآمدتر از توبه نیست .

وسیله (۱).

قرآن .
 ((ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و برای تقرب به او وسیله جویند و در راهش جهاد کنید باشد که رستگار شوید)).
 - پیامبر خدا(ص) : وسیله درجه ای است نزد خدا که بالاتر از آن درجه ای نیست پس ، از خدا بخواهید که به من وسیله عطا کند .
 - از خداوند برای من وسیله مسالت کنید که هر کس برای من وسیله مسالت کند ، شفاعت بر او روا گردد .
 - امام علی (ع) : ای مردم ! خدای تعالی به پیامبر خود محمد(ص) وعده وسیله داده و وعده او راست است و خداوند خلف وعده نمی کند
 بدانید که وسیله بر فراز درجات بهشت و ستیغ بلندبهای تقرب و خط پایان آرزوست .
 - ابو سعید خدری : پیامبر(ص) می فرمود : هرگاه از خداوند چیزی برای من خواستید ، وسیله بخواهید از پیامبر(ص) درباره وسیله پرسیدیم ، فرمود : درجه من در بهشت است .
 در تفسیر المیزان ، بعد از نقل این حدیث ، آمده است : چنانچه در این حدیث و انطباق معنا و مفهوم آیه بر آن تامل کنید ، در می یابید که وسیله همان
 مقام پیامبر(ص) نزد پروردگارش است که پیامبر بدان وسیله به خدای تعالی تقرب می جویند و خاندان پاک او و بعد از آنها

صالحان امتش به وی می پیوندند در برخی روایتهای ائمه (ع) آمده است که رسول خدا دامن پروردگارش را گرفته است و ما به دامن او چنگ زده ایم و شما به دامن ما.

وسيله (۲).

- پیامبر خدا(ص) : امامان از نسل حسین (ع) هستند هر که آنان را اطاعت کند ، خدا را اطاعت کرده است و هر که آنان را نافرمانی کند خدای عزوجل را نافرمانی کرده است آنانند گره و دستگیره محکم و آنانند وسیله تقرب به خدای عزوجل .
- امام علی (ع) ، درباره آیه ((و برای تقرب به او وسیله جوید)) ، می فرماید : من هستم وسیله او.

سزاوارترین مردم به شفاعت .

- پیامبر خدا(ص) : همانا نزدیکترین شما به من در فردا (ی قیامت) و سزاوارترین شما به شفاعت من ، راستگوترین ، امانتدارترین ، خوش اخلاق ترین و نزدیکترین شما به مردم است .

شفاعت مؤمن به اندازه عمل اوست .

- امام باقر(ع) : مؤمن در حق افرادی به تعداد ربیعه و مضر شفاعت می کند ، مؤمن حتی برای خدمتگزار خود شفاعت می کند و می گوید :
پروردگارا ، خدمتکارم بر من حق دارد او مرا از گرما و سرماحفظ می کرد.
- انسان برای قبیله خود شفاعت می کند ، انسان برای خانواده خود شفاعت می کند ، انسان به اندازه عمل خود در حق دو نفر شفاعت می کند ، این است آن مقام محمود.

کمترین اندازه شفاعت مؤمن .

- امام باقر(ع) : مؤمنی که از همه کمتر می تواند شفاعت کند ، تا سی نفر را شفاعت می کند در این هنگام دوزخیان می گویند :
((ما را نه شفاعت کنندگانی است و نه دوستی مهربان)).
- پیامبر خدا(ص) : در میان مؤمنان کسانی هستند که به اندازه قبایل ربیعه و مضر شفاعت می کنند و مؤمنانی که کمتر از همه حق شفاعت دارند برای سی نفر شفاعت می کنند.

بدبختی .

ویژگیهای بدبخت .

- امام علی (ع) : بدبخت کسی است که فریفته هوا و هوس خود گردد.

- بدبخت کسی است که از عقل و تجربه خود بهره نگیرد.

- از گناهان باز ایستید و نفسهای خود را از آنها باز دارید , زیرا بدبخت کسی است که عنان خود را در عرصه گناهان رها سازد.

- پیامبر خدا(ص) : سه کسند که جز بدبخت با آنها مخالفت نکند : عالمی که به علم خود عمل کند , صاحب‌دل خردمند و پیشوایی دادگر.

- امام علی (ع) : بر خدا گستاخی نکند , مگر نادان بدبخت .

بدبخت در شکم مادر خود بدبخت است (۱).

قرآن .

((روزی که چون بیاید هیچ کس جز به اذن او سخن نگوید و مردمان بعضی بدبخت باشند و بعضی نیکبخت و اما آنان که بدبختند در آتش , فریاد و ناله ای دارند)).

((گویند : پروردگار ما! بدبختیمان بر ما چیره گشت و ما مردمی گمراه بودیم)).

- امام رضا(ع) : چون چهار ماه - برنطفه - بگذرد خدای تبارک و تعالی دو فرشته آفریننده به سوی آن بفرستد تا بدان شکل و صورت دهند و

روزی و مدت عمر و بدبختی یا خوشبختی او را رقم زنند.

- امام علی (ع) : سپس خداوند فرشته زهدانها را می فرستد می پرسد : بار خدایا! آیا بدبخت است یا نیکبخت ؟

پس خدای عزوجل آنچه بخواهد در این باره وحی می کند و فرشته آن را می نویسد.

بدبخت در شکم مادر خود بدبخت است (۲).

- پیامبر خدا(ص) : خوشبخت از همان شکم مادر خود خوشبخت است و بدبخت از همان شکم مادر خود , بدبخت است .

- هیچ کس نیست که خداوند او را در شکم مادرش بیافریند , مگر این که (در همان جا) بدبخت یا خوشبخت است .

- هیچ کس نیست مگر این که خداوند جایگاه او در بهشت و دوزخ و بدبخت یا خوشبخت بودن او را معلوم کرده است خوشبختان برای عمل

سعادت‌مندان آماده می شوند , و بدبختان برای عمل شقاوت‌مندان .

آفرینش خوشبختی و بدبختی پیش از آفرینش مردمان .

- امام صادق (ع) : خداوند عزوجل پیش از آن که خلق خود را بیافریند خوشبختی و شور بختی را آفرید , پس خداوند کسی را که بداند خوشبخت

است , دشمن نمی دارد و چنانچه کار بدی انجام دهد , کارش را دشمن می دارد اما خود او را دشمن نمی دارد و هرگاه بداند بدبخت است , هرگز او

را دوست نمی دارد و چنانچه کار خوبی انجام دهد , کارش را دوست می دارد اما به خاطر سرنوشتش وی را ناخوش می دارد.

- در پاسخ به این پرسش ابن حازم که آیا شقاوت و سعادت پیش از آن که خداوند خلاق را بیافریند وجود داشته اند، فرمود: آری، و اینک من آن را می گویم عرض کردم: پس، مرا خبر ده که آیا خداوند انسان خوشبخت را در هیچ حالتی از حالات ناخوش می دارد؟ فرمود: اگر موردی از موارد او را ناخوش می داشت با نظر لطف خود او را از حالتی به حالتی در نمی آورد و خوشبختش نمی کرد عرض کردم: ملاحظه از بدبخت که آیا حالی از حالات هست که خداوند او را در آن حالت دوست بدارد؟ فرمود: اگر دوستش می داشت او را بدبخت رها نمی کرد.

تفسیر اخبار پیشین (۱).

- ابن ابی عمیر از امام کاظم (ع) درباره این سخن پیامبر (ص) پرسید که بدبخت در همان شکم مادر خود بدبخت است و خوشبخت در همان شکم مادرش خوشبخت است، امام فرمود: کسی که بدبخت است در همان هنگامی که در شکم مادرش هست، خداوند می داند او در آینده کارها و اعمال شقاوت‌مندان را خواهد کرد و کسی که خوشبخت باشد، در همان شکم مادرش خداوند می داند که او را در آینده اعمال و رفتار سعادتمندان را انجام خواهد داد.

[ابن ابی عمیر می گوید:] عرض کردم: معنای این سخن رسول خدا (ص) چیست: عمل کنید که هر کسی برای آنچه به منظور آن آفریده شده آماده می باشد؟

فرمود: خدای عزوجل جن و انس را برای عبادت کردن او آفرید نه برای معصیت کردنش این سخن خدای عزوجل است آن جا که می فرماید: ((جن و انس را نیافریدیم مگر برای این که مرا عبادت کنند)) بنابراین، همه را برای آنچه به منظور آن آفریده شده اند آماده کرده است، پس وای بر کسی که کوری و گمراهی را بر هدایت ترجیح دهد.

تفسیر اخبار پیشین (۲).

- امام صادق (ع): خدای تبارک و تعالی بنده را از بدبختی به خوشبختی منتقل می کند، ولی از خوشبختی به بدبختی منتقل نمی کند.

- درباره کسی که حسین (ع) را با آگاهی از مقام آن حضرت زیارت کند، فرمود: اگر بدبخت باشد، خوشبخت نوشته می شود و پیوسته در رحمت خدای عزوجل غوطه می خورد.

- درباره کسی که سوره کافرون و اخلاص را در نماز واجب بخواند، فرمود: اگر بدبخت باشد نامش از دیوان شور بختان پاک می شود و در دیوان

نیکبختان ثبت می گردد.

- بعد از ذکر دعایی ، می فرماید : هر بنده مؤمنی که ، با توجه قلبی به خدای عزوجل ، این دعاها را بخواند ، خداوند حاجتش را برآورده سازد و چنانچه بدبخت باشد امید دارم که خوشبخت گردد .

موجبات بدبختی .

- امام علی (ع) ، در فرمان استانداری مصر به مالک اشتر ، می فرماید : امر می کند او (مالک) را به تقوای الهی و برگزیدن فرمان خدا و پیروی

از واجبات و مستحبات او که در کتابش (قرآن کریم) به آنها فرمان داده است و هیچ کس جز به پیروی از آنها خوشبخت نمی گردد و هیچ کس جز با انکار و فرو گذاشتن آنها بدبخت نمی شود.

- امام صادق (ع) ، درباره آیه ((گویند : پروردگار ما! بدبختیمان بر ما چیره گشت)) ، می فرماید : به سبب اعمال و کردارشان بدبخت شدند.

- امام رضا(ع) : قلم تقدیر خداوند بر خوشبختی کسی که ایمان آورد و تقوا داشته باشد و بر بدبختی کسی که ایمان نیاورد و نافرمانی ورزد رقم خورده است .

- امام حسین (ع) در دعای روز عرفه : بار خدایا! کاری کن که از تو چنان بترسم که گویی می بینمت و باتقوا و ترس از خودت خوشبختم گردان و با معصیت و نافرمانیت شور بختم مکن .

- امام علی (ع) : کسی که آزمندیش زیاد باشد، بدبختیش بسیار باشد.

- از عشق به دنیا بپرهیز که برای تو بدبختی و گرفتاری می آورد و موجب می شود که آنچه را ماندنی است ، به آنچه رفتنی است بفروشی .

- آزمندی ، یکی از دو بدبختی است .

- علت بدبختی ، دنیا دوستی است .

- در شرح آفرینش آدم (ع) ، می فرماید : خدای سبحان فرمود : ((بر آدم سجده کنید پس همه سجده کردند مگر ابلیس)) که غرور و نخوت او را

فرا گرفت و بدبختی بر وجود وی چیره گشت و به آفرینش (خود) از آتش بالید و آفرینش (آدم از) گل خشک را خوار شمرد.

- ای دریغ بر هر بی خبری که عمرش بر او حجت باشد و گذشت روزگارانش او را به بدبختی کشاند.

- هر که دینی جز اسلام بجوید به بدبختی گرفتار آید و دستاویزش از هم گسیخته شود و به رو درافتادن و سقوطش (در عذاب و آتش) سخت باشد و به

اندوه دراز و عذاب دردناک مبتلا گردد .

بدبخت ترین مردم .

- امام علی (ع) ، در پاسخ به این پرسش که بدبخت ترین مردم کیست فرمود : کسی که دین خود را به دنیای دیگری بفروشد .
- پیامبر خدا(ص) : بدبخت ترین مردم ، شاهانند .
- امام علی (ع) : بدبخت ترین شما ، آزمندترین شماست .
- پیامبر خدا(ص) : بدبخت ترین بدبختها ، کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت در او جمع شود .
- امام علی (ع) : بدبخت ترین مردم کسی است که هوای نفس بر او چیره شود ، پس دنیایش او را در اختیار خود گیرد و آخرت خویش را تباه گرداند .
- یکی از بزرگترین بدبختیها ، سنگدلی است .
- مسیح (ع) : بدبخت ترین مردم ، کسی است که به علم در میان مردم سرشناس باشد و به عمل ناشناخته .
- پیامبر خدا(ص) از امام علی (ع) پرسید : بدبخت ترین مردمان گذشته کیست ؟
- عرض کرد : پی کننده ناقه فرمود : درست است پرسید : بدبخت ترین مردم در آینده کیست ؟
- عرض کردم : نمی دانم ای رسول خدا پیامبر(ص) به ملاح علی (ع) اشاره کرد و فرمود : آن کسی که به این جا ضربت زند .
- امام علی (ع) - در دعا- : پروردگارا! چه بدبخت است کسی که آنچه از پادشاهی و قدرت تو می بیند ، در کنار آن پادشاهی و قدرت تو که به چشم و دلش نمی بیند ، در نگاه و دل او با عظمت نباشد و بدبخت تر از او کسی است که پادشاهی و قدرت مشهود و نامشهود تو در قیاس با عظمت و جلال تو در چشم و دلش خرد و ناچیز نیاید خدایی جز تو نیست ، پاکی تو ای خدا ، من از ستمگران هستم .

نشانه های بدبختی .

- پیامبر خدا(ص) : از نشانه های بدبختی است : خشکی چشم و سختی دل و حرص زدن زیاد در طلب روزی و پایداری بر گناه .
- ای علی ! چهار چیز نشانه بدبختی است : خشکی چشم ، قساوت قلب ، آرزوی دراز و عشق به زنده ماندن .
- امام علی (ع) : از نشانه بدبختی ، دغلکاری با دوست است .
- از نشانه های شقاوت ، بدی کردن به نیکان است .
- امام صادق (ع) : اگر خواهی بدانی که کسی بدبخت است یا خوشبخت ، بنگر که به چه کسی خوبی می کند ، اگر به اهلس خوبی می کند بدان
- که آدم خوبی است و اگر به نااهلس خوبی می کند بدان که او را نزد خداوند خیر و خوبی نیست .
- امام علی (ع) : تباه کردن معاد ، از بدبختی است .
- از بدبختی است ، که انسان دین خود را وسیله حفظ دنیایش قرار دهد .
- بد سگالی ، از نشانه های بدبختی است .

سپاسگزاری (۱) سپاسگزاری از خداوند سبحان .

تشویق به سپاسگزاری از خداوند .

قرآن .

((مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس گوید و ناسپاسی من نکنید)).

- امام سجاده (ع) : ستایش خدایی را که اگر شناخت حمد خود در برابر احسانهای پیاپی و نعمتهای فراوانی را که به بندگانش عطا می کند از آنان

باز دارد , از نعمتهایش بهره می گیرند و ستایشش نمی کنند و از روزی او برخوردار می شوند و سپاسش نمی گویند و در این صورت از مرزهای

انسانیت به مرزحیوانیت سقوط می کنند و در زمره آنان می شوند که خداوند در کتاب استوار خود می فرماید : ((نیستند مگر مانند حیوانات و بلکه

گمراهتر از آنان)).

- امام علی (ع) : شکر زیور توانگری است و شکیبایی زیور گرفتاری .

- شکر گزاری , مایه مصون ماندن از فتنه است .

- شکر نعمت , موجب ایمن ماندن از انتقام (خداوند) می شود.

- از امام صادق (ع) سؤال شد : گرامیترین مردمان نزد خدا کیست ؟

فرمود : کسی که چون نعمتی به او داده شود , شکر کند و هرگاه گرفتار شود صبر ورزد.

و جوب شکر منعم .

- امام علی (ع) : اگر خداوند بندگان خود را در برابر نافرمانیش وعده عذاب هم نمی داد , باز واجب بود که به شکرانه نعمتهایش نافرمانی نشود

((۱۰)).

- اگر خداوند برای معصیت خود بیم (عذاب) هم نمی داد , باز لازم بود که به شکرانه نعمتهایش نافرمانی نشود.

- کمترین وظیفه در قبال منعم , این است که با نعمتش نافرمانی نشود.

- کمترین وظیفه شما در برابر خداوند , این است که از نعمتهای او در راه نافرمانیش استفاده نکنید.

- نخستین چیزی که بر شما در قبال خدای سبحان واجب است , سپاسگزاری از نعمتهای او و فراهم آوردن موجبات خشنودی اوست .

- امام صادق (ع) : برای هر نفسی از نفسهای شکر و بلکه هزار و بیشتر از هزار شکر بر تو واجب است .

- هیچ بنده ای نیست , مگر آن که خدا را بر او حجتی است , چه در گناهی که مرتکب می شود و چه در نعمتی که از شکر آن کوتاهی می کند.

- امام علی (ع) : گروهی خدا را از سر سپاسگزاری می پرستند و این عبادت آزادگان است .

سپاسگزار از خود سپاسگزار می کند.

قرآن .

((هر که سپاس گزارد , تنها به سود خویش سپاس می گزارد و هر که ناسپاسی کند بی گمان پروردگار من بی نیاز و کریم است)).

((هر آینه به لقمان حکمت دادیم و گفتیم که خدارا سپاس گوی ، زیرا هرکه سپاس گوید ، به سودخود سپاس گفته و هرکه ناسپاسی کند ، خدا بی نیازو ستوده است)).

((جز این نیست که ما شما را برای خدا اطعام می کنیم نه پاداشی از شما می خواهیم و نه سپاسی)).

- امام علی (ع) : اگر به کسی خوبی کنی در واقع با این کار خود را گرامی داشته ای و به خودت آبرو داده ای ، پس به سبب خوبی که به خودت کرده ای از دیگران خواهان تشکر مباش .

سپاسگزار.

قرآن .

((گفت : ای موسی ! من تو را با رسالتها و سخن گفتنم (با تو) بر مردم برگزیدم پس آنچه را به تو دادم بگیر و از سپاسگزاران باش)).

((و سپاسگزار نعمتهای او بود خداوندش برگزید و به راهی راست هدایتش کرد)).

((بلکه خدا را پیرست و از سپاسگزاران باش)).

- پیامبر خدا(ص) : سیر سپاسگزار اجرش همانند روزه داری است که برای خدا روزه می گیرد ، تندرست سپاسگزار همانند آن اجرای را دارد که

بیمار شکیبا و بخشنده سپاسگزار همان اجر را دارد که تنگدست قانع .

- امام عسکری (ع) : (قدر) نعمت را شناسد مگر سپاسگزار و شکر نعمت نگذارد مگر آن که (قدر) نعمت را شناسد.

- امام هادی (ع) : خوشبختی شکرگزاری برای شاکر ، بیشتر از خوشبختی نعمتی است که موجب شکر شده است ، زیرا نعمت متاعی است اما شکر ، نعمتها و عاقبت است .

فراوانی ناسپاسان .

قرآن .

((خدا کسی است که شب را برایتان پدید آوردتا در آن بیارامید و روز را روشنایی بخش (قرار داد) آری ، خدا بر مردم بسیار تفضل دارد ولی

بیشتر مردم ناسپاسند)).

((و کسانی که بر خدا دروغ می بندند ، روز رستاخیز چه گمان دارند؟

در حقیقت ، خدا بر مردم دارای بخشش است ولی بیشترشان ناسپاسند)).

((آن گاه از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می تازم و بیشترشان را سپاسگزار ، نخواهی یافت)).

اندک بودن سپاسگزاران .

قرآن .

((برای وی هر چه می خواست ، از نمازخانه ها و تندیسها و کاسه هایی چون حوضچه ها و دیگهای چسبیده به زمین می ساختند ای خاندان داود! سپاسگزاری کنید و اندکی از بندگان من سپاسگزارند)).

((و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم اما چه اندک سپاس می گزاید)).
- مصباح الشریعة امام صادق (ع) فرمود: اگر نزد خداوند عبادتی بهتر از شکرگزاری در همه حال وجود داشت که بندگان مخلصش با آن عبادتش کنند ، هر آینه آن کلمه را درباره همه خلقش به کار می برد ، اما چون عبادتی بهتر از آن نبود از میان عبادات آن را خاص قرار داد و صاحبان آن را ویژه گردانید و فرمود: ((واندکی از بندگان من سپاسگزارند)).

- امام علی (ع): شما را به تقوای خدا سفارش می کنم چه اندک است کسی که آن را بپذیرد و چنان که سزاوار است به آن عمل کند! اینان اندک شمارند و مصداق این توصیف خدای سبحان هستند: ((واندکی از بندگان من سپاسگزارند)).

نقش شکرگزاری در افزایش نعمت .

قرآن .

((و آن گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاس گوئید بر (نعمت) شما می افزایم و اگر ناسپاسی کنید همانا عذاب من سخت خواهد بود)).

- امام صادق (ع) ، در پاسخ به این سؤال که آیا آیه ((اگر سپاس گوئید)) شامل شکر نعمت ظاهری می شود ، فرمود: آری ، کسی که خدا را

بر نعمتهایش ستایش کند و سپاس گوید و بداند که آن نعمتها از جانب خداست نه دیگری [خداوند بر نعمتهایش می افزاید] - چون خداوند به بنده ای

نعمتی دهد ، پس قلباً قدر آن را بشناسد و به زبان خدا را ستایش کند هنوز سخنش به پایان نرسیده است که فرمان می رسد تا بر نعمتش افزوده شود.

- امام علی (ع): چون خداوند به بنده ای نعمتی دهد و بنده در دل شکر آن نعمت را بگذارد ، پیش از آن که سپاسگزاری از آن را به زبان

آورد مستوجب افزایش آن نعمت گردد.

- پیامبر خدا(ص): خداوند در شکر را بر روی بنده ای نگشود که در فزونی (نعمت) را بر روی او ببندد.

- امام علی (ع): به کسی که توفیق شکرگزاری داده شود ، از فزونی یافتن (نعمت) محروم نگردد.

- امام باقر(ع): افزایش نعمت از سوی خداوند قطع نگردد ، مگر آن گاه که شکرگزاری بندگان قطع شود.

- امام صادق (ع): در تورات نوشته شده است: از کسی که به تو نعمتی می دهد تشکر کن و به کسی که از تو سپاسگزاری می کند نعمت عطا کن

، زیرا با وجود سپاسگزاری نعمتها زوال نیابند و با وجود ناسپاسی نعمتها پایدار نمانند سپاسگزاری موجب افزایش نعمتها و جلوگیری از زوال

آنهاست .

- امام علی (ع) : هر که در دل خود از نعمتها سپاسگزاری کند , پیش از آن که به زبان آورد , مستحق افزایش (نعمت) گردد .
- چونان کسی مباش که از سپاسگزاری نعمتی که به او داده شده , ناتوان است و (با این حال) خواهان افزایش نعمت باقیمانده است .

فرجام ناسپاسی .

- امام صادق (ع) : خداوند عزوجل به مردمی نعمت داد اما آنان شکرش را به جای نیاورند و در نتیجه آن نعمتها مایه وبال آنان شد و مردمی رابه مصیبتها گرفتار کرد , لیکن آنان صبر کردند و در نتیجه , آن مصائب به نعمت تبدیل شد .
- امام جواد(ع) : نعمتی که سپاسگزاری نشود مانند گناهی است که آمرزیده نشود .

وجوب شکر برای شکر.

- امام علی (ع) : کسی که خدای سبحان را شکر گوید , شکر دومی بر او واجب آید , زیرا توفیق شکرگزاری از خود را به او داده است و این است شکر برای شکر .
- امام سجاد(ع) - در مناجات - : چگونه شکر تو توانم کرد وقتی شکرگزاری من از تو خود نیازمند شکرگزاری است ؟
هر بار که بگویم : تو را سپاس به خاطر همین سپاس گویی بر من واجب می آید که (بار دیگر) بگویم : تو را سپاس .

تفسیر حق شکر.

- امام صادق (ع) : خدای تعالی به موسی (ع) وحی فرمود که : ای موسی ! مرا چنان که باید شکر کن موسی عرض کرد : پروردگارا! چگونه تو را چنان که باید شکر گویم حال آن که هر شکری که تو را می گویم خود نعمتی است که توبه من ارزانی داشته ای ؟
فرمود : ای موسی ! وقتی که بدانی توفیق آن شکر را هم من به تو داده ام , حق شکر مرا ادا کرده ای .
- مصباح الشریعة امام صادق (ع) فرمود : شکر کامل , اعتراف خاضعانه زبان درون در برابر خدای تعالی است به عجز و ناتوانی از به جا آوردن کمترین شکر او , چرا که توفیق شکر خود نعمت تازه ای است که باید شکر آن را به جای آورد .

نمودار شدن شکرگزاری مؤمن در کردار او.

- امام علی (ع) : شکرگزاری مؤمن در کردار او آشکار می شود و شکرگزاری منافق از زبانش فراتر نمی رود .
- شکرگزاری عالم به خاطر علم خودعبادت است از عمل کردن آن علم و گذاشتن آن در اختیار سزاندانش .

حقیقت شکر (۱).

- امام صادق (ع) : شکر نعمت عبارت است از دوری کردن از حرامها و تمامیت شکر به این است که انسان بگوید : سپاس خدایی

را که

پروردگار جهانهاست .

- امام علی (ع) : شکر هر نعمتی پرهیز کردن از حرامهای خداوند است .

- پروردگارت را با ثنای بسیار سپاس گوی و فرا دست خود را با پیروی صادقانه و همتایت را با حسن برادری و فرو دستت را با عطا و بخشش به

او.

- امام باقر(ع) : اندک روزی خدا را برای خود , فراوان شمار تا بدین وسیله شکرش را گزارده باشی .

- امام علی (ع) , در نامه خود به حارث همدانی , می فرماید : به کسی که بر او برتری داده شده ای بسیار بنگر , زیرا این کار یکی از انگیزه های

شکر گذاری است .

- هر گاه بر دشمن تسلط یافتی , گذشت از او را شکرانه چیره آمدنت بر وی قرار ده .

حقیقت شکر (۲).

- امام صادق (ع) : کسی که خداوند نعمتی به وی ارزانی دارد و در دل آن را (به عنوان نعمت خدادادی) بشناسد , هر آینه شکر آن نعمت را

گزارده است .

- هیچ بنده ای نیست که خداوند به او نعمتی دهد و او آن را از جانب خدا بداند مگر آن که , پیش از سپاسگویی او , خداوند بیامرزدهش .

- ابو بصیر به امام صادق (ع) عرض کرد : آیا شکر را حدی هست که چون بنده آن را به جای آورد , شاکر محسوب شود؟

حضرت فرمود : آری عرض کردم : آن حد چیست ؟

فرمود : خدا را بر هر نعمتی که در زمینه خانواده و مال به او می دهد شکر گوید و چنانچه در نعمتی که به مال او می دهد (برای خدا) حقی باشد آن

را بپردازد این است سخن خدای عزوجل که ((پاک است خدایی که این (مرکوب) رامسخر ما کرد در حالی که ما تاب آن را نداشتیم)).

- امام صادق (ع) : هیچ نعمتی نیست که خداوند به بنده ای عطا کند , خرد باشد یا کلان , و بنده بگوید : خدا را سپاس , مگر این که شکر آن را

گزارده باشد.

- رسول خدا هرگاه امر خوشحال کننده ای برایش پیش می آمد , می فرمود : خدا را بر این نعمت سپاس و هرگاه پیشامدی می کرد که از آن

غمگین می شد , می فرمود : در هر حال خدا را سپاس .

کمترین سپاسگزاری .

- مصباح الشریعه امام صادق (ع) فرمود : کمترین سپاسگزاری , این است که انسان نعمت را (مستقیماً) از خدا بداند و جز او

علتی برای آن نداند
و نیز به آنچه خداوند عطایش کرده، خرسند باشد و با نعمت او مرتکب گناه وی نشود یا نعمت او را در راه مخالفت با هیچ یک از اوامر و نواهی خدا به کارنگیرد.

شاکرترین مردمان .

- امام علی (ع) : شاکرترین مردم قانع‌ترین آنهاست و ناسپاس‌ترین آنها نسبت به نعمتها آزمندترین آنان است .
- امام سجاد(ع) : سپاسگزارترین شما از خدا، سپاسگزارترین شما از مردم است .
- امام رضا(ع) : بدانید که، بعد از ایمان به خدا و بعد از اعتراف به حقوق اولیا الله از آل محمد پیامبر خدا(ص)، هیچ شکری نزد خدا خوشایندتر از این نیست که برادران مؤمن خود را در امور دنیایشان یاری رسانید.

سجده شکر.

- امام صادق (ع) : رسول خدا(ص) در سفری بر ناقه خود سوار بود که ناگاه فرود آمد و پنج بار سجده کرد و دوباره سوار ناقه شد همسفران پرسیدند: ای رسول خدا! ما از شما رفتاری دیدیم که قبلاً ندیده بودیم؟
حضرت فرمود: آری، جبرئیل (ع) نزد من آمد و مرا از جانب خدای عزوجل بشارتهایی داد از این رو خدا را سجده شکر کردم، برای هر بشارتی سجده ای .
- هشام بن احمر : با ابوالحسن (ع) در یکی از نواحی مدینه می‌رفتم که ناگاه از مرکب خود فرود آمد و به سجده افتاد و آن را بسیار طول داد سپس سر از سجده برداشت و سوار مرکبش شد عرض کردم: فدایت شوم سجده ای طولانی کردی؟
فرمود: به یاد نعمتی افتادم که خداوند به من عطا کرده است و خواستم از پروردگارم سپاسگزاری کنم .
- امام صادق (ع) : هر گاه فردی از شما به یاد نعمت خدای عزوجل افتاد برای سپاسگزاری از خدا گونه اش را بر خاک گذارد اگر سواره بود پیاده شود و گونه اش را بر خاک نهد و اگر به خاطر ترس از بدنامی نتوانست پیاده شود صورتش را بر کوهه زین بگذارد و اگر باز هم نتوانست این کار را بکند، گونه اش را بر کف دست خود بگذارد و آن گاه خدا را برای نعمتی که به او داده است حمد گوید.

سپاسگزاری (۲) سپاسگزاری از مردم .

تشویق به سپاسگزاری از نیکوکار.

- امام علی (ع) : سپاسگزاری، یکی از دو پاداش است .

- سپاسگزاری بازگو کننده نیت و زبان درون است .

- بهترین آوازه تشکری است که منتشر شود.

- سپاسگزاری تو از کسی که از تو راضی است , موجب رضایت و وفاداری بیشتر او می شود و سپاسگزاری از کسی که از تو ناخشنود

است , سبب رفع ناراحتی و مهربانی او نسبت به تو می شود.

- تشکر کردن ارزشمندتر از نیکی کردن است , زیرا تشکر می ماند و نیکی از بین می رود.

- امام حسن (ع) : پستی این است که سپاسگزار نعمت نباشی .

- امام علی (ع) : هر کس بی آن که خوبی بیند تشکر کند , بی آن که بدی بیند نیز نکوهش کند.

معنای سپاسگزاری .

- امام صادق (ع) , در پاسخ به پرسش فضل بقباق از آیه ((و اما نعمت پروردگارت را بازگویی)) , فرمود : کسی که با بخشش و دهش و احسانش

به تو , تو را نواخت سپس فرمود : پس , دین او و عطا و نعمتی را که خداوند به او عنایت کرده است بازگو کن .

- امام سجاده (ع) : حق کسی که به تو نیکی می کند , این است که از او تشکر کنی و نیکیش را به زبان آوری و از وی به خوبی یاد کنی و میان خود

و خدای عزوجل برایش خالصانه دعا کنی اگر چنین کنی بیگمان پنهانی و آشکارا از او تشکر کرده باشی و انگهی اگر روزی توانستی نیکی او را

جبران کنی , جبران کن .

- امام علی (ع) : کسی که مورد نیکی قرار گرفته , وظیفه دارد نیکی کننده را بخوبی پاداش دهد اگر توان این کار را نداشت , باید به خوبی تشکر کند

و اگر زبانش از این کار هم قاصر بود , وظیفه دارد که ارزش آن نیکی را بشناسد و خوبی کننده را دوست داشته باشد و چنانچه از این کار هم

کوتاهی کرد , لایق نیکی نیست .

- اگر کسی خاشاکی از بدن تو برداشت بگو : خداوند آنچه را ناخوش داری از تو دور گرداند.

- امام باقر (ع) : هر که در قبال خوبی که به وی شده همانند آن خوبی کند , آن خوبی را پاداش داده است و اگر کمتر از آن خوبی کند سپاسگزاری

کرده باشد.

کسی که از مردم تشکر نکند از خدا تشکر نمی کند.

- امام سجاده (ع) : خدای تبارک و تعالی در روز قیامت به یکی از بندگان خود می فرماید : آیا از فلانی سپاسگزاری کردی ؟ عرض می کند : (نه) بلکه از تو سپاسگزاری کردم ای پروردگار خداوند می فرماید : چون از او تشکر نکرده ای از من نیز تشکر نکرده ای .

- امام رضا (ع) : هر که در قبال خوبی مردم تشکر نکند , از خدای عزوجل تشکر نکرده است .

- خدای عزوجل دستور داد به سپاسگزاری از خود و از پدر و مادر, پس کسی که از پدر و مادر خود سپاسگزاری نکند از خداوند سپاسگزاری نکرده است.

مؤمن ناسپاسی می شود.

- امام علی (ع) : رسول خدا(ص) مورد ناسپاسی قرار می گرفت و از خوبیهایش قدردانی نمی شد ما اهل بیت نیز احسانهایمان نادیده گرفته می شود و مورد تشکر قرار نمی گیریم مؤمنان نیک نیز ناسپاسی می شوند و کسی از خوبیهای آنان قدردانی نمی کند.

- امام صادق (ع) : مؤمن ناسپاسی می شود علتش این است که خوبی او به درگاه خدای تعالی بالامی رود و در میان مردم شایع نمی شود, اما کافر خوبی کردنیهایش شهرت می یابد, چون خوبی او برای چشم مردم است و در بین مردم شیوع می یابد و به آسمان (و درگاه الهی) بالا نمی رود.

- امام علی (ع) : تشکر نکردن دیگران از تو, نباید تو را به خوبی کردن بی رغبت سازد, زیرا کسی که از آن نیکی کمترین بهره ای نمی برد (یعنی خداوند) از تو قدردانی می کند و از سپاسگزاری این سپاسگزار به بیش از آن چیزی می رسی که فرد ناسپاس فرو گذاشته است و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

- پیامبر خدا(ص) : دست خداوند, رحمت رابر فراز سر کسانی که خوبیهایشان نادیده گرفته می شود, می گستراند.

- ارجمندترین و مقربترین مردمان نزد خداوند, نیکوکاری است که از نیکی او قدردانی نمی شود.

بستن راه نیکوکاری.

- امام صادق (ع) : خدا لعنت کند راهزنان نیکی را, یعنی کسی که به وی خوبی می شود, اما او ناسپاسی می کند و در نتیجه و نیکوکار را از نیکی کردن به دیگران باز می دارد.

آن که ناسپاسی می کند.

- امام صادق (ع) : کسی که بدرفتاری رازش نداند, در برابر خوبی دیگران سپاسگزاری نمی کند.

- کسی که بدرفتاری (دیگران) را تحمل کند, از خوبیها سپاسگزاری نکند.

- کسی که از درشتی به خشم نیاید, از خوبی سپاسگزاری نکند.

سپاسگزاری (۳) سپاسگزاری خدای سبحان.

پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است.

قرآن .

((اگر سپاس بدارید و ایمان آورید , خدا می خواهد با عذاب شما چه کند؟
خدا سپاسگزار و داناست)).

((صفا و مروه از شعایر خداست پس هر که حج خانه خدا را به جای آورد یا عمره گذارد بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای

آورد , پس هر که افزون بر فریضه , کار نیکی کند خداوند , سپاسگزار و داناست)).

((و گفتند : سپاس خدایی را که اندوه از ما ببرد همانا پروردگار ما بسیار آمرزنده و سپاسگزار است)).

((این است آنچه که خدا آن گروه از بندگانش را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند , بدان مژده می دهد بگو : بر این رسالت مزدی از

شما نمی خواهم جز دوست داشتن خویشاوندان و هر که کار نیکی کند برای او در ثواب آن خواهیم افزود همانا خداوند آمرزنده و سپاسگزار است

((.

- پیامبر خدا(ص) - در دعا - : ای بهترین ذاکر و مذکور , ای بهترین شاکر و مشکور.

در تفسیر المیزان آمده است : شاکر و علیم دو اسم از اسمهای حسناى خداست شکر و سپاسگزاری این است که کسی در قبال نیکی دیگری به

خود , با زبان یا در عمل , آن را جبران کند , مانند این که کسی به دیگری کمک مالی کند و او به پاداش آن کمک از وی تعریف و ستایش کند یا آن مال

را در جایی که مورد پسند کمک کننده و بیانگر کمک و خوبی اوست به مصرف برساند خداوند سبحان گر چه احسانش ازلی است و همه احسان و

نیکیها از اوست و هیچ کس به خدا خوبی و احسانی نمی کند که مستوجب سپاسگزاری از جانب خداوند باشد اما خدای بزرگ اعمال صالح و نیک را -

که همانها نیز در حقیقت احسان خداوند به بندگانش می باشد - احسان و نیکی بنده به خود به شمار آورده و لذا در قبال آن از بندگان سپاسگزاری و به

آنان احسان می کند و پاداش نیکی را نیکی می دهد خدای تعالی فرموده است : ((آیا پاداش خوبی جز خوبی است ؟

((و فرموده است : ((این پاداش شماست و از کوشش شما سپاسگزاری شده است)) بنا بر این , اطلاق نام شاکر و سپاسگزار بر خدای تعالی اطلاق

حقیقی است نه مجازی .

شک .

شک .

قرآن .

((جز این نیست که خداوند می خواهد آلودگی را از شما اهل بیت ببرد و پاک و پاکیزه تان گرداند)).

- امام صادق (ع) ، درباره آیه ((پلیدی را از شما ببرد)) فرمود : (مراد از) آلودگی همان شک است به خدا سوگند که ما هرگز درباره پروردگار خود شک نمی کنیم .
- امام باقر (ع) ، درباره آیه ((اما کسانی که در دل‌هایشان بیماری است پلیدی بر پلیدیشان بیفزود)) ، فرمود : یعنی شکی بر شک آنها.
- امام صادق (ع) ، درباره آیه ((اینچنین خداوند پلیدی را برای کسانی که ایمان نمی آورند قرار می دهد)) ، فرمود : منظور شک است .
- امام علی (ع) : تباه کننده ترین چیز شک است ، نگهدارنده ترین چیز پارسایی است .
- بر تو باد به چسبیدن به یقین و دوری کردن از شک ، زیرا برای دین انسان چیزی نبود کننده تر از چیره آمدن شک بر یقین او نیست .
- بدترین دلها ، دلی است که در ایمان خود شک کند .
- شک ، کفر است .
- امام صادق (ع) ، درباره آیه ((کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را به ستم نیامیختند)) ، فرمود : یعنی به شک .
- امام کاظم (ع) ، درباره آیه ((و ما در بیشتر آنان وفای به عهد نیافتیم)) ، فرمود : این آیه درباره شک کننده نازل شده است .
- امام علی (ع) : آیا نمی بینید که خدای سبحان همه انسانها را ، از آدم صلوات الله علیه تا آخرین نفر این عالم ، با سنگهایی بیازمود که نه زیانی می رسانند و نه سودی اگر پایه هایی که خانه (کعبه) بر آن بنا شده و سنگهایی که با آنها برافراشته گردیده است از زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور و درخشندگی بود ، هر آینه از کشاکش شک در سینه هامی کاست و کوشش ابلیس را از دلها بر می داشت و از انباشت تردید و به تلاطم در آمدن آن در (اذهان) مردم جلوگیری می کرد ، اما خداوند بندگان خود را به سختیهای گوناگون می آزماید .
- سپس آدم را در سرایی جای داد که زندگیش را در آن جا فراخ و پر نعمت گردانید و جایگاهش را ایمن کرد و او را از ابلیس و دشمنیش (نسبت به آدم) بر حذر داشت پس دشمن آدم (یعنی ابلیس) از این که او را مقیم سرای جاویدان و هم نشین نیکوکاران می دید حسادت ورزیده آدم را فریفت و در نتیجه ، آدم شک را جایگزین یقین کرد و سستی را جایگزین عزم و اراده .

افتخار به شک نکردن در حق .

- امام علی (ع) ، بعد از کشته شدن طلحه و زبیر ، فرمود : امروز آشکار و رسا با شما سخن می گویم ، دور باد اندیشه کسی که از من سر پیچد از زمانی که حق به من نمایانده شده در آن شک نکرده ام .
- از زمانی که حق را یافته ام ، در آن شک نکرده ام .
- من به پروردگار خود یقین دارم و در دین خود شبهه ای ندارم .

عوامل به وجود آمدن شک .

- امام علی (ع) : شک حاصل نادانی است .
- هر که از دیدن آنچه در برابر اوست نابینا باشد , نهال شک را در میان دو پهلوی خود (سینه اش) بنشانند.
- هر که در کار خداگردنکشی کند دستخوش شک شود و هر که شک کند خداوند بر او چیره گردد و با قدرت خود وی را به خواری افکند و با جلال خود وی را حقیر گرداند , همچنان که او در کار خداوند کوتاهی کرده بود.
- کسی که دستخوش تردید شود , بر شک او افزوده گردد.
- دچار شبهه نشوید که گرفتار شک می شوید و شک نکنید که به کفر گرفتار می آید و به نفسهای خود میدان ندهید که در این صورت (دردین) سهل انگار می شود.

آثار شک .

- امام علی (ع) : شک , ایمان را بر باد می دهد.
- شک , نور دل را خاموش می کند.
- حاصل شک , سرگردانی است .
- علت سرگشتگی شک است .
- با استمرار شک , شرک پدید می آید.
- کسی که زیاد شک کند , دینش تباه شود.
- به خدا سوگند که شک عارض گشته و یقین تباه شده است , به طوری که آنچه برای شما تضمین گشته (یعنی روزی) گویا (تلاش در راه کسب آن) بر شما واجب است و آنچه بر شما واجب گشته , گویی از دوش شما برداشته شده است .

آنچه شک را می زداید.

- قرآن .
- ((گفتند : ما به آنچه بدان مامور شده اید کافریم و در چیزی که ما را بدان می خوانید سخت در تردید هستیم پیامبرانشان گفتند : آیا درباره خداوند آفریننده آسمانها و زمین تردیدی هست ؟
- ((
- امام علی (ع) : با اندیشیدن پیاپی شک ناپدید می شود.
- در شگفتم از کسی که آفرینش خدا را می بیند و در او شک دارد.

شک و یقین .

- امام علی (ع) : اندکی شک , یقین را تباه می کند.
- انسان هرگز گمراه نشود , مگر آن گاه که شک او بر یقینش چیره آید.
- هیچ مخلصی دچار شبهه نشد و هیچ یقین مندی , شک نکرد.
- کیست ناکام تر از کسی که از یقین (دست کشیده) به شک و حیرت روی آورد؟

- کسی که یقینش نیرومند باشد , دچار شک نشود.
- کسی که یقین راستین داشته باشد , گرفتار شک نشود.
- داناترین مردم , کسی است که شک یقین او را از بین نبرد.

شک و تردید.

قرآن .

((همانا آنان درباره آن (کتاب موسی) در شکی بهتان آمیزند)).

- امام علی (ع) : چه نزدیک است شک به تردید (یا به اضطراب و تشویش).
- شک , تردید است (یا شک موجب یاناشی از تشویش و اضطراب روحی است).
- تردید (یا تشویش فکری) به خود راه ندهید , که دستخوش شک می شوید و شک نکنید که دچار کفر می گردید.

شاخه های شک .

- امام علی (ع) : شک چهار شاخه دارد : جدال کردن , ترس , سرگردانی و تن دادن کسی که ستیزه کردن را عادت خویش گرداند , شب او صبح نشود و کسی که از آنچه رو به رویش هست وحشت داشته باشد , به عقب برگردد و کسی که در (عالم) تردید و تشویش سرگردان ماند , پایمال سمهای شیاطین شود و کسی که به هلاکت دنیا و آخرت تن دهد , در هر دو سرای هلاک گردد.

برخورد امام با کسی که در قرآن شک داشت .

- امام علی (ع) به مردی که عرض کرد : من در کتاب منزل خداوند دچار شک شده ام , فرمود : مادرت به عزایت نشیند : چگونه در کتاب منزل خداوند شک کرده ای ؟
- همانا کتاب خدا برخی از آن برخی دیگرش را تصدیق می کند و هیچ قسمتی از آن قسمت دیگرش را تکذیب نمی کند , اما به تو عقلی روزی نشده که از آن بهره گیری .

شکایت .

شکایت از خدا.

قرآن .

((زنهار آرزو مکنید آن چیزهایی را که خداوند بدانها بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داده است مردان را از آنچه کسب کرده اند نصیبی

است و زنان را نیز از آنچه کسب کرده اند نصیبی و از فضل خدا در خواست کنید که خدا بر هر چیزی آگاه است)).

- امام صادق (ع) : خدای عزوجل فرموده است : بنده مؤمن خود را به هیچ کاری وادارم مگر این که آن کار را برای او خیر قرار دهم و پس و

باید به قضای من خرسند باشد و بر بالای من صبر کند و از نعمتهایم سپاسگزار باشد تا ، ای محمد! ، او را از صدیقان نزد خود قلمداد کنم .

- پیامبر خدا(ص) : روزگاری بر مردم می آید که از پروردگار خود شکایت می کنند [راوی گوید] : عرض کردم : چگونه از پروردگارشان شکایت می کنند؟

فرمود : (به این صورت که) شخص می گوید : به خدا سوگند که مدتهاست کمترین استفاده ای نکرده ام و فقط از سرمایه ام می خورم وای بر تو! آیا

سر و ته مال تو جز از پروردگار توست ؟

- امام علی (ع) : در شکیبایی آدمی همین بس که کمتر شکایت کند.

- پیامبر خدا(ص) : خداوند به برادرم عزیر وحی فرمود که : ای عزیر! اگر مصیبتی به تو رسد از من نزد آفریدگانم شکایت مکن ، زیرا که از

جانب تو مصیبتهای زیادی به من رسیده و من نزد فرشتگانم از تو شکایت نکرده ام ای عزیر! به اندازه تاب و توانت بر عذاب من ، مرا نافرمانی کن .

- امام صادق (ع) ، در پاسخ به این پرسش که منفورترین خلق نزد خدا کیست ، فرمود : کسی که خدا را متهم کند [پرسش کننده گوید] : عرض کردم

: مگر کسی خدا را هم متهم می کند؟

فرمود : آری ، کسی که از خدا طلب خیر کند و خداوند خیر او را در چیزی قرار دهد که وی ناخوش می دارد و در نتیجه ناراحت شود چنین

کسی خدا را متهم کرده است عرض کردم : دیگر چه کسی ؟

فرمود : کسی که از خدا شکوه کند عرض کردم : مگر کسی از خدا هم شکوه می کند؟

فرمود : آری ، کسی که هرگاه گرفتار شود ، بیش از حد گرفتاری خود شکایت کند عرض کردم : دیگر چه کسی ؟

فرمود : کسی که هرگاه نعمتی به او داده شود سپاسگزاری نکند و هرگاه گرفتار شود صبر نرزد.

شکایت به خدا.

قرآن .

- ((گفت: من از غم و اندوه خود تنها به خدا شکایت می برم و از (عنایت) خدا آن می دانم که شما نمی دانید)).
- امام صادق (ع): هر که به برادر خود شکایت کند, به خدا شکایت کرده است و هر که به کسی جز برادر خود شکایت کند, از خدا شکایت کرده است.
- امام علی (ع): هر که از نیاز (و مشکل) خود نزد مؤمنی شکوه کند گویی از آن نزد خدا شکوه کرده است و هر که از آن نزد کافری شکوه کند گویی از خدا شکوه کرده است.
- هر گاه مسلمان در تنگنا و سختی افتد, نباید از پروردگار عزوجل خود شکایت کند, بلکه باید به درگاه پروردگار خویش که زمام و تدبیر امور به دست اوست, شکایت برد.
- شکایت خود را نزد کسی بر, که بر رفع نیاز تو توانا باشد.
- زنهار! زنهار! از این که پیش کسی درددل کنی که اندوه و مشکل شما را بر طرف نمی کند و با اندیشه خود گره از کار شما نمی گشاید.
- به خدا شکایت می برم از جماعتی که نادان می زیند و گمراه می میرند.
- به هنگام رو به رو شدن با دشمن در میدان جنگ, چنین دعا می کرد: بار خدایا! به تو شکایت می بریم از نبود پیامبران و فراوانی دشمنان و پراکندگی خواستهایمان.

شهادت (۱) در مسائل قضایی .

شهادت عادلانه .

- قرآن .
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا شهادت دهید, هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادرو خویشاوندان (شما) باشد
- اگر (یکی از دو طرف دعوا) توانگر یا نیازمند باشد, باز خدا به آن دو (از شما) سزاوارتر است پس از هوای نفس پیروی نکنید که (در نتیجه از حق
- (عدول کنید و اگر به انحراف گرایید اعراض نمایید, قطعاً خدا به هر چه می کنید آگاه است .
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! برای خدا به داد برخیزید و به عدالت گواهی دهید دشمنی با گروهی دیگر و ادارتان نکند که عدالت نورزید عدالت
- ورزید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا بترسید که خدا به هر کاری که می کنید آگاه است)).
- امام علی (ع): عدالت, روح شهادت دادن است .
- پیامبر خدا(ص): من عادل هستم و جز به عدالت, شهادت نمی دهم .
- من به ستم شهادت نمی دهم .

ترغیب به شهادت دادن .

قرآن .

((و آنان که به شهادت‌های خود پایبندند)).

((و برای خدا شهادت را (به راستی) ادا کنید)).

- پیامبر خدا(ص) : کسی که برای زنده کردن حق یک نفر مسلمان شهادت حق بدهد , روز قیامت درحالی آورده می شود که پرتو نور چهره اش تا چشم کار می کند دیده می شود و خلایق او را به نام و نسب می شناسد.

نهی از خودداری از شهادت دادن .

قرآن .

((و شاهدان چون (به شهادت دادن) فرا خوانده شوند نباید خودداری کنند)).

- امام کاظم (ع) درباره آیه ((و شاهدان چون (به شهادت) فرا خوانده شوند)) , فرمود : هر گاه مردی از تو دعوت کرد که به دینی یا حقی شهادت

دهی , برای هیچ کس سزاوار نیست که از آن خودداری ورزد.

- امام صادق (ع) نیز درباره همین آیه , فرمود : هر گاه فردی برای شهادت دادن دعوت شد , سزاوار نیست بگوید : من برای شما شهادت نمی دهم

.

- امام علی (ع) درباره همین آیه نیز , فرمود : یعنی کسی که شاهد بودن بر امری را پذیرفته باشد نباید وقتی به شهادت دادن فرا خوانده شد امتناع

ورزد , بلکه باید شهادت دهد و در آن اخلاص و صداقت داشته باشد و از سرزنش هیچ سرزنشگری نترسد و باید به نیکی فرمان دهد و از بدی و زشتی باز دارد.

- پیامبر خدا(ص) : بهترین شهادت , آن است که کسی پیش از آن که از وی درخواست شود , شهادت دهد.

- امام صادق (ع) : هر گاه برای شهادت دادن فرا خوانده شدی , اجابت کن .

کتمان شهادت .

قرآن .

((کیست ستمکارتر از کسی که شهادتی از خدا را در نزد خویش پوشیده دارد؟

)).

((شهادت را کتمان نکنید و هر که آن را کتمان کند دلش گنهکار است و خدا به آنچه انجام می دهید داناست)).

- پیامبر خدا(ص) : هر که شهادتی را کتمان کند یا شهادتی دهد که خون شخص مسلمانی را پایمال کند یا مال مسلمانی را از بین ببرد , روز قیامت

درحالی آورده شود که چهره اش تاریک است و ظلمت آن تا جایی که چشم کار می کند کشیده شده است و در صورتش خراشهایی است و مردمان او را به نام و نسب می شناسند.

- هر که شهادت را کتمان کند خداوند در برابر دیدگان مردم گوشت او را به خوردش دهد و این است سخن خدای عزوجل که ((و شهادت را کتمان نکنید)).

- هر که هرگاه برای شهادت دادن فراخوانده شود آن را کتمان کند، همانند کسی است که شهادت دروغ دهد.
- امام صادق (ع)، درباره آیه ((و شاهدان چون به شهادت دادن فرا خوانده شوند))، فرمود: مرادپیش از شهادت است ((۱۱)) و درباره آیه

((و هر که شهادت را کتمان کند دلش گنهکار است)) فرمود: مراد بعد از شهادت است.

- امام باقر (ع)، درباره آیه ((و هر که شهادت را کتمان کند دلش گنهکار است))، فرمود: دلش کافر است.

برگشت از شهادت .

- پیامبر خدا(ص): هر که از شهادت خود برگردد و آن را کتمان کند، خداوند در حضور خلایق گوشتش را به وی بخوراند و درحالی که زبان خود را می جود به دوزخ رود.

- امام باقر یا امام صادق (ع)، درباره کسانی که شهادت دهند و بر اساس شهادت آنها بر ضد کسی حکمی صادر شود و سپس از شهادت

خود برگردند، فرمود: نسبت به آنچه درباره آن شهادت داده اند ضامن هستند و باید تاوان بدهند، اما اگر هنوز حکم صادر نشده باشد، شهادت آنها کنار گذاشته می شود و غرامتی نمی دهند.

شهادت دروغ .

قرآن .

((و آنان که به دروغ شهادت نمی دهند و چون بر ناپسندی بگذرند، کریمانه از آن بگذرند)).

- پیامبر خدا(ص): هر که درباره مردی مسلمان یا ذمی و یا هر انسانی شهادت دروغ دهد، در روز قیامت به زبانش آویزان می شود و همراه منافقان در طبقه زیرین دوزخ باشد.

- امام صادق (ع): شهادت دهنده به دروغ هنوز قدم از جای خود بر نداشته، آتش بر او واجب می شود.

- پیامبر خدا(ص): منفورترین شما نزد من و دورترین شما از من و خدا، کسی است که شهادت دروغ بدهد.

- امام باقر (ع): هیچ مردی نیست که، به منظور بردن مال مسلمانی، علیه او شهادت دروغ دهد، مگر این که خدای عزوجل به جای آن سند دوزخی بودن او را صادر کند.

- پیامبر خدا(ص) : روز قیامت شهادت دهنده به دروغ در حالی برانگیخته می شود که , همانند سگ که ظرف غذا را زبان می زند , آتش را زبان می زند .

کسانی که شهادتشان پذیرفته است .

- امام علی (ع) به شریح فرمود : بدان که مسلمانان نسبت به یکدیگر عادل به شمار می آیند , مگر کسی که به کیفر گناهی حد خورده و توبه نکرده باشد یا به شهادت دروغ دادن شهرت داشته باشد یا گمان بد درباره او برده شود (و مظنون باشد).
- امام صادق (ع) : هر که شبانه روز پنج بار با جماعت نماز خواند , به او خوش گمان باشید و شهادتش را بپذیرید.
- در پاسخ به سؤال علقمه از کسانی که شهادتشان پذیرفته است و کسانی که پذیرفته نیست , فرمود : ای علقمه ! هر که بر آیین اسلام باشد می تواند شهادت دهد عرض کردم : کسی هم که مرتکب گناهان شود شهادتش پذیرفته است ؟
فرمود : ای علقمه ! اگر شهادت گنهکاران پذیرفته نبود در آن صورت شهادت کسی جز پیامبران و اوصیا پذیرفته نمی شد , زیرا فقط آنان معصوم هستند بنابراین , اگر به چشم خود ندیدی که کسی گناه می کند یا دو شاهد به گنهکاری او گواهی ندادند چنین کسی عادل و آبرومند است و شهادتش پذیرفته می شود , هر چند به واقع گنهکار باشد و هر که از گناهان او غیبت کند از ولایت خدای عزوجل خارج شده , به ولایت شیطان در آمده باشد.
- امام رضا(ع) : هر که مسلمان متولد شود و به خوبی و پاکی شهرت داشته باشد , شهادتش پذیرفته است .

کسانی که شهادتشان پذیرفته نیست .

قرآن .
(کسانی که به زنان پاکدامن تهمت (زنا) زنند و چهار شاهد نیاورند , آنان را هشتاد تازیانه زیندو از آن پس شهادتشان را هرگز نپذیرید , آنان مردمی فاسقند)).
- پیامبر خدا(ص) : شهادت شخص مظنون و آدم نازکدل پذیرفته نیست .
- شهادت علما بر ضد یکدیگر پذیرفته نیست , چون اینان (نسبت به هم) حسادت می ورزند.
- شهادت دادن کسی که در اسلام حدخورده باشد , پذیرفته نیست .
- شهادت مرد خائن و زن خائن و کسی که به برادر خود کینه دارد و مرد بدعتگذار در اسلام و زن بدعتگذار , پذیرفته نیست .
- شهادت مرد خائن و زن خائن و کینه توز کسی که به برادر خود دشمنی می ورزد و کسی که گمان وابستگی او می رود (مانند غلام و وابسته به یک قبیله) و خویشاوند و خدمتکار خانه پذیرفته نیست .
- شهادت کسی که دست گدایی دراز می کند , پذیرفته نیست .

- امام صادق (ع) ، در پاسخ به پرسش عییدالله بن علی حلبی از کسانی که شهادتشان پذیرفته نیست ، فرمود : مظنون ، متهم و خصم عییدالله می گوید : عرض کردم : پس فاسق و خائن چه ؟ فرمود : اینها داخل عنوان مظنون هستند .
- شهادت فاسق را جز بر ضد خودش نمی پذیریم .
- امیر المؤمنین (ع) نه شهادت آدم فحاش و بد زبان را می پذیرفت و نه شهادت کسی را که رسوایی دینی داشت .
- امام باقر(ع) : پشت سر کسی که برای اذان و نماز مزد می طلبد ، نباید نماز خواند و شهادتش نیز پذیرفته نیست .
- امام باقر از پدران بزرگوارش (ع) نقل می کند : شهادت کینه توز و شهادت کسی که رسوایی دینی دارد ، پذیرفته نیست .
- امام صادق (ع) : شهادت آدم مشکوک و خصم و مدعی و غرامت پرداز یا مزدور یا شریک یا متهم یا پیرو (مانند شاگرد یا نوکر یا وابسته به یک خانواده یا قبیله) پذیرفته نیست و شهادت شرابخوار و شهادت شطرنج باز و نرد باز و شهادت قمارباز پذیرفته نیست .
- شهادت نرد باز و کسی که هفت پر و دوشاه بازی می کند ، پذیرفته نیست .

فلسفه لزوم چهار شاهد در زنا.

- امام رضا(ع) : در زنا چهار شاهد و در سایر حقوق دو شاهد تعیین شده است ، چون سنگسار کردن محصن ، کیفری سخت است چرا که موجب کشته شدن می شود از این رو ، در مساله زنا شهادت مضاعف و سختگیری شده است ، زیرا در آن پای کشته شدن زناکار و از بین رفتن نسب فرزند او و ضایع شدن ارث و میراث در میان است .

آداب شهادت دادن .

- پیامبر خدا(ص) : ای پسر عباس ! فقط درباره چیزی شهادت بده ، که برایت مثل روز روشن باشد .
- اما تو ای پسر عباس ! فقط موقعی شهادت بده ، که موضوع برایت مانند این آفتاب روشن باشد .
- امام صادق (ع) : نباید شهادتی بدهی ، مگر آن گاه که آن را مانند کف دست بشناسی .
- پیامبر خدا(ص) در پاسخ به پرسش از شهادت ، فرمود : آفتاب را می بینی ؟ هرگاه موضوع به همین روشنی بود شهادت بده و گرنه خودداری کن .

شهادت به شهادت .

- امام باقر(ع) : علی (ع) شهادت به شهادت را در زمینه حد (شرعی) جایز نمی شمرد .
- امام علی (ع) : شهادت دادن به شهادت در زمینه حد و نیز کفالت در حد جایز نیست .
- امام صادق (ع) : هرگاه مردی به شهادت مردی شهادت دهد ، شهادتش پذیرفته می شود و آن نصف شهادت به شمار می آید (و نیاز به گواه دیگری دارد تا یک شهادت محسوب شود) و اگر دو مرد عادل به شهادت مردی شهادت دهند ، شهادت یک مرد محسوب می

شود (و نیاز به شاهد دیگری

می باشد).

گرامی داشتن شهود.

- پیامبر خدا(ص) : شهود را گرامی دارید , زیرا که خدای تعالی به واسطه آنان حقوق را به صاحبانش بر می گرداند و ستم را دفع می کند.

شهادت (۲) کشته شدن در راه خدا.

فضیلت شهادت .

- پیامبر خدا(ص) : بالای هر نیکی , نیکی است تا آن گاه که مرد در راه خدا کشته شود پس , چون در راه خدا کشته شد بالاتر از آن نیکی (وارزشی) وجود ندارد.

- شرافتمندانه ترین مرگ , شهادت است .

- امام سجاد(ع) : هیچ قطره ای نزد خدای عزوجل محبوبتر از دو قطره نیست : قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و قطره اشکی که بنده در دل

شب تار برای خدای عزوجل می ریزد.

- در دعا - : آنگاه ستایش از آن اوست ستایشی که به واسطه آن , در زمره اولیای نیکبخت او و درسلک شهیدان شمشیرهای دشمنان وی درآیم .

- امام علی (ع) - در دعا برای هاشم بن عتبہ - : خدایا! شهادت در راه خودت و سازگاری و همراهی با پیامبرت را روزی او فرما.

- بخشی از دعای امام علی (ع) در هنگامی که آهنگ رو به رو شدن با سپاه معاویه رادر صفین کرد : بار خدایا! ای پروردگار آسمان بر افراشته اگر

ما را بر دشمنان چیره کردی از ستمگری دورمان گردان و به حق راهنماییمان فرما و اگر آنان را بر ما چیرگی دادی , شهادت را روزی ما کن و از

فتنه نگاهمان دار.

- امام علی (ع) , در پایان عهدنامه خود به مالک اشتر , می فرماید : من از خداوند , به رحمت گسترده و قدرت عظیمش بر آوردن هر خواهش

و مطلوبی , مسالت دارم که عاقبت من و تو را به سعادت و شهادت ختم فرماید.

- بندگان نیک خدا عزم کوچیدن کردند و اندک متاع ناپایدار دنیا را به پاداش فراوان فناپذیر آخرت , فروختند آن برادران ما که در صفین خونهایشان

ریخته شد از این که امروز زنده نیستند , زیان نکردند کجایند آن برادران من که راه را پیمودند و حق را به کار گرفتند آنان که بر مرگ همپیمان شدند و

سرهايشان نزد تبهکاران فرستاده شد؟

مقدر شدن شهادت و مرگ .

قرآن .

((می گویند : اگر ما را اختیاری بود این جا کشته نمی شدیم بگو : اگر در خانه های خود هم می بودید , کسانی که کشته شدن بر آنها مقرر شده است , از خانه به قتلگاهشان بیرون می رفتند)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند آن کافران مباحثید که درباره برادران خود که به سفر یا جنگ رفته بودند , می گفتند : اگر نزد ما مانده بودند

نمی مردند یا کشته نمی شدند خدا این پندار را چون حسرتی در دل آنها نهاد و خداست که زنده می کند و می میراند)).

- امام علی (ع) : کسی که از مرگ بگریزد نه بر عمرش افزوده می شود و نه گریختن مانع فرا رسیدن روز مرگش می شود.

- زیاد بن نصر حارثی در روز صفین به عبدالله بن بدیل گفت : امروز روز سختی است و جز افراد نیرومند دلیر و برخوردار از نیت راستین

و قوت قلب پایداری نورزند به خدا سوگند گمان نمی کنم که در امروز از آنها و از ما جز اندکی باقی ماند عبدالله بن بدیل گفت : به خدا قسم که من نیز

همین گمان را می برم .

سخن این دو به گوش علی (ع) رسید , حضرت به آنان فرمود : این سخن را در سینه های خود مخفی نگه دارید و آشکار نسازید و کسی آن را از

شما نشنود همانا خداوند برای گروهی کشته شدن را رقم زده است و برای گروهی مردن (طبیعی) را و مرگ هر کس , همچنان که خداوند مقدر

فرموده , فرا می رسد پس , خوشا به حال مجاهدان در راه او و کشته گان راه طاعت وی .

عشق به شهادت .

- پیامبر خدا(ص) : دوست دارم که در راه خدا بجنگم و کشته شوم و باز بجنگم و کشته شوم و باز هم بجنگم و کشته شوم .

- سوگند به آن که جانم در دست اوست , دوست دارم که در راه خدا کشته شوم و سپس زنده گردم و باز کشته شوم و بار دیگر زنده گردم و باز

کشته شوم .

شوق به شهادت .

- امام علی (ع) : عرض کردم ای رسول خدا , مگر در روز احد که تعدادی از مسلمانان شهید شدند و من از شهادت محروم ماندم و این امر بر من

گران آمد به من فرمودی : مژده بادا تو را که در آینده به شهادت خواهی رسید؟

رسول خدا به من فرمود : همین طور است در آن صورت صبر تو چگونه خواهد بود؟

عرض کردم: ای رسول خدا! این جا، جای صبر نیست بلکه جای شادی و شکر است!.

- اگر سخن بگویم، می‌گویند: برای حکومت حرص می‌زند و اگر خاموش مانم، می‌گویند: از مرگ می‌ترسد هیئات! به خدا سوگند که انس پسر

ابوطالب با مرگ بیشتر از انس کودک با پستان مادرش می‌باشد.

- آن جا که یاران خود را به دلیل سستی در امر جهاد توییح می‌کند، می‌فرماید: برای من محبوبترین چیزی که ملاقاتش کنم مرگ است.

- زیرا به خدا سوگند که من برحق هستم و عاشق شهادتم.

- به خدا سوگند اگر نبود که در هنگام رویارو شدن با دشمنم چشم طمع به شهادت دوخته‌ام و خود را برای آن آماده ساخته‌ام، دوست داشتم که حتی

یک روز در کنار این مردم نمانم.

- به خدا سوگند اگر نبود امید من به شهادت در میدان جنگ با دشمن - البته اگر چنین مقدر باشد هرآینه بر مرکب خویش می‌نشستم و تا باد شمال و

جنوب می‌وزد به سراغ شما نمی‌آمدم.

- پس از ضربت خوردن به دست ابن ملجم، فرمود: سوگند به خداوند کعبه که رستگار شدم.

- بعد از ضربت خوردن به دست ابن ملجم، فرمود: به خدا سوگند وارد شونده‌ای از سوی مرگ ناگاه بر من وارد نشد که آن را ناخوش داشته

باشم و نه آینده‌ای که آن را نشناخته و نخواسته باشم و (درعلاقه مندی به مرگ) نیستم مگر چون جویای آبی که به آب رسد و همانند جوینده‌ای که (

مطلوب خود را) بیابد.

- کیست که به سوی خدا رهسپار شود، همانند تشنه‌ای که به آب می‌رسد؟

بهشت در زیر لبه نیزه هاست امروز (صدق و کذب) خبرها (و گفتار هر کس) آزموده و معلوم می‌شود سوگند به خدا که اشتیاق من به رویارویی

با آنها (دشمنان) بیشتر از اشتیاق آنان به خانه و کاشانه شان است.

کرامت شهادت.

- امام علی (ع) در ترغیب به جنگ، می‌فرماید: هلا مردم! کسی که بایستد از چنگ مرگ نرهد و کسی که از مرگ بگریزد آن را عاجز نکند از مرگ

گریز و گزیری نیست، کسی که کشته نشود، می‌میرد همانا برترین مرگ کشته شدن است سوگند به آن که جان علی در دست اوست، هزار ضربت

شمشیر آسانتر است از یک بار مردن در بستر.

- همانا گرامیترین مرگ کشته شدن است سوگند به آن که جان پسر ابی طالب در دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر من آسانتر است از جان دادن در

بستر که با طاعت خدا همراه نباشد.

- شما اگر هم کشته نشوید، می‌میرید سوگند به آن که جان علی در دست اوست، فرود آمدن هزار ضربت شمشیر بر سر آسانتر است از مردن در بستر.

- امام رضا(ع)، در پاسخ به سؤال از این فرموده امیر المؤمنین (ع) که خوردن ضربتی شمشیر آسانتر است از مردن در بستر، فرمود: منظور (ضربت شمشیر خوردن) در راه خداست.

شهادت و پاک شدن گناهان.

- پیامبر خدا(ص): شهادت هر چیزی را جبران می‌کند، مگر قرض را.
 - نخستین قطره خونی که از شهید ریخته می‌شود همه گناهان او بخشوده می‌شود، مگر قرض (پرداخت نشده).
 - همه گناهان شهید بخشوده می‌شود مگر قرض.
 - امام باقر(ع): کشته شدن در راه خدا هر گناهی، جز قرض، را پاک می‌کند، زیرا قرض جز با ادا شدن پاک نشود یا باید وام دار وام خود را بپردازد و یا طلبکار از حق خود بگذرد.
 - امام صادق(ع): هر که در راه خدا کشته شود، خداوند چیزی از گناهانش را به او نمی‌شناساند.

زنده بودن شهید.

قرآن.
 ((کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند البته مرده‌مپندار، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند)).
 ((به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌مگویید، بلکه آنها زنده‌اند اما شما درک نمی‌کنید)).

عدم گرفتاری شهید در قبر.

- پیامبر خدا(ص): کسی که با دشمن رو به رو شود و پایداری ورزد تا کشته شود یا پیروز گردد، در قبر خود گرفتار نشود.
 - از رسول خدا(ص) درباره عدم گرفتاری شهید در قبر سؤال شد، فرمود: درخشش برق شمشیرها بر فراز سر او برای گرفتاری وی کافی است.

آرزوی شهید.

- پیامبر خدا(ص): هیچ کس نیست که پس از مرگ نزد خداوند از خیر بهره‌مند باشد و در عین حال خوش داشته باشد که به دنیا برگردد،
 گرچه همه دنیا به او داده شود، مگر شهید که چون فضیلت شهادت را می‌داند، آرزو می‌کند بر گردد تا در دنیا کشته شود.
 - هیچ کس نیست که به بهشت رود و (در عین حال) دوست داشته باشد به دنیا برگردد و از آنچه بر روی زمین است برخوردار شود، مگر شهید که

بر اثر مشاهده کرامت (شهادت) ، آرزو می کند برگردد و ده بار کشته شود.

- هیچ کس نیست که بمیرد و نزد خداوند از خیری که بدان خوشنود است برخوردار باشد و (با این حال) دوست داشته باشد به دنیا برگردد ، گرچه

دنیا و هرچه در آن است از آن او باشد ، مگر شهید که بر اثر مشاهده فضیلت شهادت ، آرزو می کند به دنیا برگردد تا یک بار دیگر کشته شود.

- به جابر فرمود : خداوند با هیچ کس جز از ورای حجاب سخن نگفت ، اما با پدر تو رو در روی سخن گفت و به او فرمود : از من بخواه تا

عطایت کنم ! پدرت گفت : از تو می خواهم که مرا به دنیا باز گردانی ، تا بار دیگر جهاد کنم و کشته شوم .

مرگ بهتر از خواری است .

- امام حسین (ع) در مسیر خود به کربلا ، فرمود : من مرگ را جز سعادت نمی دانم و زندگی در کنارستمگران را جز ملالت .

- امام علی (ع) در نکوهش اصحاب خود ، فرمود : برای یاری دادن و جهاد در راه حق خود منتظر چه هستید؟

مرگ بهتر از آن است که در این دنیا تن به ذلت و خواری در برابرناحق دهید.

ثواب شهادت طلبی .

- پیامبر خدا(ص) : هر که براستی خواهان شهادت باشد ، (ثواب آن) به او داده می شود ، هر چند به شهادت نرسد.

- هر که صادقانه از خداوند شهادت را مسالت کند ، خداوند او را به منزلتهای شهیدان برساند ، هر چند در بستر خود بمیرد.

نقش نیت در شهادت .

- پیامبر خدا(ص) : بسا کسانی که با جنگ افزار کشته شوند ، اما نه شهید باشند و نه ممدوح و بسا کسانی که در بستر خود به

مرگ طبیعی بمیرند ، اما

نزد خداوند صدیق و شهید به شمار آیند.

نخستین شهید اسلام .

- امام علی (ع) : نخستین عربی که به مردم خود آنگوش داد جد ما هاشم است و نخستین کسی که اسبش را پی نمود جعفر بن

ابی طالب ذوالجناحین

(صاحب دو بال) است که در جنگ مؤته این کار را کرد و نخستین کسی که در راه خدای تبارک و تعالی اسبی را مجهز و آماده

کرد ، مقداد بن اسود

کندی است و نخستین کسی که در راه خدای تبارک و تعالی تیری رها کرد سعد بن ابی وقاص است و نخستین شهید اسلام

مهجع است .

آنچه حکم شهادت دارد(۱).

- پیامبر خدا(ص) : چنانچه بخواهند مال کسی را به ناحق بگیرند و او (در راه دفاع از آن) بجنگد و کشته شود ، شهید است .

- هر که در راه دفاع از خانواده خود به ستم کشته شود، شهید است و هر که در راه دفاع از مال خود مظلومانه کشته شود، شهید است و هر که در راه دفاع از همسایه خود به ستم کشته شود، شهید است و هر که در راه خدای عزوجل کشته شود، شهید است.
- هر که در راه دفاع از جان خود بجنگد و کشته شود، شهید است.
- هر که در راه دفع ستم از خود کشته شود، شهید است.
- هر که در راه دفاع از مال خود کشته شود، شهید است.
- در راه دفاع از مال و دارایی خود بجنگ تا آن را به دست آوری یا کشته شوی، در این صورت از شهیدان آخرت خواهی بود.
- چه خوب مرگی است، مردن مرد در راه دفاع از حقش.

آنچه حکم شهادت دارد (۲).

- پیامبر خدا(ص): هر که عاشق شود و عشق خود را بپوشاند و پاکدامنی ورزد و بدان سبب بمیرد، شهید است.
- امام علی(ع): مجاهدی که در راه خدا به شهادت رسیده باشد، پاداشش بیشتر از کسی نیست که بتواند (گناه کند) و پاکدامنی ورزد.
- در حدیث عیادت رسول خدا(ص) به همراه اصحابش از عبدالله بن رواحه آمده است که آن حضرت فرمود: شهید امت من کیست؟
- اصحاب عرض کردند: همان کسی نیست که در راه خدای جنگد و به دشمن پشت نمی کند تا کشته شود؟
- رسول خدا(ص) فرمود: در این صورت شهدای امت من اندکند! شهید کسی است که شما گفتید و نیز کسی که بر اثر طاعون در گذرد و کسی که بر اثر قولنج بمیرد و کسی که زیر آوار رود یا غرق شود و زنی که جمعا بمیرد عرض کردند: ای رسول خدا، یعنی چه جمعا بمیرد؟
- فرمود بچه اش در شکم او گیر کند.
- پیامبر خدا(ص): شهدا پنج نفرند: کسی که به بیماری طاعون درگذرد و کسی که بر اثر قولنج بمیرد و کسی که زیر آوار رود و کسی که در راه خدای عزوجل به شهادت رسد.
- هر مسلمانی به طاعون بمیرد، شهید است.

آنچه حکم شهادت دارد (۳).

- امام علی(ع): مؤمن در هر حالی که بمیرد و در هر لحظه و ساعتی که جانش گرفته شود، شهید است.
- پیامبر خدا(ص): هر که بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید مرده است.
- امام حسین(ع): هیچ یک از شیعیان ما نیست، مگر این که صدیق و شهید است زید بن ارقم می گوید - گفتم: چگونه چنین چیزی ممکن است
- و در حالی که آنان در بسترهای خود می میرند؟
- حضرت فرمود: مگر کتاب خدا را نخوانده ای: ((کسانی که به خدا و فرستادگان او ایمان آورده اند همانان صدیقان و شهیدان

در نزد پروردگارشان

هستند)) سپس فرمود: اگر شهادت فقط اختصاص به کسی داشت که که با شمشیر کشته شود در آن صورت شهادت خدا اندک بودند.

- منهل قصاب: به امام صادق (ع) عرض کردم: دعا کن که خداوند شهادت را روزی من کند حضرت فرمود: همانا مؤمن شهید است سپس

این آیه را قرائت کرد: ((وکسانی که به خدا و فرستادگان او ایمان آورده اند همانان صدیقان و شهیدان در نزد پروردگارشان هستند)).

- امام صادق (ع) به ابو بصیر فرمود: ای ابا محمد! هر که با اعتقاد به این امر (امامت و ولایت).

بمیرد، شهید است عرض کردم: فدایت شوم، حتی اگر در بسترش بمیرد؟

فرمود: حتی اگر در بسترش بمیرد، او زنده است و روزی می خورد.

- امام علی (ع): هر که در بستر خود بمیرد، در حالی که به حق پروردگار خود و حق رسول او و اهل بیت رسولش معرفت داشته باشد، شهید

مرده است و اجرش با خداست و سزاوار پاداش کردار نیکویی است که (انجام آن را) در نیت داشته و این نیت جای شمشیر کشیدن او را می گیرد.

- امام صادق (ع): هر که از شما با اعتقاد به این امر بمیرد شهید است و به منزله کسی است که در راه خدا شمشیر زند.

- امام سجاد (ع): هر که در زمان غیبت قائم ما بر موالات و دوستی ما بمیرد، خداوند پاداش هزار شهید، مانند شهیدان بدر و احد به او عطا کند.

برترین شهیدان .

- پیامبر خدا(ص): برترین شهیدان کسانی هستند که در صف مقدم می جنگند و (از دشمن) روی برنمی گردانند، تا آن که کشته شوند اینان در بالا

خانه های بهشت می آرند، پروردگارشان به روی آنان می خندد و هرگاه پروردگارت در جایی به بنده ای بخندد، او را حسابرسی نباشد.

- امام علی (ع)، در نامه خود به معاویه، می نویسد: نه این که بخواهم به تو خبر دهم بلکه به انگیزه یاد کردن نعمت خداوند می گویم مگر نمی بینی

که گروهی از مهاجران و انصار در راه خدای تعالی شهید شدند و هر یک از آنان را (به جای خود) ارزش و فضیلتی است، اما وقتی شهید

ما(حمزه) به شهادت رسید، سید الشهداء نام گرفت و رسول خدا(ص) در هنگام نماز خواندن بر او اختصاصا هفتاد تکبیر گفت.

- امام باقر(ع): بر ستون عرش نوشته شده است: حمزه شیر خدا و شیر رسول خدا و سالار شهیدان است.

ثواب مجروح در راه خدا.

- پیامبر خدا(ص): هر که در راه خدا مجروح شود، در روز قیامت بویش همچون بوی مشک باشد و رنگش مانند رنگ زعفران و نشان شهیدان بر

اوست و هر که از روی اخلاص شهادت را از خداوند بخواند، خداوند اجر شهید به وی دهد هر چند در بسترش بمیرد.

شهیدان اهل بیت .

- امام حسن (ع) : جد محبوب رسول خدا (ص) به من فرمود که امر امامت را دوازده امام از اهل بیت و برگزیدگان او به عهده خواهند گرفت هیچ

یک از ما نیست، مگر آن که یا کشته می شود یا مسموم .

- امام رضا (ع) : هیچ یک از ما نیست، مگر آن که کشته می شود.

- امام صادق (ع) : به خدا سوگند که هیچ یک از ما نیست، مگر این که کشته و شهید می شود.

شهرت .

شهرت ستوده .

قرآن .

((آیا تو را بلند آوازه نساختیم ؟)).

((کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، بزودی (خدای) رحمان برای آنان محبتی (در دلها) قرار می دهد)).

((و برای من در میان آیندگان آوازه نیکو قرار ده)).

- پیامبر خدا (ص) : تا می توانید خود را از هم و غمهای دنیا فارغ کنید، زیرا کسی که با دل خود به خدای تعالی روی آورد، خداوند زمام مهر و

محبت دلهای بندگان را به دست او سپارد و خدا هرگونه خیر را به سوی او بشتاباند.

- امام علی (ع)، در وصیت خود به فرزندش حسن (ع)، می فرماید: همانا نیکوکاران را از طریق آنچه خداوند بر زبان بندگانش جاری می

کند، می توان شناخت، پس باید که محبوبترین و بهترین اندوخته ها در نظر تو ذخیره کردار شایسته باشد.

- امام سجاد (ع) - در دعا - : بار خدایا! محبت مرا در دلهای بندگان بینداز و ترس از مرا در دلهای دشمنان بیفکن مرا دوست بدار و نزد دیگران

محبوب گردان و گفتار و کرداری را که دوست داری، نزد من محبوب گردان تا با لذت آنها را شروع کنم و با نشاط و خوشی به انجامشان رسانم .

- امام باقر (ع) : بهترین خواسته ها از خدای عزوجل سه چیز است: این که بگویی: خدایا! مرا در دین فقیه و آگاه گردان و نزد مسلمانان محبوب

گردان و در میان آیندگان به خوشنامی شهره ام ساز.

- پیامبر خدا (ص) در پاسخ به ابوذر که عرض کرد مردی برای خودش کاری نیک انجام می دهد و مردم او را می ستایند، فرمود: این همان مژده ای

است که در دنیا به مؤمن می رسد.

- در پاسخ به سؤال درباره مردی که کار خوبی انجام می دهد و مردم او را می ستایند، فرمود: این همان بشارتی است که در دنیا

به مؤمن می رسد.

- هرگاه خداوند بنده ای از امت مرا دوست بدارد ، محبت او را در دل‌های برگزیدگان و ارواح فرشتگان و ساکنان عرش خود بیفکند ، تا او را

دوست بدارند این است دوستدار حقیقی .

- هرگاه خداوند تعالی بنده ای را دوست بدارد ، منادیی از آسمان ندا دهد : هان ! خدای تعالی فلان رادوست دارد پس شما نیز او را دوست بدارید

پس ، دل‌ها او را در خود جای می دهند و با هر که برخورد کند ، محبوب و دوست داشتنی و مورد رغبت او باشد.

- مفضل : به امام صادق (ع) عرض کردم : طرف ما می گویند : خدای تبارک و تعالی وقتی بنده ای رادوست داشته باشد ، آواز دهنده ای از آسمان

فریاد زند که خداوند فلان را دوست دارد شما نیز او رادوست بدارید ، پس محبت او در دل‌های بندگان بیفتد و وقتی خداوند بنده ای را ناخوش بدارد ،

بانگ دهنده ای از آسمان بانگ برآورد که خداوند فلان را ناخوش می دارد شما نیز او را ناخوش بدارید ، پس ، خداوند نفرت از او را در دل‌های بندگان

افکند.

مفضل می گوید : حضرت که تکیه داده بود راست نشست و سه بار دستش را (از گرد و خاک) تکان داد و در همان حال فرمود : نه ، چنان نیست

که آنها می گویند بلکه خدای عزوجل هرگاه بنده ای رادوست داشته باشد ، مردم روی زمین را علیه او تحریک می کند تا درباره اش بدگویی کنند و

بدین سان آنان را به گناه افکند و او را پاداش دهد و هرگاه بنده ای را ناخوش داشته باشد ، او را نزد مردم محبوب می گرداند ، تا از او تعریف و

تمجید کنند و با این کار هم مردم و هم او را گنهکار کند سپس فرمود : چه کسی پیش خداوند محبوبتر از یحیی بن زکریا(ع) بود؟

مردم را بر ضد او برانگیخت تا آن که وی را کشتند چه کسی نزد خداوند عزوجل محبوبتر از علی بن ابیطالب (ع) بود؟

اما او از مردم آن دید که خودمی دانید و چه کسی نزد خدای تبارک و تعالی محبوبتر از حسین بن علی صلوات الله علیهما بود ؟ مردم را علیه آن حضرت برانگیخت تا جایی که او را کشتند.

در جمع و ایجاد سازش میان این احادیث دقت شود.

شهرت نکوهیده .

قرآن .

((آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواهان برتری جویی و تبهکاری در زمین نیستند و عاقبت (نیک) از آن تقوایبندگان است

((.

- پیامبر خدا(ص) : آدمی را همین شر بس که در دین و دنیایش انگشت نمای خلق شود ، مگر کسی که خداوند از بدی نگاهش

دارد.

- برای انسان همین شر کافی است که در امری دینی یا دنیایی انگشت نما شود، مگر آن که خدای تعالی حفظش کند.
 - آدمی را همین گناه بس که انگشت نما شود (اصحاب) عرض کردند: ای رسول خدا، اگر چه به خوبی و خوشنامی باشد؟
 فرمود: اگر به خوبی باشد باز برای او شر است مگر آن که خدا به او رحم کند و اگر به بدی باشد بدتر است.
 - امام علی (ع)، در بیان اوصاف مؤمن، می فرماید: بزرگی و رفعت را ناخوش دارد و شهرت را دوست نمی دارد.
 - هر که رفعت در دنیا و آخرت را دوست دارد، باید رفعت در دنیا را دشمن داشته باشد.
 - هیچ بنده ای نیست که خواهان بالا رفتن یک پله در دنیا باشد و آن یک پله را بالا رود، مگر این که خداوند در آخرت پله ای بلندتر از آن پایش آورد.

- امام صادق (ع) در وصف مؤمن، می فرماید: خواهان عزت دنیا نیست و از خواری آن نیز بی تابی نمی کند، مردم را غم دنیایشان است و او را اندیشه آخرتش مشغول کرده است.

نکوهش شهرت لباس و شهرت عبادت.

- امام صادق (ع): آدمی را رسوایی همین بس که جامه ای بپوشد که باعث انگشت نمایی او گردد یا مرکبی انگشت نما سوار شود.
 - خداوند دو شهرت را دشمن می دارد: شهرت لباس و شهرت نماز.
 - درباره زیارت قبر حسین (ع) سؤال شد، فرمود: سالی یک بار من شهرت را خوش ندارم.
 - شهرت یافتن به عبادت، موجب بدگمانی است.
 - امام رضا (ع): هر که خود را به عبادت شهره سازد، به دین (و دینداری) او بدگمان باشید، زیرا خدای عزوجل از شهرت عبادت و شهرت لباس نفرت دارد.

- چون عباد بصری با لباس شهرت خدمت امام صادق رسید، حضرت فرمود: ای عباد! این چه لباسی است؟
 عرض کرد: ای ابا عبدالله! این را برای من عیب می دانی؟
 حضرت فرمود: آری رسول خدا (ص) فرمود: هر که در دنیا لباسی شهرت آور بپوشد، خداوند در روز قیامت جامه خواری بر او بپوشاند.

- امام علی (ع): برای دل‌های مردان چیزی زیانبارتر از بلند شدن صدای کفشها در پشت سر آنان، نمی بینم.
 - امام صادق (ع): خداوند تبارک و تعالی شهرت لباس را دشمن دارد.
 - شهرت، خوب و بد آن، در آتش است.

بیم از شهرت نباید موجب ترک برخی کارها شود.

- اسحاق بن عمار صیرفی: من در کوفه بودم و برادران زیادی به دیدن من می آمدند و من از شهرت بدم می آمد و ترسیدم که شهرت دینی پیدا کنم

از این رو به غلام خود دستور دادم که هر وقت کسی از آنها آمد و مرا خواست بگوید: او این جانیت اسحاق می گوید: در آن سال به حج رفتم و امام صادق (ع) را دیدار کردم، اما دیدم نسبت به من سرسنگین و متغیر است عرض کردم: فدایت شوم چرا نسبت به من تغییر کرده اید؟ فرمود: چون رفتار تو با مؤمنان تغییر کرده است عرض کردم: فدایت شوم من از شهرت ترسیدم و خدا می داند که من چقدر شما را دوست دارم فرمود: ای اسحاق! از دیدار برادرانت ملول مشو. - فائد می گوید خدمت امام کاظم (ع) رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم مردم، چه آنهایی که به این امر (امامت) معتقدند و چه آنان که منکرند، به زیارت حسین (ع) می روند و (حتی) زنان، سواره برای زیارت رهسپار می شوند و حالت شهرت به وجود آمده است و من به علت ترس از شهرت از رفتن به زیارت باز ایستاده ام. راوی می گوید: حضرت لختی درنگ کرد و جوابم را نداد سپس رو به من کرد و فرمود: ای مرد عراقی! اگر آنها خودشان را شهره می کنند، تو خود را شهره مساز به خدا قسم هر کس با شناخت و آگاهی به حق حسین به زیارت او رود، خداوند گناهان گذشته و آینده او را ببخشد.

مشورت.

تشویق به مشورت.

قرآن. ((و آنان که دعوت پروردگارش را اجابت کردند و نماز گزار شدند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می کنند)). ((به سبب رحمت خداست که تو با آنان نرمخو شدی اگر تندخو و سختدل می بودی، قطعاً از گرد تو پراکنده می شدند پس بر آنها ببخشای و برایشان آموزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، که خدا توکل کنندگان را دوست دارد)). - امام صادق (ع): هیچ انسانی از مشورت کردن ناپود نمی شود. - امام علی (ع): رسول خدا (ص) مرا به (امارت) یمن فرستاد و در مقام سفارش به من فرمود: ای علی! کسی که از خدا طلب خیر کرد سرگردان نشد و کسی که مشورت نمود پشیمان نگشت. - امام کاظم (ع): کسی که مشورت کند اگر کارش را درست انجام دهد، مردم او را بستانند و اگر اشتباه کند، معذورش

دارند.

- امام علی (ع) : هر که با خردمندان مشورت کند ، از پرتوهای خردها روشنایی گیرد.
- مشورت کردن ، اندیشه های درست دیگران را برای تو کسب می کند.
- کسی که مشورت کند ، از لغزیدن در خطاها مصون می ماند.
- مشورت کننده ، بر لبه پیروزی است .
- مشورت کردن ، مایه راحتی تو و زحمت دیگری است .
- مشورت کردن ، دیده راهیابی است و کسی که به رای و نظر خویش اکتفا کند ، خود را به خطر افکنده است .
- پیامبر خدا(ص) : دور اندیشی آن است ، که با صاحب نظر مشورت کنی و به نظر او عمل نمایی .
- هیچ مردی نیست که با کسی مشورت کند ، مگر آن که به راه درست (مشکل خود) رهنمون شود .
- امام حسن (ع) : هیچ مردمی با هم مشورت نکردند مگر آن که راه درست (مشکلات) خود را پیدا کردند.
- پیامبر خدا(ص) : هیچ پشتیبانی ، قابل اعتمادتر از مشورت نیست .
- امام علی (ع) : هیچ پشتیبانی ، چون مشاوره نیست .
- پیش از آن که تصمیم بگیری ، مشورت کن و پیش از آن که اقدام کنی ، بیندیش .
- هرگاه با فکر خود به جایی نرسیدی ، از اندیشه خردمندی که مشکل تو را حل می کند پیروی کن .
- در حضور امام رضا(ع) از پدر بزرگوارش سخن به میان آمد ، آن حضرت فرمود : هیچ خردی باخرد آن حضرت برابری نمی کرد با این حال
- گاه با یکی از غلامان سیاه خود مشورت می کرد به ایشان عرض شد : با چنین کسی مشورت می کنی ؟
- فرمود : چه بسا که خدای تبارک و تعالی (نظر درست را) از زبان او جاری کند.
- امام علی (ع) : خردمند ، از مشورت کردن بی نیاز نیست .
- بر خردمند است که رای خردمندان را به رای و نظر خود بیفزاید و دانش حکیمان را به دانش خود اضافه کند.
- امام باقر(ع) : در تورات چهار جمله آمده است : [از جمله :] کسی که مشورت نکند ، پشیمان شود .

حکمت مشورت .

- امام علی (ع) : به مشورت کردن تشویق شده است ، چون نظر طرف مشورت خالص (از انگیزه های شخصی) است و نظر مشورت کننده
- آمیخته به هوس (خواهشها و انگیزه های فردی) می باشد.

استخاره پیش از مشورت .

- امام صادق (ع) : هرگاه اراده کاری کردی ، پیش از مشورت با پروردگارت با هیچ کس مشورت مکن راوی می گوید
- : عرض کردم :
- چگونه با پروردگارم مشورت کنم ؟
- فرمود : صد مرتبه می گویی : از خدا خیر (و راه درست) را می طلبم سپس با مردم مشورت می کنی در این صورت خداوند خیر و صلاح تو را

بر زبان هر که دوست داشته باشد، جاری می‌سازد.

کسانی که شایسته مشورت نیستند.

- پیامبر خدا(ص) : ای علی! با ترسو مشورت مکن، زیرا او راه حل مشکل را بر تو تنگ می‌کند و بابخیل مشورت مکن، زیرا او تو را از

هدف باز می‌دارد و با آدم حریص مشورت مکن، زیرا او آزمندی را در نظرت نیکو جلوه می‌دهد.

- امام صادق (ع) : در مشورت نخستین کسی مباش که نظر می‌دهد و از اظهار رای خام و ناپخته بپرهیز و از ناسنجیده گویی دوری کن و طرف

مشورت آدم خودرای و سست اندیش و دمدمی مزاج و لجوج قرار مگیر و از خدا بترس و سعی نکن در مشورت مطابق میل و هوس مشورت کننده

نظر دهی، زیرا که سعی در جلب رضایت او پستی است، و بدسگالی نسبت به وی خیانت.

- امام علی (ع) : از مشورت کردن با زنان بپرهیز، مگر آن که زنی به کمال عقل آزموده شده باشد، چرا که رای زنان رو به ناتوانی دارد، و

عزیشان رو به سستی.

- در فرمان حکومت مصر به اشتر، می‌نویسد: در مشورت خود بخیل را داخل مگردان، زیرا او تو را از نیکی و بخشش کردن باز می‌دارد و از

تنگدستی می‌ترساند و نه ترسو را، چه او تو را در اقدام به کارها سست می‌کند و نه آزمند را، چون آزمند ستمگری را در نظرت زیبا جلوه می‌دهد.

- امام صادق (ع) : با احمق مشورت مکن و از دروغگو کمک مگیر و به دوستی آدم دل مرده تکیه مکن، زیرا دروغگو دور را نزدیک و نزدیک را دور

در نظرت جلوه می‌دهد و احمق خودش را برای تو خسته می‌کند اما به آنچه می‌خواهی نمی‌رساند و آدم دل مرده در زمانی که کاملاً به او

اعتماد داری، تنهات می‌گذارد و در اوج ارتباط با او، از تومی برد.

- مصباح الشریعة: با کسی که اندیشه ات او را قبول ندارد مشورت مکن، هر چند به خردمندی و پارسایی شهرت داشته باشد.

- امام علی (ع) : در مشورت خود بخیل را داخل مگردان که تو را از حق و میانه روی باز می‌دارد و از فقر می‌ترساند.

- زنهار در اندیشه خود ترسو را شریک مگردان، که اراده تو را در انجام کارها به ضعف می‌کشاند و آنچه را که بزرگ نیست در نظرت بزرگ می

نمایاند.

- با دروغگو مشورت مکن، چون دروغگو، مانند سراب، دور را در نظرت نزدیک نشان می‌دهد و نزدیک را دور.

افراد شایسته مشورت (۱).

- امام علی (ع) : در گفتار خود با کسانی مشورت کن، که از خدا می‌ترسند.

- امام صادق (ع) : در کار خود با کسانی مشورت کن، که از خدای عزوجل می‌ترسند.

- امام علی (ع) : در کارهای خود با افراد خداترس مشورت کن , تا راه درست را بیابی .

افراد شایسته مشورت (۲).

- پیامبر خدا(ص) : از خردمند راهنمایی بگیرید و با او مخالفت نکنید که پشیمان می شوید.
- مشورت کردن با خردمند خیرخواه , مایه هدایت و میمنت است و توفیقی است از جانب خداوند , پس هرگاه خیرخواه خردمند تو راراهنمایی کرد , مبدا مخالفت کنی که موجب نابودی می شود.
- امام علی (ع) : هر که با خردمندان مشورت کند , راه درست را بیابد.
- با خردمندان مشورت کن , تا از لغزش و پشیمانی در امان مانی .

افراد شایسته مشورت (۳).

- امام علی (ع) : بهترین کسان برای مشورت تو , افراد با تجربه هستند.
- بهترین کسان برای مشورت , صاحبان خرد و دانشند و افراد با تجربه و دورانیش .

مشورت با دشمنان .

- امام علی (ع) : با دشمنان مشورت کن , تا از طریق نظر آنان به اندازه عداوت و جایگاه مقاصدشان پی بری .
- با دشمن دانای خود مشورت کن و از نظر دوست نادان خود بپرهیز.
- امام باقر(ع) : از کسی که تو را می گریاند , اما خیرخواه توست پیروی کن و از کسی که تو را می خندانند , اما با تو یکرنگ نیست , پیروی مکن .

حدود مشورت .

- امام صادق (ع) : مشورت جز با حدود چهارگانه آن تحقق نپذیرد نخستین حد آن این است که کسی که با او مشورت می کنی خردمند باشد , دوم این که آزاده و متدین باشد , سوم این که دوست و برادروار باشد و چهارم این که راز خود را به او بگویی و او به اندازه خودت از آن راز آگاه باشد , اما آن را بپوشاند و به کسی نگوید.

آنچه شایسته مشورت است .

- امام علی (ع) : عرض کردم : ای رسول خدا! اگر با موضوعی مواجه شدم که درباره آن نه دستوری (از جانب خداوند) آمده و نه سنتی وجود دارد , چه امر می فرمایید؟
- پیامبر فرمود : آن را در میان مؤمنان فقیه و خداپرست , به مشورت گذارید و طبق رای (فرد) خاصی درباره آن حکم نکن .

تشویق به راهنمایی کردن مشورت کننده .

- امام سجاد(ع) : راهنمایی کردن مشورت کننده , گزاردن حق نعمت است .
- پیامبر خدا(ص) : با دانشی که برادر شما را راهنمایی می کند و با نظری که راه درست را به او نشان می دهد , به وی صدقه بدهید.
- امام سجاد(ع) : حق مشورت کننده این است , که اگر برای راهنمایی او نظری داری , راهنمایی کنی و اگر اطلاعی نداشته باشی او را به کسی که (در آن زمینه) آگاهی دارد , راهنمایی کنی .
- امام صادق(ع) : بدان که (حتی) اگر ضارب و قاتل علی(ع) به من امانتی سپارد و از من نصیحت و مشورت بخواهد و من هم خواست او را بپذیرم , امانت را به او برمی گردانم .

پرهیز از خیانت در مشورت .

- پیامبر خدا(ص) : هر که به مسلمانان در مشورتی خیانت کند , من از او بیزارم .
- امام صادق(ع) : هر که با برادر خود مشورت کند و او خالصانه راهنمایی نکند , خداوند اندیشه او را از وی بگیرد.
- پیامبر خدا(ص) : هر که برادر مؤمنش با وی مشورت کند و او صادقانه راهنمایی نکند , خداوند عقلش را از او بگیرد.
- امام علی(ع) : خیانت کردن به فرد تسلیم شده و مشورت کننده , از شنیع ترین کارها و بزرگترین بدیها است و موجب عذاب آتش فروزان می شود.
- ستم کردن به مشورت کننده , هم ظلم است و هم خیانت .

مشورت در امر امامت .

- امام علی(ع) : ای داد از آن شورا! چگونه درباره من تردید کردند و با آن اولی (ابوبکر) برابر دانستند تا جایی که امروز با این اشخاص (شورای پنج نفره عمر) همردیف شده ام ؟
- در نامه خود به معاویه , می نویسد : همان مردمی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند با من نیز , به همان شیوه بیعت با آنان , بیعت کردند بنا بر این , آن که (در موقع بیعت با من) حاضر بوده است , نسزد که (جز مرا) انتخاب کند و آن که حاضر نبوده , حق ندارد نپذیرد مشورت حق
- مهاجران و انصار است اگر آنان درباره مردی توافق کردند و او را پیشوا نامیدند , خشنودی خدا نیز در آن است .
- ای مردم ! سزاوارترین مردم به این امر (خلافت و پیشوایی) تواناترین آنها بر آن و داناترینشان (عمل کننده تریشان) به فرمان خدا در

زمینه آن است اگر پیشوایی جز با حضور همه مردم تحقق نیابد، در آن صورت هرگز این کار صورت نخواهد گرفت (چون حضور همه مردم برای تعیین خلیفه و رهبر در یک جا ناشدنی است)، اما کسانی که اهل آن هستند از طرف کسانی که حضور ندارند نظر می دهند در این صورت، آن که

حضور داشته نباید از نظر خود برگردد (و بیعت شکنند) و آن که حضور نداشته است، حق انتخاب (کسی دیگر را) ندارد.

- درباره شورا می فرماید: هیچ کس پیش از من به اجابت دعوت حق و پیوند با خویشان و احسان نشتافته است پس، سخنم را بشنوید و گفتارم را

بفهمید، چه بسا پس از امروز، امر خلافت را خواهید دید که شمشیرها در آن کشیده و پیمانها شکسته خواهد شد، تا جایی که بعضی از شما پیشوای

گمراهان خواهید شد و پیرو نادانان.

- امام حسن (ع): از جمله شروطی که (در صلحنامه اش) برای معاویه گذاشت این بود: معاویه بن ابی سفیان، حق ندارد پس از خود هیچ کس را

به خلافت برگزیند، بلکه پس از او موضوع خلافت به شورای مسلمانان واگذار خواهد شد.

امامت و مشورت.

- امام علی (ع): از گفتن سخن حق، یا راهنمایی عادلانه، خودداری نکنید، زیرا من خود را بالاتر از این که خطا کنم نمی دانم و از اشتباهکاری ایمن

نیستم، مگر این که خدای بزرگ مرا حفظ کند که اختیاردار هموست.

- به عبدالله بن عباس که آن حضرت را به چیزی راهنمایی کرد که با نظر ایشان سازگاری نداشت، فرمود: تو حق داری نظرت را به من بگویی و

من هم نظر خاص خود را دارم بنابراین، اگر بر خلاف تو عمل کردم از من پیروی کن.

- بعد از آن که با امیرالمؤمنین (ع) به خلافت بیعت شد، طلحه و زبیر از آن حضرت انتقاد کردند که با آنان مشورت نمی کند و در کارها از ایشان

کمک نمی گیرد، امام (ع) در جواب آنها فرمود: به خداسوگند که من به خلافت رغبتی نداشتم اما چون به من رسید، به کتاب خدا و دستورها و

تکالیف آن در زمینه حکومت نگریستم و از آن پیروی کردم و به روشی که پیامبر وضع کرده نیز نگاه کردم و آن راسر مشق قرار دادم بنابراین، در

این زمینه (حکومت) نه به نظر شما دو تن نیازی داشتم و نه به نظر غیر شما و هیچ حکمی هم پیش نیامده که آن را ندانم و در نتیجه با شما و برادران

مسلمانم مشورت کنم اگرچنین مساله ای پیش می آمد، نه از شما روی می گردانم و نه از دیگران.

مشیت.

فرق میان مشیت و اراده.

- امام رضا(ع) در پاسخ به سؤال از مشیت و اراده، فرمود: مشیت عبارت از خواستن چیز است و اراده به انجام رساندن آن.

ترغیب به مستثنی کردن مشیت خدا.

قرآن.

((هرگز در مورد چیزی مگویی که من آن را فردا انجام خواهم داد مگر خداوند بخواهد و چون فراموش کنی، پروردگارت را به یاد آر و بگو:

امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیکتر از این به صواب است، هدایت کند)).

- امام علی(ع): گروهی از یهود درباره چیزی از پیامبر(ص) پرسیدند، آن حضرت فرمود: فردا بیایید تا جوابتان را بدهم. و ان شالله نگفت.

پس، تا چهل روز از آمدن جبرئیل(ع) نزد پیامبر جلوگیری شد بعد از چهل روز بر پیامبر فرمود آمد و گفت: ((هرگز در مورد چیزی مگویی

)).

- امام صادق(ع) در پاسخ به سؤال از آیه ((و چون فراموش کنی، پروردگارت را به یاد آر))، فرمود: یعنی اگر فراموش کردی ان شالله بگویی

و بعد یادت آمد، همان زمان که به یادت آمد، ان شالله بگو.

- پیامبر خدا(ص): نشانه کامل بودن ایمان بنده، این است که در هر کاری ان شالله بگویی.

- امام علی(ع): سوگند به خدا - سوگندی که در آن مشیت خدا را مستثنی می‌کنم - نفس خود را چنان ریاضت دهم که اگر برای خوراک خود به

قرص نانی دست یابد، شاد گردد و از نانخورش به نمک قناعت کند.

پیری.

پیری و موی سپید.

قرآن.

((گفت: ای پروردگار من! استخوان من سست گشته و (موی) سرم از پیری سفید شده است و - ای پروردگار من - هرگز در دعای تو ناامید نبوده

ام)).

((خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان بیافرید، آن گاه پس از ناتوانی نیرومند ساخت، سپس بعد از نیرومندی ناتوانی و پیری داد هر چه بخواهد

می‌آفریند و او دانای تواناست)).

- امام علی(ع): موی سپید پیک مرگ است.

- پیری، آخرین وعده گاه نیستی است.

- هرگاه (موی) سیاه تو سپید شود، خوشترین (دوران عمر) تو از بین برود.

- موی سپید بهترین هشدار دهنده است .
- وقار پیری , روشنایی و زیور است .
- وقار پیری , نزد من دوست داشتنی تر از خرمی جوانی است .
- هرگاه خردمند پیر شود , خرد او جوان گردد و هرگاه نادان پیر شود , نادانی او جوان گردد.
- امام باقر(ع) : ابراهیم (ع) صبحگاه موی سفیدی در محاسن خود دید , گفت : خداوند پروردگار جهانیان را سپاس که مرا به این سن رساند و لحظه ای معصیت او نکردم .
- پیامبر خدا(ص) : پیر , با برخورداری از عشق به همدم و زندگی دراز و مال , بسیار جوان است .

نخستین کسی که مویش سپید شد.

- امام علی (ع) : (در روزگاران گذشته) مرد سالخورده می شد و می مرد , اما مویش سپید نمی گشت به این سبب گاه مردی به محفلی که در آن پدر و پسرانش جمع بودند می آمد , پدر را از پسر باز نمی شناخت و می پرسید : کدام یک پدر شماست ؟ تا آن که روزگار ابراهیم فرا رسید او به درگاه خداعرض کرد : بار خدایا! مرا پیر گردان تا بدان وسیله باز شناخته شوم پس ابراهیم پیر شد و موی سر و صورتش سفید گشت .
- امام صادق (ع) : (در روزگاران گذشته) موی (سر و ریش) مردم سفید نمی شد ابراهیم (ع) موی سپیدی در محاسن خود دید , عرض کرد : پروردگارا! این چیست ؟ خداوند فرمود : آن وقار است عرض کرد : پروردگارا! بر وقار من بیفزای .
- چیزی را ندیدم که به سوی چیزی شتابنده تر از سپیدی موی , به سوی مؤمن باشد موی سپید در دنیا برای مؤمن وقار است و در روز قیامت نوری درخشان خدای تعالی با موی سپید به خلیل خود ابراهیم (ع) وقار بخشید پس ابراهیم عرض کرد : پروردگارا! این چیست ؟ خداوند به او فرمود : این وقار است ابراهیم گفت : پروردگارا! بروقار من بیفزای .

احترام نهادن به سالخوردگان .

- پیامبر خدا(ص) : احترام نهادن به مسلمان سالخورده , احترام به خداوند است .
- امام صادق (ع) : بزرگسالان خود را احترام کنید و صلّه ارحام به جای آورید .
- از ما نیست کسی که به بزرگسالان ماحرمت ننهد و با خردسالانمان مهربان نباشد .
- پیامبر خدا(ص) : احترام نهادن به سالخورده امت من , احترام نهادن به من است .

شیعه .

مقام شیعه .

قرآن .

((و بی گمان ابراهیم از پیروان اوست آن گاه که با دلی پاک به (پیشگاه) پروردگارش آمد)).

((پس، در شهر دو تن را دید که با هم زد و خورد می کنند: یکی از پیروان او و دیگری از دشمنانش)).

- امام باقر(ع): از ام سلمه، همسر پیامبر(ص)، درباره علی بن ابی طالب(ع) سؤال شد، گفت: از رسول خدا(ص) شنیدم که می

فرماید: علی و

شیعیان او همان رستگارانند.

- امام علی(ع): از حسدورزی مردم نسبت به خودم نزد رسول خدا(ص) شکوه کردم آن حضرت فرمود: ای علی! نخستین

چهار نفری که

وارد بهشت می شوند من هستم و تو و حسن و حسین، و پشت سر ما ذریه ما وارد می شوند و پشت سر ذریه مادوستداران ما و

شیعیان ما از سمت

راست و چپ ما.

ویژگیهای شیعه (۱).

اقتدا به علی(ع).

- امام عسکری(ع): شیعیان علی(ع) آنانند که باکشان نیست در راه خدا مرگ به سراغ آنان آید یا آنان به پیشواز مرگ روند،

شیعیان علی(ع)

آنانند که برادرانشان را بر خود ترجیح می دهند، هر چند خود نیازمند باشند و آنانند که خداوند ایشان را در آن جا که نهی کرده

نمی بیند و در آن جا

که امر کرده همیشه حاضر می بیند، شیعیان علی(ع) آنانند که در گرامیداشت برادران مؤمن خویش به علی(ع) اقتدا می کنند.

- امام صادق(ع): شیعیان ما اهل پارسایی و سختکوشی (در عبادت) هستند، اهل وفاداری و امانتداریند، اهل زهد و

عبادتند، آنانند که در

شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز می گزارند، شبها را به عبادت سپری می کنند و روزها را به روزه داری، زکات اموال خود را

می پردازند و به

حج می روند و از هر حرامی دوری می کنند.

- شیعه ما کسی است که آنچه را نیک می شمارد، پیش می برد و از آنچه زشت می داند، خودداری می کند، خوبیها را

آشکار می سازد و از

سر شوق و اشتیاق به رحمت خدای بزرگ به کارهای سترگ می شتابد، پس او از ماست و رو به سوی ما دارد و هر جا که ما

باشیم با ماست.

- امام باقر(ع): شیعه ما نیست مگر کسی که از خدا بترسد و او را فرمان برد، آنان جز با فروتنی و خاکساری و امانتداری و

بسیاری یاد خدا

شناخته نمی شوند.

- امام صادق(ع): شیعیان ما (از خوف خدا) رنگ پریده و پژمرده و تکیده اند، همانان که چون تاریکی شب فرا رسد با غم

و اندوه به استقبال آن

می روند.

- در حقیقت شیعه علی کسی است که عفت بطن و فرج دارد, (در عبادت) سختکوش است, برای آفریدگار خود کار می کند, به پاداش او امید

دارد و از کيفرش بیمناک است, هرگاه چنین افرادی رادیدی (بدان که) آنان شیعه جعفرند.

- شیعیان ما را در سه چیز بیازماید: در مواظبت بر اوقات نمازها, در نگهداری اسرارشان از دشمنان ما و در همدردی و کمک مالی به برادرانشان

- پیامبر خدا(ص): شیعه ما کسی است که از ما پیروی کند و پا جای پای ما بگذارد و به کردار ما اقتدا نماید.

- امام صادق (ع): شیعیان ما با چند خصلت شناخته می شوند: با سخاوت و بخشش به برادران و با گزاردن پنجاه رکعت نماز در شبانه روز.

- امام باقر(ع): عقاید مختلف شما رامتزلزل و گمراه نکند, به خدا قسم شیعه ما نیست مگر کسی که از خدای عزوجل اطاعت کند.
- محمد بن حنفیه: وقتی امیرالمؤمنین (ع) بعد از جنگ با اهل جمل به بصره آمد, احنف بن قیس آن حضرت را دعوت کرد او غذایی تهیه نمود و در

پی ایشان و یارانش فرستاد حضرت (به منزل احنف) آمد و سپس به او فرمود: ای احنف! یارانم را صدا بزن پس, جماعتی شکسته و پژمرده

مانند مشکهای فرسوده وارد شدند احنف بن قیس عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! این چه وضعی است که به سر آنان آمده است؟ آیا از کمبود غذاست؟

یا از وحشت و دشواری جنگ؟

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: نه ای احنف! بلکه خداوند سبحان مردمانی را دوست دارد که در سرای دنیا او را همچون کسانی پرستیدند

که می دانند به روز قیامت نزدیکند, پیش از این که آن را مشاهده کنند, از این رو, خود را درراه آن به رنج درافکندند.

- امام علی (ع): به خدا سوگند که, شیعیان من مردمانی بردبارند و خدا و دین او را می شناسند, از خدا اطاعت می کنند و فرمانش را می برند,

به واسطه محبت او رهیافته اند, تکیده عبادتند, معتکف دیر زهدند, از شب زنده داری رنگشان زرد است, بر اثر گریه چشمانشان کم سو و آبریزان

است, لبانشان بر اثر ذکر گفتن خشکیده, شکمهایشان از گرسنگی به پشت چسبیده است ربانیت و خداپرستی در رخسارشان معلوم است و پارسایی

و خداترسی در سیماشان, چراغهای هر تاریکی و ظلمتی هستند اگر در محفلی حاضر باشند کسی آنها را نمی شناسد و اگر نباشند کسی جویای آنان نمی

شود اینان پیروان پاک و برادران ارجمند من هستند, وه که چه شوقی به آنان دارم.

- شیعیان ما در راه ولایت ما به یکدیگر بزدل و بخشش می کنند و در راه محبت ما به یکدیگر محبت می ورزند, برای زنده کردن امر ما با یکدیگر دیدار

می کنند, همانان که اگر خشمگین شوند, ستم نمی کنند و هرگاه خشنود شوند, زیاده روی نمی کنند, برای همسایگان خود

برکنند و با معاشران خویش

به صلح و صفا رفتار می کنند.

- خدای تعالی به زمین نگرست و ما را انتخاب کرد و برای ما پیروانی برگزید که یاریمان می کنند و از شادی ما شادمان می شوند و از اندوه ما

اندوهناک , در راه ما جان و مال خود را نثار می کنند , آنان از ما ایند و رو به سوی ما دارند و در بهشت با ما هستند.

- امام حسن (ع) در جواب مردی که عرض کرد : من از شیعیان شما هستم , فرمود : ای بنده خدا! اگر مطیع اوامر و نواهی ما باشی , راست می

گویی ولی اگر چنین نباشی پس با ادعای منزلت والایی که تو اهل آن نیستی , بر گناهانت میفرای مگو : من از شیعیان شما هستم , بلکه بگو : من از

دوستداران شما و دشمن دشمنان شما هستم در این صورت , تو آدم خوبی هستی و به خوبی گرایش داری .

- امام علی (ع) : شیعیان ما آناند که خدا شناسند , به فرمان خدا عمل می کنند , اهل فضایلند , زبانشان گویای راستی و درستی است , خوراکشان

بخور نمیر است , پوشاکشان میانه روی است , راه رفتنشان با فروتنی است آنان را بیمار و خل و دیوانه می پنداری حالی که چنین نیستند بلکه عظمت

پروردگارشان و شکوه قدرت او چنان در آنان اثر گذاشته که دلهایشان دیوانه او و خردهایشان در برابرش حیران و سرگشته شده است شوق و

اشتیاق آنان سبب گشته که با کارهای پاک و پاکیزه به سوی خدای تعالی بشتابند , به عمل اندک برای او رضایت نمی دهند و اعمال زیاد را برایش زیاد

نمی شمارند.

- عبدالله بن زیاد : در منا به امام صادق (ع) سلام کردیم و من عرض کردم : یابن رسول الله ! ما جماعتی کوچگیم و نمی توانیم هر وقت

بخواهیم در مجلس شما حاضر شویم , بنابر این , ما را سفارشی بفرمایید؟

حضرت فرمود : بر شما باد به تقوای خدا و راستگویی و امانتداری و حسن معاشرت بامعشرانتان و رواج دادن سلام و اطعام مردم در مساجدشان نماز

بخوانید و بیمارانشان را عیادت کنید و در تشییع جنازه هایشان شرکت نمایید , زیرا پدرم به من حدیث فرمود که بهترین افراد همیشه از میان پیروان ما

خاندان بوده اند اگر فقیهی بوده از میان آنها بوده است , اگر مؤذنی بوده از آنان بوده است , اگر امامی بوده از آنان بوده است , اگر امانتداری بوده از

میان ایشان بوده است , اگر صاحب ودیعه ای بوده از آنان بوده است و اینچنین ما را محبوب مردم گردانید و منفور ایشان مسازید.

- ابو مریم از امام باقر (ع) نقل می کند : روزی پدرم در حضور اصحابش فرمود : کدام یک از شما حاضر است اخگری آتش در مشت خود بگیرد

و آن را نگه دارد تا خاموش شود؟

همه ترسیدند و هیچ کس حاضر به این کار نشد من برخاستم و گفتم: پدرجان! امر می فرمایید من این کار را بکنم؟ پدرم فرمود: مقصودم تو نبودى من و تو یکی هستیم, بلکه مقصودم اینها بودند.

حضرت باقر(ع) فرمود: پدرم سه بار این جمله را تکرار کرد سپس فرمود: چه بسیار است حرف وچه اندک است عمل؟ براستی که اهل عمل کم هستند بدانید که من کسانی را که اهل کردار و گفتار, هردو, هستند می شناسم به خدا سوگند که گویا زمین آنان را زنده زنده در کام خود فرو برده است.

- امام کاظم (ع) به موسی بن بکر واسطی فرمود: اگر شیعیان خود را جدا و مشخص کنم در میان آنان جز اهل حرف پیدا نکنم و اگر آنان را بیازمایم همگی مرتد از کار در آیند و اگر آنان را خوب و بد و سره و ناسره کنم از هر هزار نفر یک نفر خالص پیدا نشود و اگر ایشان را از غربال بگذرانم, جز آن که متعلق به من است کسی باقی نماند آنها مدتهاست که بر اریکه ها لمیده اند و می گویند: ما شیعه علی هستیم, در صورتی که شیعه علی فقط کسی است که کردارش گفتارش را تصدیق کند.

ویژگیهای شیعه (۲).

پارسایان شب اند و شیران روز.

- امام باقر(ع) در بیان اوصاف شیعه, می فرماید: آنان دژهایی استوارند, سینه هایشان امانتدار (و رازنگهدار) است و اندیشه هایشان درست و صائب نه دهان لق و سخن چینند و نه جفاکار و دورو, پارسایان شب اند و شیران روز.

- امام علی (ع) به نوف بکالی می فرماید: ای نوف! آیا می دانی شیعه من کیست؟ عرض کرد: نه, به خدا فرمود: شیعیان من آناند که لبانشان (از تشنگی روزه داری) خشکیده و شکمهایشان (از گرسنگی) به پشت چسبیده است, آنان که پارسایی در رخسارشان پیداست پارسایان شب اند و شیران روز.

ویژگیهای شیعه (۳).

نیروی بینش.

- امام صادق (ع): شیعیان ما دارای چهار چشم هستند: دو چشم در سر و دو چشم در دل بدانید که همه مردمان چنینند جز این که خدای عزوجل چشمان شما را باز و بینا کرده و چشمهای آنان را کورساخته است.

- اگر شیعیان ما درست بودند فرشتگان با آنان دست می دادند و ابرها بر سرشان سایه می انداخت و در روز هم می درخشیدند و از فراز سر و زیر پای خود, روزی می گرفتند (برکت از آسمان و زمین بر آنان می بارید) و هر چه از خدا می خواستند به آنها می داد.

آنکه شیعه نیست (۱).

- امام صادق (ع) : شیعه ما نیست , آن که به زبان دم (از تشیع) زند اما در عمل برخلاف اعمال و کردار ما رفتار کند.

- ای شیعیان آل محمد! از ما نیست کسی که در هنگام خشم خوددار نباشد و در برخورد با همنشین و همسفر خود و کسی که با او دست آشتی داده , و آن که با وی مخالف است رفتاری نیکو در پیش نگیرد.

- امام کاظم (ع) : شیعه ما نیست کسی که در تنهایی و خلوت , دلش ترسان (از خدا) نباشد.

- امام صادق (ع) : شیعه ما نیست کسی که در شهری هزار نفری به سر برد و در آن شهر پارسا تر از او وجود داشته باشد.

- گروهی می گویند که من امام آنها هستم به خدا قسم که من امام آنها نیستم خدا لعنتشان کند , هر چند من پرده پوشی می کنم , آنان پرده دری می کنند

من می گویم : چنین و چنان , آنان می گویند : مقصودش فلان و بهمان است من در حقیقت امام کسی هستم که اطاعتم کند.

- امام عسکری (ع) : مردی به رسول خدا(ص) عرض کرد : فلان کس به ناموس همسایه خود نگاه می کند و اگر دستش برسد از ارتکاب حرام هم ابایی ندارد رسول خدا(ص) عصبانی شد و فرمود : او رانزد من بیاورید مرد دیگری عرض کرد : ای رسول خدا! او از شیعیان شماسست

و به دوستی شما و علی (ع) اعتقاد دارد و از دشمنان شما دو تن , ابراز بیزاری می کند! رسول خدا(ص) فرمود : نگو که او از شیعیان ماست , زیرا دروغ است : همانا شیعه ما کسی است که از ما دنباله روی و از کردار ما پیروی کند.

- امام صادق (ع) : اصحاب من مردمانی خردمند و پرهیزگارند بنابراین , کسی که خردمند و پرهیزگار نباشد از اصحاب من نیست .

آنکه شیعه نیست (۲).

- امام صادق (ع) : شیعه ما نیست کسی که چهار چیز را انکار کند : معراج , سؤال قبر , آفریده شدن بهشت و دوزخ و شفاعت .

- شیعیان ما هر عیبی داشته باشند سه عیب ندارند : در بین آنها کسی که گدایی کند وجود ندارد , در میانشان بخیل وجود ندارد , در میانشان کسی که لواط دهد یافت نمی شود.

شیعه و کمک به برادران .

- امام صادق (ع) از مردی احوال برادران (مؤمنش) را پرسید , آن مرد از آنها تعریف و تمجید کرد حضرت فرمود : رسیدگی ثروتمندانشان به تهیدستانشان چگونه است ؟

آن مرد عرض کرد : اندک فرمود : دیدار و سرزدن ثروتمندانشان از تهیدستانشان چگونه است ؟

مرد عرض کرد : اندک فرمود : دستگیری و کمک مالی ثروتمندانشان به تهیدستانشان چگونه است ؟

مرد عرض کرد: شما اخلاق وصفاتی را می فرمایید که در میان ما کمیاب است حضرت فرمود: پس، چگونه آنان خود را شیعه می دانند؟

- امام باقر(ع) به یکی از اصحاب خود که در حضور آن حضرت از فراوانی شیعه سخن به میان آورد، فرمود: آیا توانگر به تهیدست توجه می کند؟

و آیا نیکی کننده از کسی که (در جواب خویش) به او بدی کرده گذشت می کند؟
آیا با یکدیگر همدردی می کنند؟

عرض کردم: خیر فرمود: آنها شیعه نیستند، شیعه کسی است که این کارها را بکند.

- ای اسماعیل! آیا در میان شما اگر مردی ردایی نداشته باشد و یکی از برادرانش ردای اضافی داشته باشد، آن را به او می دهد تا او هم صاحب ردایی شود؟

عرض کردم: خیر فرمود: اگر ازاری داشته باشد، آن را برای یکی از برادران خود می فرستد که او هم صاحب ازار شود؟
عرض کردم: خیر حضرت دستش را بر ران خود زد و فرمود: اینها برادر نیستند.

انواع شیعه .

- امام صادق (ع): شیعه سه نوع است: دوستدار مهرورز (نسبت به ما) چنین شیعه ای از ماست و شیعه ای که خود را به ما می آراید و کسی که خود را به ما بیاراید، ما مایه آراستگی او هستیم و شیعه ای که ما را وسیله ارتزاق خود قرار می دهد، کسی که به وسیله ما ارتزاق کند به فقر گرفتار آید.

- امام باقر(ع): شیعیان ما سه دسته اند: دسته ای به نام ما مردم را می چایند دسته ای مانند آبگینه اند که (هرچه را درونش هست) نمایان می

سازد ((۱۲)) و دسته ای مانند زر سرخ هستند که هرچه بیشتر در آتش گداخته شود نابتر می شود.

- شیعیان سه دسته اند: دسته ای به وسیله ما خود را می آرایند (با انتساب خود به ما برای خویشتن کسب آبرو و حیثیت می کنند) و دسته ای از طریق ما ارتزاق می کنند و دسته ای از ما هستند و با مایند.

- امام صادق (ع): مردم درباره ما بر سه گروهند: گروهی ما را دوست دارند چون منتظر قائم ما هستند تا از دنیای ما به نوایی برسند، اینان سخنان

ما را می گویند و آنها را حفظ می کنند اما به کردار ما رفتار نمی کنند بزودی خداوند این عده را در آتش محشور خواهد کرد، گروهی ما را دوست

دارند و سخن ما را می شنوند و به اعمال ما رفتار می کنند تا به نام ما مردم را بچایند، خداوند شکم این عده را از آتش پرمی کند و گرسنگی و

تشنگی را بر ایشان مسلط می گرداند، گروهی ما را دوست دارند و گفتار ما را حفظ می کنند و امر ما را اطاعت می نمایند و

برخلاف کردار ما

رفتار نمی کنند، اینان از ما هستند و ما از آنان.

- مردی خدمت امام صادق (ع) رسید و ادعا کرد که من از دوستان و موالیان شما هستم حضرت فرمود: تو از کدام دوستان ما هستی؟

مرد سکوت کرد سدید پرسید: یابن رسول الله! مگر شما چند نوع دوستدار دارید؟

حضرت فرمود: دوستان ما سه طبقه اند: طبقه ای که در ظاهر ما را دوست دارند، اما در باطن دوستان ندارند، طبقه ای که در باطن دوستان

دارند اما در ظاهر ما را دوست ندارند و طبقه ای که در باطن و ظاهر ما را دوست دارند اینان طراز اولند طبقه دوم، طراز پایینند در ظاهر به

ما اظهار محبت می کنند اما به شیوه پادشاهان عمل می نمایند زبانهایشان با ماست و شمشیرهایشان بر ضد ما طبقه سوم، در مرتبه متوسط جای دارند در

دل ما را دوست دارند اما در ظاهر دوست ما نیستند به جان خودم که اگر در باطن ما را دوست داشتند روزه داران روز و عابدان شب بودند و

اثر عبادت را در چهره آنان می دیدی و تسلیم و فرمانبردار بودند.

مرد گفت: من از دوستان باطنی و ظاهری شما هستم امام صادق (ع) فرمود: دوستان باطنی و ظاهری ما نشانه هایی دارند که با آنها شناخته

می شوند مرد پرسید: آن نشانه ها چیست؟

حضرت فرمود: چند خصلتند اولین خصلت آن است که خدای یگانه را چنان که باید شناخته اند و علم توحید او را خوب آموخته اند.

نهی شیعیان از غلو.

- امام باقر (ع): ای جماعت شیعه - شیعه آل محمد -! تکیه گاه میانه باشید که تند رونده به سوی شما بر گردد و عقب مانده به شما رسد مردی از

انصار به نام سعد عرض کرد: فدایت شوم، تند رونده کیست؟

حضرت فرمود: گروهی که درباره ما اعتقادی دارند که ما خود آن اعتقاد را به خودمان نداریم اینها از ما نیستند و ما از آنها نیستیم عرض کرد: عقب

مانده کیست؟

فرمود: کسی که خواهان و جویای خیر است و به خیر می رسد و اجر آن را می یابد.

رفتار زبنده شیعه در برخورد با مردم.

- امام صادق (ع): ای گروه شیعیان! شما منسوب به ما هستید پس مایه زینت ما باشید، و مایه زشتی (و بد نامی) ما نباشید.

- رحمت خدا بر آن بنده ای که ما را نزد مردم محبوب گرداند و منفور آنان نکند به خدا قسم، اگر محاسن سخن ما را روایت می کردند،

ارجمندتر بودند و هیچ کس نمی توانست به آنها وصله ای بزند.

- رحمت خدا بر آن بنده ای باد , که ما را محبوب مردم گرداند و منفور آنان نکند هان ! به خدا سوگند , اگر سخنان زیبای ما را روایت می کردند

ارجمندتر بودند و هیچ کس نمی توانست به آنان وصله ای بچسباند , اما یکی از آنان جمله ای (از ما) را می شنود و ده جمله دیگر (از پیش خود) به آن اضافه می کند.

- ای عبدالاعلی ! از طرف من به شیعیان سلام و رحمت خدا را برسان و بگو : (حضرت صادق) به شما می گوید : رحمت خدا بر آن بنده ای باد

, که با اظهار سخنانی که مردم درک می کنند و خودداری از بیان آنچه درک نمی کنند , دوستی مردم را به سوی خودش و ما جلب کند.

- ای جماعت شیعه ! مایه آبروی ما باشیدنه باعث بدنامی ما سخنان خوب به مردم بگویید , زبانهایتان را نگه دارید و آنها را از بیهوده گویی و سخنان زشت باز دارید.

- امام هادی (ع) به شیعیان خود می فرماید : از خدا بترسید و مایه آبرو باشید نه مایه بدنامی محبتها را به سوی ما جلب کنید و هرگونه زشتی را از ما دور سازید.

مقام شیعه در قیامت .

- پیامبر خدا(ص) : ای علی ! این دوستم جبرئیل از جانب خدای عزوجل به من خبر می دهد که به دوستدار و شیعه تو هفت خصلت داده است :

آسانی در هنگام مردن , همدمی در تنهایی , نور در تاریکی , امنیت در هنگام ترس , برابری کفه میزان اعمال , گذر از صراط و وارد شدن به بهشت هشتادسال پیش از ورود دیگر مردمان .

- در روز قیامت برای شیعیان من و شیعیان اهل بیت من که در دوستی ما خالص اند , منبرهایی پیرامون عرش گذاشته می شود و خدای

عزوجل می فرماید : ای بندگان من ! سوی من آید تا کرامت خود را در میانتان پخش کنم چرا که شما در دنیا آزار دیدید.

- ابن عباس از رسول خدا(ص) درباره این آیه پرسید : ((و پیشتازان پیشی گیرنده آنان مقربانند)) , حضرت فرمود : جبرئیل به من گفت : آنها علی و

شیعیان اویند آنان پیشتازان به سوی بهشتند و به سبب لطف و کرامت خداوند , به او نزدیکند.

- پیامبر خدا(ص) : در روز قیامت این شیعیان علی هستند که رستگارند.

- به علی (ع) : در روز قیامت شیعیان تو سیراب و غیر تشنه وارد می شوند , و دشمنانت تشنه کام وارد می گردند و آب می طلبند و کسی به آنان آب نمی دهد.

ادعای تشیع .

- قاضی کوفه به عمار دهنی گفت رافضی عمار گریست قاضی علت گریه اش را پرسید، عمار گفت: (هم برای خودم می‌گیرم و هم برای تو) اما گریه ام برای خودم از این روست که تو مرا به منزلتی ارجمند نسبت دادی که لایق آن نیستم گفتم من رافضی هستم وای بر تو، حضرت صادق (ع) بر این حدیث گفت که: نخستین کسانی که رافضی نامیده شدند جادوگرانی بودند که وقتی نشانه (نبوت) موسی (ع) را در عصایش دیدند به او ایمان آوردند (و به وی رضایت دادند) و از او پیروی کردند، و فرمان فرعون را رد کردند و در برابر هر بلایی که (از طرف فرعون) بر سرشان آمد گردن نهادند پس فرعون آنان را رافضی نامید چون دین او را رفض (رد) کردند. پس، رافضی کسی است که هر آنچه را خدای تعالی ناخوش می‌دارد رد کند، و هر آنچه را که خدا به آن فرمان داده است به کار بندد در این زمان، کجا چنین کسی یافت می‌شود؟

برای خود می‌گیرم چون می‌ترسم (خداوند متعال) از قلبم آگاه شود، و مرا که چنین نام (و عنوان) شریفی را بر خود پذیرفته ام مورد عقاب قرار دهد و فرماید: ای عمار! آیا تو دست رد به سینه اباطیل زدی و به طاعات عمل کرده ای که او (قاضی) به تو چنین گفت؟ پس، این، در صورتی که خداوند با من مدارا کند، درجات مرا فرود آورد، و در صورتی که بخواهد بر من سخت گیرد، موجب عذابی شدید گردد، مگر این که سروران من با شفاعتشان به دادم برسند. و اما گریه ام برای تو، به خاطر دروغ بزرگی است که مرا به نامی غیر از نامم خواندی، و ترس شدیدم از عذاب خدای تعالی بر توست که شریفترین نامها را به پست ترین نام تبدیل کردی چگونه بدن تو عذاب (خدا، و عذاب) این سخنی که گفتم تحمل خواهد کرد؟! .!

- به امام کاظم (ع) گفته شد: در بازار برمردی گذشتیم که داد می‌زد: من از شیعیان خالص محمد و آل محمدم او جامه هایی را به مزایده گذاشته بود و جار می‌زد: کیست که به قیمت بالاتر بخرد، حضرت فرمود: کسی که قدر خود را شناخت در ورطه جهل و تباهی نیفتد آیا می‌دانید چنین کسی به چه می‌ماند؟ او همانند کسی است که بگوید: ((من مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار هستم)) و با این حال کم فروشی می‌کند، و عیبهای کالایش را از مشتری مخفی نگه می‌دارد، و جنسی را می‌خرد و آن را به غریبه ای که طالب آن جنس است به قیمت گران می‌فروشد، و وقتی

مشتری رفت می گوید :

من آن جنس را به کمتر از قیمتی هم که او می خواست می دادم آیا چنین کسی مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار است ؟
حاشا که همانند اینان باشد اما (با این حال) ما او را منع نمی کنیم از این که بگوید: ((من از دوستان محمد و آل محمد هستم ,
و از دوستان دوستان

آنان و دشمن دشمنانم می باشم)).

- امام رضا(ع) - در پاسخ به گروهی که پرسیدند چرا دو روز به ایشان اجازه ملاقات با خود را نداد :چون شما ادعا می کنید که
شیعه امیرالمؤمنین

علی بن ابی طالب (ع) هستید.

وای بر شما , شیعه او , در حقیقت , حسن و حسین (ع) و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و محمد بن ابی بکرند که با هیچ یک
از دستورات آن

حضرت مخالفت نکردند , و هیچ یک از نواهی وی را مرتکب نشدند.

اما شما که می گوید شیعه او هستید , بیشتر اعمالتان برخلاف خواست اوست , و در بسیاری از فرائض کوتاهی می ورزید , به
حقوق بزرگ

برادران دینی خود بی اعتنایی می کنید , و در جایی که تقیه واجب نیست تقیه در پیش می گیرید , و در جایی که باید تقیه کنید
تقیه نمی کنید.

- به مردی که گفت من از شیعیان خالص شما هستم : هان ! نیکی و صدقات خود به برادرانت را برباد دادی چون گفتمی :
((چگونه آنها را بر

باددادم در حالی که من از شیعیان خالص شما هستم)) وای بر تو , آیا می دانی شیعیان خالص ما چه کسانی هستند ؟
عرض کرد : نه .

فرمود : شیعیان خالص ما حزقیل مؤمن , مؤمن آل فرعون , است و صاحب یاسین که خداوند تعالی درباره اش فرمود : ((و جا
من اقصی المدینة

رجل یسعی)) , و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار آیا تو خودت را با اینان برابر می کنی ؟
بدان که تو با این ادعایت فرشتگان و ما را آزردی .

مرد عرض کرد : از خدا آمرزش می طلبم و به درگاه او توبه می برم پس چه بگویم ؟

حضرت فرمود : بگو : من از دوستان محمد و آل محمد هستم , و دشمن دشمنان شما و دوست دوستانتان می باشم .

- امام عسکری (ع) در مورد مردی که متهم به قصد سرقت بود و ادعای تشیع می نمود به فرماندار فرمود : پناه بر خدا ! این فرد از
شیعیان علی (ع)

(نیست و خداوند تنها به خاطر آن که او فکر می کند شیعه علی (ع) است در دست تو گرفتار نموده است .

صبح .

صبح .

قرآن .

((و سوگند به صبح چون آشکار شود)).

((و سوگند به صبح چون بدمد)).

((شکافنده صبحدم است و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داد این اندازه گیری آن توانای داناست)).

((بگو: هان, چه می پندارید اگر خدا شب راتا روز قیامت بر شما جاودانه کند, جز خداوند کدامین معبود برایتان روشنایی می

آورد؟

آیا نمی شنوید؟)).

- امام صادق (ع) بعد از سخن درباره شب و روز, فرمود: اگر یکی از این دو جاودانه می شد, زندگی مردم هرگز سامان نمی

یافت پس مدبر و

آفریننده این چیزها, روز را روشنی بخش قرار داد و شب رامایه آرامش.

آنچه در پاسخ ((چگونه صبح کردی؟)) گفته شده است.

- مسیح (ع) در جواب ((چگونه صبح کردی؟)) فرمود: به آنچه امید دارم نرسیده ام و از آنچه می ترسم حذر نتوانم, به

طاعت مامور

گشته ام و از معصیت نهی شده ام بنابراین, فقیری درویش تر از خود نمی بینم.

- پیامبر خدا(ص) نیز, فرمود: بهتر از کسی که روز را با روزه نیاززیده و از بیماری عیادت نکرده و در تشییع جنازه ای شرکت

نموده است.

- امام علی (ع) نیز, فرمود: صبح خود را در حالی آغاز کردم که خوابیدم همراه با خطرات است و بیداریم با ترس و نگرانیها و

اندیشه ام در روز

مردن.

- نیز, فرمود: صبح خود را در حالی آغاز کردیم که فضل و نعمتهای خدا بر ما بی شمار است, با آن که بسیاری از آنها را

برمی شماریم, پس

نمی دانیم برای کدام نعمت شکر گزاریم, برای کار خوبی که از مادر میان مردم پخش کرده یا برای کار زشتی که پوشانده است؟

.

- نیز, فرمود: با نعمت و فضل خداوند بر مردی که از برادری دیدار نکرده و مؤمنی را شاد نساخته است [جابر که راوی این

حدیث است گوید

:]عرض کردم: آن شادی چیست؟

فرمود: اندوهی از اوبزداید یا قرضی از جانب او بپردازد یا نیازش را برطرف سازد.

- بامدادی عبدالله بن جعفر به عیادت امام علی (ع) که بیمار بود, رفت و پرسید: چگونه صبح کردی؟

حضرت فرمود: فرزندم! چگونه صبح کرده باشد, کسی که حیاتش رو به زوال است و دارویش موجب بیماری اوست و از

مامنش (مرگ) براو

وارد می شود.

- امام علی (ع) نیز, فرمود: چگونه صبح خود را آغاز کرده باشد, کسی که از جانب خداوند دو فرشته بر او گماشته شده اند

و می داند که

گناهانش در دفتر اعمالش نوشته می شود؟

که اگر پروردگارش به اورحم نکند سرانجامش آتش دوزخ است .

- فاطمه زهرا(ع) نیز, فرمود: صبح کردم در حالی که دنیای شما را ناخوش دارم و از مردان شما نفرت و پس از آن که آنها را سنجیدم دورشان افکندم .

- امام حسن (ع) نیز, فرمود: در حالی صبح کردم که خداوندگاری بالای سرم می باشد و آتش رو به رویم و مرگ در پی من و حسابرسی مرا در

میان گرفته است و من گروگان عمل خویشم آنچه را دوست دارم نمی یابم و آنچه را ناخوش دارم از خود دور نمی توانم کرد , کارها به دست

کسی جز من است , اگر بخواهد عذابم می کند و اگر بخواهد مرا می بخشد با چنین وضعی کدامین تهدیدست درویش تر از من است ؟

- امام حسین (ع) نیز, فرمود: صبح کردم در حالی که پروردگاری بالای سرم می باشد [و نظیر آنچه برادر بزرگوارش فرموده بیان نمود] - امام

سجاد(ع) , نیز در پاسخ به سؤال : چگونه صبح کردی ؟

فرمود: در حالی صبح کردم که هشت چیز از من خواسته می شود: خدای تعالی عمل به فرایض از من می خواهد و پیامبر(ص) عمل به سنت و

خانواده روزی و نفس شهوت و شیطان معصیت و دو فرشته نگهبان اعمال درستی عمل و ملک الموت روح و قبر جسد این چیزها از من خواسته

می شود.

- نیز, فرمود: تو خود را شیعه ما می پنداری و حال و روز ما را در هر صبح و شام نمی دانی ؟

در حالی صبح کردیم که در میان قوم خود همچون بنی اسرائیلیم در میان خاندان فرعون مردان را می کشند و زنان را زنده نگه می دارند و

بهترین خلاق بعد از پیامبر(ص) بر فراز منبرها لعن می شود و برای دشنام دادن به او مال و منال می دهند.

- امام باقر(ع) , نیز, فرمود: در حالی صبح کردیم که غرق نعمتیم و آلوده به گناهان بسیار, پروردگارمان با نعمتهایش به ما اظهار محبت می کند

و ما با گناهانمان با او دشمنی می ورزیم در حالی که ما به او نیازمندیم و او از ما بی نیاز است .

آنچه در شروع صبح سزاوار و ناسزاوار است .

- امام صادق (ع) : در تورات آمده است: هر که صبح خود را با غم دنیا آغاز کند با خشم و نارضایتی از خدا آغاز کرده باشد.

- پیامبر خدا(ص) : در تورات آمده است: هر که صبح خود را با آزمندی به دنیا آغاز کند آن را بانارضایی از خدا آغاز کرده باشد و هر که

صبح خود را با شکوه از مصیبتی که بر او وارد شده بیاغازد، درحقیقت از پروردگارش شکوه کرده است.

- امام علی (ع): هر که صبح خود را با غم و اندوه دنیا آغاز کند، با نارضایی از قضای خدا آغاز کرده باشد و هر که بامدادش را با شکوه

از مصیبتی که دامنگیرش شده بیاغازد، با شکوه از پروردگار خود آغاز کرده باشد.

- پیامبر خدا(ص): هر که صبح کند و به فکر گرفتاریهای مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.

- امام علی (ع): هر که صبح خود را با هم و غم آخرت بیاغازد، بی آن که مال و ثروتی داشته باشد، بی نیاز شود و بی آن که اهل و عیالی داشته

باشد، از تنهایی به درآید و بی آن که ایل و تباری داشته باشد قدرتمند باشد.

- پیامبر خدا(ص): هر که صبح کند در حالی که تندرست و آسوده خاطر باشد و خوراک یک روز خود را داشته باشد، چنان است که دنیا را داشته

باشد.

- هر که صبح و شام کند در حالی که سه چیز داشته باشد نعمت دنیا بر او تمام است: هر که صبح و شام کند و تنی سالم و خاطری آسوده و خوراک

یک روز خود را داشته باشد چنانچه چهارمین نعمت را نیز دارا باشد نعمت دنیا و آخرت را تمامی دارد آن چهارمین نعمت، ایمان است.

- هر که صبح خود را بیاغازد در حالی که اندیشه ای جز خدا در سر داشته باشد، از زیانکاران تجاوز گرباشد.

- هر فردی از افراد امت من که صبح کند و اندیشه ای جز خدا داشته باشد، از خدا نیست و هر که به کارها (و گرفتاریهای) مؤمنان

اهتمام نرزد از

مؤمنان نیست.

- امام صادق (ع): هر که صبح خود را با هم و غمی جز آزاد کردن خود(از آتش دوزخ) بیاغازد، امر بزرگ (آخرت) را

ناچیز شمرده و به

خاطر بهره اندک (دنیا) از پروردگارش رویگردان شده باشد.

ویژگی مؤمن در شروع صبح.

- امام علی (ع) در وصف پرهیزگاران، می فرماید: صبح را آغاز می کند در حالی که کارش یاد خداست، و شب را می آغازد در حالی که

هم و غمش شکر خداست شب را با ترس از خواب غفلت به سر می برد و روز هنگام از فضل و رحمت خدا که به او رسیده شادمان است.

- نیز در توصیف پرهیزگاران، می فرماید: شب را می آغازد در حالی که هم او شکرگزاری حق است و روز را آغاز می کند در حالی که هم و

غمش یاد خداست شب را با ترس می گذرانند و روز را با شادمانی، ترس از غفلت خویش که از آن بر حذر داشته شده است و شادمانی به سبب

فضل و رحمت خدا که شامل حال او شده است.

- مؤمن صبح خود را نمی آغازد , مگر آن که ترسان است هرچند نیکوکار باشد و شب خود را آغاز نمی کند مگر این که بیمناک است گرچه کارهای نیک کرده باشد , زیرا او میان دو امر قرار دارد : زمانی که گذشته است و نمی داند خدا با او چه می کند و اجلی که نزدیک است و نمی داند چه مسائل مهلکی (از گناهان) دامن او را خواهد گرفت .

- پیامبر خدا(ص) : ای اباذر! چون صبح کردی به خود وعده (زنده ماندن تا) شب مده و چون شب را آغازیدی به خود وعده صبح مده و پیش از آن که

بیمار شوی از سلامتی خود استفاده کن و پیش از آن که بمیری از زندگی خود بهره گیر , زیرا نمی دانی که فردا چه نام خواهی گرفت (زنده یا مرده , سالم یا بیمار).

- امام علی (ع) : بدانید - ای بندگان خدا! - که مؤمن شب را به روز و روز را به شب نمی رساند , مگر آن که به نفس خود بدگمان است از این رو , پیوسته بر آن خرده می گیرد و عمل بیشتر از او می طلبد.

دعای صبحگاه .

- امام صادق (ع) : هر صبحگاه و هر شامگاه این دعا را سه بار بخوان : بار خدایا! مرا در زره محکم خود که هر کس را خواهی در آن جای

می دهی , قرار ده زیرا پدرم می فرمود : این از دعاهای اندوخته شده (در خزانه دعاهای مؤمنان) است .

- از دعاهایی که امام علی (ع) بسیاری خواند این بود : ستایش خدایی را که شبم را به صبح رسانده در حالی که نه مرده ام و نه بیمارم و نه رگهایم

دچار آفت و بدی است و نه گرفتار کیفر بدترین اعمال خویشم , و نه بی فرزندم و نه از دین برگشته و نه منکر پروردگارم و نه گریزان از ایمان و نه عقلم آشفته است .

- امام علی (ع) در سفارش به کمیل بن زیاد , می فرماید : ای کمیل بن زیاد! هر روز نام خدا را ببر و لا حول و لا قوة الا بالله بگو و به خدا توکل کن

و ما را یاد کن و نام ما ببر و بر ما درود فرست و به پروردگارمان الله پناه ببر و بدین سان خود و هر آنچه را که تحت اختیار و سرپرستی توست از شر آن روز در امان دار.

صبر .

فضیلت صبر .

قرآن .

((بسا پیامبرانی که خداپرستان بسیاری در کنارش جنگیدند و از آنچه در راه خدا بدانها رسید سست نشدند و ناتوان نگشتند و تسلیم (دشمن) نشدند و خدا صابران را دوست دارد)).

((از خدا و رسول او فرمان برید و باهم کشمکش نکنید که سست می شوید و شکوه و اقتدارتان از بین می رود و صبر کنید که خداوند با صابران است)).

- امام علی (ع) : صبر، نیکوترین خصلت ایمان و ارجمندترین خوی انسان است.

- پیامبر خدا(ص) : از چیزهایی که کمتر به شما داده شده یقین و صبر است به هر کس از این دو بهره اش داده شود، دیگر برایش اهمیتی نداشته باشد

که عبادت شب و روزه (مستحبی) روز را از دست دهد اگر بر وضعیتی که دارید صبر ورزید خوشتر دارم از این که فردی از شما با اعمال همگی شما نزد من آید.

- مسیح (ع) : شما به آنچه دوست دارید نخواهید رسید، مگر با صبر در برابر آنچه ناخوش می دارید.

- امام صادق (ع) : نزد کسی که شکیب نیست کامل شمرده شود.

- پیامبر خدا(ص) : در صبر بر ناملازمات، خیر بسیاری نهفته است.

- از رسول خدا(ص) سؤال شد : ایمان چیست ؟

فرمود : صبر.

پیامبر خدا(ص) : صبر بهترین مرکب است خداوند به هیچ بنده ای روزی بهتر و فراختر از صبر نداده است.

- امام علی (ع) : صبر شجاعت است.

- شجاعت، ساعتی صبر است.

- صبر، بهترین یاور در برابر روزگارا است.

- صبر، سپر ناداری است.

- پیامبر خدا(ص) : صبر، پوشاننده اندوهها و یاور در برابر مشکلات است.

- امام علی (ع) : صبر، مرکبی است که به سر در نمی آید.

- صبر، زیور گرفتاری است.

- صبر در برابر رنج سرانجامش دست یافتن به فرصت (و نوبت ظفر) است.

- صبر در برابر درد اندوهها، موجب دست یافتن به فرصتها می شود.

- صبر، بینی دشمنان را به خاک می مالد.

- صبر، ساز و برگ تهیدستی است.

- صبر، یاور بر هر کاری است.

- صبر، از شدت مصیبت بزرگ می کاهد.

- صبر، بهترین عامل دفع بلا و گرفتاری است.

- صب، بهترین وسیله دفع ضرر است.

- صبر، مصیبت را آسان می کند.
- صبر، بهترین ساز و برگ است .
- صبر، در برابر گرفتاری بهتر است تا تن آسایی در رفاه .
- پیامبر خدا(ص) : صبر نصف ایمان است .
- امام صادق (ع) : چیزی چون شکر بر امور خوشایند نیفزاید و چیزی چون صبر از امور ناخوشایند نگاهد.
- امام علی (ع) : مصیبت از دست دادن صبر بزرگترین مصیبت است .
- با صبر، محنت کاهش می یابد.
- با صبر می توان با سختیهای روزگار مبارزه کرد، بیتابی کردن یکی از انواع محرومیتهاست .
- خرد دوست آدمی است و بردباری دستیار او و مدارا پدرش و صبر از بهترین سپاهیانست .
- امام صادق (ع) : مؤمن بر صبر در برابر سختیها سرشته شده است .
- امام باقر یا امام صادق (ع) : کسی که صبر را برای مصیبتهای روزگار آماده نکند، ناتوان گردد.
- امام علی (ع) : با قدرت صبر و یقین نیکو، اندوهها را از خود دور کن .
- هر که صبر را فرمانروای خود قرار دهد، به هیچ مشکلی اعتنا نکند.
- پیامبر خدا(ص)، در سفارش به ابوذر، فرمود: اگر می توانی که با خرسندی و یقین برای خدا کار کنی بکن و اگر نتوانستی بدان که در صبر بر آنچه ناخوش داری، خیر فراوانی نهفته است .
- امام علی (ع) : در برابر دنیایی که گرفتاری آن، مانند خوابهای پریشان شب می گذرد شکبیا باش .
- امام جواد(ع) : صبر در برابر مصیبت، مصیبتی است برای کسی که از گرفتاری مصیبت دیده شاد می شود.
- امام صادق (ع) : خدای عزوجل به مردمی نعمت داد و آنها سپاسگزاری نکردند و بدین سبب آن نعمت بر آنان وبال شد و مردمی را به مصائب مبتلا کرد و آنها صبر کردند و در نتیجه، آن مصیبتها به نعمت تبدیل شد.

صبر و رسیدن به مقامات بلند.

- قرآن .
- ((و به پاس آن که صبر کردند، وعده نیکوی پروردگارت به فرزندان اسرائیل تحقق یافت)).
- ((و چون صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند، از آنها پیشوایانی نهادیم که به فرمان ما هدایت می کردند)).
- ((و فرامی گیرند آن را مگر کسانی که صبر کرده اند و فرامی گیرد آن را مگر دارنده نصیبی بزرگ)).
- امام علی (ع) : با صبر است، که به خواسته ها رسیده می شود.
- با صبر به مقامات بلند می توان رسید.
- هر که برای (وصال به) خدا صبر کند به او می رسد.
- در خطبه شششقیه، می فرماید: و با خود اندیشیدم که آیا با دست تنها حمله کنم یا آن که بر شر این تیرگی شکبیا باشم دیدم که صبر در این جا
- خردمندانه تر است پس صبر کردم در حالی که گویا در چشمانم خاشاک و در گلویم استخوانی است در این مدت دراز و در

این شدت غم و محنت

صبر کردم .

- در شکایت از قریش , می فرماید : (و قریش به من گفتند) بدان که گاه حق را می گیری و گاهی هم از آن محروم می شوی

پس یا غمگنانه شیکبا

باش و یا از اندوه بمیر من هم چشم خاشاک رفته را بر هم نهادم و آب دهانم را همچون کسی که استخوان در گلویش گیر کرده

باشد فرو بردم و با

فرو خوردن خشم صبر کردم , صبیری که از حنظل تلختر و برای دل از تیزی شمشیر بران درد آورتر بود.

- در زمانی که اصحاب جمل به سوی بصره حرکت کردند , فرمود : اینان به خاطر ناخشنودی از خلافت من گرد هم آمده اند اما

من تا زمانی که

برای اجتماع شما خطری حس نکنم , از خود صبر نشان می دهم .

صبر و ایمان .

- امام علی (ع) : صبر در کارها به منزله سر در بدن است همچنان که اگر سر از بدن جدا شود بدن فاسد می شود , صبر نیز هرگاه

از کارها جدا

شود , کارها تباه می گردد.

- امام صادق (ع) : صبر , سر ایمان است .

- صبر برای ایمان به منزله سر برای بدن است همچنان که اگر سر برود بدن هم از بین می رود , اگر صبر از کف برود , ایمان نیز از

کف می رود.

- امام علی (ع) : ای مردم ! بر شما باد به صبر, زیرا هر که صبر نداشته باشد , دین ندارد.

صبر و پیروزی .

قرآن .

((ای پیامبر! مؤمنان را به جهاد برانگیز , اگر از شما بیست تن , شکیبیا باشند بر دویست تن چیره آیند و اگر از شما یکصد تن شکیبیا

باشند بر هزار تن

از کافران غالب شوند, زیرا آنان مردمی هستند که نمی فهمند)).

((بسا گروهی اندک که , به خواست خدا , بر گروهی بسیار غلبه یافتند و خدا با صابران است)).

((اگر به شما خوشی رسد آنان را ناراحت کند و اگر به شما گزند رسد از آن شادمان شوند اگر صبر کنید و پرهیزگاری

نمایید نیرنگشان

هیچ آسیبی به شما نرساند خدا به آنچه می کنند احاطه دارد)).

((آری , اگر صبور باشید و پرهیزگاری کنید و با همین جوش (و خروش) بر شما بتازند , پروردگارتان شما را با پنج هزار

فرشته نشاندارمدد

می کند)).

- پیامبر خدا(ص) : همانا پیروزی با صبر همراه است و گشایش با گرفتاری راستی که با هر دشواری آسانی است .

- امام علی (ع) : هر که بر مرکب صبر نشیند، به خط پایان پیروزی رسد.

صبر و ظفر.

- امام علی (ع) : آدم شکمیا، سرانجام کامیاب می شود، هر چند بعد از زمانی دراز باشد.

- امام صادق (ع) : صبر پیامد نیک دارد پس صبر کنید تا ظفر یابید.

- امام علی (ع) : صبر، ضامن ظفر است.

- صبر کن، تا ظفر یابی.

- صبر در برابر درد و رنج غصه ها، موجب دست یافتن به فرصتهاست.

- شیرینی ظفر، تلخی صبر را از بین می برد.

- پیامبر خدا (ص) : با صبر، انتظار گشایش می رود و کسی که پیوسته دری را بکوبد (عاقبت) آن دربه رویش باز می شود.

- امام علی (ع) : صبر کلید رسیدن است و کامیابی عاقبت کسی است که صبر کند.

ثواب آدم صابر.

قرآن .

((قطعا شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش اموال و نفوس و محصولات امتحان خواهیم کرد و صابران رانویید ده همانان که چون مصیبتی

به آنها رسد، گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم درودها و رحمتی از پروردگارشان بر آنها باد و همانان رهیافتگانند)).

- پیامبر خدا (ص) : خداوند جل جلاله فرمود: من دنیا را برای معاوضه به بندگان خود داده ام هر که چیزی از آن به من قرض ندهد و من به زور

از او بستانم (و او صبر کند) سه نعمت به او عطا کنم که اگر یکی از آنها را به فرشتگانم دهم خرسند شوند: درود و هدایت و رحمت (من) خدای

عزوجل می فرماید: ((همانان که چون مصیبتی به آنها رسد)).

- امام صادق (ع) : مصیبتی را که نعمت صبر در برابر آن به تو داده شده و به سبب آن مستوجب ثواب الهی هستی، هرگز مصیبت به شمار میاورد،

بلکه مصیبت آن است که مصیبت دیده بر اثر ناصبر از اجر و ثواب آن محروم شود.

- هریک از شیعیان ما که گرفتار شود و صبر ورزد، اجر هزار شهید دارد.

- پیامبر خدا (ص) : از مؤمن و بیتابی اودر برابر بیماریها تعجب می کنم اگر بداند که بیماری او برایش چه ثوابی دارد، هر آینه دوست داشت که

پیوسته بیمار باشد تا پروردگارش را ملاقات کند.

- امام باقر (ع) : اگر مؤمن بداند که در مصیبتها چه اجری برای او نهفته است آرزو می کرد که با قیچی ریز ریز شود.

- امام صادق (ع) : هر مردی که به دردی گرفتار شود و صبر کند و آن را در راه خدا به شمار آورد، خداوند اجر هزار شهید را برایش رقم زند.

همسر داود در بهشت .

- امام صادق (ع) : خدای تعالی به داود وحی فرمود : خلداده دختر اوس را نوید بهشت ده و به او خبر ده که همسر تو در بهشت خواهد بود داود به

طرف خلداده رهسپار شد و در خانه اش را کوبید خلداده بیرون آمد و عرض کرد : آیا چیزی درباره من نازل شده است ؟
داود فرمود : آری عرض کرد : چه چیز؟

داود فرمود : خدای تعالی به من وحی فرمود و خبرم داد که تو همسر من در بهشت خواهی بود و فرمود تو را به بهشت مژده دهم خلداده گفت :

شاید تشابه اسمی میان من و کسی دیگر رخ داده است ؟

داود فرمود : آن خلداده خود تو هستی ! عرض کرد: ای پیامبر خدا! حرفت را باور می کنم , اما به خدا قسم در خود چنین سزامندی نمی بینم .

داود فرمود : از باطن و درونت به من خبر ده که در آن چه می گذرد خلداده عرض کرد : می گویم هرگز به هیچ دردی از هر نوع مبتلا نشدم و

هیچ گزند و نیاز و گرسنگی از هر نوع به من نرسید مگر آن که در برابرش صبر کردم و از خداوند نخواستم آن را از من بر طرف سازد , تا آن که

او خود آن را از من دور کند و عافیت و گشایش دهد و به جای آن چیزی از خدا نخواستم و او را بر آن شکر و سپاس گفتم داود(ع) فرمود : بدین

سبب است که به این مقام رسیده ای .

امام صادق (ع) سپس فرمود : این همان دین خداست که برای بندگان صالح خود برگزیده و پسندیده است .

صبر اندک .

- امام صادق (ع) : هر که صبر کند اندکی صبر کرده و هر که بیتابی کند اندکی بیتابی کرده است (زیرا عمر کوتاه است و گرفتاریها و مصائب زود گذر).

- امام کاظم (ع) , در سفارش به هشام بن حکم , فرمود : ای هشام ! بر طاعت خدا صبر کن و در ترک معاصی او شکبیا باش , زیرا دنیا لحظه ای

بیش نیست آنچه از آن گذشته جای شادی و غم ندارد و از آنچه نیامده نیز خبر نداری پس لحظه ای را که در آن به سر میبری , صبور باش چنان که

گویی خوشبخت و نکوحالی .

- امام علی (ع) : هر که یک ساعت صبر کند , ساعتها ستوده شود.

- امام صادق (ع) : بسا لحظه ای صبر که شادی درازی را در پی آورد و بسا لذتی آنی که اندوهی طولانی بر جای گذارد.

- امام علی (ع) در وصف پرهیزگاران , می فرماید : چند صباحی صبر کردند و در پی آن به آسایشی طولانی دست یافتند.

معنای صبر .

- پیامبر خدا(ص) : ای جبرئیل ! معنای صبر چیست ؟

جبرئیل گفت : این که در سختی صبر کنی همچنان که در (روزگار) آسایش صبر می کنی , در تهیدستی صبر کنی همچنان که در (هنگام) توانگری

صبر می کنی و در بیماری و گرفتاری صبر کنی همچنان که در زمان سلامت و عافیت صبر می کنی , (آدم صبور) از بلایی که به او می رسد نزد

مخلوق زبان به شکوه نمی گشاید.

- امام علی (ع) : صبر آن است که مرد گرفتاری و مصیبتی را که به او می رسد تحمل کند , و خشم خود را فرو خورد.

- پیامبر خدا(ص) , در بیان معنای شکیبایان می فرماید : شکیبایان کسانی هستند که بر طاعت خدا و ترک معصیت او صبر می کنند , کسانی که مال حلال

و پاکیزه به دست می آورند و به اعتدال خرج می کنند و اضافه آن را در راه خدا می بخشند و بدین سبب رستگار و کامیاب می شوند.

- از امام صادق (ع) درباره صابران و متصبران سؤال شد , فرمود : صابران کسانی هستند که در انجام واجبات صبر می کنند و متصبران کسانی

هستند که در اجتناب از محرمات صبر می ورزند.

- پیامبر خدا(ص) : صبر , خرسندی است .

- امام صادق (ع) , درباره آیه ((و شکیباً باشید و پایداری ورزید)) , فرمود : در انجام فرایض شکیباً باشید و در برابر مصائب , پایداری ورزید.

- درباره همین آیه نیز , می فرماید : در برابر مصائب شکیباً باشید.

- درباره آیه ((واز صبر مدد گیرید)) , می فرماید : مراد از صبر روزه است هرگاه بلا و سختی دامنگیر مردی شد , روزه بگیرد , زیرا خدای

عزوجل می فرماید : و از صبر مدد بگیرید, یعنی از روزه .

اقسام صبر.

- امام علی (ع) : صبر بر دو گونه است : صبر در برابر مصیبت که نیکو و زیباست و نیکوتر از آن صبر در خودداری از چیزهایی است که خدای

عزوجل بر تو حرام کرده است .

- صبر دو نوع است : صبر در برابر آنچه ناخوشایند توست و صبر و خویشنداری از آنچه دوست داری (مانند لذت‌های ناروا).

- پیامبر خدا(ص) : صبر سه نوع است : صبر در هنگام مصیبت و صبر بر طاعت و صبر بر ترک گناه .

- امام علی (ع) : صبر یا صبر بر مصیبت است یا بر انجام طاعت و یا بر ترک معصیت که نوع سوم آن از دو گونه نخست برتر است .

- صبر و خویشنداری از شهوت عفت است و از خشم شجاعت و از معصیت پارسایی .

- هر که خداوند به او ثروتی دهد , باید به خویشاوندان خود رسیدگی کند و در راه ادای حقوق (مالی خود) و مصائب و گرفتاریها , خود را به صبر وا

دارد.

- برترین صبر، صبر بر تلخی مصیبت است.

- برترین صبر، صبر و خویشتنداری از انجام چیزی است که خوشایند است.

صبر نیکو.

قرآن.

((صبر کن، صبری نیکو)).

((و پیراهن او را آغشته به خونی دروغین بیاوردند گفت: بلکه نفسهائیتان کاری (بد) را به نظرتان نیکو نمود اینک صبری نیکو

(پیش گیرم) و در

برابر آنچه می گوید خدا یاری ده است)).

- امام باقر(ع) در پاسخ به سؤال از صبر نیکو، فرمود: آن صبری است که در آن نزد مردم گله و شکایت نمی شود.

- امام صادق(ع) درباره آیه ((پس صبری نیکو (پیش گیرم)))، فرمود: صبری که همراه با شکوه نباشد.

نشانه صابر.

قرآن.

((و شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش اموال و نفوس و محصولات بیازماییم و صابران را نوید ده کسانانی که چون

مصیبتی به

ایشان رسد گویند: ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم)).

- پیامبر خدا(ص): نشانه صابر سه چیز است: اول آن که تنبلی نمی وزرد، دوم آن که افسرده و دلتنگ نمی شود و سوم آن که

از پروردگار خود

شکوه نمی کند، زیرا اگر تنبل باشد حق را فرو می گذارد و اگر افسرده و دلتنگ باشد شکر نمی گذارد و اگر از پروردگارش

شکایت کند معصیت او

کرده باشد.

صبر شیعیان اهل بیت.

- امام صادق(ع) به یکی از اصحاب خود، فرمود: ما صابریم اما شیعیان ما از ما صابرتند عرض کردم: فدایت شوم، چگونه

می شود که

شیعیانتان از شما صابرت باشند؟

فرمود: چون ما بر آنچه می دانیم صبر می کنیم و شیعیان ما بر آنچه نمی دانند صبر می کنند.

- ما صابریم اما شیعیان ما از ما صابرتند، زیرا ما بر چیزی صبر می کنیم که می دانیم و آنها بر چیزی صبر می کنند که نمی

دانند.

پیامدهای بیتابی کردن (۱).

- امام کاظم (ع) ، به سماعه بن مهران ، فرمود : چه چیز مانع حج رفتن تو شده است ؟
او می گوید : عرض کردم : قربانت گردم ، بدهی زیادی پیدا کرده ام و مالم نیز از دست رفته است ، اما بدهکاری که به
گردنم هست سخت تر
از تلف شدن مالم می باشد و اگر یک از دوستانمان مرا بیرون نمی آورد قادر به بیرون آمدن نبودم حضرت به من فرمود : اگر صبر
کنی نکو حال
خواهی شد و اگر صبر نکنی خداوند مقدرات خود را جاری می کند چه تو راضی باشی و چه ناراضی .
- امام علی (ع) : اگر صبر کنی مقدرات الهی بر تو جاری می شود و ماجور خواهی بود و اگر بیتابی کنی بازهم مقدرات
خداوند بر تو جاری می
شود و گناهکار خواهی بود .
- امام باقر (ع) : کسی که در هنگام مصیبت صبر کند و استرجاع گوید و خدا را حمد و سپاس گوید ، بیگمان به آنچه خدا کرده
رضایت داده است و
اجرش با خداست و هر که چنین نکند بازهم قضای الهی بر او جاری شود در حالی که نکوهیده باشد و خداوند اجرش را از بین
ببرد .
- امام علی (ع) : هر که چون آزادگان صبر کند (زهی سعادت) و گرنه مانند جاهلان ناآزموده کار ، مصیبت را فراموش خواهد کرد .
- اگر همچون آزادگان صبر کنی (زهی شرف) و گرنه چونان جاهلان ناپخته کار ، مصیبت را فراموش خواهی کرد .
- اگر همچون بزرگواران صبر کنی (چه بهتر) و گرنه همچون ستوران (رنج را) فراموش خواهی کرد .
- هر که بر رنج کسب و کار صبر نکند ، باید رنج بی چیزی را تحمل کند .

پیامدهای بیتابی کردن (۲).

- پیامبر خدا (ص) به یکی از اصحاب خود در مرگ فرزندش ، چنین تسلیت نوشت : اما بعد ، خدای بزرگ اجر تو را زیاد
گرداند و صبر عطایت
فرماید مبدا بیتابی تو اجرت را از بین ببرد ، و فردا (ی قیامت) برای از دست دادن ثواب مصیبت پشیمان شوی اگر ثواب آن را
می دیدی در می
یافتی که آن مصیبت در برابرش ناچیز است بدان که بیتابی کردن آنچه را از دست رفته بر نمی گرداند و هیچ اندوهی قضای
الهی را دفع نمی کند
پس آنچه به جای فرزندت به تو داده می شود ، سزااست که اندوه تو را ببرد و السلام .
- امام علی (ع) در دلداری به اشعث بن قیس در مرگ فرزندش ، فرمود : ای اشعث ! اگر برای از دست دادن فرزندت اندوهگین
باشی ، البته حق
پدري را به جا آورده ای و اگر صبر کنی خدا هر مصیبتی را عوض می دهد ای اشعث ! اگر صبر کنی قضا و قدر الهی بر تو
جاری گشته و اجر
برده ای و اگر بیتابی ورزی باز هم قضا و قدر بر تو جاری شده و تو گناهکاری ای اشعث ! آمدن فرزندت که مایه آزمایش و
گرفتاری است تو را
شاد کرد و رفتنش که مایه ثواب و رحمت (برای توست) اندوهگینت ساخت .

پیامدهای بیتابی کردن (۳).

- امام صادق (ع): از خدا بترسید و صابر باشید، زیرا هر که صبر نکند، بیتابی کردن او را به هلاکت افکند و به هلاکت افتادن او بر اثر بیتابی به این معناست که اگر بیتابی کند اجر نمی بیند.
- امام علی (ع): هر که را صبر نرھاند، بیتابی هلاکش گرداند.
- امام صادق (ع): کم صبوری، رسوایی به بار می آورد.

صبر در هنگام محنتها و چاره اندیشی درباره آنها.

- امام علی (ع): همانا گرفتاریها را نهایتی است که لا-جرم در آن جا پایان می پذیرند پس، هر گاه یکی از شما گرفتار مصیبتی شد باید در برابر آن تسلیم و صبور باشد تا بگذرد، چه هر گاه گرفتاریها روی آورند چاره اندیشی آنها را ناخوشایندتر می گرداند.
- خطاب به قیس بن سعد که از مصر خدمت آن حضرت آمده بود، فرمود: ای قیس! محنتها را نهایتی است که ناگزیر در آن جا پایان می یابند پس، بر خردمند لازم است که تا رفتن آنها چشم برهم نهد، زیرا در هنگام روی آوردن محنتها، با چاره اندیشی به مقابله آنها رفتن بر شدتشان می افزاید.

آنچه صبر می آورد.

- امام علی (ع): صبر تحقق نمی یابد، مگر آن که رنج ضد عادت را تحمل کنی.
- هر که گرفتاریهای زمانه پیاپی بر او رسد (این گرفتاریها) فضیلت صبر را به وی ارزانی دارد.
- ریشه صبر، داشتن یقین راستین به خداست.
- پیامبر خدا(ص): هر که خود را به صبر وا دارد، خداوند او را صبور گرداند و هر که طالب عفت باشد خداوند او را عقیف کند و هر که بی نیازی جوید خداوند بی نیازی سازد و به هیچ بنده ای عطایی بهتر و گسترده تر از صبر داده نشده است.

واداشتن خود به صبر.

- امام علی (ع): خویشتن را در برابر آنچه ناخوشایند است به صبر وادار و نیکو خویی است تحمل صبر در راه حق.
- در برابر امور ناخوشایند خود را به صبر وادار، زیرا که نیکو خویی است صبر.
- واداشتن خود به صبر در برابر امور ناخوشایند، دل را استوار می کند.
- بهترین صبر، واداشتن خود به صبر است.

شعبه های صبر.

- پیامبر خدا(ص): صبر چهار شعبه دارد: شوق و ترس و زهد و انتظار، هر که شوق بهشت داشته باشد، از شهوات دست کشد و

هر که از آتش

بترسد ، از حرامها خویشتن را نگه دارد و هر که به دنیا بی اعتنایی ورزد ، گرفتاریها را به چیزی نگیرد و هر گاه منتظر مرگ باشد ، در کارهای خیر بکوشد.

- امام علی (ع) : ایمان دارای چهارستون (شعبه) است : صبر و یقین و عدالت و جهاد صبر نیز چهار شعبه دارد : شوق و ترس و زهد و انتظار ،

کسی که شوق بهشت داشته باشد ، از شهوات باز ایستد و هر که از دوزخ بترسد ، از حرامها دوری کند و هر که به دنیا بی اعتنا باشد ، مصیبتها را

ناچیز شمارد و هر که منتظر مرگ باشد ، به کارهای خیر بشتابد.

همچنان که ملاحظه می شود ، این حدیث از پیامبر و علی - صلوات الله علیهما - نقل شده اما چنان که از کنز العمال (۱۳۸۹) پیداست امیرالمؤمنین

(ع) آن را از پیامبر نقل کرده است به کتاب یاد شده مراجعه شود.

صبر خواستن از خدا.

قرآن .

((و چون با جالوت و سپاهیانش رو به رو شدند گفتند : ای پروردگار ما! بر (دلهای) ما صبر فروریز و گامهایمان را استوار گردان و بر گروه

کافران پیروزمان فرمای)).

((و تو جز برای این ما را به کیفر نمی رسانی که ما به معجزات پروردگارمان - وقتی برای ما آمد - ایمان آوردیم پروردگارا ، بر ما صبر فرو ریز و

ما را مسلمان بمیران)).

- پیامبر خدا(ص) : کمک از جانب خداوند به اندازه هزینه می رسد و صبر از جانب خداوند به اندازه بلا می آید.

- امام علی (ع) : صبر ، به اندازه مصیبت عطا می شود.

- خداوند دلهای ما و دلهای شما را به سوی حق متوجه سازد و به ما و شما صبر الهام فرماید.

همنشینی .

همنشینی .

- امام علی (ع) : همنشینی با بدان ، بدی می آورد، مانند باد که هر گاه بر بوی تعفن بگذرد آن را با خودجا به جا می کند.

- همنشینی با احمق ، مایه شکنجه روح است .

- همنشینی با دوست خردمند ، جانبخش روح است .

- همنشینی با بدان ، موجب بدگمانی به نیکان می شود.

- در هر مصاحبتی ، گزینشی است .

- برای آزمودن (افراد) همنشینی، کافی است.
- هرچه همنشینی بیشتر به درازا کشد، پیوند حرمت استوارتر شود.
- هیچ چیز به اندازه همنشینی با نیکان، آدمی را به خوبی فرا نمی‌خواند و از بدی نمی‌رهاند.
- دریغ داشتن خیر خود (از دیگری) باعث همنشینی (او) با جز تو می‌شود.

تندرستی .

تندرستی .

- امام علی (ع) : تندرستی برترین نعمت‌هاست .
- تندرستی گواراترین لذت‌هاست .
- سلامت تن از گواراترین نصیب‌هاست .
- کاملترین نصیب، تندرستی است .
- با تندرستی، لذت کامل می‌شود.
- با سلامت مزاج، لذت خوراک حس می‌شود.
- زکات تندرستی، کوشیدن در طاعت خداست .
- پیامبر خدا(ص) : دو چیز است که بسیاری از مردم در آنها به تباهی کشیده می‌شوند (یا مورد آزمایش الهی قرار می‌گیرند) : تندرستی و بیکاری (یا آسایش).
- امام صادق (ع) : پنج چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد پیوسته زندگیش تیره و عقلش آشفته و دلش گرفتار باشد : نخستین آنها تندرستی است .
- نعمت دنیا امنیت و سلامتی است و این نعمت در آخرت با رفتن به بهشت کامل می‌شود.
- امام علی (ع) : بدانید که یکی از بلاهاناداری است و بدتر از ناداری، بیماری تن است و سخت‌تر از بیماری تن، بیماری دل است بدانید که یکی از نعمتها گشایش در مال است و برتر از گشایش در مال تندرستی است و برتر از تندرستی، پرهیزگاری دل است .

راستی .

راستی (۱).

- قرآن .
- (ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید و با راستان باشید)).
- امام علی (ع) : راستی مطابقت گفتار است با نهاده الهی (واقعیت و نفس الامری که خدا آفریده است) و دروغ دور شدن گفتار است از نهاده الهی

راستی (۲).

- امام علی (ع) : راستی جان سخن است .
- راستی کمال بزرگواری است .
- راستی ، برادر عدالت است .
- راستی ، ارجمندی است .
- راستی ، زبان حق است .
- راستی ، بهترین سخن است .
- راستی تو را نجات می دهد ، هرچند از آن بیمناک باشی و دروغ تو را نابود می کند ، گرچه از آن خطری بر خود حس نکنی .
- راستی مایه درستی هر چیزی است ، دروغ مایه تباهی هر چیزی است .
- پیامبر خدا(ص) : زیبایی به راستگویی است و کمال به راستکرداری .
- راستی خجسته است و دروغ شوم و گجسته .
- امام صادق (ع) : زیور سخن راستی است .
- پیامبر خدا(ص) : بر شما باد به راستی ، که آن دری از درهای بهشت است .
- امام باقر(ع) : هان ! راستگو باشید ، زیرا خداوند با کسی است که راستگو باشد .
- امام صادق (ع) : هر که زبانش راست باشد ، کردارش پاکیزه است .
- از امام علی (ع) سؤال شد : گرامترین مردم کیست ؟
- فرمود : کسی که همیشه و همه جا ، با راستی برخورد کند .
- امام باقر(ع) : پیش از گفتار راستگویی بیاموزید .
- امام علی (ع) : راستی امانتداری است و دروغ خیانت .
- امام صادق (ع) : از راستی بهتر گوینده آن است و از کار خوب خوبرتر کننده آن .
- امام رضا(ع) : هر که با مردم راستگو باشد مردم او را ناخوش دارند .
- امام علی (ع) : ارزش مرد به اندازه همت اوست و راستی او به اندازه انسانیتش .
- امام باقر(ع) : با راستکرداری ، خود را برای خدای عزوجل بیارای .
- پیامبر خدا(ص) : هر که با خدا راست باشد ، نجات یابد .
- امام علی (ع) : راستگو نخواهی بود ، مگر آنکه پاره ای از آنچه می دانی کتمان کنی .
- پیامبر خدا(ص) : آن کس بیش از همه ، مردم را راستگو می داند که خودش با آنان راستگوتر باشد و آن کس بیش از همه ، مردم را دروغگومی داند که خودش بیش از همه به آنان دروغ بگوید .

راستی و ایمان .

- امام علی (ع) : ایمان آن است که راستی را ، اگر چه به زیانت باشد ، بر دروغ ، گرچه به سودت باشد ، برگزینی .
- راستی ، محکمترین ستون ایمان است .

- راستی ستون اسلام و پشتوانه ایمان است .
- راستی سر ایمان , و زیور انسان است .
- راستی جمال انسان و پشتوانه ایمان است .
- راستی امانت زبان و زیور ایمان است .
- راستی , جامه دین است .
- راستی , سر دین است .

راستگو.

- امام علی (ع) : راستگو در آستانه نجات و بزرگواری است و دروغگو در لبه پرتگاه و خواری .
- راستگو محترم و ارجمند است و دروغگو خوار و ذلیل .
- امام صادق (ع) : راستگو را نخستین کسی که تصدیق می کند , خدای عزوجل است که می داند او راستگوست و نیز نفس او تصدیقش می کند که می داند راستگوست .

راستگویی .

- امام صادق (ع) : فریب نماز و روزه مردم را نخورید , زیرا آدمی گاه چنان به نماز و روزه خو می کند که اگر آنها را ترک گوید , احساس ترس می کند , بلکه آنها را به راستگویی و امانتداری بیازماید.
- پیامبر خدا(ص) : به زیادی نماز و روزه و حج و احسان و ورد و ذکر شبانه مردم منگرید , بلکه به راستگویی و امانتداری آنها توجه کنید.
- امام صادق (ع) : خدای عزوجل هیچ پیامبری را نفرستاد , مگر باراستگویی , و برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکردار.

راست ترین سخنان .

- قرآن .
- ((و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند , بزودی آنان را به بوستانهایی داخل می کنیم که در آنها رودها جاری است , همیشه در آنها جاودانند و عده خدا راست است و چه کسی از خدا راستگوتر است))؟

- ((خدا کسی است که هیچ معبودی جز او نیست قطعا در روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست , شما را گرد می آورد و کیست راستگوتر از خدا))؟

- از امام علی (ع) سؤال شد : راست ترین سخن چیست ؟

فرمود : شهادت دادن به این که معبودی جز خدا نیست .

- امام علی (ع) : راست ترین سخن , سخن زبان حال است .

- زبان حال , راستگوتر از زبان گفتار است .

راستگوییهای نابجا.

- پیامبر خدا(ص) : در سه جا راستگویی زشت است : سخن چینی , خبر ناخوشایند دادن به مردی درباره زن و فرزندش و

تکذیب کردن خبر

کسی ((۱۳)).

- امام صادق (ع) : هر مسلمانی که از او درباره مسلمانی سؤال شود و او راست بگوید و به آن مسلمان زبانی رساند , (نزد

خداوند) از

دروغگویان قلمداد شود و هر که از او درباره مسلمانی سؤال شود و دروغ بگوید و سودی به آن مسلمان رساند , نزد خداوند از

راستگویان به شمار آید.

لسان صدق یا نام نیک .

قرآن .

((و برای من در میان آیندگان نام نیک قرار ده)).

((و از رحمت خود به آنان بخشیدیم و برایشان نام نیک بلندی قرار دادیم)).

- امام علی (ع) : چگونه سرگردانید درحالی که خاندان پیامبرتان , این زمامداران حق و نشانه های دین , و زبانهای راست , در

میان شما هستند!

- ای مردم ! هیچ کس , هر اندازه هم مال و ثروت داشته باشد , از خاندان خود و دفاع جانی و زبانی آنها بی نیاز نیست و نام

نیکی که خداوند در میان

مردمان از بهر کسی باقی می گذارد از مال و ثروتی که برای دیگران به ارث می نهد , برای او بهتر است .

در تفسیر میزان ذیل آیه ((و برای من در میان آیندگان لسان صدق (نام نیک) قرار ده)) آمده است : ((صدق و انطباق لسان

صدق بر نام نیک روشن

نیست)) , اما همچنان که در کلام امام (ع) ملاحظه می کنید هیچ گونه ابهامی در آن وجود ندارد و به وضوح بر آن صدق می

کند.

صدیقی .

صدیقی .

- پیامبر خدا(ص) : بر شما باد به راستی , زیرا که راستی به بر ((۱۴)) و نیکی رهنمون می شود و بر و

نیکی به بهشت آدمی پیوسته صدق را پیشه می کند , تا آن که نزد خداوند از صدیقان قلمداد می شود.

- راستی به سوی بر رهنمون می شود و بر به سوی بهشت انسان چندان راستی را دنبال می کند , تا آن که در شمار صدیقان نوشته

می شود.

- امام باقر(ع): آدمی آنقدر راستی را پی می گیرد, تا آن که خداوند او را صدیق قلمداد می کند.

- امام علی(ع): شیعه ما اگر به مرگ طبیعی هم بمیرد, صدیق و شهید است, (زیرا) امر ما (ولایت و امامت) را تصدیق کرده و در راه ما

دوستی و دشمنی ورزیده است خدای عزوجل می فرماید: ((و کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آورده اند, همانان در نظر پروردگارشان صدیقان و شهیدانند)).

- امام صادق(ع): هر مؤمنی, صدیق است.

ابو حامد غزالی می گوید: بدان که کلمه راستی در شش معنا به کار می رود: راستی در گفتار, راستی در نیت و خواست, راستی در تصمیم,

راستی در به کار بستن تصمیم, راستی در کردار و راستی در تحقق بخشیدن به کلیه مقامات دینی بنابراین, هر کس راستی در همه این موارد را دارا باشد, صدیق است, زیرا صدیق صیغه مبالغه از صدق است.

صدیقان .

قرآن .

((آنان که از خدا و رسول اطاعت کنند, همدم کسانی هستند که خداوند نعمتشان داده است از پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و اینان نیکو همدمانی هستند)).

((و کسانی که به خدا و فرستادگان او ایمان آوردند, آنان همان صدیقانند و نزد پروردگارشان گواه خواهند بود, آنان را اجرشان است و نورشان و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ شمردند همانان دوزخیانند)).

((مسیح پسر مریم, جز پیامبری نبود که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و مادرش صدیقه ای بود و هر دو غذایی خوردند بنگر که چگونه آیات را برای آنان بیان می کنیم و باز بنگر که چگونه (از حقیقت) دور می افتند)).

((و در این کتاب ابراهیم را یاد کن, زیرا او پیامبری صدیق بود)).

((و در این کتاب ادریس را یاد کن, زیرا او پیامبری صدیق بود)).

- پیامبر خدا(ص): صدیقان سه نفرند: حزقیل مؤمن آل فرعون, حبیب نجار صاحب آل یاسین و علی بن ابی طالب(ع).

- صدیقان سه نفرند: حبیب نجار مؤمن آل یاسین, همو که می گوید: ((از رسولان تبعیت کنید, از کسی تبعیت کنید که از شما مزد نمی خواهند و

خود هدایت یافتگانند)) و حزقیل, مؤمن آل فرعون و علی بن ابی طالب که از همه صدیقان برتر است.

- پیشتر از آنها سه نفرند که آنی به خدا کفر نورزیدند: علی بن ابی طالب, صاحب یاسین و مؤمن آل فرعون اینان همان صدیقانند

و علی برترین

آنهاست .

- صدیقان برگزیده خدای تعالی عبارتند از : یوسف صدیق , حبیب نجار و علی بن ابی طالب .

- هر امتی را صدیق و فاروقی است و صدیق و فاروق این امت علی بن ابی طالب (ع) است .

- امام علی (ع) : نبا عظیم (خبر بزرگ) و صدیق اکبر من هستم .

- من از جمله مردمانی هستم که در راه خدا سرزنش هیچ سرزنشگری در آنان کارگر نمی افتد , چهره شان چهره صدیقان است , و گفتارشان گفتار

ابرا , آباد کننده شبهایند و روشنی بخش روزها.

دوست .

دوست .

قرآن .

((یا دوست شما)).

((و ما را شفاعت کنندگانی نیست و نه دوستی مهربان)).

- امام علی (ع) : دوست , نزدیکترین خویشاوند است .

- دوست , بهترین دو اندوخته است .

- کسی که دوستی ندارد , اندوخته ای ندارد.

- دوستان یک روحند , در چند پیکر.

- امام صادق (ع) : منزلت دوست چندان والا است , که حتی دوزخیان نیز پیش از خویشاوند دلسوز و مهربان , از او کمک می طلبند و او را صدا می

زنند خداوند از زبان دوزخیان می گوید : ((ما را شفیعانی نیست و نه دوستی مهربان)).

شناخت فرد از طریق دوستان او.

- پیامبر خدا(ص) : آدمی بر آیین دوست خود است , پس هر یک از شما مواظب باشد که با چه کسی دوستی می کند.

- سلیمان (ع) : درباره هیچ کس قضاوتی نکنید , تا آن که ببینید با چه همنشینی می کند , زیرا آدمی از طریق همگنان و همنشینانش شناخته می شود.

- پیامبر خدا(ص) : مردم را به دوستانشان بیازمایید , زیرا آدمی با کسی که از رفتارش خوشش بیاید , دوستی می کند.

هماندی نفوس .

- امام علی (ع) : نفسها گونه گونند پس آنهایی که همگون باشند با هم گرد آیند و مردم به همگنهای خود بیشتر گرایش دارند.

- بر اثر معاشرت با نابخردان , اخلاق فاسد می شود و بر اثر همدمی با خردمندان , اخلاق به درستی می گراید مردمان گونه

گویند و هر کس

بر گونه (ساختار) خود عمل می کند مردم با هم دوستی می کنند, پس هر کس دوستی او برای غیر خدا باشد, آن دوستی به دشمنی می انجامد و این

سخن خدای تعالی است که ((دوستان در آن روز با هم دشمنند, مگر پرهیزگاران)).

- همنشین مانند وصله لباس است, بنابراین, دوست همگون با خودت انتخاب کن (وصله ناجور نباشد), همراه نیز چون دوست است, پس همراه سازگار برگزین.

گرایش انسان به همگنان خود.

- امام علی (ع): هر انسانی, به همانند خود گرایش دارد.

- هر پرنده ای, به همجنس خود می گراید.

- هر چیزی, به همجنس خود گرایش دارد.

- با نیکان, جز همگنان آنها همنشینی نکنند.

- با بدان, جز همتایان ایشان دوستی نکنند.

- فرومایگان را, جز امثال آنها برنگزینند.

- آدم فرومایه, جز دنبال همسخ خود نرود و جز به همانند خود میل نکند.

همنشین بد.

قرآن.

((گوینده ای از آنها گفت: مرا (در دنیا) همنشینی بود که (به من) می گفت: آیا واقعا تو از باور دارندگانی؟

آیا وقتی مردیم و خاک و استخوان شدیم آیا واقعا جزا می یابیم؟

(مؤمن) می پرسد: آیا شما اطلاع دارید (کجاست)؟

پس, بنگرد و او را در میان آتش بیند)).

((تا آن گاه که او (با دمسازش) به حضور ما آید (و خطاب به شیطان) گوید: ای کاش میان من و تو فاصله شرق و غرب بود که

بد همدمی بودی

((.

((و بر آنها همدمانی گماشتیم که حال و آینده را در نظرشان بیاراستند و بر آنها نیز همانند پیشینیانشان از جن و انس, عذاب

مقرر شد, زیرا

زیانکار بودند)).

- پیامبر خدا(ص): تنهاترین تنهایی, داشتن همنشین بد است.

- تنهایی, بهتر از همنشین بد است.

- امام علی (ع): از همنشینی با یار بد, بگریز زیرا که او همدم خود را هلاک می کند و همنشین خود را به نابودی می کشاند.

- با تنهایی بیشتر همدم باش, تا بایاران بد.

افراد شایسته دوستی .

- امام صادق (ع) : هر يك از برادرانت كه سه بار از تو خشمگين شد و درباره تو بدی نگفت , او را به دوستی خود برگزین .
- به دوستی هیچ كس بهایی نده , مگر آن گاه كه سه بار او را به خشم آوری .
- هیچ كس را به دوستی مشناس , مگر آن كه در سه چیز او را بیازمایی : او را به خشم آوری و بینی كه آیا این خشم او را از حق به باطل می كشاند , در درهم و دینار و در سفر كردن با او .
- اگر می خواهی بدانی برادرت در دوستی با تو صداقت دارد , او را عصبانی كن , اگر در هنگام عصبانیت نیز بر دوستی خود پایدار ماند او برادر توست و گرنه نیست .

یاران شایسته .

- امام صادق (ع) : با كسی یار شو , كه به او آراسته شوی , با كسی یار مشو كه به تو آراسته شود .
- ظاهرا مراد این است كه : با كسی همنشینی كن كه همنشینی اش مایه آراستگی هر دوی شماست و با كسی كه تو مایه آراستگی او هستی و او موجب آراستگی تو نمی شود , همنشینی مكن .
- امام حسن (ع) در بستر بیماری كه به رحلت آن حضرت انجامید , به جناده چنین سفارش فرمود : با كسی یار شو كه هر گاه با او مصاحبت كنی مایه آراستگی تو شود و هر گاه خدمتش كنی (آبروی) تو را حفظ كند و هر گاه از او كمکی بخواهی , كمك كند و هر گاه سخنی بگویی , سخت را باور كند و هر گاه حمله كنی , تقویت كند و هر گاه دستت را به احسانی بگشایی , او در این راه تو را كمك رساند و هر گاه عیبی از تو دیده شد , آن را پوشاند و هر گاه كار خوبی از تو دید , آن را در نظر داشته باشد , هر گاه چیزی از او خواستی به تو بدهد و هر گاه زبان به خواهش نكشود , او پیشدستی كند و هر گاه مصیبتی به او رسید تو ناراحت شوی .
- امام علی (ع) : بیشترین صلاح و درستی , در همنشینی با خردمندان و صاحب‌دلان است .
- با حكیمان یار شو و با بردباران همنشینی كن و از دنیا روی گردان , تا در جنۃ الماوی ساكن شوی .
- با خردمندان یار شو و با دانشمندان بنشین و بر هوس چیره آی , تا با ساكنان جهان برین قرین گردی .
- مصاحبت با دوست خردمند , زندگانی روح است .
- در شگفتم از كسی كه خواهان داشتن یاران بسیار است , چگونه با دانشمندان خردمند پرهیزگار مصاحبت نمی كند تا از فضایل آنها بهره گیرد و در پرتو دانش آنها هدایت شود و مصاحبت آنان او را آراسته گرداند؟

- هرکه تو را به سرای جاویدان فراخواند و در راه کار کردن برای رسیدن به آن سرا یاریت رساند , همو دوست دلسوز است .
- با نیکوکاران قرین شو تا از آنان باشی و از بدکاران دوری کن تا از زمره آنان جدا شوی .
- پیامبر خدا(ص) : خوشبخت ترین مردم کسی است که با مردمان بزرگوار پیامیزد.

پرهیز از همنشینی با بدن .

- امام علی (ع) : همنشینی با بدن , بدی می آورد همچون باد که هرگاه بر بوی عفن بگذرد , بوی بد باخود می آورد.
- همنشین بدن همچون مسافر دریاست که اگر از غرق شدن جان به سلامت برد , از ترس در امان نباشد.
- امام جواد(ع) : زنهار از همنشینی بابدکار , زیرا او همچون شمشیر آخته است که ظاهرش زیباست و نشانی که می گذارد زشت .

یاران ناشایسته (۱).

- قرآن .
- ((و روزی است که ستمگر دستان خود را می گزدو می گوید : ای کاش با پیامبر همراهی می کردم وای بر من ! کاش فلان را به دوستی نمی گرفتم او(بود که) مرا به گمراهی کشانید , پس از آن که قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره فرو گذارنده انسان است)).
- ((و هرگاه کسانی را دیدی که (به قصد تخطئه) در آیات ما فرو می روند , از آنان روی بگردان تا در سخنی دیگر درآیند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت , پس از یاد آوردن , با گروه ستمکاران منشین)).
- ((در آن روز دوستان , دشمن یکدیگر باشند مگر پرهیزگاران)).
- امام صادق (ع) : بنگر که هرکس برای تو سود دینی ندارد , به او بهایی مده و به همنشینی با وی رغبت مکن , زیرا هر چیزی جز خدای تبارک و تعالی نابود شدنی و فرجامش ناگوار و زینبار است .

- امام علی (ع) : هرکه همنشینی اش با تودر راه مبارزه با نفست کمکی نکند , آن همنشینی و بال توست اگر بدانی .
- پیامبر خدا(ص) : هرکه از دین و دنیای او بهره ای نبی در همنشینی با او خیری برای تو نیست و هرکه برای تو حقی قائل نباشد , تو نیز برایش حقی قائل نباش و وقتی هم بدو منه .

- امام علی (ع) : زینهار از کسی که هرگاه با او سخن بگویی , تو را ملول گرداند و هرگاه او با تو سخن بگوید , غمگینت کند هرگاه به او شادی یازبانی برسانی متقابلا با تو همان رفتار را کند و هرگاه از تو جدا شود , به دلیل آن که پشت سرت بدمی گوید , از جدا شدنش ناراحت شوی , هرگاه او را ممانعت کنی به تو تهمت و افترا زند و هرگاه سازگاری با او نشان دهی به تو حسادت ورزد و تعدی کند و هرگاه ناسازگاری کنی با تو از در دشمنی وجدال برآید , از جبران خوبی دیگران به خود ناتوان است , نسبت به کسی که به او زور گفته افراطی کند همنشین او

ماجور است و خودش

گنهکار, زبانش به زیان اوست نه به سودش, دلش سخنش رانگه نمی دارد, علم را برای مجادله کردن می آموزد, علم دین را برای خودنمایی فرا

می گیرد, به سوی دنیا می شتابد و تقوا را فرو می گذارد.

- امام حسن (ع): هرگاه دیدی کسی با آبروی مردم بازی می کند, سعی کن که تو را نشناسد, زیرا بد اقبالترین حیثیتها آنهايي هستند که او آنها را بشناسد.

- امام علی (ع): از همنشینی با افراد فاسق و فاجر و متظاهر به معاصی خدا دوری کن.

- از همنشینی با کسی که اندیشه اش سست و فاسد است و کردارش زشت و ناپسند, دوری کن, زیرا یار, با یار سنجیده می شود.

- امام صادق (ع): از سه کس بر حذر باش: خیانتکار, ستمگار و سخن چین, زیرا کسی که به خاطر تو (به دیگری) خیانت کند به خودت نیز

خیانت می کند و کسی که به خاطر تو (به دیگری) ستم کند به خودت نیز ستم می کند و کسی که برای تو سخن چینی کند, بر ضد تو نیز سخن

چینی خواهد کرد ((۱۵)).

- پیامبر خدا(ص): همنشینی با کسی که آنچه برای خودش می بیند و می پسندد برای تو نمی بیند, خیری برای تو در بر ندارد.

- امام علی (ع): از کسی که دلهایتان او را ناخوش دارد بپرهیزید.

- از معاشرت با عیجویان مردم بپرهیز, زیرا همنشین این گونه افراد نیز از عیجویی آنان در امان نیست.

- با کسی که همواره غیبت می کند همنشینی مکن, زیرا تو نیز مورد بدگمانی واقع می شوی.

- دوست آدم نادان, در رنج و سختی است.

- دشمن دانا, بهتر از دوست نادان است.

- امام رضا(ع): دوست آدم نادان, در رنج است.

- امام صادق (ع): بدانید هر دوستی که در دنیا برای غیر خدای عزوجل باشد, در روز قیامت به دشمنی مبدل می شود.

- امام علی (ع): دوستان را (از دوستی با یکدیگر) پشیمانی حاصل آید, مگر پرهیزگاران.

- پیامبر خدا(ص): زنهار از همنشینی با کسی که خیرش سست و شرش نیرومند و نفسش پلید است هرگاه بترسد خود را کنار می کشد و چون

احساس ایمنی کند, حمله می آورد.

یاران ناشایسته (۲).

- امام علی (ع): از همنشینی با اهل گناهان بپرهیز, زیرا کسی که از کردار گروهی راضی باشد, همانند کسی است که از جمع آنها باشد.

- از همنشینی با فاسقان دوری کن, زیرا بدی به بدی می پیوندد.

- امام صادق (ع): از آمیزش با فرومایه بپرهیز, زیرا آمیختن با فرومایه خیری در پی ندارد.

- امام علی (ع): زنهار از همنشینی با کسی که تو را (از یاد خدا و آخرت) غافل و (به دنیا) آزمند و شیفته گرداند, زیرا چنین

کسی تو را تنهایی

گذارد و به هلاکت می افکند.

- از همنشینی با دروغگو دوری کن و اگر هم ناچار به این کار شدی حرفه‌ایش را باور مکن و به او مگو که حرفه‌ایش را باور نمی کنی ، چه او

از دوستی با تو دست برمی دارد اما از خوی خود دست نمی کشد.

- امام سجاده (ع) ، در سفارش به فرزند بزرگوارش حضرت باقر (ع) ، فرمود : زنهار از همنشینی با کسی که از خویشان خود می برد ، زیرا من

چنین کسی را در سه جای کتاب خدای عزوجل لعنت شده یافتم .

پرهیز از همنشینی با احمق .

- امام صادق (ع) : زنهار از همنشینی با احمق ، زیرا هرچه به او نزدیکتر باشی ، گزندش به تو نزدیکتر است .

- زنهار از همنشینی با احمق دروغگو ، زیرا چنین کسی سود تو را می خواهد ، اما به تو زیان می رساند ، دور را به تو نزدیک و نزدیک را از

تو دور می کند ، اگر او را امین شماری به تو خیانت می کند و اگر او به تو امانتی سپارد ، خوارت می گرداند ، اگر سخنی به تو بگوید دروغ می گوید و

اگر تو به او سخنی بگویی ، سختی را دروغ می شمارد ، حکایت تو و او همچون سرابی است که آدم تشنه آن را آب پندارد اما وقتی نزدیک آن رود

چیزی نمی یابد.

- امام علی (ع) ، در سفارش به فرزند بزرگوار خود حسن (ع) ، فرمود : فرزندم ! از دوستی با احمق بپرهیز ، زیرا او می خواهد به تو سود رساند

، اما زیان می زند.

- همنشینی با احمق شکنجه روح است .

- بریدن از احمق ، دور اندیشی است .

- با احمق همنشینی مکن ، زیرا او کردار خود را در نظر تو می آراید و دوست دارد که تو نیز همانند او باشی .

- با کسی نیست که با خردمند همنشینی کنی ، هر چند او را کریم و بخشنده نیابی اما از خرد او بهره مند شو و از اخلاق بدش دوری کن ، همنشینی با

آدم کریم و بخشنده را هرگز فرو مگذار ، هر چند از خرد او سودی برنگیری اما با عقل خود از کرم او بهره مند شو و تا توانی از لئیم نابخرد

بگریز.

معرفی دوستان و دشمنان .

- پیامبر خدا (ص) : دوست دشمن علی ، دشمن علی است .

- امام علی (ع) : دوستان تو سه گروهند و دشمنان نیز سه گروه : دوستان عبارتند از : دوست تو و دوست دوست تو و دشمن

دشمنت و دشمنانت

عبارتند از: دشمن تو و دشمن دوست تو و دوست دشمنت.

- دشمن دوستت را به دوستی مگیر، که با این کار با دوست دشمنی کرده‌ای.

- پیامبر خدا(ص): دوست هر انسانی، خرد اوست و دشمن او، نادانیش.

عوامل برهم زنده دوستی.

- امام کاظم(ع): رو دربايستی و حرمت میان خود و برادرت را از بین مبر و چیزی از آن را بر جای نه، زیرا با از بین رفتن حرمت شرم نیز می رود.

- امام علی(ع): هرگاه مرد برادر خود را ناراحت (یا خجالت زده) کند، او را از دست بدهد.

- امام صادق(ع): اگر می خواهی که دوستی برادرت برای تو خالص بماند، هرگز با او شوخی مکن، با او ستیزه مکن، به او فخر مفروش و باوی خصومت مورز.

- امام هادی(ع): ستیزه کردن، دوستی دیرینه را برهم می زند و گره محکم را می گشاید کمترین چیزی که در ستیزه کردن هست، این است که

هر یک می خواهد بر دیگری چیره آید و این چیره جویی، عامل اصلی بریده شدن پیوند دوستی است.

- امام علی(ع): هرکس گوش به حرف سخن چین سپارد، دوست را از دست بدهد.

- حسادت ورزیدن دوست، از ناسالم بودن دوستی است.

آنچه از شمار دوستان می کاهد.

- امام علی(ع) در سفارش به فرزند خود محمد بن حنفیه، فرمود: زنهار از خودپسندی و بدخویی و کم صبری، زیرا با وجود این سه خصلت

دوستی برای تو باقی نمی ماند و مردم همواره از تو کناره گیری می کنند.

- زنهار که بدگمانی هرگز بر وجود تو چیره نشود، زیرا جایی برای دوستی تو با کسی باقی نمی گذارد.

- امام صادق(ع): باریک بینی و موشکافی (نسبت به دوستان) مایه جدایی است و خرده گیری مایه دشمنی.

- امام علی(ع): هرکه درباره دوست خود خرده گیر باشد، رشته دوستیش بگسلد.

- امام صادق(ع): آدم حيله گر هرگز نباید به داشتن دوستان بسیار، چشم طمع داشته باشد.

- امام علی(ع): هرکه با برادران مناقشه کند، دوستانش کم شود.

- هرکه از دوست خود راضی نشود مگر زمانی که او را بر خودش ترجیح دهد، همواره ناراضی باشد.

- هرکه جوای دوست راستین و وفادار باشد، جوای چیزی شده که یافت نمی شود.

آنچه بر شمار دوستان می افزاید.

- امام عسکری(ع): هرکه پارسایی خصلت او باشد و کرم و بخشندگی سرشتش و بردباری خویش، دوستانش و ستایش از او

بسیار گردد و با

تمجید از وی از دشمنانش انتقام بگیرد.

- امام سجاده (ع) زهری را دید که از غم و ناراحتیهایی که پیاپی از جانب حسد ورزان و کسانی که به آنها خوبی کرده است، به او می‌رسد

افسرده است به او فرمود: تو باید مسلمانان را چونان خانواده خودبه شمار آوری بزرگ آنان را به منزله پدر خویش دانی و کوچکشان را به منزله

فرزندت و همسالانت را همچون برادرت تو به کدام یک از اینها (پدر و برادر و فرزند) دوست داری که ستم کنی؟

اگر ابلیس - لعنت خدا بر او باد -، به تو چنین وانمود کرد که بر فردی از مسلمانان برتری و فضیلتی داری، بنگر اگر از تو بزرگتر بود به

خودت بگو: او در ایمان و کردار شایسته بر من پیشی دارد پس از من بهتر است و اگر از تو کوچکتر بود بگو: من در معاصی و گناهان از او جلو

هستم پس او از من بهتر است و اگر همسال تو بود بگو: من به گنهکاری خود یقین دارم و در گنهکاری او تردید، پس چرا باید یقینم را بگذارم و به

تردیدم چنگ زنی.

و اگر دیدی مسلمانان تو را بزرگ و گرامی و محترم می‌دارند بگو: این از خوبی خود آنان است و اگر از آنان نسبت به خودت بی‌مهری و دلگیری

مشاهده کردی بگو: این گناه و تقصیر من است اگر چنین کردی خداوند زندگی را بر تو آسان می‌کند و دوستانت بسیار می‌شوند و دشمنانت اندک

- امام علی (ع): هر که نرم‌خو و فروتن باشد، محبتش (بر دلها) لازم آید و هر که چوبش نرم باشد شاخه‌هایش انبوه شود (هر که ملایم و خوشرفتار

باشد دوستانش زیاد شوند).

مرزهای دوستی.

- امام صادق (ع): دوستی مرزهایی دارد که هر کس همه یا برخی از آنها را داشته باشد، دوست است و گرنه او را اصلاً دوست مشمار: نخست

این که ظاهر و باطنش با تو یکی باشد، دوم این که آبروی تو را آبروی خودش داند و عیب و بی‌آبرویی تو را عیب و بی‌آبرویی خودش، سوم این که

مال و منصب او را نسبت به تو عوض نکند، چهارم این که هر کمکی از دستش برمی‌آید از تو دریغ نکند و پنجم، که در بردارنده همه این خصلتهاست

و این که در هنگام گرفتاریها تو را تنها نگذارد.

- امام علی (ع): دوست، دوست نباشد مگر آن که در سه جا هوای برادرش را داشته باشد: در گرفتاریش، در غیابش، و بعد

از مردنش .

- دوست کسی است که نهانش راست باشد.

- دوست راستین کسی است که تو را دربر طرف کردن عیبهای راهنمایی کند , در غیابت هوای تو را داشته باشد و تو را بر خودش ترجیح دهد.

- دوست کسی است که باز دارنده از ستم و تجاوز باشد و یاری کننده بر نیکویی و احسان .

- دوست را دوست (و صدیق) نامیده اند چون درباره تو و عیبهای با تو راست است هر که چنین باشد به او اعتماد کن که او دوست (واقعی) است .

- برادر راستین تو کسی است که خود راسپر تو گرداند و تو را بر مال و فرزند و زن خویش ترجیح دهد.

- دوست تو کسی است که (از بدیها) بازت دارد و دشمنت کسی است که (به کارهای بد) وادارت سازد.

پیش از آزمودن افراد نباید به آنها اعتماد کرد.

- امام صادق (ع) : هرگاه زمانه , زمانه بیداد باشد و مردمش اهل خیانت و پیمان شکنی , اعتماد کردن به هرکسی (از) ناتوانی است .

- امام علی (ع) : اعتماد کردن به هر کسی پیش از آزمودن , ناتوانی است .

- پیش از آزمودن دوست , به او اعتماد مکن .

- امام باقر(ع) : از دشمنت دوری کن و از دوستت برحذر باش , مگر آن دوستی که امین و خداترس باشد.

- امام علی (ع) : هر چه محبت داری نثار دوستت بکن , اما هر چه اطمینان داری به پای او مریز.

- همه محبتت را نثار دوستت کن اما همه اطمینانت را به پای او مریز , هر گونه همدردی و کمک مالی به او بکن لیکن همه اسرار را با او در میان

مگذار.

- هرگز در دوستی با کسی که او را نشناخته باشی , رغبت مکن .

راه آزمودن دوست .

- امام صادق (ع) : دوست با سه چیز آزموده می شود , اگر در آنها همراهی کرد دوست یکرنگ است و گرنه دوست دوران خوشی است نه دوست

دوران سختی : از او مالی بخواهی یا او را بر مالی امین کنی یا در گرفتاری او را شریک خودگردانی .

- امام علی (ع) : در هنگام از دست رفتن قدرت است که دوست از دشمن , شناخته می شود.

- در سختیهاست که دوست , آزموده می شود.

- لقمان (ع) : برادرت را شناسی , مگر زمانی که به او نیاز پیدا کنی .

- سلیمان (ع) : درباره کسی قضاوت نکنید , تا آن گاه که ببینید با چه کسی دوستی می کند , زیرا آدمی به همگان و همدانش شناخته می گردد و به

یاران و دوستانش نسبت داده می شود.

- امام صادق (ع) : هریک از برادرانت که سه بار بر تو خشم گرفت و از تو بدی نگفت او را برای خودت نگه دار.
- هرگاه خواستی از صداقت برادرت به خود آگاه شوی او را خشمگین کن , اگر بر دوستیش با تو پایداری ورزید , او برادر توست و گرنه نیست .

- امام علی (ع) : مردم جز با آزمایش شناخته نمی شوند , پس زن و فرزند خود را در غیابت آزمایش کن و دوستت را در گرفتاریت و خویشاوندت را در تنگدستی و کسانی را که دم از مهر و محبت می زنند در هنگام بیکاریت , تا بدین وسیله به موقعیت خود نزد آنان پیبری .

بهترین یاران .

- از رسول خدا(ص) درباره بهترین یاران سؤال شد , فرمود : کسی که هرگاه خدا را یاد کردی تو را کمک کند و هرگاه خدا را فراموش کردی , یادآوریت نماید.

- امام علی (ع) : کسی که در راه طاعت خدا یاری کند , بهترین یاران است .
- پیامبر خدا(ص) : بهترین یاران کسی است که ناسازگاریش اندک باشد و سازگاریش بسیار .
- هرگاه خداوند خوبی بنده ای را بخواهد , دستیار شایسته و نیکی برایش قرار می دهد که اگر فراموش کرد به او یادآوری کند و اگر یاد(او) کرد وی را یاری رساند.

حق همنشین .

- امام سجاده(ع) : حق همنشین این است که با او به فضل و انصاف رفتار کنی و به اندازه ای که احترامت می کند , احترامش کنی اجازه ندهی در هیچ بخششی پیشدستی کند و اگر پیشدستی کرد جبران کنی , همانقدر که دوستت دارد دوستش بداری , اگر تصمیم به گناهی گرفت او را از آن باز داری , برای او مایه رحمت و مهر باش و باعث عذاب او نباش .
- حق کسی که با تو آمیزش دارد این است که او را نفریبی , با او یکرنگ باشی , او را گول نزنی و درباره او از خدای تبارک و تعالی بترسی .

- مفضل در برگشت (از سفر) خدمت امام صادق (ع) رسید , حضرت فرمود : چه کسی همسفرت بود؟

عرض کردم : مردی از برادرانم حضرت پرسید : پس او چه شد؟

عرض کردم : از وقتی وارد مدینه شده ام نمی دانم کجاست حضرت فرمود : مگر نمی دانی که هر کس با مؤمنی چهل گام همسفر شود , خداوند

در روز قیامت راجع به او از وی می پرسد.

- امام علی (ع) : از هیچ دوستی مبر , هرچند ناسپاس باشد.

دوستان چند طبقه اند.

- امام صادق (ع) : کسانی را که دوست خود می شماری , اگر امتحان‌شان کنی می بینی که چند طبقه اند : بعضی از آنان مانند شیر پرخور و درنده خویند , برخی مانند گرگ زیانبارند , برخی مانند سگ دم می جنبانند (و چاپلوسند) , برخی مانند روباه حيله گرو دزدند , شکل‌هایشان مختلف است , اما کار و پیشه شان یکی است فردای قیامت که یکه و تنها مانی و تو را نه زنی باشدو نه فرزندی , جز خدای پروردگار جهانیان , چه می کنی ؟

دوستان انسان .

- امام علی (ع) : انسان مسلمان را سه دوست باشد : یک دوست به او می گوید : من با تو هستم , زنده باشی یا مرده , این دوست همان عمل اوست , دوست دیگر به او می گوید : من تا زمانی که زنده هستی باتو هستم آن همان مال و ثروت اوست که پس از مرگش به وارثان می رسد , و دوست سوم به او می گوید : من تالاب گور با تو هستم سپس از تو جدا می شوم او همان فرزند اوست .

پاورقی ها

- ۱- مرقال لقب هاشم بن عتبۀ بن ابی وقاص است - م .
- ۲- کسانی که در جبهه حق علیه باطل و در راه شرف و آزادی و دین می جنگند و جان سالم به در می برند , خداوند بر تعدادشان می افزاید و نسلشان راز یاد می کند - م .
- ۳- در لسان العرب عبارت المتسرى على القاعد که این عبارت ترجمه آن است , چنین توضیح می دهد : هر گاه سپاه اسلام برای جنگ با دشمن بیرون روند و رهبر جامعه اسلامی یا فرمانده سپاه , گردان یاسریه ای را به سرزمین دشمن گسیل دارد , غنیمتی که به دست می آورند متعلق به همه سپاه است , چون بقیه لشکر نیز که پشت جبهه بوده اند در واقع یار و پشتیبان کسانی هستند که در صحنه جنگ حضور یافته اند عبارت ((یرد ادناهم علی اقصاهم)) نیز تقریباً به همین معناست - م .

- ۴- تدبیر در لغت به معنای نگرستن و اندیشیدن در عاقبت کار است ، عاقبت اندیشی ، فرجام نگری ، چاره گری - م .
- ۵- مردم دو گونه اند : جوانی که از هوسرانی و جهل جوانی به دور است و بر نیکوکاری و دوری کردن از شرارت و بدی تربیت شده است
- درباره چنین جوانی است که رسول خدا فرموده است : ((پرودگارت از جوانی که از هوسرانی و جهل جوانی به دور است خوشش می آید)) ،
المحجۀ البیضا، ۷/۹۰.
- ۶- نطاف : جمع نطفه به معنای آب رودخانه است - م .
- ۷- اربعا : جمع ربیع به معنای رود کوچک یا جوی است - م .
- ۸- در نهج البلاغه ، حکمت ۳۷۱ به این صورت آمده است : بدی فراهم آورنده عیبهای زشت است .
- ۹- لقبی است برای قبیله قریش - م .
- ۱۰- همین معنا در دو بیت زیر به قالب شعر در آمده است بعضی آن را از امیر المؤمنین (ع) دانسته اند :
گیرم که خداوند پیامبران خود را نمی فرستاد .
و آتش سوزان دوزخ هم در کار نبود .
آیا سزاوار نبود که .
بندگان از منعم شرم کنند .
- ۱۱- یعنی اگر کسی را دعوت کنند که بیا شاهد باش ، ما می خواهیم فلان معامله را انجام دهیم ، آن شخص نباید خودداری کند و از شاهد شدن سرباززند - م .
- ۱۲- یعنی راز نگهدار نیست بلکه هر رازی را که در دلش باشد فاش می سازد - م .
- ۱۳- در تحف العقول عبارت ((تکذیبک الرجل عن الخیر = مردی را در دعوی نیکوکاری تکذیب کردن)) آمده است - م .
- ۱۴- در لسان العرب ذیل همین حدیث درباره معنای بر می نویسد : علما در معنای بر اختلاف کرده اند بعضی آن را به معنای صلاح دانسته اند
- و بعضی به معنای خیر اما این کلمه همه این معانی را در بردارد بر به معنای صدق و طاعت و تقوی و خیر دنیا و آخرت نیز آمده است - م .
- ۱۵- هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد — بیگمان عیب تو پیش دگران خواهد برد .
(سعدی).

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

